

سال گنجگوی تمدنها ۲۰۰۱

شابک: ۴ - ۰۵۹ - ۳۶۱ - ۹۶۴

# اسناد و ارتباط ایران و روسیه از دوره ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه

۱۳۴۴ - ۱۲۶۷ قمری / ۱۹۲۵ - ۱۸۵۱ میلادی



به کوشش: فاطمه قاضیما

اسناد و ارتباط ایران و روسیه از دوره ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه  
به کوشش: فاطمه قاضیما



مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه  
دفتر مرکزی و فروشگاه شماره ۲: صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۴۷۲۶  
بها: ۲۲۰۰۰ ریال

سنة والده ارسله كاشي لى ببروسيه : انا ١٢٨٤ .  
سنة ١٢٣

آل كاشي  
كنت فوق شولم بورد و وزیر محاربا كزراي : ع ٣٧

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آل كاشي : ١٤٤٠، ١٤٤٥، ١٤٤٥، ١٤٤٥، ١٤٤٥، ١٤٤٥.

ازبک / اوریس : ١٠ - ١٤٠ - ٢٠ - ٢١ - ٢٤

تبرستان  
www.tabarestan.info

(مجموعه ایران و قدرتهای بزرگ - روسیه / ۳)

**اسناد روابط ایران و روسیه**  
**از دوره ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه**

۱۳۴۴-۱۲۶۷ قمری / ۱۹۲۵-۱۸۵۱ میلادی

به کوشش: فاطمه قاضیها

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی

تهران-۱۳۸۰

تهران  
www.tabarestan.info

فهرستتویسی پیش از انتشار

قاضیها، فاطمه، ۱۳۳۵ -

اسناد روابط ایران و روسیه از دوره ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه ۱۳۴۴-۱۳۶۷ قمری / ۱۹۲۵-۱۸۵۱ میلادی / به کوشش فاطمه قاضیها [برای] مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی [وزارت امور خارجه] - تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰.

۵۰۰ ص: جدول، نمونه. - (مجموعه ایران و قدرتهای بزرگ - روسیه / ۳ مباحث اسناد) ۸۳ بها: ۲۲۰۰۰ ریال ISBN 964 - 361 - 059 - 4:

فهرستتویسی بر اساس اطلاعات فیبا (فهرستتویسی پیش از انتشار)

۱. ایران - تاریخ - قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ ق. - اسناد و مدارک. ۲. ایران - روابط خارجی - روسیه - قرن ۱۳ ق. - اسناد و مدارک. ۳. روسیه - روابط خارجی - ایران - قرن ۱۹. اسناد و مدارک. الف. ایران. وزارت امور خارجه. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی. ب. ایران. وزارت امور خارجه. مرکز چاپ و انتشارات. ج. عنوان.

۹۵۵/۰۷۴۰۷۷۷

DSR ۱۳۲۴ / ۸ ر ۲

کتابخانه ملی ایران

م ۸۰ - ۱۷۶۳۰

اسناد روابط ایران و روسیه از دوره ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه

۱۳۴۴-۱۳۶۷ قمری / ۱۹۲۵-۱۸۵۱ میلادی

به کوشش: فاطمه قاضیها

چاپ اول: ۱۳۸۰

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

طراحی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

دفتر مرکزی و فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان شهید باهنر، خیابان شهید آقایی

سندوق پستی ۱۹۳۹۵/۲۷۲۶، تلفن: ۵۹-۲۶۵۸-۲۸، فاکس: ۲۸۰۲۶۶۲

فروشگاه شماره ۳: تهران، انتهای خیابان شهید باهنر، میدان شهید باهنر، تلفن: ۲۲۹۲۲۷۰-۷۱

فهرست مندرجات

دیباچه .....	شش
پیشگفتار .....	هفت
مقدمه .....	نه

بخش اول: اسناد روابط ایران و روسیه در دوره ناصرالدین شاه .....	۱
تفکیک موضوعی اسناد .....	۳
فهرست موضوعی اسناد .....	۵
متون اسناد .....	۱۷

بخش دوم: اسناد روابط ایران و روسیه از سلطنت مظفرالدین شاه تا سقوط قاجاریه .....	۲۸۹
تفکیک موضوعی اسناد .....	۲۹۱
فهرست موضوعی اسناد .....	۲۹۳
متون اسناد .....	۲۹۷
پیوست .....	۳۷۷

• • •

واژه‌نامه .....	۳۹۳
فهرست عمومی اعلام .....	۴۲۵
تصاویر گزیده اسناد .....	۴۴۷

تبرستان  
www.tabarestan.info

## پیشگفتار

بدون تردید ضرورت بازنگری و مطالعه عملکردهای پیشینان به منظور کسب تجربه یکی از ویژگی‌های فعالیت هوشمندانه در عرصه سیاست خارجی است. امروزه یک کارگزار سیاست خارجی باید بتواند در برابر مسائل و بحرانهای حوزه کاری خود تصویری دقیق و سنجیده از موضوعات داشته باشد تا در هنگام مواجهه با شرایط ویژه از قدرت، تصمیم‌گیری و انجام واکنش لازم در حداقل ممکن بهره‌جوید. این مهم مقدور نمی‌گردد مگر زمانی که از قدرت تصمیم‌گیری و انجام واکنش لازم در حداقل زمان ممکن بهره‌جوید. این مهم مقدور نمی‌گردد مگر زمانی که بر سوابق تحولات و عملکردهای گذشته اشراف حاصل آید و بتوان در مواجهه با هر مسأله‌ای تمام احتمالات ممکن را بازآفرینی کرد.

گنجینه ارزشمند و پر اهمیت اسناد وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران که در برگیرنده مهمترین اسناد و مدارک سیاسی چند قرن گذشته است می‌تواند به این نیاز طبیعی کارگزاران سیاست خارجی پاسخ دهد. اهمیت این اسناد و لزوم بهره‌گیری از آن امری است که وزارت امور خارجه را واداشته تا ضمن انتشار فهرستی جامع از آنچه که در این محل نگهداری می‌شود مبادرت ورزد. امری که طی سالیان گذشته با همکاری این مرکز در حال انجام است.

**دیباچه**

مجموعه ایران و قدرتهای بزرگ عنوان عمومی مجموعه‌ای است که به روابط خارجی ایران و قدرتهای مُعظّم و مؤثر در تاریخ معاصر ایران می‌پردازد. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی با درک ضرورت انجام پژوهشها و تحقیقات در حوزه تاریخ معاصر ایران می‌کوشد ضمن تنوع در ارائه مستندات تاریخی زمینه‌ای را فراهم سازد که پژوهشگران معاصر بتوانند با توجه به ادبیات خاص آن به ارزیابی تحولات تاریخی‌ای که طی دو قرن اخیر روی نموده پرداخته، و بدین ترتیب به افزایش سطح دانش و تجربه ملی در مقابله با رخدادهای بین‌المللی بیافزایند.

مجموعه حاضر خاص مستندات مناسبات تاریخی ایران و روسیه در فاصله ۱۲۶۷ - ۱۳۴۴ق / ۱۸۵۱ - ۱۹۲۵م یا دوره نخست حکومت قاجاران می‌باشد، و امید است بتواند به روشن شدن فضای مناسبات سیاسی دو کشور طی آن عصر بیانجامد.

سید علی موجانی

دبیر مجموعه

## مقدمه

سیاست خارجی ایران در دوره قاجار متأثر از رقابتهای دو کشور نیرومند آن زمان، یعنی روسیه و انگلستان و اتخاذ تدابیر پادشاهان و دولتمردانی بود که ضعف و ناتوانی آنها در مقابل این دو قدرت بزرگ غیرقابل انکار است. در دوره پنجاه ساله سلطنت ناصرالدین شاه با شدت گرفتن رقابتهای دول مزبور، مملکت بیش از پیش دستخوش مطامع توسعه طلبانه و چپاولگرانه آنها قرار گرفت.

آثار و کتب به جای مانده نیز به خوبی نمایانگر این نکته است که تجاوز بیگانگان به ایران در دوره مذکور به همدستی استبداد داخلی، چگونه ملوک و ملت را از همه سو به ناتوانی کشاند و غارت کرد. بدیهی است که شرح و بیان این وقایع در کتب مورخان آمده است و هیچ گاه از دید افراد جامعه پنهان نمانده است. در این میان این جانب نیز خرسندم که به این افتخار نایل گشته‌ام تا بتوانم اسناد روابط ایران و روسیه را از سلطنت ناصرالدین شاه تا سقوط قاجاریه تدوین نموده و به هموطنان و محققین گرامی تقدیم نمایم تا با گفته‌ها و ناگفته‌ها و مسائل سیاسی آن روزها بی‌پرده و مستقیم آشنا شده و از واقعیتها (اسناد) بهره گیرند، زیرا بر هر پژوهنده مجربی این مسئله آشکار است که تحقیق تاریخی بر اسناد متکی است و تحت نظارت آن قرار دارد.

در باره ناصرالدین شاه نگارنده پیش از این موفق شده‌ام، خاطرات سه سفر فرنگستان وی را در ۵ مجلد تصحیح نموده و به دستداران سفرنامه‌ها تقدیم نمایم، اما به دلیل این که ناصرالدین شاه در سفرنامه‌های منتشر شده، هیچ اشاره‌ای به مسائل سیاسی نکرده است، بارها از سوی علاقمندان مورد سؤال قرار گرفته‌ام. اینک خوشوقتم که گوشه‌ای از

مسائل سیاسی دوره ناصرالدین شاه را که حاکی از تدابیر و برنامه‌های سیاسی وی می‌باشد آماده انتشار نموده و به صورت مجموعه حاضر در اختیار مطالعه کنندگان گرامی قرار دهم.

این مجموعه شامل ۱۷۷ سند است که بخش عمده آن، یعنی ۱۲۴ فقره مربوط به دوره ناصرالدین شاه می‌باشد که تحت عنوان «بخش اول» تدوین گردیده است. بخش دوم حاوی ۵۳ سند مربوط به دوره مظفرالدین شاه تا سقوط قاجاریه است که سی و یک سال را در برمی‌گیرد. مطالب هر بخش ابتدا با تفکیک موضوعی اسناد که ذیل موضوع و با شماره سند مشخص گردیده است شروع می‌شود، سپس فهرست موضوعی اسناد ارائه می‌گردد که حاوی چکیده و خلاصه موضوع هر سند به اضافه شماره سند و صفحه در مجموعه حاضر و همچنین شماره سند در آرشیو وزارت امور خارجه است. بعد از فهرست، بخش اصلی که متون اسناد است از نظر مطالعه کنندگان گرامی خواهد گذشت. درباره متن اسناد در مواردی که ضرورت ایجاب می‌نمود که راجع به کلمه یا محل یا فرد توضیح داده شود، در پانویس و ذیل صفحه به این امر مبادرت گردید. کلاً اسناد به ترتیب تقدم تاریخی قرار گرفته‌اند و حتی الامکان سعی شده است که تصحیح و ویرایش سجاوندی آن به شیوه رسم الخط امروزی و با تکیه بر حفظ اصالت اسناد انجام شود. در مواردی که اجباراً املائی لغت به طور کامل عوض شده است، یا به دلیل غلط بودن آن کلمه بوده و یا به دلیل غرابت آن با نثر امروزی که در هر دو مورد، اصل آن در پانویس و فقط برای یک بار درج شده است. جهت روشن کردن مطلب سند، در مواردی نیز به جای «و»‌های مکرر نقطه و ویرگول گذاشته شد. در موارد معدودی که لغت خواننده نشده، یا به دلیل خدشه‌دار بودن اصل سند و یا ابهام در نوشتار بوده است که در پانویس و ذیل آن توضیح داده شده است.

بعد از بخش اول و دوم به ترتیب فوق، متن کامل و مشخصات عهدنامه مودت ایران و

شوروی تحت عنوان «پیوست» به مجموعه الحاق گردید.

«واژه‌نامه» بعد از پیوست ارائه شده است. این واژه‌نامه به جهت ممانعت از تکرار معنی واژه‌ها و لغاتی که در اسناد به طور مکرر تکرار شده است و برای دستیابی سهل‌تر به معنی یک لغت به صورت الفبایی تدوین گردید، در این مورد نهایت سعی به عمل آمد که استفاده کنندگان از اسناد روابط ایران و روسیه را از مراجعه مکرر به کتب لغت و منابع و مراجع شفاهی بی‌نیاز سازد. پس از واژه‌نامه، فهرست عمومی اعلام به چاپ رسیده است. برای آگاهی محققین گرامی از رسم الخط و نحوه املائی کلمات متن اسناد، گزیده تصاویر اسناد نیز در انتهای کتاب کلیشه شد.

به هر حال همان طور که قید گردید چون بخش عمده اسناد این مجموعه مربوط به دوره پنجاه ساله سلطنت ناصرالدین شاه می‌باشد به بررسی اسناد آن پرداخته می‌شود، لذا اسناد بخش دوم «از مظفرالدین شاه تا سقوط قاجاریه» هم به دلیل محدودیت اسناد و هم به دلیل وقایع بسیار مهمی که در آن سی و یک سال روی داده که شرح و یا حتی اشاره به آنها در این مقوله تحت عنوان «مقدمه» نخواهد گنجید، فقط به ارائه اسناد آن و استفاده محققین گرامی از آنها بسنده می‌شود.

اولین سند مجموعه حاضر مربوط به سال ۱۲۶۷ ه. ق. (۱۸۱۵ م.) یعنی زمان امپراتوری «نیکلای اول» نیکلا پاولوویچ (۱۲۴۱ - ۱۲۷۱ ه. ق.) (۱۸۲۵ - ۱۸۵۵ م) در روسیه و سومین سال سلطنت ناصرالدین شاه است.

ناصرالدین شاه در ۶ صفر ۱۲۴۸ در قریه کهنام واقع در آذربایجان متولد شد و در ۲۳ ذی‌قعدة ۱۲۶۴ زمانی که بیش از ۱۷ سال نداشت تاجگذاری کرد و میرزاتقی‌خان امیرنظام را به صدارت منصوب نمود. امیرکبیر نیز با کفایت و درایت و با اتخاذ سیاستهای استقلال‌طلبانه و تدابیر لازم جهت پیشرفت کشور گامهای مؤثری برداشت و البته ایستادگی او در برابر بیگانگان به اضافه سیاست ضدفساد او موجبات عزل و قتل

وی را فراهم آورد.

یکی از ایستادگیها و مقاومت‌های امیر موضوع جزیرهٔ عاشوراده بود. روسها در سال ۱۲۵۲ و بعد در سال ۱۲۵۸ قمری به بهانهٔ جلوگیری از دزدیهای تراکمه در دریای خزر، در آنجا مستقر شدند. دولت ایران نیز چندین بار از روسها خواست آنجا را تخلیه کنند. اما روسها به تقاضای دولت ایران وقعی ننهادند تا این که در سال ۱۲۶۷ عده‌ای از تراکمه در شب عید روسها که همه، حتی قراولان آنها نیز مست بودند به آن جزیره حمله بردند، عده‌ای از روسها را کشته و جمعی را به اسارت گرفتند و با آنچه به دستشان رسیده بود شبانه فرار کردند. بعد از این واقعه روسها برای عزل حاکم مازندران «مهدی قلی میرزا» که برادر شاه بود، دست به کار شدند و بر آن اصرار ورزیدند. میرزاتقی خان امیرنظام مدتها ایستادگی نمود.<sup>۱۰</sup> تا این که دالگورکی وزیر مختار روس به امیر نامهٔ مفصلی نوشت و ضمن شرح ماجرا و تشریح شراکت حاکم مازندران با ترکمانها در حمله به کشتیهای روسی، اشاره به حق فی‌مابین ملل نموده و تأثیر امپراتور روسیه را ابراز داشت و اذعان نمود که: «اعلیحضرت امپراتور خوش دارند باور نمایند که نواب مهدی قلی میرزا که این نوع سلوک را مرعی داشته است، فقط به الهام عدم حقانیت شخصی خود متابعت نموده است، نه از روی دستورالعمل اولیای دولت ایران، اما بعد از اعمالی که او مقصر آمده است، باقی ماندن او بر سر حکومتی [حکومت مازندران] که در آن به این طور قبیح به وظایف خود خیانت کرده است به هیچ وجه مناسبت ندارد.»<sup>۱۱</sup> به هر روی در ادامه، وزیر مختار عزل بلادرنگ حاکم مازندران را خواستار شد. امیر نامهٔ وزیر مختار را به

۱۰ ر.ک. محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی (تهران: اقبال، چاپ هفتم، ۱۳۷۸) ص ۵۹۹.  
۱۱ سند شمارهٔ ۱ ص ۱۸.

اطلاع شاه رساند و شاه به وضوح بر این نکته تأکید ورزید که این عمل مهدی قلی میرزا بدون اذن شاه بوده است و با ادای توجیهاتی حاضر به عزل حاکم مازندران نشد. (حتماً با مشاورهٔ امیرنظام) و اظهار داشت:

«از برداشتن مهدی قلی میرزا فتور و تصور در ارکان مازندران به هم خواهد رسید»<sup>۱۲</sup> پس از آن غراف نسلرود وزیراعظم روسیه نامهٔ جداگانه‌ای برای امیر نوشت و اذعان داشت که این رفتارها ممکن است در روابط دو کشور «نتیجهٔ نامرضیه بخشد» و از این طریق ناخشنودی امپراتور را توأم با تهدید به امیرکیبر گوشزد نمود.<sup>۱۳</sup> علیرغم این تهدیدها چنین به نظر می‌رسد که امیرنظام مدتها ایستادگی نمود، ولی بالاخره برای این که روابط را با روسها تیره نکند، ناچار شد به عزل حکمران مازندران رضایت دهد.<sup>۱۴</sup> با این که امیرنظام دشمن خطرناک سیاست دولت روسیه در ایران بود، اما وزیر مختار روس امیرنظام را یک مرد حقیقت دوست، عادل و با منطق و دلیل شناخته بود و از این که می‌دید چنین مردی معزول شده و جای او را شخصی مثل میرزا آقاخان نوری که تحت حمایت دولت انگلیس بود، اشغال کرده است، اظهار تأسف می‌نمود.<sup>۱۵</sup>

میرزاتقی خان امیرنظام در ۲۵ محرم ۱۲۶۸ معزول و بعد به کاشان تبعید و در هجدهم ماه ربیع‌الاول همان سال در کاشان به قتل رسید. ناصرالدین شاه اعتماد کامل به میرزاتقی خان داشت و هر گاه در این اعتماد باقی می‌ماند امیر می‌توانست اوضاع پریشان ایران را اصلاح کند، ولی چنین نشد و میرزا آقاخان نوری به جای وی به صدارت

۱۲ ر.ک. سند شمارهٔ ۱، ص ۲۰.

۱۳ ر.ک. سند شمارهٔ ۳.

۱۴ ر.ک. محمود محمود، همان، ص ۶۰۰.

۱۵ ر.ک. محمود محمود، همان ص ۶۲۲ و ۶۲۳.



گماشته شد. نام اصلی میرزا آقاخان نوری میرزا نصرالله بود. وی فرزند میرزا اسدالله وزیر جنگ آغامحمدخان قاجار بود و معروف است، محرک قتل آغامحمدخان هم او بوده است. میرزا آقاخان در اواخر سلطنت فتحعلی شاه وزیر لشکر بود و در زمان محمدشاه هم در دربار بود و همراه محمدشاه به اردوی هرات رفت، وی در سال ۱۲۶۱ به قولی، به جرم جاسوسی برای انگلیس به دستور حاجی میرزا آقاسی به فلک بسته شد و به کاشان تبعید گردید، اما بعد از مرگ محمدشاه به تهران آمد، و علیرغم مهربانی امیر با وی موجبات قتل امیرکبیر را فراهم آورد. و بعد با ترک تابعیت انگلیس صدراعظم ایران شد. وی مرتکب چنان خیانت‌هایی شد که دولت انگلیس برای رها کردن او از کیفر ضمن عهدنامه پاریس (انتزاع هرات از ایران) فصل خاصی را گنجانده. میرزا آقاخان هفت سال صدارت کرد (از محرم ۱۲۶۸) و پس از برکناری در سال ۱۲۷۵، به مدت ۶ سال و ده ماه در عزلت به سر برد، در این ایام گاه در سلطان آباد «عراق» بود، گاه یزد و گاه اصفهان، تا در قم درگذشت. سی و سه سند از اسناد مجموعه حاضر مربوط به صدارت این شخص و طبیعتاً سیاست‌های اتخاذ شده از سوی او در ارتباط با کشور روسیه می‌باشد.

در اسناد مزبور تهدید و تحکم وزیر مختار روس به میرزا آقاخان صدراعظم به خوبی هویدا و روشن است. هنگامی که کارگزاران انزلی از ورود کشتی‌های جنگی روسها به

مرداب انزلی ممانعت می‌نمایند، وزیر مختار روسیه با لحنی خشونت‌بار میرزا آقاخان را تهدید می‌کند و اذعان می‌دارد که این کشتیها علیرغم آتشی بودن تجارتمی است و اولیای ایران از فصول عهدنامه آگاهند و باید کسانی را که به خود جرأت این گونه اقدامات خصومت‌انگیز را می‌دهند مطلع سازند، زیرا دولت روسیه تحمل نخواهد کرد.<sup>۴</sup> میرزا آقاخان پاسخ می‌دهد که کشتی جنگی مطابق عهدنامه فقط در بحر خزر می‌تواند سیر کند، ولی حالا که می‌گویند کشتی تجاری است قبول می‌کنیم و تلویحاً از آنها می‌خواهد که بدون سر و صدا عبور و مرور نمایند تا «باعث شهرت‌های ممرات افزا نشود».<sup>۵</sup>

از وقایع دیگری که در زمان میرزا آقاخان روی داد جنگ کریمه<sup>۶</sup> و تأثیر آن در اوضاع سیاسی ایران بود.

در زمانی که این جنگ خونین و وحشتناک که یکی از جنگ‌های مهیب قرن نوزدهم به شمار می‌رود بین روسیه از یک طرف و عثمانی و انگلیس و فرانسه از طرف دیگر جریان داشت، نماینده مخصوصی از طرف امپراتور روسیه برای انجام یک مأموریت سیاسی و سرّی به دربار ناصرالدین شاه آمد. در جلسه‌ای که با حضور شاه و نماینده امپراتور برپا شده بود، پیشنهادهای امپراتور روس مطرح شد، این پیشنهادات خیلی ساده و بی‌تکلف و مبنی بر این بود که دولت ایران به دشمنان روسیه آذوقه و آلات جنگی ندهد و مانع

۴. ر.ک. سند ۴.

۵. ر.ک. سند شماره ۵.

۶. جنگی که بین روسیه از یک سو و عثمانی و انگلیس و فرانسه و پیه‌مون در گرفت (۱۸۵۴-۵۶). در این جنگ قوای نظامی روس که نیکلای اول سی سال تمام در ایجاد آن کوشیده بود در مدت بیست و یکماه درهم شکست و امپراطور روس از غم و اندوه این پیش‌آمد درگذشت. ر.ک. محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، ج ۲، ص ۸۲۱.

۷. ر.ک. غلامرضا فرزانه‌پور، مکاتبات ناصرالدین شاه با میرزا آقاخان نوری صدراعظم، پغما، سال چهاردهم، شماره پنجم ص ص ۲۰۸ و ۲۰۹.

۸. غلامرضا فرزانه‌پور، همان ص ۲۰۹.

۹. محمود فرهاد معتمد. تاریخ روابط سیاسی تهران، هشتمی، ج ۲، سپهسالار اعظم، تهران [ابن‌سینا] ص

عبور آنها از خاک ایران و یا آبهای ایران شود و هر گاه دولت ایران این مقررات را رعایت کند دولت روسیه باقی کرور غرامت جنگ (معاهده ترکمانچای) که مبلغ ۳۳۰ هزار تومان آن هنوز باقی بود از دولت ایران مطالبه نخواهد کرد.<sup>۶۶</sup> ناصرالدین شاه با این پیشنهاد موافقت نموده و در نتیجه عهدنامه‌ای منعقد گردید که به عهدنامه سزای معروف شد. ولی پس از چندی، شاید به اصرار میرزا آقاخان و یا تهدید وزیر مختار عثمانی و یا دلایل دیگر، از این تصمیم منصرف شد. به همین جهت مصلحت‌گزار ایران مقیم پترزبورگ را نزد اولیای روسیه روانه نمود و درخواست فسخ فصل سوم عهدنامه را کرده ولی روسها در جواب محال بودن تغییر در مواد عهدنامه را اظهار داشتند.<sup>۶۷</sup>

به هر روی در سال ۱۲۷۱<sup>۶۸</sup> در صدارت میرزا آقاخان نوری میرزا حسین خان که در آن زمان نه ملقب به مشیرالدوله بود و نه سپهسالار اعظم با منصب جنرال کنسولی عازم تغلیس می‌گردد.

میرزا حسین خان از این سال تا زمان عزل میرزا آقاخان نوری در تغلیس به منصب ژنرال کنسولی یا کاربرد اول اشتغال داشته است. این تا حدی عجیب به نظر می‌رسد که کنسول یک شهر ارتباط مستقیم با صدراعظم داشته باشد. اسناد نمایانگر این نکته‌اند که میرزا آقاخان مستقیماً با وی مکاتبه داشته و او را در جریان کلیه امور سیاسی و یا اموری

۶۶. ر.ک. محمود محمود، همان، ج ۲، ص ۶۶۱ - ۶۶۷.

۶۷. ر.ک. سند شماره ۲۲ و ۲۷.

۶۸. این سال نیز مصادف است با مرگ نیکلای اول امپراطور روسیه و روی کار آمدن پسرش الکساندر، وی معاهده صلح با فرانسه را امضا کرد، بردگی را ملغی نمود و با عثمانی به جنگ پرداخت (۱۸۷۶ - ۱۸۷۷) و بر اثر آن معاهده برلین منعقد گردید وی بدست نپلیست‌ها کشته شد... پس از او الکساندر سوم، پسر الکساندر دوم تزار روسیه شد، وی متحد و دوست فرانسه بود و احداث راه‌آهن سیبری در زمان او شروع شد.

که لازم بود قرار می‌داده است<sup>۶۹</sup> و او نیز اطلاعاتی را که در روسیه و قفقاز به دست می‌آورد با شرح و تفصیل برای میرزا آقاخان صدراعظم ارسال می‌نمود. در نامه‌هایی که صدراعظم برای میرزا حسین خان در تغلیس ارسال می‌نمود، حتی نحوه برخورد با خان‌چیان و شرایط بخصوص آن را برای وی توضیح می‌داد، متون اسناد چنین گواهی می‌دهند که از قبل برای رسیدن او به مناصب عالی برنامه‌ریزی شده بود. صدراعظم حتی طرز مماشات با سیاسیون روسیه را به او گوشزد نموده و رهنمودهایی به وی ارائه داده و تجربیات خود را مانند پدری به وی می‌آموزد. مثلاً زمانی که میرزا حسین خان تفصیل ملاقات خود با وزیر خارجه و معاون وی و التفاتهایی که به او نموده‌اند را به صدر اعظم اطلاع می‌دهد، میرزا آقاخان پاسخ می‌دهد که شرح ماجرا را خواندم و «طرز سلوک و حرکات آن نور چشم را پسندیدم» و به او تفهیم می‌نماید که با کمال دوستی مقصود خود را به عمل بیاورد، زیرا روسها فهمیده‌اند که ایرانیان به تعارفات ظاهری دلخوش می‌شوند و میرزا حسین خان نباید مهربانیهای آنها را به حساب خصوصیت قلبی آنها نسبت به خود بگذارد و آنها این اظهار محبتها را جهت استحکام امور خودشان می‌نمایند و الی آخر<sup>۷۰</sup>. در سیزده نامه گردآمده این مجموعه که صدراعظم (میرزا آقاخان نوری) به میرزا حسین خان نوشته است همه راجع به طرز سلوک و ارائه طریق به وی و یا تعریف و تمجید از کاردانی و تیزهوشی او است.

در زمان این صدراعظم سلطان مراد میرزا حسام‌السلطنه در سال ۱۲۷۳ قمری هرات را که سالها مورد تنازع افغان و ایران بود فتح کرد. پیروزی ایران برای انگلیس گران آمد و به جزایر جنوب یورش برد، صدراعظم تفصیل ماجرا را به میرزا حسین خان نوشت و

۶۹. ر.ک. اسناد شماره‌های ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۴.

۷۰. ر.ک. سند شماره ۲۴.

خبر تجاوز قشون انگلیس به خاک ایران در جنوب و تصرف بندر بوشهر را به او داد و از وی خواست مراتب گرفتاری ایران را برای اولیای روسیه مطرح نموده، همکاری و دوستی آنها را جهت رتق و فتق امور و خاتمه این غائله جلب نماید.<sup>۱۷</sup> از طرف دیگر صدراعظم، فرخ‌خان امین‌الدوله را برای مذاکره با انگلیس به پاریس اعزام داشت که این اقدام منجر به انعقاد عهدنامه پاریس گردید. برطبق این عهدنامه هرات برای همیشه از ایران منتزع گردید. چنین به نظر می‌رسد که روسها از عقد معاهده پاریس ملول و مکدر شدند، زیرا فرخ‌خان امین‌الدوله در نامه‌ای که به توجیه انعقاد قرارداد مزبور و کدورت روسها در این رابطه پرداخته، نوشته است «به قول حکیم سنائی:

با دو قبله در ره توحید نتوان رفت راست یا رضای دوست باید، یا هوای خویشتن» در دنباله نامه‌ای اذعان می‌نماید که من بعد از این که فهمیدم از جانب دولت روس هیچ گونه همراهی حاصل نخواهد شد قرارداد را منعقد کردم و تأکید می‌کنم، که شرایط طوری بود که صلحی بهتر از این ممکن نبود که عاید گردد و من وظایف دینی و دولتی خود را انجام داده‌ام و غیره<sup>۱۸</sup>.

به هر ترتیب تاریخ آخرین نامه‌ای که میرزا آقاخان نوری به میرزا حسین‌خان نوشته در ۲۸ ذیحجه ۱۲۷۴ و راجع به ورود مسیو اینچکوف وزیر مختار جدید دولت روسیه و تشریفات مربوط به آن است،<sup>۱۹</sup> بیست و سه روز بعد یعنی در روز ۲۱ محرم ۱۲۷۵ میرزا اسمعیل انصاری وزیر خارجه وقت خیر عزل میرزا آقاخان نوری را برای میرزا حسین‌خان نوشت و اظهار داشت «آن برادر مکرم باید کمافی السابق مشغول انجام

۱۷. ر.ک. سند شماره ۱۷.

۱۸. ر.ک. سند شماره ۲۲.

۱۹. ر.ک. سند شماره ۳۳.

خدمات مرجوعه خود بوده، در ارکان چاکری و خدمتگزاری خود فتوری راه ندهد و در تسویه امورات محوله دولتی تقاعد نوزد.<sup>۲۰</sup>

همچنین ناصرالدین شاه برای میرزا آقاخان نوری جهت عزل او دستخطی به شرح ذیل صادر کرد.

جناب صدر اعظم، چون شما جمیع امورات دولتی را به عهده خود گرفتید و احدی را شریک و سهیم خود قرار نمی‌دادید، معلوم شد قوه یک شخص شما از عهده جمیع خدمات ما برنیامد در این بین خطاها و خطاها اتفاق افتاد و کم‌کم امورات دولت معوق ماند و شما البته از دولتخواهی راضی نمی‌شوید که ما در این حالت مجبور باشیم و امورات را غیر منظم ملاحظه فرماییم. لهذا، امروز که بیستم محرم الحرام است شما را از منصب صدارت و... نظام‌الملک وزیر لشکر را از مناصب خود معزول فرمودیم، در خانه خود آسوده باش. در نهایت اطمینان و امنیت از جانب ما. یقیناً بجز التفات در حق شما ابداً کاری نخواهیم کرد، التفاتهای زبانی و اطمینان آنچه لازم بود و مکنون قلب ما به حاجب‌الدوله فرمودیم که به شما بگوید. سنه ۱۲۷۵<sup>۲۱</sup>

بعد از انعقاد معاهده پاریس، دولت ایران برای دو سه سالی راحت بود، زیرا تحریک یا دسیسه‌ای از هیچ جا به عمل نمی‌آمد. فقط گاهی تراکمه آخال و مرو به نواحی خراسان دستبرد می‌زدند. در آن زمان میرزا آقاخان، حسام‌السلطنه را احضار و حشمت‌الدوله را به حکومت ایالت خراسان فرستاده بود.<sup>۲۲</sup> حشمت‌الدوله (در سال ۱۲۷۷) وارد جنگ

۲۰. ر.ک. سند شماره ۳۴.

۲۱. محمدحسن‌خان اعتمادالسلطنه، مرآت‌البلدان، به کوشش دکتر عبدالحمید نوایی و میرهاشم محدث

(تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷)، ج ۲، ص ۱۳۱۲.

۲۲. ر.ک. محمود محمود، همان، ص ۷۱۹.

سختی با تراکمه گردید، البته او خود همراه اردو نرفت و قوام‌الدوله را اعزام نمود که در نتیجه سوء تدبیر قوام‌الدوله سپاه ایران دچار شکست سختی شد و تلفات زیادی به جای گذاشت.

پس از این جنگ دولت ایران دیگر به خیال لشکرکشی نیفتاد و هر وقت ترکمنها در حدود ایران تاخت و تاز می‌کردند، به نوعی از آنها جلوگیری می‌کرد، وقتی هم که روسها خيوه و بخارا را فتح کردند و تا مرو و عشق‌آباد حتی تا پشت سرخس جلو آمدند دولت ایران توانست در این اراضی از دست رفته ادعای حقی کند و فقط به رفع شر ترکمنها که به زودی قدرت تاخت و تاز به حدود ایران را از دست می‌دادند قانع شد.<sup>۹۴</sup>

به نظر می‌رسد که پیوسته کارگزاران ایران در ایالات مرزی مورد انتقاد مأمورین اعزامی روسیه بوده‌اند، چنانچه در سال ۱۲۷۶ ناخدایان روس از عباس میرزا ملک‌آرا شکایت نموده‌اند که آنها را در امر خرید آذوقه یاری نمی‌نماید که توجیه این مسئله به طور کامل از طرف اولیای دولت ایران در جواب وزیر مختار روس ارائه گردیده است،<sup>۹۵</sup> در رابطه با امر مزبور چنین به نظر می‌رسیده که اشکال از طرف آنها و نحوه خرید آذوقه می‌باشد، همین طور در سال ۱۲۷۸ نیز قامازوف وزیر مختار روس از اجحافی که توسط کنسولگری گیلان به تجار پادکویه، جهت دریافت وجه گمرکی می‌شد، شکایت نموده و از وزیر خارجه مصرأ خواستار به کار بردن تدابیر لازم جهت رفع این گونه امور شده است، ناصرالدین شاه نیز در این رابطه حکم می‌کند، که رعایای روس یک بار باید گمرک بدهند، نه بیشتر<sup>۹۶</sup>.

این اجحاف گمرکچیان ایران نسبت به تجار روس در اخذ وجه گمرکی در شهرهای مختلف و شکایت آنها در این رابطه، مسأله‌ای بود که بعد از انعقاد معاهده ترکمان‌چای همیشه وجود داشته و باعث گلایه و تسلیم شکوائیه از طرف روسها می‌گردیده است.

شیرخان<sup>۹۷</sup> سال ۱۲۸۳ ه. ق ناصرالدین شاه جهت بازدید از کشتیهای جنگی روسیه به بندر فتح‌آباد مازندران عزیمت نمود. به نظر می‌رسد، قبل از این سفر از عین‌الملک (شیرخان) که در آن زمان حاکم استرآباد و مازندران بود و در جوانی همسر شکارهای ناصرالدین شاه و همچنین مستوفی‌الممالک نظرخواهی نموده، آنها نظر خود را در نامه‌ای<sup>۹۸</sup> به وی متذکر گردیده اظهار می‌دارند که تفرج و تماشای شاه در صورتی خوب است که برای سلطنت و دولت ضرر نداشته باشد، ولی اگر مضر باشد نباید رفت، یک ساعت تفرج و تماشا می‌گذرد و پشیمانی تا ابد باقی می‌ماند «حاجی میرزا آقاسی یک حرف نفهمیده زد و از نتیجه آن عاشوراده جزو خاک متصرفی روس شده» در قسمت دیگری از نامه اذعان می‌دارند که پادشاه تاجدار در سر سفره پادشاه تاجدار که خود در سر سفره حاضر باشد باید بنشیند، در غیر این صورت جایز نیست و از شأن سلطنت کم خواهد کرد. علیرغم این خیرخواهی و اعلام نظر، از آنجا که تفرج و تماشا برای شاه بیش از مصالح سیاسی کشور اهمیت داشته است، تصمیم به عزیمت می‌گیرد، ولی به نظر می‌رسد که از بابت امنیت حرم که با خود به آنجا می‌برده اطمینان نداشته است، زیرا در نامه‌ای که مستشارالدوله سرکنسول ایران در تغلیس برای میرزا حسین خان نوشت اشاره به این موضوع کرده و اظهار داشت که امپراتور برای ناصرالدین شاه پیام داده است که از

۹۴. ر.ک. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من (تهران، زوار، ج ۱، چاپ ۱۳۷۱، صص ۹۳ - ۹۴).

۹۵. ر.ک. سند شماره ۳۶.

۹۶. ر.ک. سند شماره ۳۸.

۹۷. ر.ک. روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان، به کوشش: فاطمه قاضیها، (تهران،

سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۷) صص ۲۰۰ و ۲۰۱.

بابت امنیت اندرونی خیال وی آسوده باشد،<sup>۱۳۰</sup> در نامه دیگری مستشارالدوله اظهار امپراتور را مبنی بر این که «افسوس که به جهت کثرت مشغله خودم فرصت ندارم پذیرائی نمایم»<sup>۱۳۱</sup>، ابلاغ نمود. و بالاخره امپراتور موافقت خود را با این سفر اعلام می نماید و برنامه این سفر و صورت تشریفات مربوط به آن اعلام می شود.<sup>۱۳۲</sup> درباره منصب سرکنسولی تغلیس یا کاربرد از اول آن زمان باید گفت که این منصب تا سال ۱۲۷۵ متعلق به میرزا حسین خان (سپهسالار بعدی) بود که شرح مکاتبات وی با میرزا آقاخان صدراعظم در صفحات پیشین مذکور گردید. در اواخر سال ۱۲۷۹ مستشارالدوله که کاردار ایران در پطرزبورگ بود به این سمت منصوب شد.<sup>۱۳۳</sup>

میرزا یوسف خان تبریزی مستشارالدوله<sup>۱۳۴</sup> نیز مانند میرزا حسین خان گزارشهای

۱۳۰. ر.ک. سند شماره ۵۰، ص ۱۳۰ حاشیه سند.

۱۳۱. ر.ک. سند شماره ۴۱.

۱۳۲. ر.ک. سند شماره ۶۲.

۱۳۳. ر.ک. اسناد شماره های ۳۹ و ۲۰.

۱۳۴. مستشارالدوله مردی بیدار دل و روشنفکر بود و همیشه آرزوی نظم و اقتدار کشور خویش را در سر می پروراند. تأسیس راه آهن در ایران یکی از آرزوهای بزرگ او به شمار می رفت، زیرا چنین می پنداشت که مقدمات جمیع ملزومات مملکتی و دولتی ابتدا راه آهن است. مستشارالدوله اصول افکار سیاسی خود را در رساله «یک کلمه» در پاریس نوشت، این رساله اقتباسی از اصول قانون اساسی فرانسه است و مؤلف خواسته است آن اصول را با مبانی دینی اسلام تطبیق دهد و برای رسیدن به این منظور به آیات و اخبار و احادیث و گفته های علمای بزرگ اسلامی استشهاد کرده است. وی را به دلیل ایراد سخنان و نوشته ها و افکاری که برای حکومت استبدادی ناصرالدین شاه بسیار تند و تلخ بود در سال ۱۳۰۶ محبوساً به قزوین آوردند و در زندان شکنجه و آزارش دادند و چند سال بعد در سال ۱۳۱۳ درگذشت. ر.ک. یحیی آرین پوره از صبا تا نیما، تهران: ۱۳۷۲، چاپ پنجم، ج اول، ص ۲۸۱ - ۲۸۶.

مفصلی از تغلیس به پایتخت ارائه داده است، از جمله قویاً پیشنهاد می کند که بهتر است شاه با ملکم از سر التفات درآید، چه این امر ممانعت از درآمیختن وی با روسها می نماید.<sup>۱۳۵</sup> در گزارش دیگری در رابطه با امر سرحدات اظهار می دارد که اگر جانشین قفقاز (جانشین والی قفقاز) خوشنودی باطنی از دولت ایران داشته باشد در امورات حادی بسیار نافع خواهد بود.<sup>۱۳۶</sup> در نامه دیگری پیشنهاد وزیر مختار روس را مطرح می نماید. این پیشنهاد مبنی بر این بود که در مقابل برداشتن گمرک آهن که از روسیه به ایران وارد می شد، روسها نیز گمرک پنبه صادره از ایران را حذف خواهند کرد و اذعان می نماید که بدیهی است که در این معامله صرفه با روسها خواهد بود.<sup>۱۳۷</sup>

خبر درگذشت ولیعهد روس و ارسال پیام تسلیت ناصرالدین شاه به امپراتور و دریافت پاسخ امپراتور<sup>۱۳۸</sup> نیز توسط مستشارالدوله انجام می شود، وی همچنین نامه ای به میرزا حسین خان مشیرالدوله نوشته<sup>۱۳۹</sup> و ضمن تبریک لقب مشیرالدوله به وی ناراضی خود را از وضع موجود اعلام داشته است. باید اذعان کرد که در بیشتر گزارشهایی که از وی در این مجموعه موجود است ناخشنودی خود را از وضعیت موجود به نحوی اظهار داشته است. تا حدی که در یکی از گزارشها آورده است که پریشان خیالی وی به سبب رفتار ناعادلانه در حق او وی را بر آن می دارد به تظلم و

۱۳۵. ر.ک. سند شماره ۳۹.

۱۳۶. سند شماره ۴۱.

۱۳۷. ر.ک. سند شماره ۶۳.

۱۳۸. سند شماره ۲۹.

۱۳۹. ابضاً سند شماره ۲۱.

دادخواهی در دیوانخانه عدلیه برود.<sup>۴۱</sup> چنین به نظر می‌رسد که مستشارالدوله فقط نسبت به اجحافتاتی که به شخص وی می‌شده معترض نبوده است و از وضعیت نابسامان سیاسی و زندگانی مردم در آن زمان گله‌مند و ناراضی بوده است، چنانچه در قسمتی از یکی از همین گزارشهای خود چنین می‌نگارد:

«از قوت لرد پالمستون ملت انگلیس نباید ملول و محزون باشند چون که هزار پالمستون دارند. اگر چه گوی عقل و تدبیر را او از میدان برداشته بود، بلاشک در انگلیس نظیر او پیدا خواهد شد. خداوند به آنها ترحم کند که نه پالمستون دارند نه پارلمنت»<sup>۴۲</sup>

این مرذ آزاده در بخشی از نامه دیگری که از تفلیس به وزارت خارجه نوشته، اظهار می‌دارد:

«یکی از دوستان بنده که اهل خارجه می‌باشد به تبریز رفته بود، این روزها می‌نویسد: روز ورود در یک فرسخی تبریز جمعی مرد و زن دیدم که در صحرا ساکن شده‌اند. از حالتشان سؤال کردم، گفتند، از قریه زال هستیم و به حکم دیوان قریه مزبور را غارت، ما را به صحرا متفرق کرده‌اند، سببش را پرسیدم گفت، یک نفر از اهل قریه به محصل دیوان خلاف ادب گفته بود، به تلافی آن هزار نفر ما را به این روز انداخته‌اند»<sup>۴۳</sup>

به هر حال مکاتبات مستشارالدوله تا حدی نمایانگر اوضاع نابسامان آن دوره است. میرزا حسین خان نیز که از سال ۱۲۸۵ ملقب به مشیرالدوله شده بود در مأموریت‌های خارج همیشه با ارسال گزارشهای جامع و مفید نظر اولیای دولت را به خود جلب

۴۱. ایضاً ر.ک. سند شماره ۴۱.

۴۲. ایضاً ر.ک. سند شماره ۳۹.

۴۳. ر.ک. سند شماره ۶۳.

می‌کرد. مخصوصاً در مأموریت استانبول که آن وقت بزرگترین و مهم‌ترین نمایندگیهای ایران به شمار می‌رفت با هر پستی که به تهران روانه می‌شد شرح مفصلی از ترقیات اروپا و پیشرفتهای کشورهای غرب را برای ناصرالدین شاه می‌نوشت و لزوم آوردن کشفیات و اختراعات اروپائیان مثل تلگراف و راه آهن و کارخانجات و غیره به ایران را به او خاطر نشان می‌ساخت. در این زمان مشیرالدوله با کاردانی و ابراز کفایت موافقت دولت عثمانی منجی بر اجازه مسافرت ناصرالدین شاه به عتبات را می‌گیرد و ناصرالدین شاه در جمادی‌الثانی ۱۲۸۷ هجری قمری برای زیارت عتبات به عراق عرب مسافرت می‌کند و سال بعد مشیرالدوله را با لقب سپهسالار اعظم به وزارت لشکر تعیین می‌نماید. خدمات سپهسالار در این مدت، بیش از پیش ناصرالدین شاه را فریفته استعداد و لیاقت او کرد و در ماه بعد همان سال یعنی ۲۹ شعبان ۱۲۸۸ فرمان صدراعظمی سپهسالار را صادر و جمیع امور دولت را به عهده او محول کرد.<sup>۴۴</sup> در ششم جمادی‌الاول سال ۱۲۹۰ وزیر خارجه انگلیس لرد گرانویل در جواب استعمال سپهسالار در مورد قرارداد بین روس و انگلیس در گذشته، اظهار می‌نماید که شرطی رسمی در بین نبوده ولی در سال ۱۲۵۰ هنگام جلوس محمدشاه به تخت سلطنت یک نوع تفاهم بین دو دولت بوجود آمد که برطبق آن دول روس و انگلیس متعهد نگاهداری بقای مملکت ایران در حالت خود شدند و در سال ۱۲۵۴ در زمان جنگ هرات این تفاهم بین دو کشور مجدداً تجدید شد «یعنی نگاهداری ایران در حال خود»، یعنی این که دول انگلیس و روس حقوق دولت ایران را با کمال آزادی، مانند دولت آزاد و مستقل نگاه دارند و دولت ایران هم اهتمام

۴۴. ر.ک. ابراهیم تیموری، عصر بی‌خبری، تهران: شرکت نسبی حاج محمدحسین اقبال و شرکا، ۱۳۳۲.

کامل در آن نماید که با هر یک از دولتی بر وفق تمهیدات در عهدنامه رفتار نماید.<sup>۷۸</sup>  
 در سال ۱۲۹۰ شیخ عبیدالله کرد تاخت و تازهای را در سرحد ایران به انجام رساند. ناصرالدین شاه برای دفع فتنه او به دولت روسیه متوسل شد و مصراً از اولیای آن دولت خواست تا برای دفع شیخ اقدام کنند.<sup>۷۹</sup> در همین سال میرزا حسین خان سپهسالار ناصرالدین شاه را به فرنگ برد. وزیر مختار روسیه از طرف امپراتور و وزیر خارجه روسیه، ناصرالدین شاه را به روسیه دعوت کرد و اظهارات دوستی آمیز دقیقانه اعلیحضرت امپراتور را خاطر نشان وی ساخت.<sup>۸۰</sup>

ناصرالدین شاه که در ابتدای سفر مهمان الکساندر دوم امپراتور روس بود، پس از پذیرائی شایانی که از او به عمل آمد و شرح آن را در سفرنامه خود آورده است، عازم اروپا شد. در اروپا پس از بازدید از لهستان، آلمان و غیره ... در انگلستان به دیدار ملکه رفت و مورد استقبال بسیار باشکوهی قرار گرفت.

پس از بازگشت از سفر اروپا سپهسالار با مخالفت بعضی از رجال که روسها نیز در تحریک آنها بی دخالت نبودند روبه رو شد و در نتیجه شاه او را عزل کرد. به نظر می‌رسد که مخالفت روسها با سپهسالار به سبب روابط او با انگلیسها بوده باشد، به هر حال ناصرالدین شاه پس از ماجرای عزل، وزارت خارجه و وزارت جنگ را به او تفویض نمود و مجدداً او را صاحب اقتدار کرد. از آن پس، سپهسالار به روسها متمایل گشت و امتیازنامه رویترا لغو نمود.<sup>۸۱</sup>

۷۸. ر.ک. اسناد شماره‌های ۷۱ و ۷۸.

۷۹. ر.ک. اسناد شماره‌های ۷۲ و ۷۷.

۸۰. ر.ک. روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان، همان، ص ۴۰۳.

۸۱. ر.ک. ابراهیم تیموری، همان، ص ۵۲ و ۵۳.

در سال ۱۲۹۳ ناصرالدین شاه تمام شیلات را به سپهسالار اجاره داد و او نیز یک جا تمام آن را به روسها واگذار کرد. حق صید و فروش ماهی هر رودخانه و ناحیه در اجاره اشخاص مختلفی اعم از روسی و ایرانی بود. این اجاره‌داری برای اتباع روس که دارای وسائل بهتر برای صید و حمل و نقل و فروش آن بودند فواید زیادی داشت و به همین جهت چون اغلب اوقات اتباع روس اجاره بهای بیشتری به حکام نواحی شمالی ایران می‌دادند اتباع ایرانی نمی‌توانستند با آنها به رقابت بپردازند.<sup>۸۲</sup>

در سال ۱۲۹۵ ناصرالدین شاه برای بار دوم به روسیه تزاری و فرنگستان سفر کرد و اندکی پس از بازگشت اجازه تشکیل بریگاد قزاق را تحت نظر افسران روسی صادر نمود، در این رابطه مأمورین سیاسی و کنسولی روس به عنوان حفاظت از سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای روس در نقاط مختلف ایران عده زیادی قزاق استخدام کردند و دستگاههای عریض و طویلی برای خود فراهم ساختند که هزینه آن البته از محل خزانه ایران تأمین می‌شد.<sup>۸۳</sup>

به هر ترتیب سپهسالار در اوایل شوال ۱۲۹۷ مجدداً عزل شد و به موجب دستور ناصرالدین شاه از شیلات نیز سلب اختیار گردید. او خود این سلب اختیار را کتباً به شاه اعلام نمود [حتماً اجباراً]، در این نوشته سپهسالار نحوه انتقال شیلات را از خود به شخص شاه به تفصیل شرح می‌دهد و اظهار می‌دارد:

«... اصل اجاره و مال‌الاجاره و عمل را در آتیه به رضا و رغبت خودم انتقال به ذات مقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه نموده و از خود کلیتاً سلب اختیار و اقتدار و تصرف و مداخله را در امر شیلات و در وجه مال‌الاجاره نموده‌ام، [همچنین] نوشته از

۸۲. ر.ک. اسناد شماره‌های ۹۷ و ۱۰۷ و ابراهیم تیموری، همان، ص ۲۷۴.

۸۳. ر.ک. اسناد شماره‌های ۸۷، ۱۱۸، ۱۲۲.

جانب خود به سفارت روس نگاشته و این انتقال به ذات اقدس همایونی و سلب اختیار از خود را، به همه جهت در نوشته مزبوره اعتراف نموده، خواهش کرده‌ام که این اعتراف غلام خان‌زاد را در انتقال و سلب اختیار از خودم در دفتر سفارت ثبت و ضبط و به مسیو بیگلروف مستأجر رسماً اخبار نمایند<sup>۹۷</sup> و...

در سال ۱۳۰۰ قرارداد شیلات بین دولت ایران و لیانازوف، تبعه روس در ۸ ماده به تصویب می‌رسد، به موجب این قرارداد کل شیلات و صیادی ماهی از رودخانه آستارا الی رودخانه اترک به موعده شش سال به اجاره به لیانازوف واگذار می‌گردد،<sup>۹۸</sup> در سال ۱۳۰۶ قمری مجدداً قرارداد دیگری با لیانازوف منعقد می‌گردد.<sup>۹۹</sup>

باری، در اواسط نیمه دوم قرن نوزدهم که روسها در نواحی ترکستان مشغول توسعه نفوذ و پیشرفت بودند گاهی به اقداماتی دست می‌زدند که مخالف منافع دولت ایران بود و این امر اغلب موجبات نگرانی و اعتراض دولت ایران را به وجود می‌آورد.

در ایام صدارت میرزا حسین خان سپهسالار قرار شد کمیسونی مرکب از نمایندگان دولتی ایران و روسیه تزاری تشکیل و به این امر خاتمه دهد، این مذاکرات سه سال طول کشید و در ۲۲ محرم ۱۲۹۹ معاهده‌ای به نام معاهده آخال<sup>۱۰۰</sup> و خراسان بین دو کشور منعقد گردید، به موجب این معاهده حدود ایران و روس و نواحی متعلق به آنها در طرف شرقی بحر خزر معین می‌شود و حق حاکمیت دولت ایران از مرو و آخال و سایر نواحی

۹۷. ر.ک. اسناد شماره‌های ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۹۷.

۹۸. سند شماره ۸۹.

۹۹. وک. آرشیو وزارت امور خارجه (س ۱۳۰۶، ک ۲۰، پ ۹).

۱۰۰. ر.ک. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای

مرکزی، تهران: ۱۳۷۲، ص ۱۸۳ - ۱۹۳.

ترکستان از بین می‌رود. این معاهده به دلیل نزدیک نمودن روسها به هندوستان موجب رنجش انگلیسها گردید. ناصرالدین شاه در توجیه انعقاد این معاهده برای انگلیسها چنین نوشت:

باید جواب نوشت ما چیزی به روس ندادیم، شما که انگلیس هستید در حقیقت داده‌اید. اگر از اول روس را از این همه پیش آمدن به سمت آخال و ترکمان رسماً و قویاً مانع می‌شدید، البته روسها میدان جولان بازی خودشان را کمتر می‌گرفتند بلکه هیچ نمی‌توانستند داخل شوند، وقتی که مثل شما دولتی قوی نتواند سد راه و خیال روسها را بکند ما به طریق اولی نمی‌توانستیم. روس آمد آخال را گرفت ما چه می‌کردیم بعد گفت سرحد طبیعی خراسان و ترکمان را باید معلوم بکنید و قرار بدهید ما چه می‌کردیم اگر قبول نمی‌کردیم، سر خبالت خودش همان طور که آخال را تصرف کرد سرحد طبیعی ترکمان را هم با خراسان به زور تصرف می‌کرد آن وقت آیا ما باید با روسها جنگ بکنیم، آیا شما به ما امداد قشونی و پولی و اسلحه می‌کردید یا نه، روس که آخال را گرفت بالطبع مرو را تصاحب می‌کرد ما چطور می‌توانستیم بگوییم به مرو نرو، تصرف نکن، یعنی اگر این ممانعت‌ها را می‌کردیم جز اینکه روس را با خودمان دشمن بکنیم هیچ فایده نداشت و او هم کار خود را می‌کرد. پس در این صورت تقصیری به اولیا ایران وارد نیست و ما خود به استقبال روس نرفته‌ایم و او را نیاورده‌ایم و هرگز مایل این اتفاقات نبوده‌ایم. البته هر وزیري به شما این صحبت محرمانه را کرده است همین جواب را بدهید و باز هم باید حالت دولت انگلیس به اتفاق ایران برای سد راه روسها که از این پیش تر هم نروند بعد از این حرف زده و اتفاق کرده یک فکر و تدبیری بکنند که از این بیشتر به مشکلات دچار نشوند جواب بخواهید.<sup>۱۰۱</sup>

۱۰۱. ابراهیم تیموری، همان، ص ۱۶، جواب ناصرالدین شاه در حاشیه نامه ملکه.



به هر روی سفیر ایران در روسیه خبر از چاپ قرارداد مزبور در روزنامه‌های روسیه و همین طور استعلام سفیر انگلیس در این مورد را می‌دهد و ناصرالدین شاه در حاشیه این نامه می‌نویسد که «بدهید حتماً این خبر را تکذیب کنند».<sup>۸۵</sup>

در ۲۹ شوال ۱۳۰۰ وزیر مختار روس، قراویف را در رأس هیأتی معرفی می‌نماید که در ارتباط با معاهده آخال همراه با نمایندگان ایران به سرحد رفته خطوط سرحدی را تعیین نمایند، ملیکوف نیز دستورالعمل مأمورین سرحدی در رابطه با چگونگی ماساها و مدارا با یکدیگر و در صورت بروز اختلاف، مراجعه به وزارت خارجه و امثالهم را متذکر می‌گردد.<sup>۸۶</sup>

در پاسخ ملیکوف وزارت خارجه ایران نیز سلیمان‌خان صاحب اختیار را جهت تعیین خط سرحدی اعزام می‌نماید.<sup>۸۷</sup>

پیرو موارد بالا در سال ۱۳۰۱ دستورالعمل قرارداد آب و تعیین زمین در میان اهالی سرحدیه دره‌جز و کلالت و قضیه قرارداد آب اتک و تعیین زمین در میان اهالی اتک و اهالی سرحدیه دره‌جز و کلالت را سلیمان‌خان صاحب اختیار از طرف ایران و قاراواسیف یا قراویف از طرف روسیه بین دو کشور تنظیم و منعقد می‌نمایند.<sup>۸۸</sup> در این قراردادها حتی نوع کشت روستائیان سرحدی، مقدار آن و میزان برداشت یا عدم برداشت آب و ... مشخص و معین گردیده است.

در این هنگام کارگزاران انگلیسی که از این همه پیش‌روی روسها در خاک ایران

۸۵. ر.ک. سند شماره ۸۵.

۸۶. ر.ک. سند شماره ۹۰.

۸۷. ر.ک. سند شماره ۹۲.

۸۸. ر.ک. استاد شماره‌های ۹۵ و ۹۶.

وحشتزده شده بودند عبور قشون روس را از دو فرسخی سرخس جدید به اولیای دولت ایران هشدار می‌دهند و از این که روسها از حاکم خراسان اجازه ساختن راه مشهد به سرحد روس را گرفته‌اند به دولت ایران اعلام خطر نموده و اذعان می‌نمایند که ممکن است یکی از این روزها از طرف خراسان وقایع بزرگ روی بدهد.<sup>۸۹</sup>

در سال ۱۳۰۵ که بین وزیر اعظم امین‌السلطان و ولف وزیر مختار انگلستان روابط صمیمانه‌ای پدید آمده بود انگلیسها ۲۴ صفر ۱۳۰۶ قمری فرمان آزادی کشتیرانی در رود کارون را تحصیل کردند و سه ماه بعد امتیازنامه بانک شاهنشاهی را به امضای ناصرالدین شاه رسانده و مقدمات سفر سوم ناصرالدین شاه را به فرنگ فراهم آوردند. به محض این که روسها از این جریانات آگاه گردیدند، شروع به مخالفت کرده و دولت ایران را تحت فشار قرار دادند. دالگورکی امین‌السلطان را تهدید می‌کرد که اگر در صدد جبران این موضوع برنیاید روابط دولتی قطع می‌شود، ناصرالدین شاه که در این موقع با علاقه خاصی مشغول تدارک سفر سوم فرنگ بود، چون قادر نبود تهدیدات روسها را نادیده بگیرد در صدد جلب رضایت آنها برآمد، در این رابطه تکالیفی که روسها به ایران می‌کردند بسیار شاق و غیرقابل قبول بود و سرانجام با مذاکراتی که بین نمایندگان دو طرف به عمل آمد. روسها توسط دالگورکی تکالیفی برای ایران تعیین نمودند که برای امین‌السلطان بفرستد. دالگورکی برای قبولاندن پیشنهادهای خود به دولت ایران زیاد تمجیل می‌کرد و رفتارش گستاخانه و خشونت‌آمیز و زننده بود و ناصرالدین شاه از این نوع رفتار وزیر مختار بسیار عصبانی بود.<sup>۹۰</sup> بنابراین ناصرالدین شاه بناچار و برای اجرای حتمی عزم خود برای سفر فرنگستان به قول خودش «به ملاحظه دوستی خالصانه با دولت روسیه» تکالیف دالگورکی که عبارت بود از آزادی کشتیرانی روسها در مرداب

۸۹. ر.ک. سند شماره ۱۰۸.

۹۰. ر.ک. سند ۱۰۲، ابراهیم تیموری، همان، ص ۱۳، ۱۱۲ - ۳۱۷.

انزلی و کل رودخانه‌های مصب بحر خزر، اختیار به دولت روسیه جهت ساختن راه آهن و بسیاری فقرات دیگر را قبول می‌نماید.<sup>۱۰۳</sup>

دولت روسیه تزاری حتی زمانی که ناصرالدین شاه در سفر بوده دست از کسب امتیازات برنداشت. چنانچه روز ۱۲ ذیقعد ۱۳۰۶ هنگامی که ناصرالدین شاه در بیرمنگام انگلیس به سر می‌برده، از طریق قوام‌الدوله (میرزا عباس‌خان تفرشی وزیر خارجه) با تلگراف از شاه می‌خواهند که بر قرارداد مربوط به رفت و آمد کشتی به مرداب انزلی و رودخانه‌ها صحه گذارد و برای این که کار به سرعت فیصله یابد، صورت قرارداد را نیز ارائه می‌دهند.<sup>۱۰۴</sup>

روسها به دلخواه خود قراردادها را تغییر می‌دادند و شاه نیز بر آنها صحه می‌گذاشت. چنانچه به نظر می‌رسد که درخصوص قرارداد مربوط به ساختن راه آهن توسط کمپانیهای روسی که طبق اظهار سفیر روس با اشکال<sup>۱۰۵</sup> مواجه شده بود، و معلوم نیست آن اشکال چه بود، تقاضای تغییراتی در آن می‌نماید. ناصرالدین شاه دستخط می‌دهد و تغییرات آن را تأیید می‌کند. این مسئله در مورد قرارداد کشیدن سیم تلگراف توسط روسها دوباره تکرار شد و این بار وزیر مختار روسیه درباره آن نوشت که: «یک فقره از نظر محو شده بود که این فقره هم در قرارنامه بیاید»<sup>۱۰۶</sup>.

پس از بازگشت ناصرالدین شاه از سفر سوم، باز روسیه در صدد کسب امتیازات بیشتر و سودمندتری از ایران برمی‌آید، چنانچه در سال ۱۳۰۷ در زمان صدارت

۱۰۳ ر.ک. سند شماره ۱۰۳.

۱۰۴ ر.ک. سند شماره ۱۰۸.

۱۰۵ ر.ک. سند شماره ۱۰۹ و ۱۱۱.

۱۰۶ ر.ک. اسناد شماره‌های ۱۱۰، ۱۱۴ و ۱۱۵.

میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان، امتیاز تأسیس بانک رهنی استقراضی ایران به روداک پولیاکف تبعه روس واگذار می‌شود.<sup>۱۰۷</sup> در سال ۱۳۱۲ اختیار تمام جنگلهای دولت ایران از آستارا تا استرآباد، از جانب اولیای دولت ایران به تبعه دولت روسیه واگذار می‌شود که طی قرارنامه‌ای در ۹ فصل بین دو کشور منعقد می‌گردد.<sup>۱۰۸</sup> در سال ۱۳۱۳ که سال مرگ ناصرالدین شاه است باز مسئله تعیین سرحدات مغان از طرف اولیای دولت ایران مطرح می‌شود و دولت روسیه از اعزام نماینده جهت تعیین حدود ظفره می‌رود.<sup>۱۰۹</sup>

به هر حال جهت پرداختن به وقایع و حوادث مربوط به حکومت پنجاه ساله ناصرالدین شاه به خصوص در ارتباط با قدرت نیرومند روسیه سالها وقت لازم است که در چندین جلد کتاب بتوان به آن پرداخت، و مجموعه حاضر حاوی اسنادی از بعضی از این وقایع و رویدادهاست و در این مقدمه مجال پرداختن به همه آن موارد وجود ندارد. به همین جهت، مطالبی بطور نمونه و در جهت معرفی اسناد قید گردید.

اسناد بخش دوم این مجموعه که از نظر کمیت یک چهارم بخش اول است نیز مربوط به دوره تاریخی بسیار مهمی است که از ابتدای سلطنت مظفرالدین شاه تا سقوط قاجاریه را در برمی‌گیرد.

در این دوران حوادث و وقایع مهمی روی داد که اهم آنها انقلاب مشروطه در ایران و انقلاب اکتبر در شوروی بود که تحول اساسی در هیأت حاکمه دو کشور ایجاد نمود.

اسناد بخش دوم شامل موضوعهای متعددی چون مسائل مرزی و سرحدات، قراردادهای منعقد شده بین دو کشور، جنگ جهانی اول در ارتباط با ایران و روس، میرزا کوچک‌خان جنگلی، مسائل مربوط به اتباع دو کشور، شیلات، تبلیغات دولت شوروی

۱۰۷ ر.ک. اسناد شماره‌های ۱۱۹، ۱۲۰ و ۱۲۱.

۱۰۸ ر.ک. سند شماره ۱۲۳.

۱۰۹ ر.ک. سند شماره ۱۲۴.

در سرحدات، امور مربوط به قزاقها، ورود و خروج قشون روس از کشور و درگیریهای مرزی بلشویکها، پناهندگی اتباع ایرانی به سفارت روس، موضوع تخلیه ایران از قشون روس و انگلیس و امثالهم می‌باشد، ولی مهم‌ترین آنها که پیش درآمد عهدنامه مودت بین دو کشور است. سواد دستورالعملی است که هنگام اعزام مشاورالممالک به مسکو جهت انعقاد عهدنامه مودت، از طرف حسن پیرنیا وزیر امور خارجه، در تاریخ ذی‌قعدة ۱۳۳۸ مطابق، ژوئیه ۱۹۱۹ یعنی دو سال بعد از انقلاب روسیه به وی داده شده است.<sup>۵۰</sup> مأموریت مهم مشاورالممالک انعقاد عهدنامه‌ای بود بر پایه مواد ۱۶ گانه‌ای که تروتسکی و چیچرین کمیسرهاي خارجه دولت شوروی راجع به حقوق ایران در نظر گرفته بودند، که عبارت بود از فسخ جمیع قرضهایی که ایران به حکومت تزاری داشت، فسخ جمیع امتیازاتی که پیش از این چه به حکومت روسیه و چه به اشخاص سایره از تبعه روس از طرف دولت ایران داده شده بود، لغو کاپیتولاسیون و امثالهم.<sup>۵۱</sup> همین طور در تلگراف رمزی که به مشاورالممالک شده بود دستور فراهم آوردن عقد عهدنامه مودت با رعایت مندرجات نوشتجاتی که در نقض عهدنامه ترکمان‌چای به سفارت ایران نوشته بودند، داده شده بود. مشاورالممالک (علیقلی انصاری ایشلیقی) نیز مأموریت خود را انجام داد و «عهدنامه مودت بین ایران و دولت شوروی روسیه»<sup>۵۲</sup> را مشتمل بر یک مقدمه و ۲۶ ماده با «گئورگی و لاسیلیویچ چیچرین» و «میخائیلویچ قراخان» در تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ برابر با ۸ حوت ۱۲۹۹ یعنی ۵ روز بعد از کودتای رضاخان سردار سپه، در مسکو

<sup>۵۰</sup> پس از سقوط وثوق‌الدوله و روی کارآمدن مشیرالدوله (حسن پیرنیا)، او مشاورالممالک را برای تنظیم قرارداد با دولت شوروی به مسکو اعزام نمود.

<sup>۵۱</sup> ر.ک. اسناد شماره‌های ۱۶۲ و ۱۶۳.

<sup>۵۲</sup> جهت آگاهی از متن کامل و همچنین مشخصات این عهدنامه و ضمایم آن در آرشیو وزارت امور خارجه

ر.ک. پیوست همین مجموعه، ص ص ۲۷۷ - ۲۹۱

منعقد نمود.

این قرارداد در ۲۳ اوت ۱۹۲۱ به صوب و تصدیق کمیته اجرائی مرکزی اتحاد جماهیر شوروی رسید.

براساس فصل اول این عهدنامه دولت شوروی به سیاست جابراجه امپریالیستی روسیه نسبت به ایران خاتمه می‌دهد و کلیه معاهدات و مقاولات و قراردادهایی که دولت امپراتوری سابق با دولت ایران منعقد نموده و حقوق حقه ملت ایران را تضییع کرده است بکلی لغو و از درجه اعتبار ساقط می‌داند. همین طور به موجب بخشی از فصل دوازدهم «آن امتیازاتی را هم که دولت امپراتوری و اتباع آن از دولت ایران جبراً تحصیل کرده‌اند لغو و باطل می‌سازد».

عهدنامه مزبور در تاریخ ۲۳ قوس ۱۳۰۰ به امضای «مؤتمن‌الملک» رئیس مجلس شورای ملی رسید و در ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۴۰ برابر با ۴ بهمن ۱۳۰۰ ش. احمدشاه قاجار بر آن صحه گذاشت.

مدتی بعد یعنی در ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۴۲ احمدشاه ظاهراً برای معالجه به اروپا عزیمت نمود و در شعبان همان سال محمدعلی میرزا، شاه مخلوع در پاریس درگذشت و بدین وسیله موجبات فراهم آمدن سقوط قاجاریه که به مدت ۱۵۱ سال بر این سرزمین و مردم آن فرمان راندند فراهم گردید.

در پائیز ۱۳۰۴ شمسی مطابق با ۱۳۴۴ ه. ق. جوامع بین‌المللی و کشورهای جهان، رضاخان را به عنوان رئیس موقت مملکت به رسمیت شناختند، در این رابطه در روز سیزده آبان ماه ۱۳۰۴ یورنیف نماینده مختار دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، مکاتباتی را در شناسائی رسمی رضاخان به ریاست موقت کشور ایران

<sup>۵۳</sup> مبدأ سال ۱۲۹۳ قمری یعنی آغاز کار آغامحمدخان در نظر گرفته شده است.

ارسال می‌دارد و روز بعد حضوراً مراسلاتی را که از طرف دولت خود داشته ابلاغ می‌نماید.<sup>۱۰</sup> و به این ترتیب در ۲۱ آذر همان سال (۱۳۰۴) مطابق با ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۴۴ دولت قاجاریه سقوط کرد و خاندان پهلوی اداره امور کشور را به عهده گرفت. در نتیجه علاوه بر تغییرات همه‌سویه در بخشهای مختلف امور کشور، فصل جدیدی نیز در سیاست خارجی گشوده شد که مقایسه آن با سیاست خارجی دوره قاجاریه مجال دیگری را می‌طلبد. به همین جهت در اینجا مطلب را به پایان می‌رسانم و از همه دوستانی که در این امر اینجانب را یاری رساندند قدردانی می‌نمایم، از جمله از همراهیهایی که همسر ارجمندم آقای حمید قنادیان در طول مدت انجام این پژوهش با من داشتند کمال امتنان را دارم.

تدوین و انتشار این مجموعه فرصتی بود که تحت حمایت و حسن نیت جناب آقای سیدعلی موجانی مدیر کل محترم مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه برای اینجانب حاصل گردید، که از ایشان بسیار سپاسگزارم.

فاطمه قاضیها

بهار ۱۳۸۰

تبرستان  
www.tabarstan.info

## بخش اول

اسناد روابط ایران و روسیه  
در دوره ناصرالدین شاه  
تاریخ اسناد (۱۲۶۷-۱۳۱۳ ه. ق)

تفکیک موضوعی اسناد  
بخش اول

تبرستان  
www.tabarestan.info

شماره اسناد	موضوع
	۱- سرحدات
۶، ۱۵، ۲۶، ۳۱، ۳۵، ۴۸، ۶۰، ۶۵، ۶۶	الف - مرزهای خشکی
۶۷، ۷۲، ۷۳، ۷۶، ۷۷، ۸۴، ۸۵، ۸۶	
۸۸، ۹۰، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۰، ۱۰۳	
۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۴	
	ب - مرزهای آبی
۱، ۳، ۴، ۵، ۷، ۳۶، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵	
۴۶، ۶۲، ۶۳، ۷۴، ۹۱، ۱۰۴، ۱۰۵	
۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸	
	۲- سران، کارگزاران، صاحب منصبان و امور سیاسی دو کشور
۱ - ۴، ۶ - ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۶۰	
۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۸۲، ۸۳	
۸۷	

فهرست اسناد بخش اول

شماره سند	موضوع سند	شماره محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۱	گلابه وزیر مختار روس از شرکت حاکم مازندران با ترکمانها در حمله به کشتیهای روسی در بحر خزر.	س ۱۲۶۷/ک ۶/پ ۳۱
۲	اظهار خرسندی وزیر اعظم روس از انتصاب میرزا محمدعلی خان به سمت وزارت امور خارجه.	س ۱۲۶۷/ک ۶/پ ۲۷
۳	نامه وزیر اعظم روس [گراف نسلرود] به امیر کبیر (میرزا تقی خان) دال بر دوستی دو کشور و تکذیب اعزام قشون به عاشوراده.	س ۱۲۶۷/ک ۶/پ ۲۶
۴	معانعت کارگزاران انزلی از ورود کشتی آنشس تجارتنی روس در مرداب انزلی و تهدید وزیر مختار روس.	س ۱۲۶۹/ک ۷/پ ۳
۵	تغییر کشتیهای تجارتنی روسیه متردد در مرداب انزلی از بادی به آنشس، معانعت سرحد داران به گمان جنگی بودن کشتیها و اعلام اولیای دولت ایران به کارگزاران گیلان مبنی بر عبور و مرور کشتیهای مزبور در آن صفحات موافق قاعده معموله کشتیهای تجارتنی و لزوم رعایت روسها در توقف کوتاه مدت این کشتیها به جهت رفع هرگونه تصورات و شهرتهای موارث افزا.	س ۱۲۶۹/ک ۷/پ ۳
۶	اظهار وزیر مختار روس به میرزا آقاخان صدراعظم در باب سلوک بدخواهانه صاحب اختیار آذربایجان نسبت به کارگزاران روسیه در مورد علامت گذاری سرحد ارس مطابق عهدنامه.	س ۱۲۶۹/ک ۷/پ ۳

۳- مسائل اتباع دو کشور

۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۶، ۲۷، ۳۰، ۴۰، ۴۵، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۹، ۶۴، ۶۸، ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۲۴

۴- قراردادهای

۲۲، ۲۷، ۴۷، ۷۵، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۹، ۹۰، ۹۵، ۹۶، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳

۵- روابط تجاری و تجار

۴، ۵، ۳۸، ۴۶، ۵۷، ۶۳، ۶۴، ۶۸، ۸۰، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۸

۶- انگلیس در ارتباط با ایران و روس

۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۷۱، ۷۸، ۷۹، ۸۵، ۱۰۳

۷- صیادی و شیلات

۱۳، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۹، ۹۷، ۱۰۶، ۱۰۷

۸- ترکمانان

۱، ۷، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۸۴

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۷	تحکم و تهدید وزیر مختار روسیه مبنی بر لزوم همکاری کارگزاران ایرانی با کشتیهای جنگی متردد در دریای خزر در ارتباط با ترکمانان.	۲۸	س ۱۲۶۹/ک/۷/پ ۳
۸	صورت تشریفات ورود وزیر مختار جدید دولت روسیه به تهران.	۳۲	س ۱۲۷۱/ک/۷/پ ۲۳
۹	تشریفات ورود جنرال مینکوتس فرستاده نواب جانشین قفقاز.	۳۴	س ۱۲۷۱/ک/۷/پ ۳۳
۱۰	نامه میرزا آقاخان نوری به کاربرداز تغلیس [میرزا حسین خان سپهسالار بعدی]، در باب گزارش ملاقات وی با جنرال لیلی.	۳۶	س ۱۲۷۰/ک/۷/پ ۱۷
۱۱	تغییر و تبدیل وزیر خارجه روسیه و معاون او و انتصاب وزیر و معاون جدید بجای آنها.	۳۷	س ۱۲۷۰/ک/۷/پ ۱۷
۱۲	موضوع گزارش احترامات و تشریفات که دولت روسیه در زمان حرکت سیف الملک از تغلیس انجام داده‌اند و اظهار امتنان دولت ایران از این موضوع.	۳۸	س ۱۲۷۰/ک/۷/پ ۱۷
۱۳	اظهار خوشوقتی صدراعظم (میرزا آقاخان نوری) از استخلاص استاد باقر تبعه ایران که کارگزاران روسیه قصد تبعید وی به سبیری را داشته‌اند با سپاس از نکته دانی کاربرداز تغلیس (میرزا حسین‌خان).	۳۹	س ۱۲۷۱/ک/۷/پ ۳۱
۱۴	اظهار مهربانی و مودت جانشین فرمانده قفقاز به میرزا حسین‌خان (کارپرداز تغلیس) در ورود به تغلیس و اظهار رضامندی صدراعظم ایران در این رابطه.	۴۰	س ۱۲۷۲/ک/۷/پ ۲۷
۱۵	سوء سلوک و سختگیری مأمورین دولت روسیه در استرآباد و دخالت در امور داخلی ایران برخلاف گذشته.	۴۲	س ۱۲۷۲/ک/۷/پ ۲۷
۱۶	لزوم تسهیل در امر مطالبات رعایای روس در ارتباط با حاجی ملارفیع مجتهد و کارگزاران گیلان.	۴۴	س ۱۲۷۲/ک/۷/پ ۲۶
۱۷	نامه صدراعظم به میرزا حسین‌خان کاربرداز تغلیس در مورد تجاوز قشون انگلیس به خاک ایران و تصرف بندر بوشهر، لزوم مذاکره با اولیای دولت روسیه و اظهار	۴۶	س ۱۲۷۳/ک/۸/پ ۶

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۱۸	مراتب گرفتاری ایران جهت جلب همکاری مأمورین دولت روسیه مقیم ایران در رعایت جوانب دوستی و رفق و فتق امور ناخاتمه این قائله.	۲۸	س ۱۲۷۳/ک/۸/پ ۱۸
۱۹	معرفی ملیکوف و چند صاحب منصب دیگر از طرف جانشین قفقاز (سپهسالار قفقاز) در ارتباط با آبادانی اراضی قفقاز در سرحد ایران.	۵۰	س ۱۲۷۲/ک/۷/پ ۲۷
۲۰	عزیمت جنرال ملیکوف فرستاده جدید روسیه به ایران، لزوم ابلاغ خبر عزیمت وی پانزده روز قبل از حرکت، به جنرال قونسولگری و کارگزاران آذربایجان جهت انجام تشریفات و پذیرایی و ... رفتن امین الملک به پاریس، محاربه با انگلیسها در بوشهر و ...	۵۲	س ۱۲۷۳/ک/۸/پ ۵
۲۱	گلابیه موسیو اینچکوف شارژ دافر روس از نوع برخورد اولیای دولت ایران نسبت به وی و دولت متبوعش و اظهار صدراعظم ایران مبنی بر ابراز محبت و احترام از جانب شاه و سایر اولیای دولت نسبت به اینچکوف که شارژ دافر است مانند یک سفیر.	۵۶	س ۱۲۷۳/ک/۸/پ ۱۶
۲۲	سواد نامه فرخ خان امین‌الملک راجع به معاهده پاریس (انتزاع هرات از ایران) در ارتباط با روسیه.	۶۰	س ۱۲۷۲/ک/۸/پ ۱۱
۲۳	تمایل ناصرالدین شاه مبنی بر مرفوع نمودن کورور آخرین خسارت جنگ از عهدنامه جدید و مخالفت روسها.	۶۲	س ۱۲۷۴/ک/۷/پ ۳۳
۲۴	موافقت دولت روسیه با انتخاب ولیعهد مطابق رأی شاه.	۶۳	س ۱۲۷۴/ک/۸/پ ۳۱
۲۵	ملاقات میرزا حسین‌خان «کار پرداز تغلیس» با وزیر خارجه روسیه، اظهار التفات آنان نسبت به وی و تأکید صدراعظم به وی مبنی بر برخورد با آنان از روی بصیرت و دانایی.	۶۵	س ۱۲۷۳/ک/۸/پ ۱۲
	اظهار تشکر و امتنان جانشین جدید قفقاز مبنی بر تعینت منصب جانشینی از طرف ناصرالدین شاه به وی و سایر تعارفات معموله.		

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۲۶	رضامندی وزیر خارجه از نکته دانیها و کارآگاهیهایی کاربرد از تفلیس راجع به مذاکره وی با اولیای دولت روس در ارتباط با امور سرحدی.	۶۶	س ۱۲۷۴/۸/ک/۳پ
۲۷	همراهی مسیو چرنیوف قونسول جدید روس در تبریز با ارباب غرض و نگرانی میرزا آقاخان نوری در این باب و لزوم گوشزد اولیای روس به وی جهت ترک این گونه برخورد.	۶۹	س ۱۲۷۴/۸/ک/۳۱پ
۲۸	درخواست از جانشین قفقاز مبنی بر اعزام نقاش روس (نقاش صورت امپراطور) به ایران جهت به تصویر کشیدن صورت ناصرالدین شاه.	۷۱	س ۱۲۷۴/۸/ک/۳۱پ
۲۹	چاپ متن «گلابه» ایران از رفتار جنرال قونسول روس در تبریز» در ارتباط با سند ۱۴۲ به اثنیاه در روزنامه و لزوم رفع این مطلب بطور مناسب از طرف کاربرد از ایران در تفلیس.	۷۳	س ۱۲۷۴/۸/ک/۳۱پ
۳۰	در خصوص آمدن دخترهای بهمن میرزا از روسیه به تبریز و نظر شاه در این رابطه.	۷۵	س ۱۲۷۵/۸/ک/۴۴پ
۳۱	تلاش اولیای دولت ایران و کارگزاران آذربایجان در انتظام امورات سرحدیه و ضرورت مذاکره کاربرد از ایران در تفلیس با اولیای دولت روسیه از روی بصیرت در این رابطه.	۷۷	س ۱۲۷۴/۸/ک/۳پ
۳۲	دعوت وزیر خارجه از شازده ناصر دولت روسیه برای شرکت در جشن ولیعهدی شاهزاده قاسم خان امیرنظام.	۸۰	س ۱۲۷۴/۷/ک/۳۳پ
۳۳	مسیر ورود مسیو اینچکوف وزیر مختار دولت روسیه از کشور خود به ایران، چگونگی فراهم آوردن اسباب تشریفات و غیره.	۸۲	س ۱۲۷۴/۸/ک/۳۰پ
۳۴	عزل میرزا آقاخان نوری از صدارت در ارتباط با کاربرد از تفلیس.	۸۳	س ۱۲۷۵/۸/ک/۴۴پ
۳۵	اعزام پولکونیک بارتمس از روسیه به تهران جهت انتظام امورات سرحدیه با دولت ایران.	۸۵	س ۱۲۷۵/۸/ک/۴۴پ

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۳۶	اختلاف ناخداپان کشتیهای تجارنی روس با کارگزاران استرآباد در ارتباط با فروش آذوقه به آنان و دخالت و معانعت اولیای دولت از کارگزاران در جواب به وزیر مختار روس.	۸۷	س ۱۲۶۹/۷/ک/۳پ
۳۷	گزارش صدیق الملک ایلچی ایران در پترزبورگ در رابطه با ملاقات وی با امپراطور و وزیر خارجه روسیه.	۸۹	س ۱۲۷۷/۹/ک/۸پ
۳۸	شکایت وزیر مختار روس در ارتباط با اجحاف در دریافت گمرکی از مال التجاره رعایای روس توسط کارگزاران گیلان.	۹۱	س ۱۲۶۲/۵/ک/۴۱پ
۳۹	اظهارات مستشارالدوله کاردار ایران در پترزبورگ در مورد ملکم و پدرش و تمایل دولت روس در این که آنها در تفلیس مشغول باشند.	۹۴	س ۱۲۷۹/۱۰/ک/۴پ
۴۰	تعیین حسامالدوله برادر مرحوم معتمدالدوله برای تهنیت و تبریک ورود قران دوک جانشین قفقاز به تفلیس.	۹۶	س ۱۲۷۹/۱۰/ک/۴پ
۴۱	ایجاد خشنودی باطنی در جانشین قفقاز جهت رفع اختلافات سرحدی، مأموریت پاشاخان شجاع الملک جهت تهنیت ورود جانشین به اتفاق عدهای صاحب منصب، سیم تلگراف از تفلیس تا روس و سایر امور سیاسی.	۹۹	س ۱۲۸۰/۱۰/ک/۱۶پ
۴۲	گرفتن لنگه رعیت روس توسط قراولان گیلانی در ارتباط با ترکمانان و دریا بیگیان، تهدید سفارت روس و خواستار شدن تنبیه مرتکبین.	۱۰۲	س ۱۲۸۰/۱۰/ک/۱۵پ
۴۳	بلیت دادن کارگزاران بحری دولت روس به رعایای دولت ایران و اعتراض شدید اللحن دولت ایران و سایر امور در ارتباط با کارگزاران روس در ایران و ترکمانان و دریا.	۱۰۷	س ۱۲۸۰/۱۰/ک/۱۵پ
۴۴	مطالبه وجه از ترکمانان رعایای ایران و حبس کردن آنها از طرف کارگزار روس و اعتراض دولت ایران.	۱۱۲	س ۱۲۸۰/۱۰/ک/۱۵پ
۴۵	اقدامات نامطلوب مأمور روسیه در ارتباط با ترکمانان.	۱۱۴	س ۱۲۸۰/۱۰/ک/۱۵پ



شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۲۶	شکایت تجار روس از اجساد و تعدی مباشرین گمرکخانه در مشهدسر و کناره مرداب جز و تهدید وزیر مختار روس در این رابطه.	۱۱۷	س ۱۲۸۰/ک ۱۰/پ ۱۵
۲۷	درخواست ناصرالدین شاه از امپراطور روس مبنی بر مخفی داشتن عهدنامه بین دو کشور و موافقت امپراطور.	۱۲۰	س ۱۲۵۲/ک ۳/پ ۹
۲۸	عزیمت سه هزار شاهسون به مغان (خاک روس) و اعزام مصطفی قلی خان میربنجه به سرحد جهت مذاکره با مأمورین سرحدی روس برای بازگشت شاهسون طبق موافقت سفارت روس و تنبیه سرحدداران سهل انگار.	۱۲۲	س ۱۲۶۸/ک ۶/پ ۳۵
۲۹	سه تلگراف شامل خبر درگذشت ولیعهد روس از طرف قونسول ایران در تغلیس، تلگراف تسلیت ناصرالدین شاه به امپراطور و پاسخ آن از طرف امپراطور.	۱۲۶	س ۱۲۸۲/ک ۱۱/پ ۲۹
۵۰	اطمینان دادن امپراطور روسیه به ناصرالدین شاه از امنیت اندرونی در ارتباط با سفری که در پیش است.	۱۲۸	س ۱۲۸۲/ک ۱۱/پ ۲۹
۵۱	تعیین وقت ملاقات وزیر مختار روس با شاه.	۱۳۱	س ۱۲۸۲/ک ۱۱/پ ۲۹
۵۲	طلب نیمة روس از خوانین کلهر و کوران کرمانشاهان.	۱۳۳	س ۱۲۸۲/ک ۱۱/پ ۲۹
۵۳	اظهار تلافی جانشین قفقاز با قونسول ایران در حضور قونسول عثمانی و بی‌اعتنایی به قونسول عثمانی و غیره.	۱۳۵	س ۱۲۸۲/ک ۱۱/پ ۲۹
۵۴	سفر ناصرالدین شاه به فرح آباد مازندران سرحدات دریایی روس و موافقت امپراطور با آن سفر.	۱۳۸	س ۱۲۸۲/ک ۱۱/پ ۲۹
۵۵	اختلاف اولیای ایران با وزیر مختار روس درباره پسران میرزا داودخان و تهدید بر مقابله به مثل از سوی وزیر مختار.	۱۴۰	س ۱۲۸۲/ک ۱۱/پ ۲۹
۵۶	تبریک تولد ناصرالدین شاه از طرف وزیر مختار روس.	۱۴۲	س ۱۲۸۲/ک ۱۱/پ ۲۹
۵۷	امور تجاری روس در ارتباط با گمرک.	۱۴۳	س ۱۲۸۲/ک ۱۱/پ ۲۹

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۵۸	عدم صدور اجازه رفتن وزیر خارجه به مهمانی سفارت روس به جهت ایام محرم از طرف ناصرالدین شاه.	۱۲۴	س ۱۲۸۲/ک ۱۱/پ ۲۹
۵۹	ادعای حاجی جلیل از نواب مؤیدالدوله در ارتباط با وزیر مختار روس	۱۲۶	س ۱۲۸۲/ک ۱۱/پ ۲۹
۶۰	عزل کارگزار ایران در ارتباط با اولیای دولت روس.	۱۲۷	س ۱۲۸۲/ک ۱۱/پ ۲۹
۶۱	موضوع شرقیایی وزیر مختار روس به حضور ناصرالدین شاه.	۱۲۹	س ۱۲۸۲/ک ۱۱/پ ۲۹
۶۲	برنامه بازدید ناصرالدین شاه از کشتیهای روسی در بندر فرح آباد.	۱۵۰	س ۱۲۹۰/ک ۱۴/پ ۱۳
۶۳	معرفی وزیر مختار جدید از طرف روس و رضامندی اولیای دولت روس از طرز سلوک و مودت اولیای دولت ایران، مسائل گمرکی بین دو کشور، کشتیهای تجاری و غیره.	۱۵۲	س ۱۲۸۳/ک ۱۲/پ ۹
۶۴	عدم مجوز حمل مسکوکات نقره به خارج به اتباع روس و اعتراض شازردافر روس در این ارتباط.	۱۵۶	س ۱۲۶۸/ک ۶/پ ۳۵
۶۵	گزارش سرحد آذربایجان و مایحتاج آنجا.	۱۵۸	س ۱۲۸۶/ک ۱۳/پ ۱۰
۶۶	دست اندازی ایلات دیزمار و غیره به کلیسای وانک در سرحد.	۱۶۱	س ۱۲۸۶/ک ۱۳/پ ۱۰
۶۷	گزارش سرحدات آذربایجان، از قبیل چاپارخانه سرحد، تکالیف سرحددار، گمرک، وضعیت قراولخانه کنار ارس.	۱۶۳	س ۱۲۸۶/ک ۱۳/پ ۱۰
۶۸	اختلاف دولت ایران و سفارت روس درباره حق داشتن مسکن برای رعسای روس در ارتباط با عهدنامه ترکمانچای.	۱۶۵	س ۱۲۸۶/ک ۱۳/پ ۱۰
۶۹	تشریفات روز ورود مسیو بیکر وزیر مختار جدید دولت بهبه روسیه.	۱۶۷	س ۱۲۸۹/ک ۱۴/پ ۴
۷۰	تشریفات به حضور شاه رفتن مسیو بیکر وزیر مختار جدید روس.	۱۷۰	س ۱۲۸۹/ک ۱۴/پ ۴
۷۱	توافق روس و انگلیس در خصوص حمایت و نگاهداری ایران در حالت خود بدون کسر و نقصان.	۱۷۳	س ۱۲۹۰/ک ۱۴/پ ۱۲
۷۲	موضوع شیخ عبیدالله و گلابه ناصرالدین شاه از امنای روس در حمایت و همراهی با دولت ایران در امر سرحدات و دفع شیخ عبیدالله از طریق اعمال فشار به عثمانی.	۱۷۶	س ۱۲۹۰/ک ۱۴/پ ۸

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۷۳	ایضاً موضوع فوق.	۱۷۹	س ۱۲۹۰/ک ۱۲/پ ۸
۷۴	نحوه بازدید ناصرالدین شاه از کشتیهای روسی در فرج آباد در ارتباط با وزیر مختار روس و انجام تشریفات مخصوص از طرف روس.	۱۸۰	س ۱۲۷۱/ک ۷/پ ۳۳
۷۵	تعرفه مخابراتی که از خاک روسیه به ایران می‌رود در ارتباط با عهدنامه پاریس.	۱۸۳	س ۱۲۷۱/ک ۷/پ ۳۳
۷۶	موضوع الحاق سرخس گفته به روس.	۱۸۵	س ۱۲۵۰/ک ۲/پ ۱۲
۷۷	تاخت و تاز شیخ عبداللّه در سرحد و انتظار ناصرالدین شاه از امپراطور روسیه مبنی بر دفع شیخ مزبور.	۱۸۷	س ۱۲۹۰/ک ۱۲/پ ۱۸
۷۸	توافق روس و انگلیس در مورد تثبیت ایران در وضع موجود.	۱۸۹	س ۱۲۹۰/ک ۱۲/پ ۱۸
۷۹	موضوع ترانزیت تلگراف در ارتباط با خواسته سفارت روس.	۱۹۱	س ۱۲۹۶/ک ۱۶/پ ۳
۸۰	اجاره جمع پوستهای حیوانات (دله و روباه و غیره) از طرف اولیای دولت ایران به کنت منت فرت و اعتراض وزیر مختار روس با این عمل در ارتباط با عهدنامه ترکمان‌چای و تاجار روس.	۱۹۳	س ۱۲۹۷/ک ۱۶/پ ۱۲
۸۱	سلب اختیار سپهسالار از شیلات در ارتباط با روسها.	۱۹۵	س ۱۲۹۷/ک ۱۶/پ ۱۲
۸۲	ایضاً موضوع فوق.	۱۹۸	س ۱۲۹۷/ک ۱۶/پ ۱۲
۸۳	ایضاً موضوع فوق.	۲۰۰	س ۱۲۹۷/ک ۱۶/پ ۱۲
۸۴	سواد دستورالعمل حاجی شاه محمدخان در ارتباط با نظم و استحکام سرحدات خراسان و آسایش و رفاه سکنه آن حدود.	۲۰۲	س ۱۲۹۹/ک ۱۷/پ ۴
۸۵	انتشار موضوع قرارداد سرحدیه جدید بین ایران و روس توسط روزنامه‌های روسیه و خواسته ناصرالدین شاه مبنی بر لزوم تکذیب این خبر در روزنامه‌های روسیه.	۲۰۵	س ۱۲۹۹/ک ۱۷/پ ۱۰
۸۶	سرحدات مغان در ارتباط با شاهسون.	۲۰۷	س ۱۲۹۹/ک ۱۷/پ ۴

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۸۷	موجب صاحب منصبان نظامی روس.	۲۱۰	س ۱۲۹۹/ک ۱۷/پ ۴
۸۸	لزوم تعیین حدود قطور از طرف عثمانی در ارتباط با امپراطور روس.	۲۱۱	س ۱۲۹۹/ک ۱۷/پ ۱۰
۸۹	قرارداد شیلات بین دولت ایران و لیانازوف تبعه روس.	۲۱۳	س ۱۳۰۰/ک ۱۷/پ ۲۵
۹۰	اعزام مأمورین دول روس و ایران به سرحد جهت تعیین خط سرحدی در ارتباط با فصل دوم عهدنامه ۱۲۹۹.	۲۱۸	س ۱۳۰۰/ک ۱۷/پ ۱۶
۹۱	دستورالعمل در مورد ورود و خروج کشتیهای روسی در آبهای ایران.	۲۲۱	س ۱۲۵۰/ک ۲/پ ۱۴
۹۲	معرفی مأمورین سرحدی با ذکر نام و منصب به سفارت روس از طرف ایران جهت تعیین خط سرحدی و علامت گذاری آن در ارتباط با فصل دوم عهدنامه ۱۲۹۹.	۲۲۲	س ۱۳۰۰/ک ۱۷/پ ۲۶
۹۳	امور سیاسی در ارتباط با وزیر مختار روس.	۲۲۵	س ۱۳۰۰/ک ۱۷/پ ۲۶
۹۴	لزوم ترجمه کتاب آبی (بلو بوک به دستور ناصرالدین شاه) و اظهار ناصرالدین شاه مبنی بر عدم امکان گذشتن از خاک سرخس.	۲۲۶	س ۱۲۵۰/ک ۲/پ ۱۲
۹۵	دستورالعمل تعیین زمین و آب در میان اهالی سرحدیه دره جز و کلات بین ایران و روسیه.	۲۲۸	س ۱۳۰۱/ک ۱۸/پ ۱۲
۹۶	قرارداد آب اتک و تعیین زمین در میان اهالی سرحدیه دره جز و کلات و اهالی اتک.	۲۳۱	
۹۷	موضوع طلب لیانازوف تبعه روس، مستأجر شیلات دولت ایران از خوانین طالش بابت صید ماهی حلال.	۲۳۷	س ۱۳۰۲/ک ۱۸/پ ۱۸
۹۸	اعتراض وزارت خارجه به سفارت روس در رابطه با اقدام اتباع روس به خرید خانه در خراسان برخلاف فصل پنجم عهدنامه تجاری ترکمان‌چای.	۲۳۹	س ۱۳۰۲/ک ۱۸/پ ۸
۹۹	پاسخ اعتراض فوق از سوی وزیر مختار روس.	۲۴۰	س ۱۳۰۲/ک ۱۸/پ ۸
۱۰۰	درگیری شاهسونها با قزاقهای روس در سرحد اردبیل و دستور ناصرالدین شاه در این رابطه.	۲۴۲	س ۱۳۰۳/ک ۱۸/پ ۲۶

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۱۰۱	شکایت وزیر مختار روس از کارگزار خارجه آذربایجان در ارتباط با اتباع روس.	۲۴۳	س ۱۳۰۳/ک ۱۸/پ ۲۶
۱۰۲	ادعای خسارت تبعه دولت روس در ارتباط با خرید و فروش نفت.	۲۴۵	س ۱۳۰۳/ک ۱۸/پ ۲۶
۱۰۳	اعلام خطر شازردافر انگلیس در مورد تردد قشون روس در سرحد خراسان.	۲۴۷	س ۱۳۰۳/ک ۱۸/پ ۲۶
۱۰۴	شروطی را که وزیر مختار روس ارائه داده در اموری از قبیل آزادی مرداب انزلی، آزادی سفید رود، ساختن راه آهن در خاک ایران و امثالهم در ارتباط با دولت روسیه.	۲۴۸	س ۱۳۰۳/ک ۷/پ ۲۶
۱۰۵	التزام ناصرالدین شاه در مورد واگذاری امتیاز ساختن راههای آبی، شوسه و راه آهن به کمپانیهای روسی.	۲۵۰	س ۱۳۰۶/ک ۲۰/پ ۹
۱۰۶	درخواست واگذاری اجازه صیادی رود ارس به تبعه روس.	۲۵۲	س ۱۳۰۶/ک ۲۰/پ ۹
۱۰۷	نامه تاجریانی روس و درخواست اجازه صیادی ارس.	۲۵۲	س ۱۳۰۶/ک ۲۰/پ ۹
۱۰۸	رفت و آمد کشنی به مرداب انزلی و رودخانهها در ارتباط با تجار روس.	۲۵۶	س ۱۳۰۶/ک ۲۰/پ ۹
۱۰۹	تغییر در قرارداد ساختن راه آهن ایران و روس با دستخط ناصرالدین شاه.	۲۵۸	س ۱۳۰۰/ک ۱۷/پ ۲۳
۱۱۰	موضوع قرارداد در باب کشیدن سیم تلگراف فیما بین سرخس روس و سرخس ایران.	۲۶۰	س ۱۳۰۸/ک ۲۱/پ ۶
۱۱۱	تغییر شرایط قرارداد راه آهن از طرف روسیه در ایران با امضای وزیر مختار روسیه و وزیر اعظم.	۲۶۱	س ۱۳۰۸/ک ۲۱/پ ۱
۱۱۲	اقدامات دو نفر تبعه ایران جهت داخل شدن به تبعه روس و دستور ناصرالدین شاه بر دستگیری آنها.	۲۶۳	س ۱۳۰۸/ک ۲۱/پ ۶

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۱۱۳	موضوع قرار نامه تلگرافی بین ایران و روس.	۲۶۶	س ۱۳۰۸/ک ۲۱/پ ۶
۱۱۴	قرارنامه خط تلگراف میانه سرحد سرخس دولین ایران و روس.	۲۶۷	س ۱۳۰۸/ک ۲۱/پ ۶
۱۱۵	الحاق مادهای به عهدنامه تلگرافی ایران و روس.	۲۶۹	س ۱۳۰۸/ک ۲۱/پ ۶
۱۱۶	تقاضای سفارت روس مبنی بر لزوم تجدید قرارنامه سیم تلگرافی از چکشلر تا استرآباد و حذف محدودیت زمانی آن.	۲۷۰	س ۱۳۰۸/ک ۲۱/پ ۶
۱۱۷	تجدید تلگراف چکشلر توسط روسها و تأکید بر عدم مداخله روسها از طرف ناصرالدین شاه.	۲۷۱	س ۱۳۰۸/ک ۲۱/پ ۶
۱۱۸	تقاضای پرداخت مخارج راه کلنل شنه اور مأمور فرماندهی بریگاد سواره قزاق.	۲۷۳	س ۱۳۱۱/ک ۲۳/پ ۱۰
۱۱۹	اعلان بانک استقراضی.	۲۷۵	س ۱۳۱۱/ک ۲۳/پ ۱۶
۱۲۰	راجع به اعلان بانک استقراضی مبنی بر تنزیل یک تومان در هر ماه یک شاهی جهت آسایش فقرا.	۲۷۵	س ۱۳۱۱/ک ۲۳/پ ۱۶
۱۲۱	خراج دو کیسه مسکوکات میرزا محمود مستوفی توسط بانک رهنی.	۲۷۷	س ۱۳۱۱/ک ۲۳/پ ۱۶
۱۲۲	موضوع مخارج راه (رفت و برگشت) قزاقان روسی.	۲۷۹	س ۱۳۱۱/ک ۲۳/پ ۱۰
۱۲۳	قرارنامه واگذاری اختیار جنگلهای دولت علیه ایران از آستارا تا استرآباد به تبعه دولت روس.	۲۸۱	س ۱۳۱۲/ک ۲۵/پ ۱۵
۱۲۴	مذاکره با وزیر خارجه روسیه در باب تعیین سرحد مغان.	۲۸۵	س ۱۳۱۳/ک ۲۶/پ ۲

## اسناد بخش اول

سند شماره ۱

اسیواننامه وزیر مختار روس به میرزاتقی خان امیرکبیر

صدراعظم<sup>۱</sup>

[ ۲۶ رمضان ۱۲۶۷ ]

جناب جلالت و نبالت نصابا،

فخامت و مناعت اکتسابا، محبان نوازا، دوستان استظهارا، مشفقاً، معظماً

دوستدار به خدمت اولیای دولت بهیه روسیه معروض داشت، رفتاری را که نزد امنای دولت علیه ایران، بعد از حمله جدید که از تراکمه برسر سفاین دولت فحیمه روسیه متوقف جزیره عاشوراده واقع شده معمول داشته است، این با تغیر زیاد بود که اعلیحضرت امپراطوری اطلاع هم رساند در یک وقت، از این یورش قطاع الطریق بحر خزر و از مشارکت حربناک که حاکم مازندران به این عمل قبیح نهب و راهزنی بحری می داشته، و نیز از حمایت آشکار که شاهزاده معظم الیه از مرتکبین عمده این کار به عمل آورده است، قطع نظر از قواعدی که عموماً مجری می باشد در باب حق فیما بین ملل ها، و روا می دارد که در کمال شدت مذمت بکنند، چنین عمل واضح

۱ به نظر می رسد که سند از روسی به فارسی ترجمه شده و ترجمه آن با اشکالاتی همراه است که بهتر است مطالعه کنندگان گرامی با دقت بیشتری مطالعه کنند.

خصوصیت انگیز را، که بدون هیچ نوع سبقت، نسبت به دولت دوست و متحد وقوع یافته، و با وجود دلایل کثیره، اهتمام همثان که اعلیحضرت امپراطوری به اعلیحضرت ناصرالدین شاهی داده‌اند و با وصف اطمینان از امتنان و خیرخواهی که اعلیحضرت پادشاهی به کرات به دوستدار بالمشافه‌العلیه‌العالیه فرموده‌اند و با مراده دوستی و وداد که فیما بین دولتین قوی شوکتین برقرار است روی داده است، اعلیحضرت امپراطوری محق بودند که از جانب اولیای دولت علیه ایران سلوکی بکلی مخالف رفتاری که حاکم مازندران مرتکب شدند مترقب باشند. چون اعلیحضرت امپراطوری زیاد متأثرند از ملاحظه اعتماد قلیل که به اطمینانات اولیای دولت ایران می‌توان داشت، گفتاری که دوستدار در این باب به توسط عالی‌جاه مجدث همراه، موسی‌غراف مترجم اول سفارت دولت بیهی روسیه، به آن جناب اظهار داشت مستحسن فرمودند، تدبیراتی که آن جناب در آن وقت قرارداد داده بودند، موافق اظهارات حسابی دوستدار، دلالت می‌کند که آن جناب معنی کلی سلوک نواب مهدی قلی میرزا را، دریافت فرمودند و همچنین سنجیده‌اند درجه عمده نسبتها که وارد می‌آورد به گردن نواب معظم‌الیه، اعمالی را که به او اسناد می‌دهند.

اولیای دولت فخیمه روسیه این اقرار را قبول می‌نمایند و هر چند راضی می‌باشند از امنای دولت ایران که به این عجله اعلام مذکور را به دوستدار اطلاع داده‌اند، ولی اعلیحضرت امپراطوری، این طور ترضیه که امنای دولت ایران می‌خواستند به این واسطه بدهند کافی نمی‌دانند، و بلکه بکلی غیرمتناسب و به درجه عمده رنجش است که این ترضیه باید تلافی آن نموده باشد. ملاحظه می‌نمایند اعلیحضرت امپراطوری خوش دارند باور نمایند، که نواب مهدی قلی میرزا که این نوع سلوک را مرعی داشته است، فقط به الهام عدم حقانیت شخصی خود متابعت نموده است، نه از روی دستورالعمل اولیای دولت ایران، اما بعد از اعمالی که او مقصر آمده است، باقی ماندن او بر سر حکومتی که در آن به این طور قبیح به وظایف خود خیانت کرده است، به هیچ وجه مناسب ندارد. چنانچه اولیای دولت ایران او را بر همان شغل برقرار بگذارند، اولیای دولت ایران معایبی که بر گردن نواب معظم‌الیه وارد می‌آید بر عهده خود خواهند گرفت.

بناء علیه اعلیحضرت امپراطوری، دوستدار را مأمور فرمودند، که از اولیای دولت علیه ایران، بلادرنگ، عزل حاکم مازندران را مطالبه نماید، و بجای او حاکم تعیین شود که سلوک سابقه و طبیعت شخصی او بتواند، ضمانت کافی بدهد، که این گونه حادثه من بعد روی ندهد، احکامی که دوستدار الآن مأمور است از عهده آنها نزد آن جناب برآید، بطوری عمده است که آئی نمی‌تواند تردیدی داشته باشد، که بعد از آن که امنای دولت علیه ایران، از تاثیر دل‌سوز که به سبب این عمل دشمنی، از برای اعلیحضرت امپراطوری حاصل شده است، اطلاع به هم رسانیده، در صدد آن خواهند برآمد، که این مطالبه حسابی را به عمل آورند، با تعجیلی که فقط می‌تواند اثر ناگوار این حادثه کدورت انگیز را کمتر نماید. چون لازم بود زحمت افزا گشت.

تحریراً فی ۲۶ شهر رمضان سنه ۱۲۶۷

[سج مهر پشت سند] : کنیاز دولغاروکی وزیرمختار

دولت علیه روسیه

[متن دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه]:

اولاً امری که یک ماه، دوماه قبل از این به همان ترضیه‌هایی که در این باب بنا به خواهش خود وزیر مختار، که وکیل دولت خود است، داده شد و گذشت و بالمره خوابید و تمام شد و قطع گفتگو از طرفین شد. دوباره حالا در مقام تذکار و اصرار و ترضیه جدید به این بزرگی و عمدگی برآمدن، خلاف اصول و قانون جمیع دولتها و ملتهاست. ثانیاً اسرائی که از روس، ترکمان که ایل جمعربای باشد، در آن وقت برد از کجا و به چه سند معتبر.

واضح و مبرهن است که مهدی قلی میرزایی اذن شاه و امنای دولت به چنین امر بزرگی که عبارت از تحریک ترکمان به این عمل است برآمده باشد. فی نفسه چه دشمنی و عداوت و سابقه شخصی او با دولت روس

داشته است، و از این گذشته صد نفر اسیر جدیدی، که به تازگی در اف<sup>۱۰</sup> و چرکس، طایفه ترکمانیه از روس برده است، این هم تحریک مهدی قلی میرزا است.

پس معلوم می شود که طایفه ترکمانیه کلاً از این که روس راه نفت و نمک را بر روی آنها بسته، و از این سبب کساد زیاد در معامله و تجارت آنها به هم رسیده، و گرفتن کشتیهای آنها و اذیت رساندن به آنها از این جهات، عداوت با روسیه کرده در مقام این هرزگیها برمی آیند.

ناچاراً پنجاه هزار تومان خرج می کنیم و ده هزار قشون را به مرارت و خوارتنی<sup>۱۱</sup> می اندازیم بر سر طایفه جعفریای که اسیر روس برده است، مامور می کنیم و اسرای روس را به ضرب سر نیزه پس می گیریم و با آنها جنگ و جدل می کنیم و می خواهیم بالمره ریشه آنها را بکنیم. پس این همه زحمتها و خوارتنیها دوستی دولت روس نیست.

با این همه یک جهتی و دوستی، امپراطور هرگز نباید راضی باشد که یک ده از ایران در حالت اغتشاش باشد، تا چه رسد به مملکتی معظم مثل مازندران، که البته از برداشتن مهدی قلی میرزا با این حالت، فتور<sup>۱۲</sup> و<sup>۱۳</sup> و تصور کلی در ارکان آن به هم خواهد<sup>۱۴</sup> رسید.

[ متن دستخط پشت سند ]: جناب جلالت و نبالت نصاب، کفایت و کفالت اکتساب، سبحان استظهاری، میرزاتقی خان امیرکبیر با احتشام ملاحظه فرمایند.

۱۰ کلمه «اف» در اصل افتادگی دارد.

۱۱ اصل: خارتنی

۱۲ اصل: فطور

۱۳ اصل: خواهد

[ دستخط دیگری ]: سواد نوشته وزیر مختار روس به مرحوم میرزاتقی خان جهت عزل نواب مهدی قلی میرزا که عنوان آن به دستخط مبارک مزین است.

تبرستان

www.tabarestan.info

سند شماره ۲

[ نامه وزیراعظم دولت روسیه به وزیر خارجه ایران ]

[ صفر ۱۲۶۸ ]

ترجمه از روسی

عالی‌جاه رفیع جایگاه، وزیر

امور خارجه اعلیحضرت شاه، میرزا محمدعلی خان دوست محترماً، دام‌اجلاله

دوستدار به وصول نامه آن عالی‌جاه که به صحابت میرزا عباس، ارسال شده بود مشرف شده، ضمناً اخبار نموده بودند، که اعلیحضرت شاه آن عالی‌جاه را به منصب بلند و رتبه ارجمند وزارت امور خارجه نصب و سرافراز فرموده‌اند. از ظهور آن چنان برهان بهجت نشان اشفاقات شهریاری و اعتمادات خسروی، در حق آن عالی‌جاه با کمال بهجت و خوشنودی اطلاعی به حصول آمد، و به آن عالی‌جاه در مذاکره و معامله بودن خوش‌تر از آن دوستدار<sup>۱</sup> را خوشنودی باشد که چنانکه شبهه نمی‌دارد، فرصتی خواهد داشت، تا آن عالی‌جاه را به صدق نیت و خلوص طوئیت خود در استحکام مبانی دوستی و مصافقات فیما بین دولتین معتقد دارد، که چندان که از دوستدار متعلق است، سعی خواهد معمول داشت. اکنون که این نیکو فرصت را غنیمت داشت، به اظهار کمال ارادت

و احترام خود نسبت به آن عالی‌جاه مبادرت رفت.

تحریراً فی دارالسلطنه پطرزبورغ

نوزدهم ماه نوپایر سنه ۱۸۵۱

وزیر اعظم دولت علیه‌غراف نسلرود

[ متن دستخط پشت سند ] : غراف نسلرود وزیر اعظم روس به میرزا محمدعلی‌خان

وزیر امور خارجه، در جواب کاغذ او که مشعر بر اعلام

مایل شدن او به منصب وزارت خارجه بود. مورخه ۱۹

ماه نوامبر سنه ۱۸۵۰

### سند شماره ۳

[ نامه وزیر اعظم روسیه به صدراعظم ایران (امیرکبیر) ]

عالی‌جاه رفیع جایگاه وزیر اول

اعلیحضرت شاه، امیرنظام میرزا تقی خان، دوست محترماً

دوستدار<sup>۱</sup> لازمه خود می‌شمارد تا آن عالی‌جاه را مطلع سازد، که نامه اعلیحضرت

شاه را که به صحابت میرزا عباس ارسال شده بود به حضور جهان پناهی‌ام امپراطور

عرض نمودم، و از آنجا که میرزا عباس هنگام گذر خود در مسکو بیما [ ر ] شده بود، به

مرور آن مدت لازمه طبابت در معالجه مشارالیه معمول افتاده، از آن رو رسیدنش به پطرزبورغ در عقده تعویق مانده بود. اکنون که صحت کامل حاصل داشت، با نامه پادشاه و امپراطور در جواب به همایون هم عهد ایشان مراجعت به ایران می‌نمود، فرصت را مغتنم شمرده، در ازای<sup>۲</sup> آن همه ظهور دوستی و محبت نسبت به دوستدار، که متضمن نامه دوستانه بود، به اظهار صدق اعتراف خود پرداخت، که الحق موافق به مکتوبات عالی‌جاه خالصانه دوستدار آمده آن را عزیز داشته و قدر دانسته.

بنا بر لازمه صدق مصافات نمی‌توانم از آن عالی‌جاه پوشیده داشت، حیف درونی را، که در بعضی جهات و اتفاقات که سفارت روسیه به وزارت ایران اظهار مهماتی نموده است، حرکات و رفتار اولیای آن سامان به نحوی سوء قصدی بروز می‌دادند، که می‌توانست به معامله دوستانه فیما بین دولتین اثر بد و نتیجه نامرضیه ببخشد.

اگر سلطنت پناهی‌ام امپراطور، در دوستی شاه نسبت به خود خاطر جمعی نداشتند، یقین نمی‌فرمودند که باعثان آن گونه عمل، البته بر خلاف عزم پادشاه خود بوده‌اند، یا حقیقت احوال را از او مخفی داشته‌اند و یا صورت این ور را بر عکس آن معروض می‌دارند. و از آن جمله پادشاه و امپراطور به نهایت تعجب در نامه شاه مطالعه فرمودند که به عرض شاه رسانیده‌اند، که گویا سالدات نو از عساکر روسیه به جزیره عاشوراده وارد شده است. و حال آن که از طرف روس حتی یک نفری ارسال آن سو نگردیده است.

حالا دوستدار در آن خصوص خاطر نشان آن عالی‌جاه می‌نماید، که هرچه تمام‌تر به تأکید بلیغ التفات به تحقیق و تفحص اخبارات معروضه مردمان بدخواه نموده، معلوم نمایند که غرض ایشان آشکارا بر اختلال وفق و مصافات دو دولت مقصور می‌باشد. مجملاً، دوستدار تفصیل بیان احوالات را تا به ورود ایلچی ایران فرو می‌گذارد، و اگر چه اظهار این مطلب زیاده است، اما یقین آن عالی‌جاه بوده باشد، که ایلچی ایران چون به دربار همایون اعلا رسد، به خوشنودی تمام مظهر قبول عزّ و احترام خواهد شد.

چنانکه سفیر دولت هم عهد و میثاق و دوستی و وفاق را حق آن باشد که منتظر باشد. وزیراعظم دولت علیه غراف نسلرود  
تحریراً فی دارالسلطنه پترزبورغ  
۱۹ ماه نوامبر سنه ۱۸۵۱ مسیحیه

[ متن دستخط پشت سند ]: غراف نسلرود به میرزاتقی خان امیر [کبیر]  
بواسطه میرزا عباس مشعر به شکایات  
سفارت روس مقیم تهران نوشته است،  
من ۱۹ نوامبر ۱۸۵۱

#### سند شماره ۴

[ حاشیه نامه ]: چهارم اکتبر سنه [۱۸۵۲]

[ برابر ]: غره محرم سنه ۱۲۶۹

#### ترجمه شرحی است که جناب وزیر مختار دولت بهیه روسیه به جناب صدراعظم [میرزا آقاخان نوری] نوشته‌اند

از قرار شرحی که به واضع این دستخط وزیر مختار اعلیحضرت امپراطوری، از جناب قونسول دولت فخمیه روسیه مقیم رشت، رسیده است، و به نظر امنای دولت بهیه خواهد رسید. کارگزاران انزلی اعلام داشته‌اند، که بر طبق احکام دولت خودشان، و موافق دستورالعمل والی گیلان، ایشان نمی‌توانند گذارند که کشتی آتشی تجارتنی روس، متعلق به تجار کمپانیای مسکو که بارش مال التجاره است، به آزادی داخل مرداب انزلی

شود، به غیر از این، از برای مزید حیرت سرحداران به عالی‌جاه ایوانفسکی صاحب، اطلاع داده‌اند که به آنها رسماً حکم شده است، که بواسطه جمیع تدابیر امکان پذیر در این باب ممانعت نمایند. این با اکراه زیادی است که واضع این دستخط باید به ملاحظه عیضه جناب میرزا آقاخان صدراعظم اعلیحضرت پادشاهی در آورد. این گفتار تهدیدآمیز مباشرین زیر دست دولت ایران را، چون واضع این دستخط آرزوی صدیق دارد که در این باب فقط نتیجه خطی مشاهده ننماید، خود را بدون دلایل کافی مآذون نخواهد دانست، باور کند که این نوع اعلام که به این طریق اقرب متعلق است، به مراسم خصومت آشکار نسبت به دولت بهیه روسیه، هیچ وقت توانست اظهار اراده سنیه بوده باشد.

واضع این دستخط زیاد متقاعد است، از میلی که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاهی در هر فرصت خواهند داشت، که رابطه حسن اتحاد و صلح فیما بین مملکتین حفظ نمایند، تا که این قسم از احتمال رنجش آمیز را قبول نماید.

به نظر واضع این دستخط می‌آید، که اولیای دولت ایران به قدر کفایت از فصول عهدنامهجات مستحضرند، و زیاد وظیفه خود می‌دانند که آنها را حفظ نمایند، تا که این گونه مقابله از جانب کارگزاران زیر دست این دولت خودشان متحمل شوند. در کمال نادانی خود مباشرین بلکه خبر ندارند که قطع نظر از عهدنامهجات، قدغنی که سفاین خواه عسکریه، خواه تجارتنی به بندر دولت دوست و همجوار داخل نشود رنجشی است، عمده و تدبیری است که فقط در حین جنگ جایز می‌دانند. و گذشته از این که این تدبیر نقض آشکار عهدنامه مقرر است، بلاواسطه خللی می‌رساند، به حقی که فیما بین ملل مجری است، که طالب شیوه منوره خود، که سیویلزاسیان<sup>۱</sup> می‌نامند می‌باشد.

مباشرین زیر دست ایران، که این طور انحراف از قواعدی که عموماً معمول است، جایز می‌دانند بلکه خبری ندارند، به نحوی که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاهی بواسطه اعلامات سابقه باید اطلاع داشته باشند، که دولت فخمیه روسیه، در هیچ وقت



آن را نخواهد گذارد و متحمل نخواهد شد.

خلاصه واضح این دستخط مطالبه می‌نماید، که به اشخاصی که جرأت<sup>۵</sup> نموده اسم دولت خودشان را بکار بردند، از برای این نوع مکالمه خصومت انگیز و غیرموجه، به وسعت، اطلاعی داده شود، از وظایف خود و از ضرورت الزم که حسن مرادده فیما بین دولتین را که بواسطه مراسم دوستی و همجواریت صلح آمیز می‌خواند حفظ نمایند.

#### سند شماره ۵

#### [پاسخ نامهٔ صدراعظم به وزیرمختار روسیه]

[محرّم ۱۲۶۹]

جناب جلالت و نبالت نصابا،

کفالت و کفایت انتسابا، محبان استظهارا، مشفقاً، مکروما

کاخذ آن جناب، مورخه فراه شهر محرم الحرام سنه ۱۲۶۹ رسید. قلمی داشته بودند که سرحدداران انزلی اعلام به عالی‌جاه فطانت همراه، موسیو ایوانفسکی قونسول دولت بهیه روسیه مقیم رشت نموده‌اند، که نمی‌توانند گذارند، که کشتی تجارتمی آن دولت بهیه به آزادی به مرداب انزلی داخل شود. چون کشتیهای تجارتمی آن دولت، سابق بادی بود، و کشتی آتشی تجارتمی در بحر خزر تازه ایجاد شده است، اگر منعی کرده‌اند، به گمان این بوده است که کشتی مزبور از کشتیهای جنگی است؛ که چنانچه در مراسلهٔ مورخه ۲۵ شهر رمضان سنه ۱۲۶۸ به آن جناب نگارش رفته است، موافق عهدنامه حق آنهاهمین سیر در بحر خزر است و بس. حالاکه آن جناب بالصراحه نوشته‌اند که کشتی

مزبور تجارتمی است، به کارگزاران گیلان اعلام خواهد شد، که موافق قاعده متداوله که با کشتیهای تجارتمی آن دولت رفتار می‌کنند، با این کشتی نیز عمل نمایند. و چون کمی آتشی در این مدت آمد و رفت در مرداب انزلی نداشته، و در نظر خلق آن صفحات تازگی دارد، به جهت رفع بعضی تصورات عوام کالانعام آن ولایت، توقع می‌رود، که آن جناب فراری بدهند که کشتی مزبور هر دفعه که می‌آید بقدر ضرورت مکث نماید. اسباب تماشا و بیکاری مردم و باعث شهرتهای مرارت افزا نشود. چون لازم بود در مقام زحمت برآمد.

حرر فی ۲۹ شهر محرم سنه ۱۲۶۹

[در حاشیه:] صحیح است

#### سند شماره ۶

۱۸ اکتوبر سنه ۱۸۵۲

۱۵ محرم الحرام سنه ۱۲۶۹

#### ترجمهٔ شرحی است که جناب وزیر مختار به جناب میرزا آقاخان صدر اعظم نوشته‌اند

واضح این دستخط، وزیر مختار دولت بهیهٔ روسیه در جوف این رسیده، شرحی که از موسی اینچکوف رسیده است می‌گذارد، و در ضمن آن جنرال قونسول اظهار داشته، که از ماه یون قریب پنج ماه بوده باشد، نتوانسته است، از جانب نواب حمزه میرزا هیچ جوابی حاصل نماید، در باب علامتهائی که باید گذارده شود برقطعه زمینی که انحراف

جریان رودخانه ارس جدا نموده است، از سرحدات روسیه، که برطبق عهدنامه به جریان این رودخانه معین شده است.

چون این مقدمه متعلق است به فواید عمده، از برای اولیای دولت بهیه روسیه، واضح این دستخط، از جناب میرزا آقاخان صدراعظم اعلیحضرت پادشاهی، متوقع است که سلوک بدخواهانه صاحب اختیار آذربایجان را، نسبت به کارگزاران اعلیحضرت امپراطوری رفع نمایند. و حکم بفرمایند که علامات مزبوره بلادرنگ در طول سرحدات مجدداً بجای خود گذارده شوند.

#### سند شماره ۷<sup>۱۰</sup>

بیست و هشتم ژانویه سنه ۱۸۵۳  
مطابق سلخ ربیع الثانی سنه ۱۲۶۹

#### ترجمه شرحی است که جناب وزیرمختار دولت روس به جناب صدراعظم دولت ایران نوشته‌اند

به واضح این دستخط وزیر مختار روس، مراسله‌ای که جناب جلالت مآب میرزاآقا خان، صدراعظم اعلیحضرت پادشاهی به تاریخ ۲۴ شهر ربیع الثانی نوشته بود رسید. و لازم می‌داند که به ملاحظه آن جناب برساند، عبارات شرح مزبوره را، که به نظر او چنین

<sup>۱۰</sup> سند شماره ۷ و اسناد شماره‌های ۱، ۳۶، ۷۶ و ۹۴ این مجموعه قبلاً در کتاب دیگری با مشخصات ذیل به چاپ رسیده است. رکذ اسنادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی، تهران، ۱۳۷۲، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، صفحات ۱۵۹، ۱۶۵، ۱۷۲، ۲۱۷، ۳۰۱.

آمده است، که [این] جواب را اقتضا می‌نماید:

اگر عهدنامه‌جات، دولت روسیه را، تکلیف می‌نماید که پلیس یعنی کشیک مؤثر و اهتمام آمیز، در کناره‌های بحر خزر به عمل آورند، البته لازم است که اولیای دولت ایران از جانب خود بواسطه احتیاط حکیمانه و عدالت، مساعی مجریان روس را امداد نمایند تا که پلیس مزبوره، از برای مزید رفاه و آسایش ممالک اعلیحضرت پادشاهی معمول شود.

حضور سفاین امپراطوریه، تا به حال، دایماً مصدر خدمات جلیله، از برای اولیای دولت اعلیحضرت پادشاهی شده بود، و هرگز تا الان فرضات مازندران، به این کمال نیک حالتی بهره‌ور نشده بود، مگر از وقتی که در زیر چشم اهتمام آمیز و حمایت انگیز دولت دوست متحد و همجوار دولت ایران می‌باشد.

اگر واضح این دستخط خود را معاف می‌دارد که افعال واقعه را بخاطر بی‌اورد که عندالضروره می‌تواند مایه تقویت این کلمات باشد، باعث آن این است، که متقاعد است که اولیای دولت ایران، از آن اعمال بی‌خبر نیستند، و ابدأ توانستند خیال آن داشته باشند که در مقام ایراد و بحث، نتایج صلاح‌آمیز آنها را برآیند.

جناب میرزاآقاخان، که به این جهت نمی‌توانند اعتراف نمایند که بلیت‌ها، که عالی‌جاه بزرگ سفاین امپراطوریه می‌دهد لاگریز است، از برای حفظ نظم و امنیت کناره‌های بحر خزر، اما در شرح خود ظاهراً می‌خواهد به عالی‌جاه دریا بیگی استناد بدهد، که او این حق را از برای نقصان دولت ایران معمول دارد. ملت تراکمه ملتی نیست که به محافظت نظم و نسق معتاد باشند، وحشی و طالب صلاح خود به اشکال متحمل می‌شود، بی‌عدالتیهای کارگزاران ظالم را.

از قرار عریضه جدید که به واضح این دستخط، از جانب عالی‌جاه دریا بیگی رسیده است، چنین معلوم می‌شود، که در عوض این که در بلیت‌هایی که، بزرگ سفاین روس می‌دهد ضمانت امنیت را ملاحظه نمایند، کارگزاران مازندران، بواسطه افعال ظلمانه تراکمه‌ای را که در دست آنها بلیت مزبوره می‌باشد، بر این وا می‌دارند که در مقام تعرض برآیند.

اولیای دولت اعلیحضرت پادشاهی باید اطلاع حاصل نمایند که چون تراکمه، در همه اوقات نیم خروار از نفت یا چند پارچه نمک به ملاحظه آنچه که در لنگه‌های خود حمل و نقل می‌کردند می‌دادند، کارگزاران فرضات در این وقت از آنها به جبر رسومات شاقه دریافت می‌نمایند.

در دویم ژانویه، چهارم ربیع‌الثانی، اهالی ایران از یک نفر ترکمان بی‌آزار سی و دو باجاقلو گرفته، پس از آن، با وجود این که بلیت از عالی‌جاه دریایی در دست داشت او را مقتول نمودند. در گلوگاه یک نفر ترکمان را به دست آورده در دهی بردند و عالی‌جاه لطفعلی‌خان در آنجا به فراشهای نواب مصطفی قلی میرزا حکم نمود، که دست و پای او را به تازیانه زدند، و دماغ او را به آهن گداخته داغ نمایند.

این رفتار وحشی معلوم صاحب منصبان سفاین، که به جهت تحقیق این امر، مأمور بوده‌اند، شده است.

عالی‌جاه کاپیتان سونیکین دوستدار را مستحضر ساخته است، که مراتب مسطوره را به اطلاع نواب شاهزاده حکمران مازندران رسانیده است، اما از جانب ایشان فقط جوابهای طفره‌آمیز حاصل نموده است. و که نواب مصطفی قلی میرزا حتی راضی نشده بود که میرزای عالی‌جاه دریایی را که مأمور بعضی عرایض شفاهی بوده است نزد خود راه بدهد.

پس از این همه جناب میرزاآقاخان در شرح خود باز سوال می‌نماید، که بلیتهای عالی‌جاه دریایی چه مصرف دارد. از وقتی که اشخاصی که آن بلیت را در دست دارند باز مرتکب نهب و سرقت می‌شوند. واضح این دستخط این سخن جناب صدراعظم را رد می‌نماید، و از جانب خود نیز جواب می‌گوید، که اگر ترکمانها را عمداً از برای بی‌نظمی و می‌دارند، فی‌الواقع بی‌فایده خواهد بود، دادن تذکره، که محترم نمی‌دارند. واضح این دستخط نیز به جناب میرزاآقاخان مدلل خواهد کرد، غیر «ممکن است»<sup>۱۰</sup> که اسناد اولیای دولت ایران بتواند قبول شود، زیرا که همه تراکمه که به کنار فرضات

پائین می‌آیند، باید قبل از وقت اسلحه خود را بگذارند و در بلیتهای که به دست آنها می‌دهند با دقت به زبان فارسی و روسی نوشته می‌شود، عدد آن تراکمه و محل عزیمت ایشان و مقصود از رفتن ایشان.

چندماه قبل از این سفاین روس یک لنگه سارقین بحری را متعاقب نموده آنها به کناره پائین آمده، اهالی قرانتیه یکی از آنها را دستگیر کرده، نزد نواب شاهزاده مصطفی قلی میرزا آورده، نواب معظم‌الیه در عوض این که از مشارالیه به جهت مرخصی او چند نفر از اسرای ایران را مطالبه نماید، ترجیح بدان داده است، که او را مثل حیوان بارکش به عالی‌جاه لطفعلی‌خان بفروشد.

واضح این دستخط وزیرمختار روس، این مراتب را به اطلاع جناب میرزاآقاخان می‌رساند و آنها را به حکمت و فطانت عالی‌صدراعظم پادشاهی خاطر نشان می‌دارد. بلاشبه ضرورت آشکارا دریافت خواهند فرمود که بی‌عدالتیهای کارگزاران مازندران را رفع نمایند و در عوض این که بدون جهت به بزرگ سفاین امپراطوری که در همه وقت با دقت تکالیف خود را به عمل آورده است، اسناد بدهند به کارگزاران مازندران حکم خواهند نمود، که بلیتهای روس را محترم بدارند و زیاد براحتیاط و انصاف، در حق ترکمه‌ای که بنای صلح دارند به عمل آورند. واضح این دستخط شرف خود می‌داند که به جناب میرزاآقاخان اظهار احترام کلی خود را تکرار نماید.

[سجع مهرسند]: عبده‌الراجی غراف ادایلف<sup>۱۱</sup>

[دستخط دیگری]: ترجمه مطابق اصل است.

## سند شماره ۸

صورت تشریفات جناب فخامت مآب مسیو

اینچکوف وزیرمختار و ایلچی مخصوص دولت بهیه

روسیه که روز شنبه یازدهم شهر محرم الحرام از قریه عباس آباد حرکت کرده با تشریفات متداوله به قرار تفصیل وارد زرگنده می‌شود.

## - مستقبلین

- از جانب سنی الجوانب همایون:

- عمدة الامراء العظام جناب سیف الملک رئیس مستقبلین
- مقرب الخاقان اسکندر خان سر تپ
- عالی جاه محمود خان کلانتر
- کدخدایان محلات
- غلام نظام و غیر نظام یکصد نفر

- از جانب جناب اشرف صدراعظم و جانب وزیر دول خارجه:

- از طرف جناب اشرف صدر اعظم، عالی جاه عبدالحسین خان سرهنگ.
- از طرف جناب وزیر دول خارجه، مقرب الخاقان میرزا عبدالغفار خان

\*\*\*

عمارت دیوانی جدید که در پشت قصر قاجار موجود است از جانب دولت مفروش و آراسته شده است، که جناب وزیرمختار با مستقبلین ملاقات کرده صرف شیرینی و شربت و غلیان و قهوه کرده بعد از استراحت سوار شوند.

\*\*\*

سه رأس اسب از اصطبل خاصه همایون با بیرقهای<sup>\*</sup> طلا معین است یکی به جهت سواری جناب وزیرمختار و دو رأس به جهت یدک

\*\*\*

بیست نفر فراش با یک نفر نایب فراشخانه و ده نفر شاطر با یک نفر نایب از بیرون زرگنده جلو جناب وزیرمختار خواهد افتاد تا به منزل برسند.

\*\*\*

دو سینه<sup>\*</sup> نقره سرباز با یک نفر صاحب منصب غیر از سربازان قراول سفارت، در دم منزل ییلاق جناب وزیر مختار حاضر خواهند بود که احترامات عسگریه به عمل آورند.

\*\*\*

مقرب الخاقان ناظر اعلیحضرت اقدس همایون به طریق معمول ده خوانچه شیرینی قبل از وقت در منزل سفارت حاضر خواهند کرد و از جانب جناب اشرف هم شیرینی حاضر می‌شود.

\*\*\*

چهار نفر مستوفی از قرار تفصیل با لباس درباری قبل از وقت در سفارتخانه حاضر خواهند بود:

- مقرب الخاقان میرزا اسمعیل آقا
- مقرب الخاقان میرزا تقی نوری
- مقرب الخاقان میرزا زین العابدین
- مقرب الخاقان میرزا هادی

\*\*\*

صبح روز دوم، مقرب الخاقان عبدالعلی خان ادیب الملک، از جانب همایون و عالی جاه میرزا شفیق سررشته دار دفتر خانه مبارکه از طرف جناب اشرف امجد و جناب مقرب الخاقان وزیر دول خارجه عصر روز دوم به دیدن جناب وزیر مختار می‌رود.

[ دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه سند ] : این ترتیب صحیح است. به اقتضای حالت این زمان قرارش را بدهید.<sup>۹</sup>

### سند شماره ۹

#### تشریفات روز ورود عالی‌جاه فخامت همراه جنرال مین کوتس فرستاده نواب جانشین قفقاز

مقرب الخاقان مصطفی قلی خان سر‌تیب اول، با مقرب الحضرت العلیه کلاتر و یک نفر یوزباشی، با یکصد نفر غلام که نصف آن سواره نظام و نصف آن غلام غیرنظام باشد، از جانب سنی الجوانب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه، و عالی‌جاه مقرب الحضرت الخاقانیه میرزاقلی خان از جانب وزارت امور خارجه، تا قریه طرشت به استقبال معزی الیه خواهند رفت. و سایر لوازم استقبال را هم مقرب الخاقان حاجب الدوله در عمارت اسب دوانی حاضر و فراهم خواهند آورد.

\*\*\*

نواب امیرآخور اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه، سه رأس اسب از اصطبل همایون با یراقهای طلا، یکی برای سواری معزی الیه و دو رأس برای یدک مهیا کرده، در طرشت خواهند داشت.

\*\*\*

قدری به دروازه شهر مانده، بیست نفر فراش و دو نفر شاطر با کلاه پولک حاضر

۹ به نظر می‌رسد دستورالعمل فوق مربوط به گذشته بوده که ناصرالدین شاه در زمان تاریخ سند از آن استفاده کرده است.

خواهند بود و هریک با صاحب منصب خود پیش آمده، تا دم در منزل معزی‌الیه پیشاپیش خواهند بود.

\*\*\*

دویست نفر سرباز، با یک نفر یاور، در دم دروازه دولت خواهند بود، و صد نفر سرباز با یک نفر یاور در دم در اندرونی باغ نظامیه از سمت خندق شهر که منزل معزی‌الیه است، حاضر خواهند بود، که در هر دو جا احترامات عسکریه به عمل آورند.

\*\*\*

ده نفر از همین سربازان، با یک نفر وکیل معین خواهد شد که دم در منزل معزی‌الیه، قراول احترام بوده باشند.

\*\*\*

ده خوانچه شیرینی، از نظارت خانه همایون اقدس اعلی از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداه، قبل از وقت در منزل معزی‌الیه حاضر خواهند کرد.

\*\*\*

اشخاص مفصله عظام در منزل معزی‌الیه با لباس متعارف حاضر خواهند بود که معزی‌الیه را بپذیرند:

- مقرب الخاقان میرزا شفیع مستوفی

- مقرب الخاقان میرزا حسن مستوفی

- مقرب الخاقان میرزا محمد، رئیس دایره وزارت جلیله خارجه

به محض ورود [ فرستاده ]، مقرب الخاقان یحیی خان آجودان خاص حضور همایون از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه، و مقرب الحضرت الخاقانیه رضاقلی خان تائب دوم وزارت امور خارجه از جانب جلالت مآب وزیر امور خارجه به احوالپرسی معزی‌الیه خواهند رفت.

سند شماره ۱۰

[ نامه صدر اعظم به کارپرداز تفلیس ]

[ ۱۶ شوال ۱۲۷۲ ]

نور چشم

بعضی فصول عهدنامه دول متخاصمه را که هنگام ملاقات جنرال لیلی از صورت مصالحه نامه مزبوره که از پترزبورغ به دفتر امور خارجه قفقاز داده بودند، در خاطر نگاه داشته، به جهت مزید اطلاع اینجانب نگاشته بودند، ملاحظه کردم و از مراتب استحضار حاصل نمودم.

صورت مصالحه نامه مسطوره، که جامع فصول عموماً بود، به وسایل دیگر هم به ملاحظه اینجانب رسید و به دقت نظر من البدو الی الختم خواند، امر مخفی و مستوری نبود و نیست، که آن نور چشم نوشته بود، صورت مزبور وقتی به جنرال لیلی رسید که شما حضور داشته و مجال مخفی داشتن آن نشد. زیاده مطلبی ندارم.

تحریراً فی ۱۶ شوال ۱۲۷۲

[ سجع مهر پشت سند ]: میرزا آقا خان،

صدراعظم دولت علیه ایران

[ دستخط پشت سند ]، کارپرداز تفلیس

سند شماره ۱۱

[ نامه صدر اعظم به کارپرداز تفلیس ]

[ شوال ۱۲۷۲ ]

نور چشم

مراتبی که از استعفای جناب غراف نسلرود، از شغل و عمل خود و خارج شدن جناب سیناوین از معاونت وزارت خارجه و داخل شدن به اجزای مشورتخانه و برقرار شدن کنیاز قارچاقوف به وزارت خارجه و موسیو تولستوئی امیر آخور اعلیحضرت امپراطوری، به شغل معاونت وزارت خارجه، نوشته بودید ملاحظه کرده و مطلع شدم. سبب استعفای غراف نسلرود را هم که در جزو تحقیق کرده، از آن قرار مشروحاً نوشته بودید، استحضار حاصل نمودم. صورت فرمان امپراطوری را هم که به افتخار جناب غراف نسلرود صادر شده بود خواندم. باید آن نور چشم همواره اخبارات و وقایع اتفاقیه را قلمی و انفاذ دارد. زیاده مطلبی نبود.

تحریراً فی ۱۶ شهر شوال ۱۲۷۲

[ سجع مهر پشت سند ]: میرزا آقاخان صدراعظم

دولت علیه ایران

[ دستخط پشت سند ]: کارپرداز تفلیس

سند شماره ۱۲

[ نامه وزیر امور خارجه به تغلیس ]

[ غره ربیع الثانی ۱۲۷۲ ]

مکرم برادر

تفصیلی از وضع حرکت جناب مقرب الخاقان مخدومی سیف الملک<sup>۵</sup> از تغلیس و احتراماتی که در هنگام حرکت از کارگزاران دولت بهیه روسیه، نسبت به مخدوم معزی الیه، به ظهور رسیده بوده است، نوشته بودید، مطلع شدم و این معنی موجب کمال خرسندی اینجانب گردید.

البته آن برادر مکرم هم بجا و به موقع اظهار امتنان و رضامندی اولیای دولت قاهره را از مهربانی و مودت کارگزاران تغلیس، در هر محلی که مقتضی شود مضایقه و دریغ نخواهد نمود. و خاطر نشان خواهد کرد که اولیای دولت علیه فوق الوصف، از حسن رفتار ایشان، نسبت به جناب مخدوم معزی الیه رضایت دارند.

تحریراً فی غره ربیع الثانی ۱۲۷۲

[ سجع مهر پشت سند ]: سعید انصاری

<sup>۵</sup> عباسقلی خان سرتیپ (سیف الملک) پسر محمد زکی خان نوری، وزیر و سردار قارس و پسر عمو و برادر زن میرزا آقاخان صدراعظم نوری بوده است. در سال ۱۲۷۱ هنگامی که الکساندر دوم پسر نیکلای اول امپراطور روسیه شد علی‌الرسم سفیر کبیری برای اعلان سلطنت خود به دربار ناصرالدین شاه فرستاد، لازم بود که از طرف ایران هم سفیری به دربار پترزبورگ روانه شود. میرزا آقاخان موقع را مغتنم شمرده خواست که یکی از اقوام نزدیک خود را ترقی دهد، از این جهت این شخص را که عوام و بی‌سواد و از همه جا بی‌اطلاع بود، ملقب به سیف‌الملک نموده به پترزبورگ روانه نمود. از این شخص عوام و بی‌سواد حکایت‌های عجیبی نقل می‌کنند که چنین اعمالی از یک نفر سفیر خیلی حیرت‌انگیز و تعجب‌آور است. وی در سال ۱۲۷۳ به تهران بازگشت. رک. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، تهران: انتشارات زوار،

۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۳۲ - ۲۳۵.

سند شماره ۱۳

[ نامه صدراعظم به کارپرداز تغلیس ]

[ غره شعبان ۱۲۷۲ ]

غره شعبان

نور چشم

نوشتجات دوم رجب شما مصحوب عظیم بیک آدم آن نورچشم رسید، از دقایق امور و نکات و رموز کارها، که از روی آگاهی و هوشیاری نگاشته بود، از تفصیل همگی استحضار حاصل شد. دلیل مراقبت و حسن اهتمام شما آمد.

در باب استخلاص استاد باقر تبعه دولت علیه، که کارگزاران آن دولت به بهانه‌ای می‌خواستند او را به سیبر بفرستند، نگذاشته و اهتمام دارید، که از حبس آنها خلاص شده، روانه سرحد نمایید.

از رسم سرپرستی شما نسبت به رعیت پادشاهی خوشوقت شدم. لازمه تکلیف شما همین است که لوازم ماموریت خود را به اقتضای چاکری و ارادت شعاری به عمل بیاورید و در ملاحظات جانب تبعه این دولت فروگذاری ننمایید.

نوشته بودید که همه ساله به مقرب الخاقان قاسم خان نیز دوست تومان از بابت اخراجات عید مولود مسعود همایون و یکصد تومان به رسم انعام داده می‌شد. چنان نیست که شما نوشته‌اید، انعام خیر استمراری نیست که هر ساله مرحمت شود. چنان که امسال خرج شما از بابت عابرین زیاد شد، به اقتضای رأی همایون و محض شمول عنایت در حق شما یکصد تومان به رسم انعام التفات شد. به مقرب الخاقان مشارالیه هم در سالهای گذشته اگر چنین اتفاق می‌افتاد، از جانب سنی الجوانب اقدس اعلی، تفضلاً انعامی مرحمت می‌شد، نه این که مستمری باشد. به سایر مامورین ارزنة الروم و سایر جا هم تا حال اخراجات عید مولود مسعود همایون داده نشده است، مگر این که گاهی انعام مرحمت شده است.

آن نور چشم باید به عنایت‌های ملوکانه در حق خود شاکر و راضی باشد.

در تقدیم لوازم احترام و اکرام نعش مرحوم امان‌الله خان، که آن طورها ساعی بوده است، از طرز قاعده‌دانی آن نور چشم راضی بوده و هستم.

در باب اجاره شیلات هم که به آن تفصیل نوشته بودید، امر شیلات از طرف دیوان اعلیٰ ضبطی است، اجاره‌ای نیست، که به کسی از تبعه دولت علیه اجاره داده شود. عالی‌جاه میرزا اسمعیل هم از جانب دیوان ضابط شیلات است.

فی غره شهر شعبان المعظم ۱۲۷۲  
[سجع مهر پشت سند]: میرزا آقاخان صدراعظم  
دولت علیه ایران

[دستخط پشت سند]: کارپرداز تفلیس

سند شماره ۱۴

[نامه صدراعظم به کارپرداز تفلیس میرزا حسین خان]

[۵ ذی‌قعدة ۱۲۷۲]

عالی‌جاها، مجددت و نجدت همراها، نورچشما

نوشتجات مورخه سیم شهر شوال المکرم آن نور چشم، که محتوی بر ورود جناب جلالت مآب جانشین مملکت قفقازیه، از استاوراپول به دارالحکومه تفلیس بود رسید و از مجاری احوال آن صفحات اطلاع و استحضار حاصل شد.

تفصیلی که درباب ملاقات جناب معزی الیه و مراسم منزل مبارکی را به عمل آوردن نوشته بودید، بسیار مطبوع طبع اولیای دولت علیه و متحسن و مقبول افتاد. همچنین مراتبی که در باب اظهار مودت و مهربانیهای جناب جانشین نسبت به آن نور چشم اظهار

داشته بودید همه مشهود و معلوم رأی اقدس ملوکانه شاهنشاهی روحنا فداه افتاده، معلوم است از مثل جناب جانشین شخص جلیل الشانی اموری که مخالف و مبین مراتب موالات و مصافحات حاصله بین الدولتین باشد به عمل نخواهد آمد و همیشه مراعات این شیوه مرضیه و شیمة مستحسته را مرعی و منظور خواهند داشت. چون در این اوقات موکب اقدس همایون تشریف فرمای ییلاق شمیران و منظور نظر اقدس همایون حرکت و نهضت به شکارگاه دماوند و آن حوالی بود و تا این تاریخ پاکتی از آن نور چشم که بعد از روز سیم شهر شوال نوشته شده باشد نرسیده بود، به همین قدر اختصار رفت.

کمال اطمینان حاصل است که در مراقبت و اهتمام و ساعی بودن، در انجام امور محوله به خود و سرپرستی تبعه و تجار دولت علیه به هیچ وجه قصور و نقصانی از آن نور چشم به عمل نخواهد آمد.

در باب مسافرت آن نور چشم به مسکو بجهت سیاحت و برای تماشای اوضاع تاج گذاری اعلیحضرت امپراطوری، همچنان که سابق بر این مفصلاً نوشته شده و اذن حاصل گشته بود، اگر مهیا و آماده هستید، یا آن که از آن خیال منصرف شده‌اید، اولیای دولت علیه را اطلاع خواهید داد. زیاده اظهاری نیست.

حرر فی ۵ شهر ذیقعدة الحرام ۱۲۷۲  
[سجع مهر پشت سند]: میرزا آقاخان اعتمادالدوله صدراعظم  
دولت علیه ایران

[دستخط پشت سند]: میرزا حسین خان



سند شماره ۱۵

[ نامه صدراعظم (میرزا آقاخان نوری) به میرزا  
حسین خان کارپرداز تغلیس ]

[ ۲۰ ذی‌قعدة ۱۲۷۲ ]

عالی جاها، مجدت همراها، نورچشما

از قراری که از روزنامجات مأمورین امور خارجه استرآباد و غیره معلوم می‌شود، مأمورین دولت بهیه روسیه متوقفین آن ولایات، این روزها تغییر سلوک نموده بنا را گاهی به سخت‌گیری و گاهی به بهانه‌جویی گذاشته‌اند، مداخله‌ها و حمایت‌های بیجا که سابقاً در امور داخله و رعایای این دولت کمتر داشتند این روزها بیشتر کرده‌اند، تفصیلی که در این باب به اطلاع اولیای دولت علیه رسیده بود، جداگانه در ضمن این نوشته به جهت استحضار آن نور چشم ارسال شد، که بصیرت حاصل نماید. سببی برای این تغییر رفتار و حالات و حرکات غیرعادی به نظر نمی‌آید، مگر گذشتن کار جنگ و انعقاد مصالحه عمومی مابین دول والا.

هرچه ملاحظه می‌شود امری تازه واقع نشده است که مقتضی این اوضاع باشد، و این خود زایدالوصف باعث تعجب و افسوس اولیای دولت علیه شده است. زیرا که وقتی که دولت بهیه روسیه مشغول و گرفتار کار جنگ و حوادث عمده بزرگ بود، اولیای دولت علیه ایران تغییر احوالی نسبت به آن دولت نکرده بودند، که امروز در معرض تلافی برآیند، و اگر هم تغییر رفتاری داده‌اند در حقیقت مبنی بر خلاف آن دولت نبود، بلکه بر وفاق آن دولت بود. حتی در نظرها محل شبهه واقع شد، که البته دولت ایران بر خلاف دول متفق حرکت می‌نماید.

اگر امروز که بحمدالله رفع غایله از مابین دول شده و دولت بهیه روسیه را فراغی حاصل است، اولیای دولت علیه ایران منتظر اعانت از آن دولت نباشند، توقع اعانت که به هیچ وجه ندارند و واقعاً هرگز گمان آن را به اولیای دولت بهیه روسیه نمی‌برند، که همراهی و

دوستی این دولت را منظور نداشته باشند. این حالات غیر مترقبه بروز نمی‌کند، مگر از خود مأمورین جزء، که قدر دوستی را چنان که باید نمی‌دانند و از روی خیالات خودشان حرکت می‌کنند. آن نور چشم بعد از استحضار از مراتب مزبوره در موقع مناسب به طور خوش، کیفیت را به اطلاع جناب جلالت مآب جانشین ممالک قفقازیه برساند، و گله دوستانه نماید و به دستیاری ایشان قراری در باطن بگذارد، که مأمورین آن دولت بیش از اینها ملتفت قدر دوستی دولتین که بحمدالله تعالی در سرحد کمال است بوده باشند، و بدون جهت، بمایه تعجب و افسوس اولیای دولت نشوند.

در امور حقه و بلکه مطالب دوستانه آنها که فوق طاقت نباشد اهتمامی که من دارم گویا در عهد گذشته هیچ نبوده، و اگر بوده خیلی کمتر بوده است. با این احوال خیلی حیف است که آنها بر خلاف توقع رفتار نمایند.

البته آن نور چشم مراتب را به اطلاع جناب معزی الیه رسانیده، مراتب را اظهار نماید که استحضار حاصل آید. زیاده حاجت نگارش نبود.

فی ۲۰ شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۲۷۲

[ سجع مهر پشت سند ]: میرزا آقاخان اعتمادالدوله صدراعظم

دولت علیه ایران

[ دستخط پشت سند ]: میرزا حسین خان

[ حاشیه ]:

نور چشم، این تفصیلات و سواد روزنامجات استرآباد محض استحضار شما است، چون مارتین صاحب که در آنجا بنای افساد و بهانه‌جویی داشت به خاک دولت روس و حاجی ترخان رفته است، بعد از رفتن او گویا رفتار قونسول آنجا خوب باشد، دیگر ضرور اظهار این مراتب به کارگزاران آنجا نیست، اگر بعد از این باز اقتضایی به هم رسانید به جهت استحضار شما خواهم نوشت که مکالمه نماید.

فی ۲۰ شهر ذی‌قعدة الحرام ۱۲۷۲

## سند شماره ۱۶

[ ۱۷ ذیحجه ۱۲۷۲ ]

هو

به شازز دافر روس نوشته می‌شود

مراسله آن جناب مورخه دهم شهر ذیحجه الحرام رسید. پاره‌ای مراتب در باب جناب حاجی ملا رفیع سلمه‌الله تعالی اظهار داشته بودند، که دلیل بر تعویق وصول مطالبات تبعه روسیه، حمل شده بود، اگرچه در این اوقات عالی‌جاه مجدت همراه قامازوف<sup>۱</sup> صاحب، قونسول آن دولت مقیم گیلان، این مطلب را دوستانه اظهار داشته، و احکام لازمه مؤکده هم در این خصوصات به کارگزاران گیلان صادر و انفاذ شد، لکن لازم آمد، که به آن جناب زحمت اظهار دهد که اوقات بودن جناب مشارالیه در اینجا و ماموریت امیرالامراء المعظام امیراصلان خان، به حکومت گیلان، به ملاحظه این که جناب مشارالیه حاکم شرع انور می‌باشند و می‌توانند نوعی معاونت در وصول مطالبات مزبوره بر حسب قاعده به عمل آورند. دوستدار به جهت تسهیل امر قرارداد، که به همراهی مقرب الخاقان معزی‌الیه اسباب وصول مطالبات رعایای آن دولت را فراهم آورده، لازمه مراقبت معمول دارند، که ان شاء الله تعالی امورات مزبوره به زودی و به طور خوب و قاعده صورت انجام بگیرد. سهل است سرکار اقدس همایون شاهنشاهی روحی فداه بالمشافهه‌العلیه تاکید موکد در وصول و ایصال مطالبات تبعه روسیه از اهالی گیلان فرمودند.

با وجود این قرارداد و سفارشات اکیده که در این باب شد نمی‌توان اذعان کرد که جناب مشارالیه مایه تعویق امر بوده، برعکس منظور معمول داشته باشد و علاوه وصول مطالبات رعایای آن دولت از تبعه دولت علیه، از امورات حکومتی و بر عهده حاکم و

<sup>۱</sup> اصل: قامازوف: در استاد نام این شخص به چند شکل نوشته شده است، که مطابق مهر وی «قامازوف» برگزیده شد.

کارگزاران دیوان است که قرار در آن خصوصات بدهند. جناب مشارالیه بجز نوعی معاونت رجوعی در امورات حکومتی ندارند، که محل شکوه و شکایت رعایای آن دولت در تاخیر طلب خودشان واقع شود.

بالحمله مجدداً به مقرب الخاقان حاکم گیلان بطور تاکید نوشته شد که قرار درستی در باب وصول مطالبات رعایای آن دولت از تبعه این دولت بدهند. به این معنی کسانی که می‌توانند، از محصول املاک خود و بطورهای دیگر ادای قروض خود را نمایند. به زودی به حیظه وصول آورده به طلبکاران بدهند، و آنهایی که قوه ادای دیون خود را بطور مزبور ندارند و نمی‌توانند بدون مهلت و مدارا از عهده برآیند. به این طور که قرضشان گزاف و منابع ملک آنها جزئی است و مشتری هم ندارند، که املاک خود را به قیمت عادله فروخته به طلبکار خود بدهند. از قرار قسط و مهلت و مدارا قرار وصول مطالبات رعایای آن دولت را بدهند.

بدیهی است آن جناب هم که به صفت حقانیت متصف هستند، انصاف خواهند داد که غیر از این طورها که زحمت داده شد طریق دیگر [ و ] چاره بهتر متصور نیست که از آن راه اقدام به گذرانیدن این امورات بشود، و معلوم است که عالی‌جاه مجدت و نجدت همراه، قونسول مشارالیه، نیز بر حسب اظهار آن جناب، و صفای نیت خود، نوعی مشارکت در تسهیل امر و انجام آن بطور مسطور که موجب وصول مطالبات رعایای آن دولت و فراغت کارگزاران طرفین است با کارگزاران این دولت خواهند نمود. البته مقرب الخاقان حاکم گیلان بر حسب احکام دربار شوکت مدار همایون معمول داشته و رفتار خواهند کرد. چون لازم بود زحمت داد.

حرر فی ۱۷ شهر ذیحجه الحرام ۱۲۷۲

[ دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه ]: صحیح است.

سند شماره ۱۷

نامه صدراعظم (میرزا آقاخان) به میرزا حسین خان  
کارپرداز تفلیس |

[ غره جمادی الاول ۱۲۷۳ ]

عالی جاها، مجدت و نجات همراها، نورچشما

کاغذهای این دفعه شما، مورخه ۱۴ ربیع الثانی به نظرم زیاد با معنی آمد، و به عقل و کفایت آن نور چشم، آفرینها گفتم، و به همین جهت لازم شمردم که شما را از دستورالعمل آخری امین الملک فرخ خان ایلچی کبیر دولت علیه که تکالیف انگلیس هم ضمناً معلوم است اطلاع بدهم. لهدا سواد آن را در ضمن همین نوشته فرستادم. به علاوه روزنامه دارالخلافت را هم که مشعر است بر تجاوز قشون انگلیس به خاک ایران و تصرف بندر ابوشهر و جواب اشتهارنامه فرمانفرمای هندوستان به جهت شما انفاذ داشتم، چیزی که بر عهده شما لازم است و اگر بتوانید از عهده برآید زیاد راضی می شوم، این است که بدهید این روزنامه را در روزنامه قفقاز، به زبان روسی باسمه نمایند، که از روزنامه قفقازیه بر روزنامجات دیگر و فرنگستان نقل شود.

دیگر این که با جناب جلالت مآب جانشین<sup>۹</sup>، مجلسی قراردادده مراتب گرفتاری اولیای دولت علیه را به ایشان حالی کرده، به اقتضای کمال دوستی دولتین خواهش نماید که به مأمورین دولت روسیه مقیمین ممالک ایران، مخصوصاً در جزو بنویسند که اقلأ تا مسئله حاضره فیما بین دولتین ایران و انگلیس موجود است و دولت ایران گرفتار قشونکشی و متحمل سؤال و جواب باریک است، در مقام تفرقه حواس اولیای این دولت برنیابند، و بعضی از مطالب غیرلازمه را که اظهار آن اگر چندی طول بکشد عیب و نقصی به بنیان دوستی و مودت دست نمی دهد، در عهده تعویق بیندازند و همچنین از

۹. کنیاز پارانیشکی جانشین قفقاز

جانب کارگزاران قفقازیه هم، مأموریت برخی مطالب غیر لازم به قونسول جنرال تبریز، و سفارت مقیم تهران و قونسولهای استرآباد و گیلان نشود. و ضمناً بنویسند که مأمورین مزبوره نیز از جانب خودشان بعضی تکالیف غیر لازم را موقوف دارند، و همراهی با این دولت را مضایقه نمایند، و نیز مخصوصاً خواهش نماید که جناب معظم الیه، به اولیای دولت روسیه، متصل قلمی دارند، که هرچه لازم دانند در صرفه و صلاح این دولت، معمول دارند و به سفرای خودشان مقیمین اسلامبول و لندن و پاریس بنویسند، که در تسهیل مسائل دایره بین الدولتین ایران و انگلیس اهتمام کافی به عمل آورند که دولت ایران در این مقدمه مغیون نشود، و تکالیف شاقه انگلیس مجری نشود. زیاده مطلبی ندارد. البته حالات را قلمی دارید.

حرر فی غره شهر جمادی الاولی ۱۲۷۳

[ سجع مهر پشت سند ]: میرزا آقاخان اعتمادالدوله صدراعظم

دولت علیه ایران

[ دستخط پشت سند ]: میرزا حسین خان

سند شماره ۱۸\*

اعلیحضرت خورشید رایت، دارا درایت  
خسرو نامدار، شهریار بلند اقتدار، زیور افزای سریر ملک آرای، برارنده افسر  
داوری و دارایی، مظهر آیات عدل و احسان، مالک بالاستقلال کشور وسعت بنیان ایران  
خلدالله ملکه.

[جمادی الاخر ۱۲۷۳]

اعلیحضرت خورشید رایت، دارا درایت

اعلیحضرت پادشاه اعظم و امپراطور افخم از فرط مرحمت ملوکانه و اعتماد خدیوانه  
مرا به رتبه جانشین قفقاز ممتاز و به منصب سپهسالاری عساکر قفقازیه سرفراز فرمود.  
بعد از آن که در دارالسلطنه مسکو\*\* کسب سعادت عظمی کرده، در مجلس عالی  
تاجگذاری اعلیحضرتین امپراطور افخم و امپراطوریچه معظمه، حضور داشتم، عازم  
محل ایالت خود گشته، شروع به امارت اراضی مفوضه نمودم.

چون یک طرف آنها متصل به حدود دولت قوی شوکت ایران می باشد، لهذا بواسطه  
مساعی و اهتمامات خود همیشه بر اتفاق و دوستی که از قدیم الایام فیما بین دولتین  
بهتین استقرار و استمرار دارد، موافقت و مطابقت خواهم جست، و امیدوار می توانم  
شد که این منظور من که باعث استقرار نظام حدودات و موجب حسن اوضاع طوایف  
کثیره خواهد شد، از لطف حضرت باری به منصف ظهور رسیده مرا مشمول تحسین

چون یک طرف آنها متصل به حدود دولت قوی شوکت ایران می باشد، لهذا بواسطه  
مساعی و اهتمامات خود همیشه بر اتفاق و دوستی که از قدیم الایام فیما بین دولتین  
بهتین استقرار و استمرار دارد، موافقت و مطابقت خواهم جست، و امیدوار می توانم  
شد که این منظور من که باعث استقرار نظام حدودات و موجب حسن اوضاع طوایف  
کثیره خواهد شد، از لطف حضرت باری به منصف ظهور رسیده مرا مشمول تحسین

\* این سند و شماره ۵، قبلاً در کتاب دیگری با مشخصات ذیل به چاپ رسیده که توجه مطالعه کنندگان  
گرامی را به سایر اسناد کتاب مزبور نیز جلب می نماید. ر.ک. اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز، تهران،  
دفتر مطالعات سیاسی بین المللی وزارت امور خارجه، صفحات ۲۳۹ و ۲۴۳.

دولتین بهتین و مستحق توجه گرانبهای خسروانه اعلیحضرت شاهی داشته باشد.  
چون از فریاضات می شمردم که بیان مکنونات ضمیرم در حضور پر نور اعلیحضرت  
شاهی بواسطه تقریر شخص معتمد و مکرم به عمل آید، بنا بر آن تبلیغ این رسالت عظمی  
رأیه عهده مقرب خود غنارال مایورکنیاز ملیکوف که در منصب و نسب کمال برتری و  
شایستگی [را] دارد، محول و او را به اتفاق منصوب حضورم مایور داودوف و ایشک  
آغاسی خودم قارنط فرج خاصه کنیاز\* ایتالیا و غراف ریمتق سوداروف که نتیجه غنارال  
فیلدمارشال بزرگ سوداروف است، در مرافقت چند نفر دیگر از صاحب منصبان که  
شایسته شرفیابی مجلس انور شهریاری می باشند روانه دربار عظمت مدار نمودم و به  
غنارال مایور کنیاز ملیکوف سپرده ام، که این ذریعه مرا با کمال تعظیم من به اعلیحضرت  
شاهی معروض داشته باشد و نهایت امیدواری می دارم که او صحیحاً و سالمأ مراجعت  
کرده مزده صحت و عافیت ذات اقدس شهریاری را که مایه استحکام حب و وداد دولتین  
بهتین و باعث سعادت ملل عدیده مملکت ایران و موجب خیر و فیروزی رعایای  
سلطنت حکمت بنیان است، به من خواهد رساند.

جانشین اعلیحضرت امپراطور افخم در قفقاز و سپهسالار  
عساکر قفقازیه غنارال لیوتنانت و غنارال لیوتنانت  
کنیاز بارانتسکی فی ۲۶ شهر غنوار سنه ۱۸۵۷ تفلیس

[متن پشت سند]: به نظر مبارک اعلیحضرت شهریار بلند اقتدار ایران ناصرالدین  
شاه خلدالله ملکه خواهد رسید.

[دستخط دیگری]: عریضه [که] کنیاز بارانتسکی جانشین قفقاز در اعلام مأموریت  
خود به انجمن حضور همایونی نوشته است. فی ۲۶ ژانویه

۱۸۵۷

سند شماره ۱۹

## [ نامه صدراعظم به میرزا حسین خان کارپرداز تفلیس ]

[ ۷ جمادی الثانی ۱۲۷۳ هـ . ق ]

عالی‌جاها، مجدت همراها، نورچشما

کاغذهای آن نور چشم مورخه ۲ و ۲۸ ربیع الثانی و ۶ و ۳ جمادی الاولی رسید و از مطالب و مسطورات آنها مطلع شدم. در خصوص تأخیر عزیمت جنرال ملیکوف فرستاده جناب جانشین و مکالماتی که آن نور چشم در این باب کرده، و سپرده است که کارگزاران قفقاز، عزیمت جنرال مشارالیه را پانزده روز قبل از حرکت به جنرال قونسولگری ابلاغ نمایند، تا آن نور چشم وقت موسمی داشته باشد، که کیفیت را به کارگزاران آذربایجان القا نماید، بسیار خوب کرده‌اید. البته، باز مراقب خواهید بود که حرکت جنرال ملیکوف، علی‌الغفله یا به فاصله اخبار دو سه روز اتفاق نیفتد و بعد از آن که به آن نور چشم به تحقیق معلوم شد، زودتر مراتب را به فرزند مکرم قایم مقام بنویسد که مهماندار را به سرحد روانه نماید و در تهیه ملزومات پذیرایی باشد.

در باب اخبارات سمت بوشهر آن نور چشم نوشته بود، که از سفارتخانه دولت روسیه، به دفترخانه مهام خارجه تفلیس نوشته شده و آن نور چشم اخبارات را از آنجا استماع نموده است و آن نورچشم از رفتن جناب امین‌الملک به پاریس استمراج نمرده که آیا جناب مشارالیه رفته است و یا در اسلامبول مانده است. اخبارات سمت بوشهر در تلو روزنامه منطبقه دارالخلافه مورخه ۲۶ شهر ربیع الثانی، کاملاً چاپ شده، برای آن نور چشم در همان وقت انفاذ شد، و همچنین بعد از فرستادن آن روزنامه در ضمن روزنامهجات ایام هفته، اشتها نامه و سواد دستخط همایون و فرمان مبارک، که بطور اعلام عام شرف صدور یافته است، چاپ شده برای آن نور چشم علی‌التوالی فرستاده شد. البته بعضی از گازتهای مزبور الی حال رسیده و بعضی عنقریب خواهد رسید و بصیرت کامل حاصل خواهند کرد.

جناب امین‌الملک هم در ۲۴ ربیع الثانی با ایلچی انگلیس در وقتی که خبر فتح هرات، و محاربه، انگلیسیها در بوشهر متعاقباً رسیده بود، و حرف صلح در میان داشتند، قطع مراد شده، خط بطلان بر مقاولات و مکاتبات دایره فیما بین، به اطلاع سفرای دولی یوروپ مقیمین اسلامبول کشیده، روانه پاریس شد، تا تقدیر خداوند چه اقتضا فرماید.

در باب رد اموال تجار تبعه این دولت علیه، که به اسم این که از گمرک گریزانیده‌اند، در چند ماه قبل ضبط کارگزاران قفقاز شده بود، آن نور چشم مشروحاً نوشته بود، مستحضر شدم و این معنی موجب مزید میل خاطر من نسبت به آن نور چشم گردید. این طور مراقبات و مردم‌داری آن نورچشم موجب این است، که نمی‌توانم آن نور چشم را به طیب خاطر اگر چه موقتاً باشد، از آنجا به دارالخلافه احضار نمایم و هرچه ملاحظه می‌کنم برای آن نور چشم در این مأموریت، بدلی که اطمینان از او توانم حاصل کرد ندارم. محض خاطرخواهی آن نور چشم است که وعده احضار موقتی به آن نور چشم داده‌ام و انشاءالله عنقریب احضار خواهم کرد.

فی غره جمادی الاخر ۱۲۷۳

[ متن حاشیه سند ]

هو

نورچشما

روزنامهچه دارالخلافه در باب گزارش جناب امین‌الملک ایلچی کبیر دولت علیه با ایلچی کبیر انگلیس و عزیمت امین‌الملک به پاریس بسیار مفصل و مشروح است، خواهید دید. با آن تفصیلات چیزی باقی نبود که بجهت اطلاع آن نور چشم بنویسیم. خبری هم هنوز از پاریس نرسیده است، به حساب باید چند روز دیگر انشاءالله تعالی چاپار اسلامبول با اخبار خوش برسد، به اطلاع آن نور چشم خواهد رسید. عساکر نصرت مآثر پادشاهی در فارس و محمره و کرمان و هرات بعون الله تعالی در زیر سایه همایون. در کمال استعداد و آراستگی حاضرند. در فارس غیر از ردیف و قشون ولایتی بیست

و پنج هزار نفر از افواج و سواره متتخب و کاری به سرداری و ریاست امیر الامراء العظام کشیکچی باشی و فضل علی خان امیر تومان و فرزندى شجاع الملک، سردار کل عساکر مملکت فارس در برازجان و کازرون و غیره پشت سر یک دیگر هستند. انگلیسها جرأت حرکت از بوشهر و پشت قلعه بوشهر و توپرس دریا ندارند. تا مقتضای عقل و حکمت و قشون جنگ در پیش رفتن قشون ظفر نمون چه باشد.

امید کلی از فضل خداوند قادر و جناب اجل شأنه و نیت پاک سرکار اعلیحضرت شاهنشاه دین پناه روحی فداه حاصل است که در آنجا به دلخواه حرکت شود و دشمنان دین و دولت مخذول و متکوب شوند. در محمره سوای قشون ولایتی و سواره بختیاری معادل ده هزار قشون کاری نظامی مهیای کارند. نواب احتشام الدوله خانلر میرزا، تا حال چنان که از حسن کفایت ایشان همیشه معروف و معهود بوده است، خوب حرکت کرده‌اند. امیدواریم باز بطور دلخواه اولیای دولت علیه حرکت نمایند و همچنین اردوهای کرمان و خراسان در عدد و عترت نقص ندارند.

[ متن دستخط پشت سند دنباله متن فوق ]:

و این روزها قرار این است که مقرب الخاقان محمدولی خان قاجار به محمره، خدمت نواب مستطاب احتشام الدوله مأمور شود که در آنجا معاون خدمات آن سرحد باشد. و نواب شاهزاده والاتبیار حاجی کیومرث میرزا ابوالملوک ایلخانی مأموراً به کرمان بروند و نواب اعتضاد السلطنه علی قلی میرزا سرداران افغان را که در دارالخلافه هستند برداشته به هرات بروند که نواب معزی آلیه خود در هرات مانده، نواب مستطاب والاحسام السلطنه والی خراسان با عساکر منصوره و سرداران افغان و قشون هراتی و غیره به جانب قندهار و بالاتر حرکت فرمایند. ان شاء الله تعالی، مقصودی که در نظر است عتقرباً به عمل آید. چنان نیست که اولیای دولت علیه بعد از آن که دولت انگلیس بی موجبی مصدز این خصومت شد و نقض عهد نمود، ساکت

نشسته باشند.

بدیهی است که در مقابل خصم تا هر درجه که ممکن است باید کوشش و اهتمام نمود، تا مشیت خداوندی جل شانہ چه اقتضا فرموده باشد.

فی ۷ جمادی الثانی ۱۲۷۴

[ سجع مهر پشت سند ]: میرزا آقاخان اعتمادالدوله

[ سجع مهر دیگری ]: میرزا آقاخان صدراعظم

دولت علیه ایران

[ دستخط دیگری ]: کارپرداز تغلیس

سند شماره ۲۰

[ نامه صدراعظم «میرزا آقاخان» به میرزا حسین خان

کارپرداز از تغلیس ]

[ ۲۶ جمادی الثانی ۱۲۷۳ ]

عالی جاها، مجددت و نجدت همراها، نورچشما

نوشته مورخه — آن نور چشم رسید، و رود جناب موسیو اینچکوف<sup>۱</sup> را به تغلیس نوشته، اظهارات او را به کارگزاران دولت بهیه روسیه که مبنی بر شکایت و دلخوری از اولیای دولت علیه نسبت به خود و دولت متبوعه خود بود، به آن طورها که

۱. اصل: جای تاریخ خالی است و فراموش کرده‌اند بنویسند

۲. در مراسلات نام این شخص به سه صورت آنچکوف، انچکوف و اینچکوف آمده است، که اینچکوف برگزیده شده است.

قلمی داشته بودید، موجب کمال تعجب و افسوس گردید، که با آن همه ملاحظات و تکمیل موجبات محبت و احترام، چه در ایام توقف دربار همایون، و چه هنگام عزیمت جناب مشارالیه از دارالخلافه الباهره، از جانب اولیای دولت علیه در حق او به عمل آمد، و از طرف قرین الشرف اقدس همایون اعلی، کمال التفات و مرحمت از هر قسم و هر جهت شامل احوال او گردید، و به آن ملاحظه که وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فرانسه از دربار همایون با کالسکه دولتی تا سرحد رفت و جناب مشارالیه که مأمور دولت دوست و خیرخواه این دولت بود و با این که شارژدافر بود، احترام سفرای کبار را در حق او معمول داشتند و با کالسکه دولتی تا سرحد با احترام تمام روانه شد.

هرگز اولیای دولت متوقع نبودند که مشارالیه در عوض این همه محبت و مهربانی‌ها به آن طورها شکایت نماید، و بگوید که اولیای دولت ایران، علی‌رغم دولت روس کل تکالیف انگلیس را قبول کرد، و هنگام عزیمت من دو طاقه شال که در تزیین خوانیها کهنه و مندرس کرده بودند به من دادند، و چند قطعه نشان و فرمان به صاحب منصبان روس که در بحر خزر هستند خواهش نمودم، اول قبول نکردند بعد، بعد از هزار اصرار با آکراه تمام دادند عالی‌جاه جنرال لیلی دریاب سالنامه که می‌خواسته است به رسم پیشکش به حضور باهرالنور بفرستد، و یکی را هم برای اینجانب انفاذ دارد، به جناب مشارالیه شور نموده است، جواب بدهد که به ایرانیها اگر چیزی بدهی و عوض نخواهی بسیار خوب است، والا اگر عوضی منظور داشته باشی خوش آیند نخواهد افتاد، و به این طور بخواهد عالی‌جاه مشارالیه را از اظهار مراسم ارادت نسبت به سرکار همایون و مراتب انسانیت نسبت به اینجانب، مانع آید. و حال آن که خود دیده و دانسته است، که اولیای دولت علیه چقدرها در حق خدمتگزار و مأمورین آن دولت، حسن مودت و محبت به ظهور می‌آورند. اگر یک حرکت دوستانه از آنها ظاهر شود در مقابل به اقسام مختلفه و شایسته عوض می‌نمایند و اگر یکی از آنها جزئی چیزی یا کتابی و تصویری به حضور مبارک بفرستند، کمال قدر و قیمت به آن گذاشته می‌شود. نشان و فرمان مبارک مرحمت می‌شود و بطورهای دیگر تلافی می‌نمایند، تا چه رسد به مثل عالی‌جاه جنرال لیلی که همیشه در امورات متعلقه این دولت زحمت می‌کشد و آثار حسن نیت و خیرخواهی به

ظهور می‌آورد و هنگام عزیمت موسیو اینچکوف از این دربار همایون علاوه بر دو طاقه شال که آن هم عالی و بسیار ممتاز بود، یک حلقه انگشتر الماس که به هفتصد تومان می‌ارزید به او تعارف نمودند، انگشتر را نخواست، هفتصد تومان قیمت آن را دادند و یک قبضه شمشیر کار جبه‌خانه دارالخلافه که کمال امتیاز را داشت از جانب همایون التفات شد و نشان تمثال مبارک مرحمت گردید و حال آن که، کنیز دالغورکی که وزیر مختار بود، این قدرها اظهار محبت و التفات به عمل نیامد. و فرمان نشان برای صاحب منصبان بحر خزر به محض اظهار او، قریب بیست قطعه نشان و فرمان مرحمت گردید، و اگر اولیای دولت علیه تکالیف انگلیس را برغم روس قبول می‌کرد، پس این همه مخارج به جهت جنگ و تهیه مخاصمت چه چیز است، و علاوه بر اینها، ایلچی این دولت چرا در اسلامبول با ایلچی انگلیس به آن طورها که در ضمن روزنامه‌ها مندرج است ترک مراد کرده روانه پاریس می‌شد، و اولیای دولت علیه از اولیای دولت بیه روسیه استمداد می‌نمودند، که دولت ایران را در این جنگ تنها نگذارند، و به هر طور که می‌توانند اعانتی از دولت ایران به عمل آورند، که دولت انگلیس تکالیف شاقه خود را از پیش نبرد.

مقصود از این تفصیل این است که، آن نور چشمی، جناب جلالت مآب جانشین و عالی‌جاه مجدت همراه، جنرال لیلی را از تفصیل مزبوره مستحضر نمائید، و این نکته را نیز حالی کنید، که باعث شکایت موسیو اینچکوف از اولیای دولت علیه، میل و مودت مفرط و تعشق بی‌معنی او است به استیونس، که به این بهانه می‌خواهد اولیای آن دولت را از مرافقت و موافقت ایران، در این هنگامه انگلیس دل‌سرد نماید، و البته در ضمن روزنامه از کیفیت فرار استیونس اطلاع حاصل نموده‌اید، که آن طور رفتن او را موسیو اینچکوف باعث بود و به دستگیری اوست که اولیای دولت روس هم بعد از استحضار از این حرکت مشارالیه عمل موسیو اینچکوف را پسند نکردند.

البته آن عالی‌جاه، جناب جانشین و عالی‌جاه مشارالیه [را] از موضوع مسئله و حقیقت خیال مشارالیه مستحضر نموده و بطورهای خوب و پخته سد راه اختلال موسیو اینچکوف را نماید، که این خود محض دوستی استیونس، این همه شکایت بی‌مأخذ و

اصل را از اولیای این دولت می‌نماید، جهت دیگر ندارد.  
زیاده چه نویسد.

حرر فی ۲۶ جمادی‌الثانیه ۱۲۷۳

[سجع مهر پشت سند]: میرزا آقاخان اعتماد الدوله صدراعظم  
دولت علیه ایران

[دستخط پشت سند]: میرزا حسین خان

سند شماره ۲۱

[نامه فرخ خان امین‌الملک راجع به انعقاد عهدنامه پاریس  
در ارتباط با دولت روس]

[دهم رمضان ۱۲۷۳]

سواد رقیمه جناب سفیر کبیر دولت علیه ایران  
امین‌الملک که به تاریخ غره شهر شوال المکرم و اصل گردید  
۱۲۷۳ [ق. ۸]

مخدوم مکرم من

امروز که روز دهم رمضان المبارک است، نوشته مهر سرشته شما و تعلیقجات جناب ولی‌النعمی دام مجده‌العالی را زیارت نمودم، و از تفصیلش استحضار حاصل کردم. اولاً لازم است، بی‌اندازه اظهار رضامندی خود را، به سبب ندادن سواد تعلیقه رفیعه بکنم و شما را متذکر بسازم که سواد خواستن روسها هیچ راه نداشت، مگر این که به انگلیسها

بدهند و بگویند دولت ایران از ما کمک و همراهی خواست و ما به سبب دوستی شما آنها را مایوس کردیم و یأس آنها از ما سبب راضی شدن دولت ایران شد، به امضا نمودن عهدنامه، و این کار را باعث خصوصیت خود با انگلیسها بکنند و اسباب تزییع دولت ایران بشوند. بلکه در این ضمن فقره قونسول نگذاشتن انگلیسها را در کنار بحر خزر درست کنند.

اما در باب نارضامندی روسها از من به قدر مقدور در سه کاغذ بعضی این فقره را به شما نوشته‌ام، و به شما حالی شده است، حالا به این شعر حکیم سنائی ختم می‌کنم که:  
با دو قبله در ره توحید نتوان رفت راست

یا رضای دوست باید، یا هوای خویشتن

تا همین قدر که لازم بود، در اسلامبول و پاریس من کمال همراهی را با سفرای روس نمودم، چنانچه مطلعید بی‌رضا و امضای آنها آب نخوردم و همه قسم راه چاره از آنها جستم. تا درست فهمیدم از دولت روس به هیچ قسم کمک و همراهی که مایه نجات دولت ایران بشود، از آنها ساخته نخواهد شد، و بالاخره بطوری کار از دست خواهد رفت، که چاره‌پذیر نباشد و من، هم ملعون خلق بشوم، هم مردود خدا و سایه خدا. فضل خدا شامل شد و کارگذشت. رضاجوئی دولت روس برای نوکر ایران وقتی خوب است که مطابق صرفه و رضای دولت ایران باشد. در حالتی که نباشد، البته نارضامندی برای شخص من بهتر از رضامندی خواهد بود. آن حالت دولت ایران، و این سختی انگلیس و آن مأموریت دایمی من در گذراندن صلح و آن ترغیب دولت فرانسه در گذراندن عهدنامه، چه می‌کردم؟ اگر کار را نمی‌گذراندم؟

با وجود این چهل روز متجاوز این کار را به تأخیر انداختم. مجالس مکرر با ایلچی روس حرف زدم، هیچ حاصلی و همراهی ندیدم، مگر این که صبر کن و تعجیل نکن. این هم در اوایل بود. در اواخر این هم نبود.

ایلچی روس مکرر محرک شد و اظهار کرد که کار به جای خوبی رسیده است و باید گذرانید. بالجمله با عدم اطمینان و حمایت هیچ دولتی و حالت حالیه ایران، به اعتقاد شخص من، بلکه اغلب عقلای فرنگستان، صلحی از این بهتر مقدور نمی‌شد. یعنی



انگلیس بعد از گرفتن یوشهر و محمره یک چیز دستی به دولت ایران می‌داد و بیرون می‌رفت، چه صرف برد؟ خسارت گرفت؟ خاک ایران را نگاه داشت، ترک حمایت رعیت دولت ایران را نکرد، از فقره امام مسقط و فقرات دیگر چشم پوشید؟ اگر او را مأیوس می‌کردم و دست به تدارک و خرج کلی می‌زد و این جنگ شش ماه دیگر طول می‌کشید. حالت ایران خود می‌دانید بدون حمایت دولت دیگر چه می‌شد، توقع انگلیس تا به چه حد زیاد می‌گشت. دولت روس چرا از خیرخواهی دولت ایران، کار را منحصر کرده است به نبودن قونسول در کنار بحر خزر، حقی که هرگز نداشته و ندارد که حمایت رعیت دولت ایران باشد. با اظهارات مکرر من به سفرای پاریس و لندن و اظهارات شما چرا طفره زدند و دوستی خود را در سرگذشت بدون حقی آشکار نکردند؟ من که به هر جان‌کندن بود حقوق قونسول انگلیس را مطابق حقوق دولت روس قرار دادم و پنجاه دفعه این اظهار را به آنها کردم که یا ترک این حق را دولت روس بکنند و یا محدود بکنند حق قونسول خود را، آن وقت انگلیس ناچار بود از نداشتن قونسول یا محدود داشتن قونسول، چرا نکردند؟

بالجمله آنچه تکلیف دینی و دولتی خود را دانستم گفتم و زیاد شاکرم که فضل خدا و بخت سایه خدا و حسن تدبیرات اولیای دولت، کار را بطوری انجام داد که با این حالت حالیه هیچ کس گمان نمی‌کرد و گذشت.

حالا هم اختیار با اولیای دولت است، خواسته عهدنامه را امضا بدارند نخواسته، ندارند. من تکلیف خود را به بهترین طوری به عمل آوردم، چرا دولت روس طفره می‌زند که فقره قونسول در تهران بگذرد و در پاریس نگذرد و نکات این فقرات را شما می‌دانید و از حالات و خیالات آنها در این گفتگوها استحضار حاصل کرده‌اید.

برای اطلاع شما همین قدر کفایت می‌کند، که زحمت دادم و این احکام اولیای دولت هم که زیارت شد، جواب همه بیش از زیارت احکام به دارالخلافه رفته است، چنان که موافق روزنامه حرکت نریمان خان از پاریس بیاید، دو سه روز بعد از خروج این احکام از دارالخلافه ورود او به تهران باشد.

باز هم در فقره قونسول، اگر ایلچی کبیر روس بخواهد با من قراری که موافق قاعده و خیر

دولت باشد بگذارد، من حاضریم که با کمال میل همراهی بکنم. چنان که در لندن هم با سفیر روس در سه مجلس همین مذاکره را نمودم. گفت من مأمورم که با کارگزاران انگلیس گفتگو بکنم، گفتم کارگزاران انگلیس هرگز تمکین نخواهند کرد، بهتر این است این کاری منته انگلیس با من بگذرد پس از گذشتن، دولت انگلیس غیر تمکین چاره‌ای نخواهد داشت، نپذیرفتند.

زیاده از این حاجت به زحمت دادن نیست.

البته جواب رسید این کاغذ را که از سفارت فرانسه برای شما می‌فرستم بنویسید و باز بنویسید که از اول ورود من به پاریس چند کاغذ من به شما رسیده است، مبادا کاغذهای من به دست دیگری افتاده باشد. و همچنین کمافی السابق از احوالات خود مرا بی‌خبر نگذارید. چنان که تا بحال نگذاشته‌اید و کمال ممنونیت را از شما دارم. من هم حتی المقدور کمافی السابق شما را بی‌خبر نخواهم گذارد.

دهم رمضان المبارک و السلخ شبنه چهاردهم روانه شد

[نقش مهر: یا قاسم الرزاق]

چون خط را می‌شناسید حاجت به مهر نبود

سواد مرقومه سفیر ایران در لندن

سواد مطابق اصل است

سند شماره ۲۲

مضمون اظهارات مصلحت‌گزاران ایران در پترزبورگ  
به دولت روسیه]

[حاشیه سند]: خط عالی‌جاه میرزا یعقوب مترجم سفارت دولت روسیه است.

[۱۲۷۱ ق. ۵]

هو

ترجمه<sup>۵۰</sup> مراسله مخفیانه است که

جناب شانسیه به جناب شارژدافر نوشته است

مصلحت‌گزاران<sup>۵۱</sup> ایران مقیم پترزبورگ، از دولت خود خبر عهد نامه که فیما بین دولت روس و دولت ایران منعقد شده وصول نموده، طالب این شد که باید در وزارت امپراطوری از جانب دولت خود اظهار مطلبی نماید. مقصود از مجلس ملاقات، این بود که به اطلاع دولت امپراطوری رساند، که اعلیحضرت شاهی به چه نوع خوشحالی قبول فرموده، عهد نامه را که باید روابط اتحاد این دو مملکت را استحکام دهد و میرهن سازد که اعلیحضرت شاهی در انعقاد این عهد نامه از روی محض دوستی که با اعلیحضرت ولی‌النعم ما دارند حرکت فرموده و به هیچ وجه غرض یا منفعت شخصی منظور نداشته‌اند. سر تیب محمود خان اظهار نمود که از صدراعظم مراسله وصول کرده بود. به این مضمون که اعلیحضرت پادشاهی بسیار میل داشته که فقره سیم که در خصوص کرور

۵۰ اصل ترجمه نشده این سند در آرشیو وزارت امور خارجه تحت شماره ۱۲۷۳/ک ۸ / پ ۱۱ / موجود است.

۵۱ منظور محمودخان سرتیب یا محمودخان «ناصرالملک» بعدی است. چون در متن سند از مصلحت‌گزار تحت عنوان سرتیب محمودخان یاد می‌کند و وی از ۱۲۷۰ الی ۱۲۷۱ ق. ۵ به این سمت اشتغال داشته پس تاریخ سند یکی از این دو سال است.

آخرین خسارت جنگ بود، بکلی از عهد نامه جدید مرفوع سازند<sup>۵۲</sup>. وزارت امپراطوری نیز در جواب بلا تامل اظهار نمود که امپراطور تا به چه حد منظور دارد، قدر این نوع دوستی اعلیحضرت شاهی را و به چه خوشوقتی مشاهده می‌فرمایند این عهد نامه را که به تشیید و ازدیاد روابط دوستی فیما بین موجب خیر و صلاح جانین خواهد شد و در خصوص میل اعلیحضرت شاهی که می‌خواستند فقره سیم را از عهد نامه منعقد مرفوع سازند، به مصلحت‌گزار چنین جواب داده شد، که چون این عهد نامه پس از غور و گفتگوی طرفین مقبول جانین شده و به امضای دو وکیل مختار به اینجا انفاذ شده و به شرف پسند و قبول امپراطور و اعلیحضرت شاهی که به نفس مبارک شما را از انعقاد آن مطمئن ساخته مشرف گشته است. لهذا محال بود که تغییر آن بجز تاخیر اجرای آن حاصلی ببخشد. علاوه بر این، اعلیحضرت امپراطوری هیچ لزوم آن را نمی‌دید زیرا که از مراتب دوستی اعلیحضرت شاهی نسبت به خود به هیچ وجه تشکیکی نداشتند، و بنابراین احتیاج به دلیل تازه نبود، که اعلیحضرت امپراطوری بر صدق دوستی آن اعلیحضرت معتقد شوند و از طرف خود، در عوض قرارشان بر دوستی بگذارند که تشیید و استحکام آن همیشه سبب انبساط خاطر<sup>۵۳</sup> امپراطوری خواهد بود. این است مجمل گفتگوهایی که فیما بین ما و سرتیب محمود خان، مبادله شده و اطلاع آن را برای شما خالی از فایده نمی‌دانم.

[سجع مهر پشت سند]: عبده‌الراجی غراف آدایلف

۵۲ ر.ک. متن کامل عهدنامه مزبور محمود محمود. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم، تهران: چاپ و انتشارات اقبال، ۱۳۷۸. ج ۲، ص ۶۷۰ تا ۶۷۲.

۵۳ اصل: خواطر

## سند شماره ۲۳

به تاریخ ۵ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۷۴

مطابق ۱۱ شهر نوامبر سنه ۱۸۵۷

ترجمه شرحی است که جناب شارژ دافر موقتی دولت روس

لاغوفسکی صاحب به جناب اشرف امجد ارفع صدراعظم دولت ایران نوشته‌اند

واضع این دستخط، شارژ دافر موقتی اعلیحضرت امپراطوری مقیم ایران، چندی قبل از این شرف خود دانسته، به جناب اشرف امجد ارفع، صدراعظم اعلیحضرت پادشاهی، شفاها اظهار داشت، که اعلیحضرت ولی النعمی امپراطوری، محض ابراز دلیل دوستی، موافقت خود را به رأی اعلیحضرت پادشاهی، در باب انتخاب ولیعهد<sup>۱</sup> ایشان مضایقه ندارند، و نیز در همان وقت واضع دستخط اظهار داشت، که تأخیر اعلام رسمی محض آرزوی دولت بهیبه روسیه بود، که قبل از وقت در این باب با دولت بهیبه انگلیس متفق الرای شوند.

این اوقات چون<sup>۲</sup> موافقت مزبوره به ظهور رسیده، واضع این دستخط شرف خود می‌داند به حکم دولت خود، به موجب این شرح رسمی، اتفاق دولت بهیبه روسیه را با رای همایون اعلیحضرت پادشاهی اعلام بدارد. و از جناب اشرف امجد ارفع صدراعظم خواهش نماید که اعلام مزبور را به عرض اعلیحضرت ولی النعم خودشان برسانند. واضع این دستخط تمنا دارد که جناب اشرف امجد ارفع مراتب کمال ارادت او را قبول فرمایند

[نقش مهر پشت سند]: سوربوگین

ترجمه مطابق اصل است.

\* ر.ک. سند شماره ۳۲ و پانویس آن

\*\* اصل: چنان

## سند شماره ۲۴

[نامه صدراعظم میرزا آقاخان به کارپرداز تغلیس

میرزا حسین خان سپهسالار بعدی]

[۱۵ ربیع الثانی ۱۲۷۴]

عالی‌جاه، مجدد و نجدهت همراه، نور چشم

کاغذ های آن نورچشم مورخه ۸ و ۱۵ ربیع الاول، علی التوالی رسید و از سظورات و مطالب آنها مستحضر شدم. تفصیلاتی که از عزیمت خود، از پطرزبورغ به تغلیس و ملاقات با جناب کنیاز قارچاقوف وزیر امور خارجه و جناب مسیو تولستوی معاون وزارت خارجه، و اظهار مهربانی کردن ایشان نسبت به آن نور چشم، و محاوره که فیما بین شده بود، با تفصیل ورود خود به تغلیس، و استقبال و دیدن نمودن کارگزاران آنجا، از آن نور چشم که نوشته بودید خواندم و طرز رفتار و سلوک و حرکات آن نورچشم را پسندیدم.

بدیهی است آن نور چشم که با عقل و کفایت است، باید بجهت اجرای حقوق ثابت خود، طوری با آنها آمیزش و خصوصیت نماید، که در کمال دوستی منظورات خود را به عمل آورد، اگر چه خود آن نور چشم، بصیرت کامل از احوال و اطوار آنها دارد، اما به جهت تذکار خاطر می‌نویسم، که طبیعت مردم ایران مجبول است به پذیرفتن و رهین منت شدن تعارفات ظاهری، خدا بیامرزد مرحوم امام جمعه تهران را به زبان چرب و نرم و حسن محاوره که داشت، عالمی را مفتون خودش کرده بود و در مجلس اول قلب هر کس را به خود جلب می‌کرد. حضرات روسها مدتی است فهمیده‌اند که این متاع در ایران و نزد ایرانی خوب رواج دارد، این که کنیاز قارچاقوف به شما می‌گفته است که می‌خواهید من جای خودم رابه شما بدهم، و موسیو تولستوی روی شما را بوسیده و گفته است که اعلیحضرت امپراطور از شما تعریف کرده است. و بعد گفته است که شما باید در تغلیس خوب با جانشین راه بروید، و جنرال کاوانفسکی بزرگ دفترخانه شرقیه به شما در

مجلس آخری گفته است که در امورات متعلقه به خود در تغلیس کاوش و لجاج نکنید، همه بجهت استحکام امر خودشان است، نه این که واقعا با آن نور چشم به این شدتها خصوصیت قلبی داشته باشند. به آن نور چشم نمی‌گویم که در مطالبه مطالب حقه خود لجاج کند. اما این طور هم نباشد، که آن نور چشم فریفته این تعارفات ظاهری آنها شده، در امورات و مطالبه حقوق خود دستی نگاه دارد، که مبادا بعد از این از تعارف کم کنند. بالجمله از ورود جناب جانشین جدید به تغلیس که به آن طور نوشته، اطلاع داده بودید، مستحضر شدم. آن نور چشم نوشته بود که از جانب جناب جانشین صاحب منصبی برای ابلاغ جانشینی روانه دربار این دولت علیه خواهد شد. این فقره از سفارت هم اشعار شد که صاحب منصبی با رتبه جنرالی خواهد آمد.

بعد از وصول این خبر مجدداً به مقرب الخاقان فرزندى، قائم مقام نوشتم که در آنجا، مهمانداری که از رتبه سرهنگی فروتر و از درجه سرتیپی بالاتر نباشد، تعیین و روانه دارد و ملزومات احترام صاحب منصب مزبور را به قدر اندازه فراهم داشته باشد و در همین خصوص به حاکم خمسه و قزوین هم نوشته شد که بجهت پذیرایی او آماده باشند. همواره وقایع و اخبار را مترصد اظهارم.

تحریر فی ۱۵ ربیع الثانی ۱۲۷۴

[سجعه مهر پشت سند]: میرزا آقاخان اعتمادالدوله صدراعظم

دولت علیه ایران

سند شماره ۲۵

[نامه جانشین قفقاز به ناصرالدین شاه]

ربیع الثانی ۱۲۷۴

اعلیحضرت خورشید رایت،

دارا درایت، خسرو نامدار، شهریار بلند اقتدار

زیور افزای سریر ملک آرائی، برازنده افسر دوری و دارایی، مظهر

آیات عدل و احسان، مالک بالاستقلال کشور وسعت بنیان ایران خلدالله ملکه

بعد از مراجعت جناب جنرال مایور کنیاز ملیکوف از دارالخلافه، به وصول توفیق اعلیحضرت اقدس شهریاری که مبنی بر تهنیت منصب جلیل جانشینی بود مفتخر و سرافراز شدم و بعد از آمدن مقرب الخاقان داودخان سرتیپ، ایلچی دربار همایون، و رساندن فرمان که محض مرحمت خسروانه و تمثال همایون که زینت صدر مفاخرت و نشان مرحمت ملوکانه بود، نهایت امتنان به درجه اعلی رسید و مشاهده دلیل جدیدی بر اتحاد و یک جهتی فیما بین آن اعلیحضرت قوی شوکت و اعلیحضرت امپراطور ولی نعمت خودم نمودم. و بجهت اثبات میل غیر متحرک که بواسطه مرحمتهای خسروانه قلب من مملو است، می‌توانم منتهای آرزو را بیان سازم، که حاضر و آماده‌ام در امورات محوله به خود رفتاری نمایم، که منظوراتی که مقصود طرفین از استحکام اتحاد دوستی دولتین همجوار و پیشرفت امورات پولوتیک و تجارتی است به عمل آید.

امیدوارم که از لطف حضرت باری، وسعت وقت و فرصتی ذی امکان، بر من ارزانی شود، که در هنگام کار نیز این آرزو را، به نظر مهر اثر اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی، به ظهور رسانیده، لایق شفقتهای ملوکانه گردم، خصوصاً که این نیت مطابق بر رای اعلیحضرت ولی‌النعمت خودم خواهد بود.

زیاده بر این جسارت نمی‌توانم کرد که از دقائق گرانبهای آن اعلیحضرت، از خداوند عالم مسئلت می‌نمایم که عمر طیبی و سلامت کرامت فرماید.

در تفلیس معروض شد.

مورخه ۲۸ نوپابر سنه ۱۸۵۷

سند شماره ۲۶

إنامه وزیر خارجه سعید انصاری به میرزا حسین خان  
کار پرداز از تفلیس

[۱۵ جمادی الثانی ۱۲۷۴]

هو

مقرب الخاقانا، مشفقا، مکوما

پاکتهای مورخه ۲۴ ربیع الثانی و دویم و شانزدهم جمادی الثانیه شما رسید. بعد از آن که جناب اشرف امجد خداوندگاری دام اجلاله ملاحظه کردند، معروض پیشگاه شوکت دستگاه سرکار اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاهی روحانفاده افتاد. تفصیل ملاقات خود را با جناب جانشین و مذاکراتی که در باب امور سرحدیه نموده، اهتمامات اولیای دولت علیه را در انجام آنها به بیانات نیک و شایسته خاطر نشان جناب معزی الیه کرده‌اید، قلمی داشته بودید. این گونه کار آگاهی و نکته دانیهای شما که در مواقع لازمه همیشه به کار می‌برید، منظور نظر اولیای دولت علیه بوده و خواهد بود. تعارفاتی که جناب معزی الیه به عالی‌جاه داودخان و همراهان او نموده و یک دستگاه ساعت که به رسم یادگار برای شما فرستاده بودند، نوشته بودید. عالی‌جاه مشارالیه هم تفصیل تعارفات مزبوره و مراتب مهربانی و محاسن رفتار جناب معزی الیه و سایر کارگزاران آن دولت را قلمی داشته بود، و از قراری که نوشته است، بیست و یکم شهر جمادی الاولی وارد دارالسلطنه تبریز شده است و عتقرب وارد دربار همایون خواهد شد.

تعلیقہ رفیعہ از مصدر صدارت عظمی صادر و ارسال گشت، خواهید دید، عالی‌جاه بالاخان کنگرلو که پارسال بجهت استرداد املاک خود واقعه در نخجوان به خاک آن دولت رفته بود و شما را هم در تفلیس ملاقات کرده، تفصیل امر خود را حالی نموده است، این روزها مراجعت نمود و از قراری که اظهار کرد، حقیقت خود را در دیوانخانه‌های نخجوان و ایروان ثابت کرده است، و بعد از آن به تفلیس رفته که حکم صادر کرده مراجعت نماید.

کارگزاران آنجا، جواب به طرز خوب داده اند، که این مطلب را از سفارت روس مقیم دارالخلافه چون به ما نوشته‌اند، باید قراری را که در این باب داده خواهد شد به آنجا بنویسم و مدت سه چهار ماه طول خواهد کشید. مشارالیه دیده است که جوابی به او نخواهند داد، روانه دارالخلافه شد. عرضیه که نوشته بود، لفاً برای اطلاع شما فرستاده، می‌نویسد که در این باب با کارگزاران آن دولت، گفتگو نموده قرار خواهید داد، که املاک او را بر حسب خواهشی که شده است به خودش واگذار نمایند. و هر چه زودتر به سفارت مزبوره یا به خود شما در آنجا اخبار نمایند، که به مشارالیه اظهار شود، خود یا وکیل او مجدداً روانه آنجا گردیده، املاک مزبور را تصرف نماید.

معلوم است کمال مراقبت را در این باب خواهید کرد، که علاوه بر این که احقاق حق او را که نوکر دولت علیه است می‌نمایید، زحمت و خسارت زیاد در این خصوص کشیده است، طوری نشود که خدا نکرده املاک او رد نگردد، زحمتی که کشیده است به هدر برود.

انشاءالله به طور مسطور اهتمام خواهید نمود، و قرار محقانه که عبارت از رد املاک او باشد به زودی در این باب داده، خواهید نوشت.  
زیاده مطلبی نبود که نوشته شود مجاری حالات را قلمی دارید.

حرر فی ۱۵ شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۷۴

[سجع مهر پشت سند: لا اله الا الله الملك الحق المبین

سعید انصاری

[متن حاشیه سند:]

هو،

مشفقاً، مکرماً.

جناب مسیو لاغوفسکی شازدفر دولت روس، چند روز پیش‌تر خدمت جناب مستطاب اشرف امجد ارفع، دام ظلّه رسیده در باب چند نفر شاهسون که بنا به اعلام کارگزاران دولت بهیبه روسیه از رفتن مغان<sup>۱۹</sup> ممنوع شده بودند، اظهار کرد و گفت که اینها برخلاف اعلام ما و احکام شما رفته‌اند، صورت اسامی آنها را جناب مستطاب معظم خواستند نیم ورقی نوشته فرستادند، احکامی در کمال تاکید به مقرب الخاقان وزیر نظام و دبیر مهمام خارجه، صادر و همان نیم ورقی را هم در جوف ارسال فرمودند. حکم اکید شد به وزیر نظام، در نهایت تلخی که آن آدمها را دست بسته گرفته از مغان برگرداند، و در باب سایر امور سرحدیه نیز کمال سعی به عمل آورد.

جهت اطلاع شما نوشتم که اگر در آنجا گفتگویی در این باب شود، بی خیر نباشید، اولیای دولت از اول قدغن اکید فرموده بودند، غفلتی در آنجا شده است و رفع خواهد شد.

نشان محمدیه شمار رابا فرمان سلطان و قاب اطلس وغیره نزد فردی در مهمام خارجه فرستادم به شما برساند، به نظر همایون و ملاحظه جناب اشرف امجد ارفع رسیده است مبارک است، استعمال نمایید.

۱۹ جمادی‌الثانیه ۱۲۷۴

سند شماره ۲۷

[نامه صدراعظم میرزا آقا خان نوری به کارپرداز تغلیس]

[۱۹ رجب ۱۲۷۴]

نور چشم

البته ملاحظاتی و مکنونات اولیای دولت علیه را در استکمال درجات دوستی و یکی جهتی و مصافات دولتین ایران و روس کما هو حقّه می‌دانید، که در چه درجه و پایه است و می‌خواهند یوماً فیوماً به اعلی مرتبه اتحاد و صفا ارتقا پذیرد، و حسن مراقبات و اهتمامات کارگزاران و مأمورین این دولت را هم بطورهای خوب استحضار دارید، که در ازدیاد مراسم مودت و یگانگی با کارگزاران و مأمورین آن دولت چگونه دوستانه و محبانه است، و دایم الاوقات چشمداشت و تمنای اولیا و کارگزاران دولت علیه از مراتب دوستی صافی نهاد آن دولت بر این است که سلوک و رفتار نیک مأمورین آن دولت در انظار مأمورین سایر دول متحابه سرمشق باشد و اگر خلاف قاعده‌ای را سایرین خواسته باشند، اقدام نمایند مأمورین دولت روس در عالم دوستی محض رعایت نظم امورات داخله این دولت می‌باید به مأمورین و کارگزاران دولت علیه حالی نمایند. نه این که متافی این تمنا و چشمداشت از مأمورین آن دولت به ظهور آید، چنان که عالی‌جاه چرنیوف صاحب جنرال قونسول جدید از وقت ورود تبریز به حرف و راهنمایی ارباب غرض، مثل میرزا علی اکبر مترجم که دلخوریهای او معلوم است و مثل خواجه کالوس که قبل از این تاجر ورشکست بوده و با اهالی آذربایجان معاملات پوچ کرده است و حالا او را تاجر باشی نموده‌اند، هزار غرض شخصی و فکر شیطنت دارد و مثل یوسف خان ارمنی، به جهت این که از مداخله آرامنه تبریز و مکتب خانه اطفال آنها ممنوع شد و از کنار ارس تا ورود تبریز معلم، جنرال قونسول تازه واقع شده بود، رفتار کرده تکالیف شاقه به کارگزاران آذربایجان می‌کند، که تفصیل آنها را از سواد کاغذهای نواب شاهزاده رکن‌الدوله حکمران آذربایجان و فرزند مکرم دبیر مهمام خارجه که برای استحضار شما

قلمی و انفاذ گشت، خواهید مطلع گشت و می دانید ققره حمایت موافق فصل دوازدهم عهد نامه جدید منعقدہ فیما بین دولتین ایران و انگلیس بالمره موقوف شده است و انگلیسها شرط کرده اند که این حق به کسی دیگر داده نشود و معمول نگردد.

از مضامین سوادهای مزبور خواهید دانست که سایرین می خواهند عالی جاه چرنیوف صاحب را در حمایت کردن رفیق خودشان نمایند، عالی جاه مشارالیه هم که تازه به تبریز وارد شده و از اغراض فاسده حواشی خود و سایرین بی خبر است، به مقام حمایت و سایر تکالیف شاقه بر می آید، و رسوم دوستی و صفای خالصانه دولتین را ملاحظه نمی کند. مثلاً در باب کاظم نام دزد افشار، که صادق بیک داروغه تبریز، او را گرفته حبس کرده بود، به شیطننت و وسوسه خواجه کالوس او را مشهدی علی نام قراباغی اسم گذاشته، قونسول را بر این واداشته بودند، که او را حمایت نماید، و مفسدهای در امور داخله تبریز برپا نمایند.

از سواد کاغذهای مسطورہ معلوم شما خواهد شد، که به جنرال قونسول با هزار زحمت حالی کرده اند، که این کاظم دزد افشار است نه مشهدی علی قراباغی. باز از این طور اشتباهات و فساد حواشی خود و سایرین ملتفت نشده بر خلاف منظورات دوستی و صفای حضرتین به حرف و وسوسه حواشی و سایرین که هزار غرض و منظور نفسانی دارند، رفتار و سلوک می کند، که مطلقاً اولیا و کارگزاران دولت روس که همیشه در تزاید رسوم مواحدت و یک رنگی شوکتین مراقبت دارند، راضی به این طور رفتارهای عالی جاه چرنیوف صاحب نیستند. این کاغذ و سوادهای مزبوره را که خواندید و درست مستحضر شدید رقعہ دوستانه ای هم که من به شارژرد فرروس نوشته ام، سواد آن راهم که به جهت اطلاع شما فرستادم، می خوانید و از جناب جلالت مآب جانشین قفقاز وقت خواسته به بیانات حسنه، مذاکرات این طور و طرز چرنیوف صاحب را کرده، رفع این کیفیات را به طورهای نیک خواهید نمود. و قرار بگذارید که به او بنویسند به حرف و سخن ارباب غرض رفتار و سلوک ننموده، تکالیف شاقه به کارگزاران آذربایجان ننماید، و لازمه مودت و صفای عقیدت و نیکی رفتار را به نوعی ظاهر سازد، که دیگران را سرمشق باشد، و حواشی خودش هم نتوانند به غرض شخصی خودشان سلوک نمایند.

در این باب به مقرب الخاقان وزیر مقیم بطرزیورغ هم نگاشته شد، که با اولیای دولت روس مذاکره نموده، قرار خوبی در این مواد بگذارند.

فی ۲۹ شهر رجب ۱۲۷۴

[سجع مهر پشت سند]: میرزا آقاخان اعتماد الدوله

صدر اعظم دولت علیه ایران

[دستخط پشت سند]: کاربرد از اول تفلیس

سند شماره ۲۸

[نامه صدر اعظم به کاربرد از تفلیس میرزا حسین خان]

[سوم شعبان ۱۲۷۴]

نور چشم

عالی جاه مسیو یعقوب یوان آدامیانس، نقاش دولت بیه روسیه صورت اعلیحضرت امپراطور را به طرز خوب و زیبا در پرده کشیده از تفلیس به توسط مقرب الخاقان مسیو جان داودخان سرتیپ مترجم اول دولت علیه به حضور لامع النور، سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه فرستاده بود، بجهت این که نقاش مزبور خوب از عهده فنون و رموز نقاشی برآمده، صورت اعلیحضرت امپراطور دولت روسیه را از روی واقع و کماهو حقه کشیده و همه طور و طرز آن را به طور نیک عمل آورده بود، پرده صورت و کار و عمل اوزیاد مطبوع و پسندیده افتاد.

سزکار اقدس اعلی مقرر فرمودند به آن نورچشم نوشته شود، که جناب جلالت مآب جانشین قفقاز را ملاقات کرده، از او خواهش نمایند. که نقاش مزبور را به دارالخلافه باهره روانه نماید که به اینجا آمده، صورت همایون سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداءه را نیز به همان طور خوب و زیبا در پرده‌ای بکشد، و به طرز تیک عمل آورده، بعد از آن مراجعت نماید.

البته آن نورچشم، حسب الامر به زودی جناب معزی الیه را دیده، نقاش مزبور را روانه تهران خواهید کرد.

فی سیم شهر شعبان المعظم ۱۲۷۴  
[سجع مهر پشت سند]: میرزا آقاخان اعتمادالدوله  
صدراعظم دولت علیه ایران

[دستخط پشت سند]: میرزا حسین خان

[متن حاشیه سند]:

با اسب چاپاری او را روانه دارید، خرج زیاد از برای دولت چیده نشود، دوست تومان انعامی و خلعتی و نشانی به او مرحمت می‌شود. خرج راه هم مضایقه نمی‌شود که صدتومانی به او مرحمت شود، اگر بفهمید که زیادتر از این اخراجات و طمع دارد مراتب را قلمی دارید. چند صورت خواهد کشید و بر خواهد گشت.

سند شماره ۲۹

[نامه وزیر خارجه به کارپرداز تفلیس]

[۷ شعبان ۱۲۷۴]

مشفقاً مکروماً

در باب رفتار جنرال قونسول دولت بهیه روسیه مقیم تبریز<sup>۱</sup>، که سابقاً صورت نیم ورقی به جهت وزیر مقیم پترزبورغ و حالا برای شما فرستاده شد، که مطلع باشید، در همان اوقات مراتب در تلو کاغذ دوستانه، که همان صورت نیم ورقی را متضمن بود، بجهت جناب شارژدفر آن دولت بهیه از جانب اولیای دولت نوشته شد، شارژدفر هم از کمال انصاف و معقولیت که دارند، قرار دادند که به جنرال قونسول تبریز بنویسند و رفع این اختلال را به طور خوب و شایسته بنمایند و به همین طور با کمال خوبی گذشت. عالی‌جاه حاجی میرزاجبار، ناظم المهام، فقره کاظم نام دزد افشار را غافل از این که فقرات نیم ورقی کلیتاً از جانب اولیای دولت به شارژدفر القا شده، قراری با هم دادند به ملاحظه این که این هم خبری است از آذربایجان رسیده و باید در روزنامه چاپ شود. در روزنامه مورخه ۲۴ رجب المرجب که به ملاحظه آن مشفق مکرم می‌رسد، چاپ کردند اگر چه در همان روزنامه براثت ذمه جنرال قونسول را اظهار نمود و ملاحظه مودت و موالات دولتین بهیشتین ایران و روس را ظاهر کرد، لیکن این معنی باعث تردید خاطر شارژدفر دولت مشارالیها شده، اظهار گله کردند، و اولیای دولت قاهره در مقام رفع گله برآمده و حقیقت ماجرا را مکتوباً در جواب خاطر نشان نمودند، به جهت اثبات این مدعی، و تالیف قلب و تقاعد شارژدفر مقرر فرمودند که ناظم المهام به سفارت رفته معلوم نماید که نگارش این فقره، در روزنامه مسبق به سابقه هیچ خیالی نبوده و نیست و به جناب شارژدفر اظهار شد، که ناظم المهام به جهت اثبات بی‌غرضی اولیای دولت و



خودش به آنجا خواهد آمد. شارژدفر محض حسن‌ظنی که از این اظهارات حاصل کردند، راضی به زحمت و رفتن ناظم‌المهام به سفارت نشدند، اولیای دولت هم بجهت تدارک و تلافی این فقره قرار دادند، که محض رفع شبهه از انظار خارجه و داخله و معلوم داشتن این که در دوستی و مودت کامله دولتین به هیچ وجه خللی نرسیده و نخواهد رسید و بعون الله روز به روز این مودت و موالات در تزیاید خواهد بود. مقرر فرمودند که شرحی نوشته و ضمیمه روزنامه هفته آینده شود، که صورت آن را اینک قبل از این که چاپ نمایند به جهت مزید اطلاع شما فرستادم و سواد سوال و جواب با شارژدفر هم اکنون برای آن مخدوم فرستاده شد.

مقصود از این تفصیل و زحمت اظهار دادن به شما همین است که اگر احیاناً جناب شارژدفر، از اینجا مراتب را به جناب جانشین دبیر مهم خارجه تفلیس نوشته باشد و در آنجاها حرفی مذکور شود، از کیفیت بی‌اطلاع نباشید و درست خاطر نشان نمایید که نگارش فقره مزبوره در روزنامه مبنی به هیچ غرض و منظوری نبوده و محض غفلت بوده است و همین روزنامه هفته آینده که چاپ خواهد شد به ضمیمه اظهارات دیگر اولیای دولت در تلافی این اتفاق دلیل کافی است، و دوستی و مواحدت دو دولت دوست متحد را بنیاد محکمتر از این است، که این گونه شبهات را دست تصرفی در آن باشد.

البته آن مشفق مکرم هرگاه ضرورت مقتضی آید، مراتب را به طور خوب خاطر نشان خواهد کرد و همواره مجاری حالات را قلمی خواهد داشت.

حرر فی ۷ شهر شعبان ۱۲۷۴

[سجع مهر پشت سند]: لا اله الا الله الملك الحق المبين

سعید انصاری

[متن دستخط حاشیه سند]: سواد وصیت نامچه حاضر و موجود است، اگر این دفعه به جهت ضیق وقت مقدور نشد به اقرب وسایل فرستاده خواهد شد.

سند شماره ۳۰

[نامه میرزا آقا خان صدراعظم به کارپرداز تفلیس]

[غرة ربیع الثانی احتمالاً ۱۲۷۴]

نورچشما

در خصوص آمدن دخترهای نواب بهمن میرزا به تبریز شرحی نوشته، سواد دستخط نواب مهد علیا دامت شوکتها، و سواد نوشته بهمن میرزا را که به جهت اطلاع اینجانب فرستاده بودید، ملاحظه کردم و از تفصیل مکالمه آن نورچشم اولاً با عالی‌جاه مجدت همراه جنرال لیلی و ثانیاً جناب کنیاز بهدوف که به آن طور قلمی داشته بودید اطلاع به هم رساندم و جواب الزامی آن نور چشم را که هرگاه دخترهای بهمن میرزا بخواهند باحالت تبعیت دولت بهیه روسیه به خاک ایران داخل شوند، البته ممانعت خواهد نمود، بسیار بسیار پسندیدم.

جواب همین است، که آن نور چشم گفته است، هرگاه مجدداً به این صرافت بیایند جواب شما همین باشد. اگر نوشته دادند که ابداً نه خود آنها و نه مامورین ایشان نسبت به دخترهای بهمن میرزا دعوای تبعیت و حمایت نخواهند کرد به آنها پاسپورت<sup>۱</sup> بدهند و به ایران روانه دارند. و الا با حالت تبعیت بخواهند بیایند، آن نور چشم مطلقاً تمکین نکنند.

به مفاد همین دستورالعمل که به آن نور چشم داده شد، دستخط همایون در صدر نوشته

آن نورچشم، به افتخار این جانب صادر آمد، که سواد دستخط مبارک در جوف بجهت اطلاع آن نور چشم انفاذ شد.

تحریراً فی غره ربیع الثانی

[سجع مهر پشت سند]: میرزا آقاخان اعتمادالدوله

صدراعظم دولت علیه ایران

[متن دستخط حاشیه سند]:

نور چشم، سرکار همایون اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحی فداه، اذن داده‌اند، که دخترهای بهمن میرزا به ایران بیایند، اما مشروط به این که در تحت حمایت دولت و سفارت روس نباشند. حکم همایون هم همین است که به شما می‌نویسم. دیگر خود بهتر می‌دانید که چه باید بکنید. با سمت تبعیت روس ابداً راضی نشوید به ایران بیایند. بلکه کمال ممانعت را هم به عمل آورید.

زیاده مطلبی ندارد. والسلام

سند شماره ۳۱

[نامه صدراعظم میرزا آقاخان به میرزا حسین خان

کارپرداز تفلیس]

تبرستان  
۴۴ شعبان ۱۲۷۴  
www.tabarestan.info

نور چشم

در ایام اقامت تهران، از اهمات و مراقبات من در تمهید اسباب اتمام امورات سرحدیه و انتظام کارهای آنجا، خوب اطلاع دارید. حتی هنگام عزیمت شما به محل ماموریت دیدید به صحبت آن نور چشم چه احکام صادر و بجهت کارگزاران آذربایجان انفاذ گردید. علاوه بر آنها چه سفارشات بلیغه و تاکیدات اکیده در موجبات نظم و انجام این کارها شفاها به آن نورچشم القا شد، که به مطاعی وزیرنظام و فرزند دیر مهام خارجه بیان نمایید.

بعد از ورود شما به تبریز که احکام دربار همایون و سفارشات اکیده مرا به ایشان ابلاغ کردید، مشاهده نمودید که معزی‌الیها در تقدیم لازمات این امورات سرحدیه چگونه مساعی جمیله به ظهور آورده، دقیقه‌ای از دقایق انتظام و اختتام این کار فروگذاری نکرده‌اند.

با وجود این که عالی‌جاهان، میرزا کلبعلی و میرزا جواد، منشیان امور خارجه آذربایجان را که آگاهی و استحضار از امورات داشتند، به اتفاق عمده‌الخواین حاجی محمد خان سرتیپ مامور سرحد نموده بودند، و احکام در همراهی کردن ایل بیگیان و حکام سرحدیه این طرف با آنها صادر کرده بودند، و جمیع لوازم متعلقه به این امور را فراهم آورده بودند، باز نواب عباسقلی میرزا را که شأن او مقتضی ماموریت انجام این

کارها نبود، کارگزاران آذربایجان به ملاحظه زیادی مراقبت و اهتمام، معزی‌الیه را مامور سرحد کردند، که می‌دانید سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه در این باب به کارگزاران آنجا عتاب فرمودند که این ماموریت برای شان شاهزاد مناسب نبود.

من به ملاحظه مودت دولتین و مراقبت اتمام این کارها، به حضور رافت ظهور ملوکانه عرض کردم، که این ماموریت نواب معزی‌الیه را ممضی فرمودند، که این کارها زود انجام یابد، و بر کارگزاران دولت روس واضح و آشکار شود، که اولیای این دولت و کارگزاران آذربایجان به چه درجه در اختتام و انتظام امورات سرحدیه مواظبت دوستانه و مساعی وافیہ دارند.

البته این معنی هم بر شما معلوم شد که هر چه اسباب انجام این کار، در سرحدات این طرف، فراهم آمد، از مامورین آن طرف اقدامی نشد. حتی عالی‌جاه بیگلروف صاحب به تبریز آمد و مکالمات کرد. قرار گذاشت که مامورین آن دولت به سرحد آمده، این کارها را با مامورین این دولت قرار اتمام بدهند. هر چه مامورین دولت انتظار کشیدند و حال هم منتظرند....<sup>۵۰</sup>

با وصف این حالات، شارژدفر دولت مراسله‌ای به من این روزها نگاشته، در این بین پاره‌ای [نوشتجات]<sup>۵۱</sup> از مقرب الخاقان حاجی میرزا محمدخان دبیر مهام خارجه و عالی‌جاهان حاجی محمدخان و قاسم‌خان ایل بیگی و سایر رسیده که سواد آنها در ضمن جوابی که به شارژدفر نوشتم به سفارت ارسال گردید. سواد سوال و جواب مزبور و کاغذهای آنها را هم برای استحضار شما فرستادم که

<sup>۵۰</sup> یک سطر هنگام تصویربرداری افتادگی دارد یا در اصل از بین رفته است.

<sup>۵۱</sup> اصل: نوشتجاتی

درست از این تفصیلات مطلع شده، رشته دستورالعمل به دست شما خواهد آمد. چنانچه در آنجاها مذاکره بشود از روی بصیرت و موافق حقیقت و قاعده دانی جواب کافی خواهید داد، که با این ملاحظات محبانه و مراقبات دوستانه، اولیای دولت که می‌دانید از تقدیم لوازمات این کارها چقدر خرج و خسارت فراهم آمده، دیگر جای گله و ایراد برای کارگزاران آن دولت باقی نماند است.

زیاده چه نگارد منوط به حسن تقریرات و نیکی بیانات آن نور چشم است که به طور خوب حالی نماید و کیفیت را برای استحضار من بنگارد.

فی ۲۰ شهر شعبان ۱۲۷۴

[سجع مهر پشت سند]: میرزا آقاخان اعتمادالدوله

صدراعظم دولت علیه ایران

[دستخط پشت سند]: کارپرداز اول تغلیس

سند شماره ۳۲

انامه لاغوفسکی شارژدفر دولت روسیه به وزیر خارجه  
سعید انصاری |

[ ۱۲۷۴ ]

جناب جلالت و نبالت نصابا،

مقرب الخاقانا محبان نوازا، مشغقا، مکوما، معظما

واضع این دستخط شارژدفر موقتی اعلیحضرت امپراطوری مقیم ایران، جناب جلالت مآب میرزا سعید خان وزیر مهم خارجه اعلیحضرت پادشاهی را از رسیدن رقه شریفه دیروزی آن جناب، با احترام تمام اطلاع داده، ضمنا اظهار می دارد که موافق دعوت آن جناب جلالت مآب که دوستدار را به مجلس جشن تفویض شأن ولایت<sup>۱</sup> عهد

۱ نخستین ولیعهد ناصرالدین شاه سلطان محمود میرزا از بطن شمس الدوله دختر شاهزاده احمد علی میرزا نخستین زن عقدی ناصرالدین شاه بود که در هفدهم رجب ۱۲۶۵ قمری متولد شد و در سن چهار ماهگی درگذشت. دومین ولیعهد وی شاهزاده معین الدین میرزا از بطن تاج الدوله دختر شاهزاده سیف الدوله دومین همسر عقدی شاه بود که او هم در سال ۱۲۷۳ در سن ۵ سالگی درگذشت. سومین ولیعهد ناصرالدین شاه که سند فوق در ارتباط با جشن ولایت عهدی وی می باشد شاهزاده محمد قاسم میرزا ملقب به امیر نظام است که از پنجمین زن عقدی او جیران خانم دختر محمد علی خان به دنیا آمد. این زن بی نهایت مورد علاقه ناصرالدین شاه بود تا جایی که یکی از همسران عقدی خود را طلاق داد و این خانم را بجای او به عقد دائمی خود درآورد و به او لقب فروغ السلطنه بخشید. این خانم عمر زیادی نکرد و در جوانی درگذشت و ناصرالدین شاه در فراق او بی اندازه متأثر شد. وقتی هم که در حرم حضرت عبدالعظیم تیر خورد به زحمت خود را به اطاق مقبره جیران رسانیده و سرتسلیم بر آستان عشق و محبت نهاد و در آستانه محبوب -

سلطنت عظمی در حق نواب مستطاب اشرف والا، شاهزاده افخم قاسم خان امیر نظام با احتشام، دام اقباله فرموده بودند، وظیفه خود می دانند که حاضر شود و به حضور مهر ظهور اعلیحضرت پادشاهی شرفیاب شده، مراسم تهنیت را به تقدیم رساند. چون مطلب منحصر بود، زیاده زحمت افزا نگشت والسلام.

[سجع مهر پشت سند]: اسکندر لاغوفسکی، شارژدافر دولت روس

[متن دستخط پشت سند]: جناب جلالت مآب مقرب الخاقان، محبان نوازا، مشفق

مکرم معظم، میرزا سعیدخان وزیر مهم خارجه

اعلیحضرت شاهنشاهی مطالعه فرمایند.

[دستخط دیگری]: ولایت عهد

- دست از حیات کشیده دیده فرویست. به هر صورت سومین ولیعهد در ۲۵ جمادی الاول ۱۲۷۰ و از همسر مزبور شاه متولد شد و در سال ۱۲۷۴ در ساعت سعد شاه فرمان ولایت عهدی وی را صادر کرد. این فرزند عزیز و مایه امید شاه نیز دوران ولیعهدی اش بیش از شش ماه طول نکشید و در هجدهم ذیحجه ۱۲۷۴ درگذشت و بالاخره ناصرالدین شاه در اواخر ذیحجه ۱۲۷۸ فرمان ولیعهدی مظفرالدین میرزا را صادر کرد. ر.ک. عبدالحسین نوایی، ولیعهدهای ناصرالدین شاه، مجله یادگار، سال سوم، شماره دهم، خرداد ۱۳۲۶، ص ۵۲-۶۷. و همچنین جهانگیر قائم مقامی، ولیعهدهای ناصرالدین شاه، مجله یغما، شماره پنجم، ص ۲۳۵-۲۳۸ و شماره ششم، ص ۲۷۶-۲۸۱.

سند شماره ۳۳

[نامه صدراعظم «میرزا آقا خان» به کاربردان تفلیس]

[۲۸ ذیحجه ۱۲۷۴]

نور چشم

در باب عزیمت جناب مسیو اینچکوف وزیر مختار دولت بهیه روسیه شرحی نوشته بودید، اطلاع آن نور چشم را لازم دانسته، مفصلاً از حرکت و عزیمت او می نویسم که: اولاً از جانب سفارت اظهار شد که جناب معزی‌الیه از سمت آذربایجان خواهد آمد، اولیای دولت علیه، مقرب‌الخاقان علیتقی خان سرتیب را با احکامات لازمه و دستورالعملهای کافی و اسباب تجمل به تبریز فرستادند. چندی نگذشت که از جانب سفارت اظهار شد، که از راه بحر خزر به استرآباد خواهد آمد و از استرآباد عزیمت دارالخلافه خواهد کرد. با این که اردوی همایون، در شکارگاه لورا و شهرستانک تشریف داشتند، و برای اولیای دولت علیه فراهم آوردن اسباب تشریفات خیلی صعوبت داشت، و کمال ضیق وقت هم بود، محض اتحاد دولتن و لوازم یک جهتی شوکتین فوراً مقرب الخاقان هادی خان سرتیب را به چناباری مامور کرده و بقدری که ممکن بود اسباب تجمل را متعاقباً فرستادند.

مع هذا از قراری که مقرب الخاقان مشارالیه نوشته بود، با ضیق وقت و فراهم نبودن اسباب تشریفات در سمت استرآباد و سمنان و دامغان باز به جناب وزیر مختار و همراهانش خوش گذشته، در همه جا به قدر امکان تدارک دیده و جناب معزی‌الیه با کمال احترام و خوشحالی منزل به منزل می‌آید و در چهارم شهر محرم الحرام وارد خواهند شد.

چون اطلاع آن نور چشم را لازم دانستم، لهذا مفصلاً کیفیت ورود ایشان را نگاشتم.

فی ۲۸ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۷۴

[سجع مهر پشت سند]: میرزا آقاخان اعتمادالدوله

صدر اعظم دولت ایران

[دستخط پشت سند]: کاربردان تفلیس

سند شماره ۳۴

[نامه وزیر خارجه سعید انصاری به کاربردان

تفلیس «میرزا حسین خان»]

[۲۱ محرم ۱۲۷۵]

مقرب الخاقانا، برادرا، مکرم، مهربانا

رای جهان آرای اقدس همایون سرکار اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی روحی فداه تعلق بر آن گرفت، و چنان اقتضا فرمود که جناب میرزا آقا خان صدراعظم را از خدمت صدارت معاف، و معزول و در اجرای مهام ملک و دولت هر قراری را که مقرون به مصلحت باشد، مقرر فرمایند. روز بیستم شهر محرم الحرام دستخط مبارک مشتمل بر اراده سنیه شرف صدور یافت، من هم حسب الامر الاقدس الاعلی مختصری می نویسم. بدیهی است که این قسم تبدلات، موجب تبدیل دستورالعمل و احکام همایون در هیچ باب اعم از داخله و خارجه نخواهد بود. آن برادر مکرم باید کمافی السابق مشغول

انجام خدمات مرجوعه خود بوده، در ارکان چاکری و خدمتگزاری خود فتوری راه ندهد، و در تسویه امورات محوله دولتی تقاعد نورزید.

انشاءالله تعالی حسن خدمت و بندگی هر یک از چاکران در پیشگاه همایون علیه جلوه گر بوده، باعث مزید عز و اعتبار ایشان خواهد بود.

می‌باید شب و روز اوقات خود را به خدمات دولت ابد مدت علیه مصروف داشته تفصیل حالت را همه روزها بنویسد که بعد از ...<sup>۵</sup> مقتضی شود احکام لازمه علی التوالی به شما برسد و از آن قرار معمول دارید.

حرر فی ۲۱ شهر محرم الحرام ۱۲۷۵

[سجع مهر پشت سند]: لا اله الا الله الملك الحق المبين

سعید انصاری

[متن پشت سند]: کاربرد از تفلیس

<sup>۵</sup> چند کلمه در اصل و یا هنگام تصریح برداری افتادگی دارد.

سند شماره ۳۵

[نامه وزیر امور خارجه سعید انصاری به کاربرد از تفلیس]

[غزوه ربیع الاول ۱۲۷۵]

مقرب الخاقانا، برادر مشفق مکرما

مکتوبات مورخه دوم صفر شمارسید. مسطورات آنها که دلالت بر مساعی جمیله و مراقبت کافیه شما در امورات محوله، و سرپرستی تبعه دولت علیه و مراقبت امر آنها داشت، از عرض خاک پای سرکار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه گذشت.

مراسم صدق اهتمام و مواظبت و قاعده دانی شما پسندیده و مطبوع افتاد و از وقایع اوضاع ولایت جدیه و چین و سایر که نگاشته بودید استحضار حاصل گشت و دلیل آگاهی شما بود.

در باب شخص ارمنی نقاش به آن تفصیل که صلاح دانسته عمل کرده‌اید، بسیار خوب. البته در هر وقت خیر و صرفه و مصلحت دولت را نباید از دست داد و ملاحظات حسنه را نمود، اگر به اینجا هم بیاید، معلوم است بر حسب اندازه و شایستگی او رفتار خواهد شد.

در باب عالی‌جاه پولکونیک بارتلمی که نوشته بودید عازم دارالخلافة باهره شده امورات سرحدیه را با اولیای دولت علیه صورت انجام بدهد. در ۱۰ صفر مصحوب چاپار به شما نوشتم، که محض دوستی دولتین و رعایت اکرام و استراحت او عالی‌جاه مرتضی‌خان غلام‌باشی وزارت امور خارجه، دوستانه مامور گیلان و سرحد گردید، که همراهی با او کرده مراقب اعزاز و راحت او باشد. تا به تهران بیاید و هنوز وارد نشده

است.

سرکار اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی، خلدالله سلطانه که در تزیید مدارج اتحاد و مودت دولتین ایرن و روس بذل همت ملوکانه دارند، در خصوص انجام امورات سرحدیه و سایر کارهای قونسولگری آن دولت، ملفوفه فرامین همایون سابقاً صادر فرموده‌اند. با این چاباره‌هم که رونده است، ملفوفه فرامین مطاعه به افتخار نواب رکن الدوله و موتمن‌السلطان وزیر نظام شرف صدور یافته، که به زودی مقرب الخاقان جمعفر قلی خان میرینج قراجه داغی را که از امورات سرحدیه اطلاع کامل دارند، روانه سرحد نمایند و به مباهات میرینج آن ملفوفه فرمان مبارک عز صدور پذیرفته و زودتر مامور روانه آنجا گشته، کارها را به خوبی و از قرار دستورالعمل اولیای دولت علیه و کارگزاران آذربایجان فیصل بدهد.

به قدر امکان که در اتمام و انجام کارهای متعلقه به آن دولت مراقبت شده و خواهد شد. مذاکرات و مکاتبات شما با عالی‌جاه جنرال لیلی به آن طور و طرز که نگاشته بودید ملاحظه شد، همگی به قاعده و عقل و اسلوب مقرون و خیلی خوب بود. کاردانی و رویه شناسی شما از واضحات است. و اقتضای غیرت و لازمه چاکری هم این است که همیشه آثار صداقت و کفایت و خلوص عقیدت از او در حضرت مرحمت آیت همایون ظاهر آید، و محل وثوق و اعتماد گردد.

فی غره ربیع الاول ۱۲۷۵

[سجع مهر پشت سند]: میرزا سعید خان وزیر امور

دول خارجه دولت علیه ایران

[دستخط پشت سند]: کارپرداز اول تغلیس

## سند شماره ۳۶

[۲۳ جمادی الثانی ۱۲۷۶]

## جواب مراسله وزیر مختار روس

از مضمون مراسله آن جناب مورخه ۲۱ جمادی الثانی و سواد عریضه ناخدایان کشتیهای تجارته روس، که ملفوف آن ارسال شده بود، استحضار حاصل شد. چون در باب آذوقه عملجات کشتیهای مزبور، به قدر حاجت سابقاً قراری از جانب دولت داده شده بود، معلوم نشد که دیگر این شکایت ناخدایان مبنی به چه علت بوده است. از طرف نواب مستطاب شاهزاده والاتبار ملک‌آرا<sup>۱</sup> نیز اظهاری نشده بود، که دوستدار بتواند آن جناب را از حقیقت مراتب آگاهی دهد. ولی این قدر محقق است که بالقطع از جانب نواب معزیه الیه اقدام به امر بلا دلیل نباید شده باشد. پس ممکن است که کارگزاران استرآباد از فروش تجارته آذوقه ممانعت نموده باشند و این هم قدغن دولت است. دخلی به اختیار آنها ندارد که مورد بحث شوند.

این که آن جناب نوشته بودند، که اولیای دولت ایران را بواسطه فرستادن سواد عریضه ناخدایان در جوق مراسله خود، خواسته‌اند ملتفت به اعمال خصومت آمیز جدید کارگزاران استرآباد نمایند، باعث چندین تعجب گردید.

اولاً: هنوز اطراف این مسئله به اولیای این دولت و آن جناب میرهن نشده است که فی الحقیقه تکلیف و عمل ناخدایان مزبور چه بوده و چه جواب شنیده اند، زیرا که شاید می‌خواستند معامله تجارته نمایند.

\* شاهزاده کیومرث میرزا ملک‌آرا حکمران استرآباد و مازندران

ثانیاً: بر فرض قول آنها صدق باشد، چگونه می‌توان جواب اهالی بنادر را که موافق عقیده خودشان به عمله کشتی گفته‌اند عمل خصومتی اسم گذاشت.

ثالثاً: اعمال جدید را لازم افتاده است که مسبوق به اعمال قدیمه بوده باشد. اولیای دولت ندانستند آن اعمال چه بوده است. و این که اظهار داشته‌اند که آذوقه کشتیهای دولت روسیه را عالی‌جاه دریایی می‌خواهد از اشخاص مخصوص اشیاع نماید و نواب ملک آرا راضی نمی‌شوند. از آن جناب سوال می‌شود که حکمران ولایت چه غرض با اشخاصی چند دارد که بی جهت ممانعت از مداخله آنها نماید. معلوم است آنها را مخل نظم عمومی خود می‌داند. و از این طرف متعهد می‌شود که همان مقصود را که عبارت از رسانیدن آذوقه به کشتیها باشد به وسیله دیگر بدون نقص به عمل آورد. در این صورت چه جای شکایت است.

در حالتی که عالی‌جاه مجدت همراه، دریایی به جهت خریدن آذوقه طالب اعتماد و اطمینان باشد، و حال آن که چنین امر آسان محتاج به اعتماد نیست. پس حاکم مملکت که نظم و سیاست کلیه در عهده او است چگونه می‌تواند به آدمهای ناامین، اعتماد نماید، و چشم از انتظام کار خود بپوشد.

باری حسب الامر الاقدس الاعلی به نواب معزی‌الیه مؤکداً نوشته شد، که قدغن نمایند، آذوقه کشتیهای دولت روس را به قدر ضرورت موافق قرار داد سابق برسانند و آنها را به جهت معاش معطل نگذارند.

ولی بر آن جناب هم لازم است که قدغن نمایند. عالی‌جاه دریایی و دیگران در سر چنین امور ناقابل، که برای آنها به هیچ وجه تفاوت ندارد گرفت و گیر نکنند. آنها آذوقه بخواهند، به هر قرار و اندازه‌ای که لازم و ممکن باشد، دیگر چه کار با اشخاص دارند. اختیار اشخاص و نظم این امور با حکمران ولایت است، چرا که او بصیرت بر حالت مردم و پیشرفت نظم کاردارد لاغیر.

متوقع است که آن جناب لازمه مراقبت را در این باب به عمل آورند و راضی نشوند ه این گونه مناقشات غیر لازمه، باعث گفتگو و زحمت کارگزاران طرفین باشد. در حالتی که بجز حسن مراد و مهربانی منظوری نداشته باشد.

فی ۲۳ شهر جمادی الثانی ۱۲۷۶

[دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه]: صحیح است.

سند شماره ۳۷

[نامه صدیق‌الملک<sup>۱</sup> ایلچی ایران در پترزبورگ]

[غره رجب ۱۲۷۷]

هو

فدایت شوم

معلوم است که آن جناب از مأموریت بنده به سمت ایلچی گری مخصوص به

۱ میرزا محمدنویس صدیق‌الملک نوری مازندرانی متولد ۱۲۳۳ قمری که سالها از کارمندان عالی مقام وزارت خارجه بود. ر.ک. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران، تهران، انتشارات زوار ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۴۲ و ۲۴۴. لازم به توضیح است که مهدی بامداد اشاره‌ای به مأموریت این شخص در پترزبورگ ننموده است و هم‌منظور قید نموده است که لقب صدیق‌الملک در سال ۱۲۹۸ به وی داده شده است. که مضمون این سند این گفته را نفی می‌کند.



پطرزبورغ بی استحضار نیستید. در چهاردهم شهر جمادی الاخری وارد مقصد گردیده و به فاصله چندروز شرف اندوز حضور اعلیحضرت امپراطوری شده، و موافق قرار تشریفاتی که به سفرای سابقه با هم شأن مهجور قرار داده‌اند، مرعی داشته و در مجلس شرفیابی خیلی خوش گذشت. و چند فقره عرایض و فرمایشات با معنی مکالمه شد و همچنین با جناب کرچکوف وزیر امور خارجه، نیز آنچه لازمه گفتگوی اول ملاقات بود به عمل آمد.

چون اطلاع آن جناب از ورود بنده به مقر ماموریت لازم بود. لهذا عجالاً<sup>۱</sup> بدین مختصر زحمت افزا گردید. بعد از این نیز احوالات لازمه و وقایع اتفاقیه را به تفصیل زحمت داده بی اطلاع نخواهد گذاشت و مترصد می‌شود که آن جناب نیز از سلامت مزاج محبت امتزاج و اخبار لازمه اعلام فرموده، این مهجور را مسرور و مستحضر سازند.

زیاده تصدیق و زحمتی ندارد.

مورخه غره شهر رجب المرجب ۱۲۷۷

[نقش مهر پشت سند: صدیق‌الملک]

سند شماره ۳۸

ترجمه نامه وزیر مختار روس قامازوف به وزیر خارجه  
و دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه

تبرستان  
www.tbrstan.info

[۶ شعبان ۱۲۷۸]

ترجمه شرحی است که جناب جلالت مآب،

ایلچی مخصوص و وزیر مختار دولت روس، به جناب جلالت مآب،

فخامت انتساب، میرزا سعید خان وزیر مهم دول خارجه دولت ابد آیت نوشته است

رعایای اعلیحضرت امپراطوری، امتعه و اجناس خود را که از بحر خزر وارد سواحل ایران می‌نمایند همیشه صد پنج معمولی را داده جواز دریافت می‌کردند. و آن جواز در سایر بنادر و گمرک‌خانه‌ها مقبول و ممضی<sup>۱</sup> بود.

حال تجار بادکوبه رعایای روس به قونسولگری گیلان شکایت کرده‌اند، جوازی که در بندر انزلی و لنگرود به ایشان داده‌اند در بندر مشهد سربول نمی‌کنند. جهت این که به مهر شیرو خورشید ثبت نشده و مطالبه صدو پنج مجدد از آنها می‌نمایند. قونسول مشارالیه جوازهای رعایای روس مزبور را نزد جناب مقرب الخاقان محمود خان ناصرالملک پیشکار رشت فرستاد. که به مهر شیرو خورشید مهر نماید. مقرب الخاقان معزی الیه در جواب گفته که او حقی ندارد جواز را مهر کند.

جهت این که امنای اعلیحضرت شهریاری تازه قرار داده‌اند که رعایای روس از هر ولایتی که امتعه خود را حمل و نقل به سایر ولایات می‌نمایند، صدو پنج در گمرکخانه

بندر آنجا بدهند، به این معنی که جوازی که از بندرات گیلان حاصل کرده‌اند، جنسش نباید از راه مازندران حمل و نقل به سایر ولایات بشود.

واضع این دستخط ایلچی مخصوص وزیر مختار اعلیحضرت امپراطوری در نزد اعلیحضرت پادشاهی نمی‌خواهد در این وقت این فقره را مطرح گفتگو نماید، که این قرارداد تازه اولیای دولت ایران مقرون به صحت است یا نه. لکن نمی‌توان فهمید، با وجود این قرارداد تازه کارگزاران ایران، چرا مباشرین گمرکخانه و بندرات گیلان جواز داده صد پنج گرفته‌اند. به عهده تجار روس نیست که به مباشرین گمرکخانه بیاموزد. که ایشان چه قسم باید مراقب اعمال مرجوعه به خود در ضبط و ربط امورات دایر گمرکخانه باشند.

فی‌الحقیقه هرگاه جوازی که مباشرین گمرکخانه‌ها می‌دهند، به علت فقره مسطور صحیح نیست، مباشرین گمرکخانه بندرات در عمل آوردن قرار داد تازه امتنای دولت ایران تقصیر کرده‌اند، می‌شود آنها را تنبیه نمود، دخلی به معطل نمودن تجار تبعه روس ندارد.

علی‌هذا واضع این دستخط از جناب جلالت مآب میرزا سعید خان وزیر مهم دول خارجه اعلیحضرت شهریاری، با احترام تمام خواهشمند است که به کارگزاران گیلان مرقوم دارند. که جوازهای رعایای روس مذکور را به مهر شیر و خورشید مههور سازند و نیز زحمت افزا گشته، توقع است، آن جناب مشفق مکرم تدبیر لازمه در این فقره بکار ببرند. که من بعد، از این گونه زحمات به تجار روس وارد نیاید. که متضمن خسارات کلی نسبت به آنها خواهد بود.

واضع این دستخط لازمه احترامی که به آن جناب سامی دارد تجدید می‌نماید.

سواد مطابق اصل است

[ نقش مهر پشت سند ] : قامازوف

[ دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه ]:

گفتگوی این جواز مدتی است میان عباسقلی خان گمرکچی مشهدسر با گمرکچی انزلی در میان است. گمرکچی انزلی بارهائی که مخصوص مشهدسر است به خلاف قاعده جواز می‌دهد، در حقیقت تقلب می‌کند و این عمل مایه نکث گمرک مشهدسر هم شده است.

مکرر به دبیر الملک حکم کرده‌ام قدغن بکنند، گمرکچی انزلی جواز ندهد، نمی‌دانم باز چرا جواز داده است.

و این که در مشهدسر قبول نمی‌کنند هم حق دارند، رعایای روس هم حق دارند، یک بار بیشتر نباید گمرک بدهند.

عجالتاً این جوازه‌ها را باید قبول کرد، لیکن صورت جواز را بده به حضور بیاورند، که از گمرکچی انزلی مطالبه نشود.

به دبیرالملک اعلام بکنید که مانع باشد بعد از این مال‌التجاره مشهدسر را در انزلی گمرک نگیرد، جواز ندهد.

همین دستخط را به دبیرالملک و سهراب خان هر دو نشان بدهد.

به تاریخ ششم شهر شعبان ۱۲۷۸

مطابق بیست و ششم ماه فورال ۱۸۶۲

[ متن دستخط پشت سند ] : کاغذ وزیر مختار روس و رقعۀ میرزا ینرال از عرض

خاک پای مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا

فداه مشرف خواهد شد.

سند شماره ۳۹

نامه میرزا یوسف مستشار الدوله کاردار ایران در پترزبورگ  
به احتمالاً وزیر خارجه<sup>\*</sup>

[۲ جمادی الثانی ۱۲۷۹]

عرض می‌شود

از قراری که بنده فهمیده و محقق می‌باشد. کارگزاران دولت بهیچ روسیه طالب شده‌اند ملک‌خان در خدمت جناب جانشین قفقاز در تغلیس مشغول باشد، و پدرش هم به او نوشته بوده است برود به تغلیس. ولی تکالیف جنابعالی او را به تأمل انداخته است. واقعاً چه مصلحت است، مثل ملک‌دست غیر بیفتد، اگر چه پدرش اصرار دارد که او را دست دولت روس بیندازد، ولی بنده چندین بار به طور خیرخواهی و نصیحت خیالش را سست کرده‌ام.

در خیرخواهی دولت علیه به خیال قاصر بنده چنین می‌رسد که جنابعالی طوری فرمایند که این اغتشاشات از میان رفع شده، و اصلحضرت همایون شاهنشاهی روحانفداه را دوباره با پدر و پسر به سر میل و التفات بیاورند. در این صورت البته آنها نیز به اقتضای عقل و تجربه‌ای که دارند، نوعی رفتار خواهند کرد که به هیچ وجه متافی سلیقه همایون نشود.

به نمک شاهنشاه قسم خیرخواهی دولت علیه ملجاء می‌کند، بنده را در عرض این

\* مستشارالدوله در سال ۱۲۷۹ به تئوب کاردار ایران در پترزبورگ و بعد به مدت چهار سال سرکنسول تغلیس بوده است آن طور که از محتوای سند شماره ۲۰ (ص ۹۸ سطور ۷-۹) و تاریخ آن (۲۲ سوال ۱۲۷۹) برمی‌آید، در زمان نگارش این نامه هنوز کاردار ایران در پترزبورگ بوده است و در اواخر سال ۱۲۷۹ به تغلیس رفته است. جهت آگاهی از شرح اسوال او رک. مقدمه همین مجموعه ص بیست و در.

مطلب، هر چیز به نوشتن درست نمی‌آید، جنابعالی که عقل کل هستند و مطالب غامضه را به اشاره‌ای درک می‌فرمایند، آنچه بر خود تکلیف بدانند به عمل خواهند آورد. جناب صدیق‌الملک در هفتم شهرجمادی‌الاولی از حاجی‌ترخان از راه رشت عازم شده‌اند. ناخوشی‌شان خوب بوده است. اعلیحضرت امپراطور روز شنبه ۲۹ شهر گذشته، سه ساعت به ظهر مانده با خانواده سلطنت تشریف فرمای شهر مسکو شدند. شش هفته در آنجا به جهت انجام امر آزادی رعایا توقف خواهند فرمود. بنده تا حال شرفیاب حضور همایون نشده جناب وزیر دول خارجه و سایرین را ملاقات کرده، با سفرای خارجه نیز جمیعاً دید و بازدید به عمل آمده.

چند روز قبل از جناب وزیر مختار پاریس شرحی به بنده رسید، نوشته بودند، که مذکور شد، میرزایعقوب‌خان بعضی اخبار از خیالات فاسد خودش در پترزبورگ منتشر کرده، نسخه‌ای برای من تحصیل کرده بفرستید. بنده بعد از کمال حیرت جوابی خدمتشان عرض کرده و سواد آن را ارسال دارالخلافة الباهره نمود.

انصافاً میرزا یعقوب خان بعد از ورود پترزبورگ، در کمال معقولیت رفتار کرده، و قدمی به خطا بر نداشته است، و چند چیز از خیالات خود نوشته به وزارت خارجه دولت بهیچ داده. همه درخیرخواهی دولت علیه و اعلیحضرت شاهنشاهی بوده، و مضامین آنها نیز زیاد مؤثر افتاده است.

سواد همه آنها را تحصیل کرده، خدمت شوکت آیت جناب وزیر دول خارجه دام اجلاله انفاذ داشته‌ام. و امیدوار هستم رفتاری که متافی خاطرهمایون و خلاف رأی اولیای دولت علیه باشد از او سرنزند.

همه روزه مترصد وصول رقیمجات ملاطفت آیات هستم.

مورخه ۲ شهر جمادی‌الثانی ۱۲۷۹

[نقش مهر پشت سند: یوسف]

[متن دستخط حاشیه سند]:

التفات جناب عالی را به مقرب الحضرت العلیه میرزا معصوم خان نایب اول سفارت تبلیغ کردم. مایه افتخارش گردید. البته خود نیز به اقتضای ارادتی که نسبت به جناب عالی دارد، عریضه نگار خواهد شد. ایام شوکت مستدام باد.

سند شماره ۴۰

نامه میرزا عبدالوهاب<sup>۱۰</sup> به احتمالاً وزیر خارجه]

قبله و امیدگاہا

تعلیق مبارکه مورخه ۱۰ شهر رمضان المبارک که به افتخار این بنده مرقوم فرموده بودند، چهار روز قبل شرف وصول ارزانی داشته، به زیارتش فائز و بهره‌مند گردید، و از استقامت و اعتدال مزاج شریف جناب عالی که عمده مرام و مقصود بنده ارادتمند است، زهی مایه شادکامی به حصول پیوست.

<sup>۱۰</sup> پشت سند مهور به مهر «عبدالوهاب» می‌باشد آن طور که از مطالعه کتب بر می‌آید وی در آن زمان یعنی سال ۱۲۷۹ به سمت کارگزاری و انتظام امور مهم خارجه در آذربایجان مشغول بوده است ولی آن طور که از متن سند بر می‌آید وی در سال ۱۲۷۹ مقیم قونسولگری تغلیس بوده است ولی منصب او روشن نیست.

اگر خاطر عطفوت مظاهر متعلق بر مجاری حقایق حالات این صفحات باشد، به فضل الله تعالی نعمت صحت و سلامت باقیست. نواب مستطاب سیف‌الدوله<sup>۱۱</sup> که به عزم زیارت بیت‌الله الحرام در راه اسلامبول عازم و روانه هستند، پنج روز قبل شبانه وارد تغلیس شده، در کاروانسرا، سرای گرفته بودند. بنده صبحی به خدمتشان شرفیاب شده، عرض نمود که در کاروانسرا، سرای نمودن شما به هیچ وجه مناسب نیست، چند روز که در اینجا اقامت دارید، بهتر این است تشریف آورده و در قونسولگری سرای نمایید. و هر چه عرض کرده و اصرار نمودم قبول نفرمودند. و بجهت چند عذر آورده، میل به آمدن قونسولگری نکردند. بنده چون دید خیالشان بر این است که چند روز توقف را در آنجا باشند دیگر بر عرض و جسارت خود نیفزود. ولی با شربت و بادروزه<sup>۱۲</sup> هر چه لازم داشتند به حسب دلخواه نواب معزی الیه، از کارگزاران اینجا گرفت که در منزل عرض راه به هیچ وجه مایه معطلی از برای ایشان حاصل نشود. ان‌شاءالله امیدم این است که به آسودگی و استراحت به مقصد برسند.

در هفتم شهر شوال نواب قران دوک جانشین قفقازیه با کمال جلالت و احتشام وارد تغلیس شدند، و تشریفات شایسته و خوب برای روز ورود نواب معظم‌الیه قرار داده بودند. علی‌الظاهر با اهالی مملکت قفقازیه خیلی با رأفت و مهربانی رفتار می‌نماید. از قراری که مذکور می‌شود در چهارم ماه آپریل برای آوردن فامیل و سرکشی آن صفحات به پوتی تشریف خواهند برد. و در ۲۵ ماه مزبور دوباره به تغلیس مراجعت خواهند فرمود. و از جانب دولت علیه به جهت تهنیت و تبریک نواب معظم‌الیه گویا مقرب‌الخاقان حسام‌الدوله برادر مرحوم معتمدالدوله را مأمور خواهند داشت. و بنده این

<sup>۱۱</sup> حاجی سیف‌الدوله میرزا پسر علی شاه ظل‌السلطان

<sup>۱۲</sup> اصل: بادروزیه

خبر را از قول قوریر اینها که تازه از تبریز آمده است عرض می‌نمایم. دیگر مکتوب نرسیده است که آمدن مقرب الخاقان مغری الیه، محقق و صریح است یا خیر.

یک بسته پاکت به عنوان سرکار مقرب الخاقان میرزا عبدالرحیم خان که به توسط صاحب منصب روس موسوم به کشمش‌وف انفاذ فرموده بودید، سه چهار روز پیش از این ابلاغ داشت و بنده به اولین وسیله ارسال پترزبورغ نمود. ان‌شالله بدون عیب و نقص خواهد رسید.

مقرب الحضرت الخاقانیه میرزا یوسف‌خان قونسول جنرال تفلیس تا این تاریخ وارد نشده‌اند از قراری که نوشته بودند از مسکو به حاجی‌ترخان رفته که عیالش را همراه خود برداشته از راه بادکوبه عازم محل مأموریت خود باشند.

در باب عمل یحیی مشرف تا این تاریخ دستورالعمل از جانب اولیای دولت نرسیده، یا از آن جناب عالی وکالت‌نامه به اسم مقرب الخاقان میرزا عبدالرحیم خان که به وزارت امور خارجه فرستاده‌اید تا این زمان نفرستاده‌اند، نمی‌دانم چرا این قدر به تأخیر افتاده است.

البته مراتب را برای استحضار جنابعالی خواهند نوشت. و در انجام این فقره هرگاه بعد از این دستورالعمل از جانب اولیای دولت به عهده بنده صادر گردد، به عرض جناب عالی خواهد رساند. احتمال کلی می‌رود بعد از رسیدن میرزا یوسف‌خان اتمام امر یحیی را به عهده ایشان محول فرمایند.

تازه که قابل عرض باشد اتفاق نیفتاده، عموم رعایا و تبعه دولت علیه به آسودگی و آسایش مشغول عمل کسب و داد و ستد خودشان هستند.

زیاده عرضی ندارد.

مورخ ۲۲ شهر شوال المکرم ۱۲۷۹

[نقش مهر پشت سند: عبدالوهاب

[متن دستخط حاشیه سند:]

سه روز قبل مکازسکی کارگزار امور خارجه قفقازیه فوت گردید. حالا متصدی امورات خارجه موقتاً<sup>۹۰</sup> غراف صاحب بوده است. و این هم بس که یاوه‌گو و پریشان خیال است، به هیچ وجه به کار نخواهد آمد. و هنوز بعد از این معلوم نیست مباحثی امورات خارجه را به عهده که محول خواهند داشت.

زیاده جسارت است.

#### سند شماره ۴۱

[نامه میرزا یوسف مستشارالدوله سرکنسول ایران در تفلیس]

[۹ محرم ۱۲۸۰]

هو

قبله‌گاهها

رقیمه عالی مورخه ۲۲ ذی‌حجه در پنجم شهر حال شرف وصول ارزانی داشت، از مضامین التفات آیین آن کمال افتخار و امیدواری حاصل شد، خداوند رؤف،<sup>۹۱</sup> مرحمت باطنی جناب عالی را نسبت به عقیدت سگالان خاص خود دایمی و پایدار

۹۰ اصل: موقتاً

۹۱ اصل: رؤف

نماید.

مرقوم فرموده بودند که گویا فدوی خیال استعفا از اقامت تغلیس داشته، اگر چه الی حال چنین حرفی از زبان بنده جاری نشده، ولی مصمم هستم که اگر به قاعده عدل و انصاف در حق بنده رفتار نشود، نه از اقامت تغلیس بلکه از دایرة وزارت خارجه بالمره خود را کناره بکشم.

در باب مأمور دولت علیه جهت تهنیت نواب قراندوک، حضرات در اینجا بالمشافهه با بنده چیزی تکلم نکرده‌اند. ولی باطناً مقصودشان این بود که سبقت از طرف دولت علیه شود. نظر به نوشته مقرب‌الخاقان میرزا عبدالرحیم خان شارژدفر ظاهراً در آنجا زبان آمده بوده‌اند. مغری‌الیه نوشته بودند:

«اگر چه من جواب<sup>۱۰۰</sup> کافی و شافی دادم، ولی به حسب تجربه که در دست دارم هر گاه جانشین قفقازیه یک نوع خوشنودی باطنی از دولت داشته باشد، در امورات سرحدیه بسیار نافع است. لهذا ضروری ندارد سبقت از دولت علیه بشود و این مراتب را به دارالخلافه نیز عرض کرده‌ام.»  
این بود مضمون نوشته معزی‌الیه.

اما از وزارت امور خارجه تا دو روز قبل از این، مطلقاً از این مقوله اخبار ننوشته<sup>۱۰۱</sup> بودند، دو روز قبل نوشتجات از جانب جلالت مآب وزیر امور خارجه و سردار کل و مقرب‌الخاقان نایب‌الوزاره رسیده، معلوم شد که مقرب‌الخاقان پاشاخان شجاع‌الملک، از جانب نواب مستطاب شاهزاده اعظم ولیمهد روحی فداه مأمور هستند [و] پنج نفر صاحب منصب به تفصیل ذیل معین شده‌اند:

۱۰۰ اصل: جواف

۱۰۱ اصل: نه‌نوشته

۱۰۰ قلی‌خان تبریزی

۱۰۱ ساطورخان

۱۰۱ عباس قلی‌خان پسر محمد قلی‌خان رئیس امنای تذکره

۱۰۱ فتحعلی‌خان باغمشه

۱۰۱ میرزا موسی، گویا پسر میرزا رضا تبریزی باشد

و دو نفر دیگر هم که تا آن وقت تعیین نشده بودند، در چهاردهم شهر محرم از تبریز حرکت خواهند کرد. بنده نیز فوراً به دفترخانه مهام خارجه خیر داد از قونسول تبریز هم به خودشان خبر غیر رسمی رسیده بوده است.

دیروز معلوم شد، که هارتون بیک یوزباشیوف را که حالا رتبه کاپیتانی<sup>۱۰۲</sup> دارد، مهماندار تعیین کرده‌اند، نظر به مضمون رقیمه جناب وزیر امور خارجه، بعد از آن که شجاع‌الملک مراجعت به ایران کرد و فرستاده نواب قراندوک که هنوز معلوم نیست به تهران رسیده، آن وقت مأمور از جانب سنی‌الجوانب همایون معین خواهد شد. حالت تغلیس همان طور است که به نظر عالی رسیده، این اوقات رئیس دفترخانه خارجه غراف صاحب است ولی چرنیوف<sup>۱۰۳</sup> که در تبریز قونسول بود مأمور شده است عتقرب خواهد آمد.

در قصبچه زاکاتال که از محالات تغلیس است کارگزاران روس، بنای کلیسایی داشته‌اند. لشکریه آن حوالی علی‌الفغله ریخته قصبچه مزبوره و کلیسا را با دوپل آتش زده و جنرال شالیکوف نام بزرگ آنجا را با خرنچی<sup>۱۰۴</sup> و چند نفر دیگر به قتل رسانیده،

۱۰۰ اصل: کاپیتانی

۱۰۱ اصل: چرنایوف، چون همه جا نام این شخص چرنیوف نوشته شده بود، چرنیوف برگزیده شده است.

۱۰۲ احتمالاً منظور خزانه‌دار است.

باز برگشته‌اند. می‌گویند به ساختن کلیسا در آن جا راضی نیستند.

در حاشیه رقیمه به خط مبارک مرقوم داشته بودند، رفتار اولیای دولت علیه در ایام توقف شما در پترزبورگ چه شد. از ملاحظه دو سواد که در جوف عریضه است رفتار ایشان معلوم خاطر عالی خواهد شد. الان ده هزار منات قرض، که شش هزار منات از بابت قرض صدیق الملک و چهار هزار منات قرض خود بنده است در پترزبورگ باقی است. هشت ماه است متصل نوشتم، جمعاً جوابهای مبهم و وعده‌های غیر صحیح دادند.

لا بد ماندم، یک ماه قبل میرزا عبدالوهاب خان نایب را فرستادم، از آن طرف سخت ایستاده‌اند که قرض جناب صدیق الملک را به گردن بنده بیندازند، بنده هم تا آنجا ایستاده‌ام که در دیوانخانه عدلیه اعظم تظلم و دادخواهی نمایم، تا مشیت خداوند چه اقتضا نماید. جناب عالی انصاف نمایند آیا به شأن یک وزارت عملاً، شایسته و سزاوار است که حواس یک مأمور خدمتگزار را با رفتارهای غیر عادلانه این قدر پریشان و مختل نموده و از شوق و حالت خدمتگزاری باز دارند. به نمک شاهنشاه قسم از هستی خود بیزار شده‌ام، این چه قسم زندگی و این چگونه نوکری است. الان نه ماه درست است که سر ماهی یک صورت حساب و یک عریضه عجز والاحاح آمیز عرض می‌کنم. مطلقاً اثر نمی‌کند. جواب صریح هم نمی‌نویسند که مثلاً فلان مبلغ که به تو رسیده همان است. دیگر بیشتر نخواهد رسید، بلکه صراحتاً می‌نویسند که مقرری سفارت آن چه به صدیق الملک رسیده معلوم است. باقی مانده یک جا باید به شما برسد. نظر به نوشته عالی چاه احمد علی بیک، تا حال قطعاً نتخواه را به شما فرستاده و پرداخته است. این اجر بنده که از جانب اولیای دولت مرحمت شده.

اما این که سئوال فرموده بودند از کارگزاران روس راضی و ممنون بیرون آمدید یا خیر، انصافاً با کمال مهربانی و احترام با بنده رفتار نمودند، به حدی که بعضی از اهالی آنجا تعجب می‌کردند. روز مرخصی از حضور اعلیحضرت امپراطور به ترجمانی جنرال

دمیزان فرمودند:

«ما این مدت توقف پترزبورگ از شما خیلی راضی هستیم، امیدوارم هستیم که در تغلیس باز شما را ببینم، از جانب ما به برادرم جانشین کومپلیمان<sup>۱۱</sup> بکنید.»

دو سه روز قبل از بیرون آمدن نشان سنت آنای تاجدار از درجه دویم التفات کردند.

جناب حاجی میرزا محمدخان وزیر وظائف نوشته بودند:

«که در سفارت روس مهمان بودیم صاحب منصبان مشکل پسند روسی تمجید از رفتار پترزبورگ شما می‌کردند.»

میرزا اسدالله هم چنین مضمونی نوشته و نیز مسطور داشته بود که جناب خدایگانی وزیر چه قدر از شنیدن این حرفها منبسط و خوشنود می‌شوند. عوض آن همه خوشنودی این است که می‌رسد.

چون جناب عالی استعمال از حالات ارادت کیش فرموده بودند به آن جهت جسارت ورزیده والا عرض این فقرات به حضور عالی فضولی و سوء ادب بود.

دیگر از قراری که بنده شنید در داغستان یک نفر ظهور کرده، کنته حاجی نام و قریب به سه چهار هزار جمعیت دارد. ذکرشان همیشه لاله الاالله است ولی هنوز حرکت خلاف قاعده نکرده‌اند. حاکم تمرخان شوره میان آنها رفته نصیحت کرده بوده است. او در جواب گفته ما که بجز عبادت پروردگار کاری نمی‌کنیم. تلگراف که از تغلیس تا استواربول و از نوی چرکس تا پترزبورگ هست، مابین این دو شهر را هم در کارند می‌کشند یک ماهه گویا تمام شود، همچنین از تغلیس الی کنار ارس، چون که از تبریز هم تاکنار ارس خواهند کشید.

جنرال لیلی که روز قبل نزد بنده بود، اظهار اخلاص زیاد به ملازمان جناب عالی

می‌کردند، از بنده تشریف بردن جناب عالی را پرسید، گفتم از قراری که مرقوم فرموده بودند گویا از جانب سنی الجوانب همایون اجازه مرحمت نشده، گفتند امیدوارم که دوباره به زیارتشان مشرف بشوم.

زیاده زحمت عرض نمی‌دهد، ایام شوکت و جلالت مستدام باد.

۹ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۸۰ عرض شد

#### سند شماره ۴۲

به تاریخ ۱۶ شهر محرم الحرام

سنه ۱۲۸۰ هجری

مطابق ۲۱ شهر [۹] سنه ۱۸۶۳ عیسوی

#### ترجمه شرحی است که جناب بارتلمی صاحب، شارژدفر دولت روس به جناب میرزا سعید خان وزیر مهم دول خارجة دولت ایران نوشته‌اند.

واضع این دستخط شارژدفر اعلیحضرت امپراطوری مقیم دربار ایران قریب دو ماه قبل به جناب میرزا سعیدخان وزیر مهم دول خارجه اعلیحضرت پادشاهی، شفاهاً اظهار نموده است که چند نفر قراولان کناره‌ای جزو نوکرهای عالی‌جاه میرزا اسحق بدون اذن صاحب کشتی، رعیت دولت روسیه، لنگه او را گرفته به لنگه ترکمانی که نزدیک کناره

ایستاده بوده است رفته و بر سر ترکمانها ریخته، بلیت دریایی را از دست آنها گرفته، پاره نموده‌اند و جناب سامی راضی به تنبیه ایشان نشده‌اند. به این عذر تنها شکایت میدل صاحب کافی نیست و باید مدلل ساخت که فی الواقع لنگه را بی‌اذن مالک که رعیت روس است گرفته‌اند و شاید ترکمانها هیچ بلیت نداشته‌اند، یا اگر هم داشته‌اند خود ترکمانها آن را پاره نموده‌اند.

از این جهت سفارت به عالی‌جاه میدل صاحب رجوع نموده، که حقیقت تفصیلات امر را بنویسد و در جوف این مراسم تقریرات مزدورهای کشتی موسوم به بطرهوف<sup>۹</sup> را که در حضور عالی‌جاه قونسول دولت روس مقیم استرآباد نموده‌اند، با تقریرات خود آن ترکمانها ارسال می‌دارد. و سواد فهرست مطالب دفتر دریایی را هم که ارسال نموده است و لفاً فرستاده شد، دلیل کافی است که در دست ترکمانها بلیت بوده است و خیال پاره نمودن چنین نوشته ضروریه را در عبور قولتوق خود ترکمانها نمایند اصلی نخواهد داشت.

جناب وزیر مهم دول خارجه پس از مکالمه مسطوره، به موجب عریضه میرزا اسحق از برای دوستدار پیغامی کرده‌اند، البته عالی‌جاه مشارالیه می‌خواهد اهالی سفاین روسیه را مقصر داشته، کسان خود را بری الذمه نماید. سفارت بسیار خوب می‌فهمد که میرزا اسحق می‌خواهد امر را به اشتباه بگذرانند و به واسطه شکایات بی‌اصل، مرتکبین را از تنبیه معاف دارد.

لهذا واضح دستخط قبل از وقت اظهار می‌دارد که به غوررسی و اظهارات غیر واقع میرزا اسحق معتقد نخواهد شد. و یقین دارد که آن جناب سامی خواهش محقانه او را به عمل آورده، عالی‌جاه میرزا اسحق را متنبه ساخته حکم خواهند فرمود که از علی بیگ



یوزباشی و مشهدی حسنعلی قراول و کربلایی قلی و کربلایی علی و عبدالعظیم نوکرهای میرزا اسحق لازمه تنبیه را به عمل آوردند، زیرا که اشخاص مذکور لنگه رعیت روسیه را جبراً گرفته، بلیت دریایی را پاره نموده‌اند.

ضمناً سخن خود را متذکر خاطر جناب سامی می‌دارد که اگر میرزا کاظم مباشر تذکره وزیر دستان او را در کناره جز، بدون تنبیه بگذرانند، باعث واقعات ناگوار مابین آنها و مزدوران خواهد شد. چنانچه میرزا کاظم در این اواخر هم جسارت نموده یک عدد کلاس کشتی دولتی را که مزدورها با آن از برای بردن آب می‌آمدند، در عوض یک عدد کلاس<sup>۱۰</sup> ترکمانیه که عالی‌جاه میدل صاحب از برای رفع قیل و قال شدید ما بین ترکمانها برده بوده است به عاشوراده ببرند، ضبط نموده بود، قراولهای قریه جز، کلاس ترکمانها را در سیم شهر آپریل گرفته بودند و هرگاه ترکمانها کلاس منظور را که در روی آب می‌دیدند، از برای تصرف آن، حادثه بزرگی فیما بین می‌شد، و عالی‌جاه میدل صاحب قرار خوبی داده است، که گفت کلاس را به عاشوراده<sup>۱۱</sup> ببرند. هر چند بر طبق اصرارات کپیتان بارژ کلاس دولتی را پس داده‌اند. ولی از این حرکات میرزا کاظم، آسان می‌شود فهمید که تا چه درجه جرأت و جسارت دارد. واضح است که هرگاه مرتکبین مذکور که لنگه رعیت روس را بدون اذن گرفته، بلیت را پاره نموده‌اند، بی‌تنبیه بمانند، این قسم تغافل و تسامح پس از این موجب گفتگوهای ناگوار خواهد شد.

۱۰ «کلاس» یا «کالاس» به معنی بلندترین دکل کشتی. (به نقل از اسانید گرامی آقای میخائیل باسارگین Mekhaïl Basargin سرمهندس و رئیس پژوهشکده علوم و ارتباطات روسیه و آقای آکسیانوف Akcianov مهندس و مترجم و رئیس پژوهشکده هوا و فضا در روسیه).

واضع این دستخط منتظر جواب مشکلات<sup>۱۲</sup> کافی از آن جناب بوده و فرصت را غنیمت دانسته، مراسم احترامی را که از آن جناب دارد تجدید می‌نماید.  
ترجمه مطابق اصل است.

[نقش مهر پشت سند]: عبده‌الراجی سوربوگین

تبرستان

www.tabarestan.info

سند شماره ۴۳

[نامه وزیر امور خارجه به وزیر مختار روسیه]

[۱۰ صفر ۱۲۸۰]

جناب مجددت و فخامت همراهها،

نجدت و نبالت پناها، دوستان استظهرا، مشفقاً، مهرباناً

دو طغرا صورت تقریر، از تراکمه و مزدوران لنگه موسی یوسف به انضمام سواد بلیتی از عالی‌جاه مجددت همراه میدل صاحب، آن جناب در ضمن مراسله مورخ ۱۶ شهر محرم الحرام خود ارسال داشته [بودید]. بنا به مضمون تقریرات مزبوره، چند نفر قراول جزو غلامان مأمور خدمات مقرب الحضرت العلیه میرزا اسحق را مقصر، و چنان تصور نموده بودند که عالی‌جاه میدل صاحب در مطالبه تنبیه آنها محق است. کارگزاران این دولت به معاذیر غیرموجه تسامح می‌نمایند و دلیل خلاف و تقصیر که مستلزم تنبیه آنها در نزد آن جناب شده است، به طوری که از مضمون مراسله مزبوره فهمیده می‌شد،

یکی این است که، از قرار تقریر تراکمه، غلامان و قراولان مزبور بلیت عالی جاه میدل صاحب را که در دست تراکمه بوده است پاره نموده‌اند. و یکی هم این بود که مزدوران لنگه موسی یوسف گفته‌اند که لنگه را به زور گرفته بر سر لنگه ترکمانها رفته‌اند.

اولاً اولیای دولت علیه نتوانستند معلوم نمود، که بلیت دادن کارگزاران بحری دولت روس به ترکمانان رعایای دولت علیه، از کی و به کدام تصدیق دولت علیه ایران مسلم و مضدق شده است، که حفظ و عدم حفظ اعتبار آن، فیما بین اولیای دولت علیه و سفارت دولت روس حقیقاً مطرح گفتگوی رسمی تواند شد.

اگر آن جناب زحمت کشیده، به مراسلات وزارت امور خارجه که مندرجاً به سفارت قلمی شده است، رجوع می نمودند معلوم می کردند، که اولیای دولت علیه این طور بلیت دادن تراکمه را موجب اختلال امر رعیتی خود و باعث بی نظمی و اغتشاش فرضیات استرآباد و مازندران دانسته، به اصرار مخفیانه موقوفی آن را مترصد شده‌اند. به علت<sup>۱۰</sup> این که علاوه بر عدم حقیقت کارگزاران بحری دولت روس در دادن بلیت ترکمانها، دارندگان بلیت به استظهار حمایت آنها، بیشتر از سایر تراکمه مصدر خلاف و شرارت شده، مکرر بی هیچ اندیشه به دزدی و بردن اسیر مبادرت نموده‌اند. به این معنی که در حین ظهور خلاف از آنها هر وقت کارگزاران دولت علیه به مقام تنبیه و رفع شرارت آنها برآمده‌اند، کارگزاران آن دولت، به حفظ اعتبار بلیت خود برخاسته‌اند<sup>۱۱</sup> و ترکمان وحشی، پس از آن که از مأمور و صاحب منصب معتبر یک دولت بزرگ این حالت را مشاهده نمود، بی هیچ احتمال دیگر این اطوار آنها را تأویل، به حمایت کامل در حق خود کرده، به شرارت و تمرد خود افزوده‌اند، چنان که همین چند نفر ترکمان به موجب بلیت

۱۰ اصل: بعلة

۱۱ اصل: برخاسته‌اند

عالی جاه میدل صاحب و موافق تقریر خودشان، به صید ماهی که تعلق به دولت دارد و به مباشر مخصوص محول است آمده بودند، و با چنین خلاف بین، بلا تردید به سرقت و بردن اسیر نیز می پرداخته‌اند.

در این صورت واضح است، اگر اولیای دولت علیه، در ازای نسبت پاره کردن بلیت، قراولان و غلامان مزبور را مورد مواخذه و تنبیه نمایند، گذشته از این که تصدیق به اجرای عمل غیر مسلم خواهند کرد، این معنی را ضمناً به رعایا و مستحفظین فرضیات خود خواهند فهمانید، که دارندگان بلیت از کارگزاران بحری دولت روس می توانند به آزادی مشغول شرارت از قبیل سرقت و بردن اسیر شوند<sup>۱۲</sup>

بنابراین، البته آن جناب به عوض این که از اولیای دولت علیه رسماً تمهید اسباب اعتبار و اجرای چنان بلیت را مطالبه نمایند. به عالی جاه میدل صاحب تکلیف خواهند نمود که موقوف کند.

ثانیاً در فقره لنگه که آن جناب اظهار می نماید، قراولان و غلامان مزبور جبراً گرفته‌اند، دوستدار لازم تحقیق را به عمل آورده است. از قرار تقریر قراولان و غلامان مزبور به هیچ وجه اجبار و اکراهی در میان نبوده، اگر لنگه رعیت روس را سوار شده، چند قدم بر سر دزدها و اشرار تراکمه رفته‌اند، به میل و رضای آنها بوده است. به این طور که مزدوران همین که دانسته‌اند چند نفر ترکمان در کناره به سرقت و بردن اسیر اقدام کرده‌اند، محض دلسوزی و رقت، مضایقه ننموده‌اند، که غلامان و قراولان مزبور، به معاونت لنگه آنها به مقام دفع شر از اهالی فرضیات برآیند. دوستدار نمی خواهد بگوید که غلامان و قراولان مزبور آنچه اظهار نمایند، مثل تقریرات چند نفر ترکمان دزد و دو نفر مزدور، حتماً باید صحیح و بلا خلاف بوده باشد. ولی به انصاف خود که

۱۲ اصل: شد

می‌سنجند قول آنها را به حرف چند نفر ترکمان دزد ترجیح می‌دهد، و نمی‌تواند تصور بکند که ممکن است از مزدوران جبراً لتکه را بگیرند، زیرا که مزدوران با ترکمانها در بردن اسیر و نهب اموال اهالی کناره همداستان نبوده‌اند، تا از تکلیف قراولان به دادن لتکه اکراه داشته باشند و لازم آید که آنها را مجبور نمایند.

بدیهی است کسی که خود از اشرار نبوده باشد، به هر وسیله که بتواند از کسانی که می‌خواهند دفع شر مثل ترکمان را بکنند، البته امداد مینماید، و اگر نکند بد کرده است، مستوجب توبیخ خواهد بود، نه مستحق تمجید و رعایت.

با وجود این اگر عالی‌جاه میدل صاحب خوش ندارد که به معاونت لتکه یک نفر از رعایای آن دولت، دفع شری از اهالی فرضیات استرآباد شده باشد، و همچنین اصرار بکند که علاوه بر بردن قراولان و غلامان مزبور، به کمال خفت و ذلت به عاشوراده و حبس کردن آنها یک شب در آنجا تنبیه نیز شده باشند، و از آن طرف ترکمانها بی‌هیچ سیاست بمانند، اولیای دولت علیه به ابقای مسئولیت این رفتار در عهده او، فقط به ملاحظه این که، اکنون مزدوران می‌گویند لتکه را جبراً از آنها گرفته‌اند و به رضا نداده‌اند مضایقه ندارند. حکم تنبیه آنها را صادر نموده محض اصرار میدل صاحب از تنبیه غلامان و قراولان مزبور صرف نظر نمایند. از این تنبیه مزبور، فایده عمده که تحصیل می‌نماید، منحصر به این خواهد بود، که ترکمانها این عمل را مکافات رفتار مستحفظین کناره با خود تصور نموده، به جرأت<sup>۹۰</sup> و جسارت خود در شرارت بیفزایند، که در انتظار مردم عوام و وحشی طبع، استمداد مستحفظین سرحد از یک لتکه رعیت روس، برای استخلاص رعایای مظلوم، از غارت و قید اسیری موجب این همه سخت‌گیری نمی‌تواند

شد و از این کیفیت همان معنی و نتیجه را خواهند<sup>۹۱</sup> دریافت نمود که دوستدار اظهار کرد. در<sup>۹۲</sup> فقره نگاهداشتن یک عدد کلاس کشتی دولتی هم که بر حسب اظهار آن جناب به عالی‌جاه میرزا کاظم امین تذکره بندر جز نموده است، به مجرد وصول مراسله آن جناب به استرآباد نوشته، به مقام تحقیق برآمد. اگر بی‌جهت تعرضی از او به کلاس کشتی شده باشد، البته مورد مؤاخذه خواهد شد.

اما چون آن جناب نوشته بودند که عالی‌جاه میدل صاحب برای رفع گفتگوی شدید فیما بین تراکمه قرار داده بوده است، یک عدد کلاس تراکمه را به عاشوراده نزد او ببرند، لازم شد این نکته را به خاطر آن جناب بیاورند که عالی‌جاه مشارالیه حق مداخله به هراسم بوده باشد، در امور تراکمه ندارد. اگر هم علی‌الظاهر چنان نماید که مفید است، در حقیقت امر رعیتی دولت علیه رامختل خواهد ساخت. آن جناب عالی‌جاه مشارالیه را البته ملتفت خواهند نمود که این قبیل مداخلات را موقوف داشته، اصلاح امور آنها را تکلیف کارگزاران این دولت شمارد. زیاده چه زحمت دهد.

فی ۱۰ شهر صفر المعظفر ۱۲۸۰

[سجع مهر پشت سند]: میرزا سعیدخان وزیر امور دول خارج

دولت علیه ایران

## سند شماره ۴۴

[از وزارت خارجه] به مسیو بارتلمی شارژدفر دولت روس

[۵ جمادی الثانی ۱۲۸۰]

به وسایل عدیده «بعد به توسط مقرب الحضرت الخاقانیه میرزا مهدی خان»<sup>۱</sup> در این نزدیکها مکرر به آن جناب اظهار شد که عالی جاه میدل صاحب علاوه بر این که به ترکمانهای مترددین از دریا، به سواحل استرآباد و مازندران من غیر حق بلیت از خود می دهد، و باید متروک دارد، مدتی است قرارداد است از ناو نفت<sup>۲</sup> و نمک طایفه اغورجلی و جوهات دریافت می کند. آن جناب در مقابل، اظهار استبعاد از این ققره کرده، گفته بودند، که هرگز عالی جاه مشارالیه از ناو نفت و نمک مطالبه وجه ننموده، و اگر هم چنین چیزی بوده باشد، موقوف خواهد کرد. دوستدار هم به کارگزاران استرآباد و مازندران از تفصیل گفتگو و جوابهای آن جناب استحضار و اطمینان لازم را داد.

این روزها مجدداً اظهار نموده اند که هنوز مطالبه وجه مزبور از جناب مشارالیه متروک نگردیده، و باز چند نفر از اغورجلی را گرفته حبس نموده است. این عمل که بالذات بسیار دور از قاعده است، و آشکار، اسباب اختلال امر حکومتی و مالیاتی استرآباد است. با اظهارات آن جناب نیز مبیانت تمام دارد.

دوستدار با کمال<sup>۳</sup> تعجب لازم دید، مراتب را به اطلاع آن جناب رسانیده، توقع نماید

\* متن داخل گیومه با دستخط دیگری در حاشیه سند نوشته شده است.

\*\*\* اصل: فقط

\*\*\* اصل: بکمال

که به تأکید و تعجیل تمام به عالی جاه مشارالیه قلمی بدارند، مطالبه وجه از ناو نفت و نمک اغورجلی را موقوف داشته، با مداخلات دیگر هم، مثل حبس کردن بعضی از آنها و امثال آن باعث بی نظمی امر رعیتی دولت و تعویق وجوهات دیوانی نشود.

زحمت کشیده جواب مراسله دوستدار را نیز قلمی بدارند، که قرارداد و مراتب اهتمام آن جناب را در این خصوصات به عرض حضور باهرالتور اقدس همایون اعلیحضرت شاهنشاهی روحنا فداء برسانند.

زیاده چه زحمت دهد.

فی ۵ شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۸۰

[متن دستخط پشت سند]: جواب شارژدفر روس، [به] موکب اقدس مشرف خواهد شد.<sup>۴</sup>

\* در آرشیو وزارت خارجه یک نامه دیگر در ارتباط با موضوع این سند و با همین شماره موجود است.

سند شماره ۲۵

## [اقدامات نامطلوب مأمور روسیه در ارتباط با ترکمان]

[غره رجب ۱۲۸۰]

هو

خداوندگارا

این اوقات از تراکمه قراقچی اترکی، که عبارت از اشرار تراکمه باشند، که از میان ایل خارج شده در اترک سکنی دارند، و مطیع کسی نمی‌باشند، و کار آنها سرقت و شرارت است، آمده یک نفر سالدات روس را از دریا اسیر کرده، همچنین در لارما<sup>۱</sup> مازندران رفته، دو سه نفر اسیر، از آنجا گرفته، برده‌اند. این خبر که به مأمور جدید الورد روسیه رسیده، همان ساعت آدم فرستاده، در روی دریا هر کس را به دست آورده‌اند، گرفته برده‌اند. و در عاشوراده هر کس از برای کاسبی آمده بوده است، گرفته‌اند. قریب به هشتاد نفر از تراکمه را که اغلب آنها اغورجلی بیچاره است که نفت و نمک می‌آورده‌اند، الان در عاشوراده حبس کرده و مطالبه اسیر از آنها می‌نماید، و هر چه می‌گویند مرتکب این کار فلان ترکمان یاغی اترک نشین شده، دخلی به ما ندارد قبول نکرده، نگاهداشتند. ریش سفیدان اغورجلی به حکومت عریضه نوشته بودند که بر فرض این که قراقچی به اطلاع و امداد یموت گمش‌تپه نشین مرتکب این کار شده است، ما را چرا از روی دریا گرفته، باکبای [۹] و اموال آورده، در اینجا حبس کرده‌اند. و از کار [و] کاسبی باز داشته‌اند. دزد و مقصر یک نفر، ده نفر، معدود است، چه دخل به ما دارد. منظورشان به این وسیله

اذیت کردن است.

فدوی پس از اطلاع، به موجب مراسله رسمیه، به بزرگ سفاین اظهار نمود و استخلاص جماعت اغورجلی را خواست کرد، جوابی نوشته و عذرهای ناموجه آورده بود. مجدداً شرحی به او نوشته، دو روز قبل فرستاده است، لیکن قطع دارم، باز جوابها [ای] بی معنی خواهد نوشت.

سواد نوشتجات مزبوره را لفاً انفاذ داشت، که به نظر جناب عالی می‌رسد و اگر صلاح دانند چون اول ورود این مأمور است، و می‌خواهد اقتداری بروز دهد کارگزاران وزرات جلیله، قدری سختی نمایند، که سفارت او را ممانعت از این عملها کند، چه حق دارد هشتاد نفر رعیت مطیع و کاسب دولتی را که در قولتوق مشغول تجارت و کسب امتعه هستند به این بهانه‌ها<sup>۲</sup> بگیرد و آنها را در عاشورا ده حبس کند، و اقتدار به خرج بدهد،

جهت اطلاع جناب عالی جسارت به عرض نمود.

فی غره رجب ۱۲۸۰

[متن دستخط حاشیه سند:]

سواد نوشتجات رسمیه که به نظر عالی می‌رسد، کیفیت [را] درست معلوم خواهد کرد. بزرگ سفاین در کاغذ خود می‌نویسد، که معاون مرتکبین این عمل تراکمه گمش‌تپه نشین است که عبارت از طایفه جمعربای یموت باشد، به هیچ وجه مناسبت به اغورجلی ندارد، حتی اعتقاد این غلام این است که این فقره را اقدام نکرده، مگر این که باز

اغورجلی را اوضاعی فراهم آورده باشد، مرتکب این عمل معلوم است که قراقچی اترکی می‌باشد. لازم نکرده است اگر در شهری پنج نفر دزد و قطاع‌الطریق باشند، عوض آنها پانصد نفر رعیت را اذیت کنند. هر وقت خود آنها را یا کسان آنها را به دست آورد، بگیرد. چه حق دارد هشتاد نفر رعیت دولت را از روی دریا جمع کرده، برده، حبس نماید، از کجا معلوم شده، که ناو را به قراقچی، تراکمه گمش‌تپه دانسته و فهمیده داده‌اند. گاهست بی‌خبر برده‌اند، یا به عنف گرفته‌اند، بر فرض این که فلان ترکمان ناو خود را داده است، برای یک نفر، یک ایل را که نمی‌توان گرفت و زنجیر کرد.

عالی‌جاه میرزا ابراهیم کاغذ رسمی به وزیر مختار روس نوشته حاضر نماید.

## سند شماره ۴۶

به تاریخ ۲۷ شهر ذی‌قعدة ۱۲۸۰

مطابق ۲۲ شهر آپریل ۱۸۶۴

ترجمه شرحی است<sup>۱</sup> که جناب گیرس<sup>۲</sup>

صاحب ایلچی مخصوص و وزیر دولت مختار روس به جناب  
میرزا سعیدخان وزیر مهم دول خارجه دولت ایران نوشته‌اند

قونسولگری دولت روس، مقیم دارالمؤمنین استرآباد، به موجب شکایات رعایای اعلیحضرت امپراطوری که در ولایات مازندران و استرآباد مشغول تجارت می‌باشند، سفارت را مطلع می‌سازد که میرزا شکرالله در مشهدسر و میرزا نصرالله خان برادرش در کناره مرداب جز، مباشرین گمرک‌خانه، از جانب مقرب‌الخاقان میرزا نصرالله نایب لشکرنویس باشی، همیشه اوقات نسبت به رعایای مذکوره احجاف و تعدی می‌نمایند. میرزا شکرالله در سنه ماضیه به اختیار و دلخواه خود، قیمت بر اجناس تجارته گذاشته از آن قرار زیاده از متعارف، گمرک دریافت و مطالبه می‌نمود. و در همین فصل بهار از برای جلب نفع خود به اهالی مشهدسر و صاحبان کشتی از اهالی بادکوبه، قدغن نموده است که با لنگه و کرجی خود، حمل اجناس نمایند، که تبعه روس مجبوراً اجناس را با کرجی مشارالیه حمل و نقل نمایند و از این که میرزا شکرالله کرجی و عمله به قدر کفایت

۱ اصل: شرحیت

۲ نام این شخص به صور مختلف غیرس، غرس، کیرس و کرس نوشته شده که گیرس برگزیده شد.

ندارد، و در فصل بهار و پاییز کشتی رعایای روس زیاد وارد بندر مشهد سر شده، حمل و نقل اجناس آنها باید یک مرتبه و یک موعد بشود، و از این قرارداد میرزا شکرالله در امورات تجار تأخیر شده، باعث خسارت و تضییع وقت آنها می‌گردد.

علاوه بر این کلیتاً<sup>۱۰</sup> رفتار میرزا شکرالله نسبت به رعایای روس شایسته ملامت می‌باشد. چنانچه از آن جمله، در اوایل ماه فورال<sup>۱۱</sup> هذّه‌السنه، سلطان اصلانوف عامل کمپانیای بحر خزر، از او خواهش نموده بوده است، که به صاحبان کرجی اذن بدهد که حمل و نقل اجناس به کشتی‌های کمپانیا نمایند و میرزا شکرالله اذن نداده [است]، سهل است در ملأ عام عامل مذکور را فحش داده، بی‌احترام نموده است. وقتی که میرزای قونسولگری به مباشر مشارالیه مکتوباً در این فقره رجوع کرده است، میرزا شکرالله هیچ اعتنایی به کاغذ او نکرده، مجدداً به صاحبان کرجی قدغن اکید نموده است که وجهاً من الوجوه جرأت اقدام به حمل و نقل اجناس ننمایند.

میرزا نصرالله خان برادر میرزا شکرالله نیز همین طور تعدی به رعایای روس می‌نماید، و اجناسی را که از خاک ایران به خارج می‌برند، زیاد قیمت نموده از آن قرار، گمرک مطالبه می‌نماید.

در اواخر ماه فورال گذشته میرزا اسماعیل نام، گماشته او، وقتی که میرزای قونسولگری می‌خواست به مباحثه که در میان مباشرین گمرکخانه جزو رعایای روس اتفاق افتاده است، اصلاح بدهد هیچ نمانده بود که او را بزنند. هرچند به مقتضای عدالت و انصاف از جانب کارگزاران استرآباد به قونسولگری رضامندی داده شده است، ولیکن معلوم می‌شود که کارگزاران استرآباد و مازندران قادر و مسلط بر ممانعت به رفتار میرزا

شکرالله و میرزا نصرالله خان نیستند.

لهذا، واضح این دستخط ایلیچی مخصوص و وزیر مختار اعلیحضرت امپراطوری مقیم دربار ایران، به اطمینان کلی از انصاف و حقانیت جناب جلالت و نبالت نصاب میرزا سعیدخان وزیر مهمام دول خارجه اعلیحضرت شهریار، با احترام تمام متوقع است حکمی مؤکد به عهده میرزا شکرالله و میرزا نصرالله خان صادر نمایند، که بعدها به مناسبت آزادی تجارت در مطالبه وجه گمرک این رفتار متعدیانه را موقوف داشته، میرزا شکرالله به جهت بی‌احترامی که نسبت به سلطان اصلانوف کرده بود، رضامندی داده، صاحبان کرجیهای مشهد سر و بادکوبه را ممانعت از حمل و نقل اجناس ننماید و واضح این دستخط زاید نمی‌داند اظهار دارد که اگر آن جناب سامی به خود مقرب الخاقان میرزا نصرالله نایب لشکر نویس باشی و مستأجر گمرکخانه‌های آن ولا که در تهران می‌باشد در این باب رجوع نمایند، شکی نیست که این فقره فوراً به طور حقانیت انجام داده شود و خواهشمند است که از قرارداد امنای دولت ایران در این خصوص به زودی سفارت را مطلع دارند.

واضح دستخط فرصت را غنیمت دانسته، مراسم احترامی را که از آن جناب جلالت مآب دارد تجدید می‌نماید.

[نقش مهر پشت سند]: عبده‌الراجی سوربوگین

ترجمه مطابق اصل است.

[متن دستخط پشت سند]: ترجمه کاغذهای وزیر مختار روس [که از نظر] اقدس

همایون اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی روحنا

فداه خواهد گذشت.

## سند شماره ۴۷

هو

«خط عالی جاه میرزا یعقوب  
مترجم سفارت دولت بهیه روسیه»

ترجمه مراسله مخفیه است که جناب شانسیه  
به جناب شارژدافر نوشته است.

[ ۵۱۲۷۱. ق ]

اصل عهدنامه<sup>۱</sup> که شما با جناب اشرف صدراعظم، منعقد و ممضی داشته بانوشتجات ضمیمه آن، که با شرح مورخه پنجم اکتوبر به وزارت امپراطوری ارسال داشته بودید، به حضور امپراطوری در آوردم. اعلیحضرت امپراطوری عهد مزبور را، با میل و رضایت تمام ملاحظه فرمودند. فقرات آن که جمعاً بر طبق مراتبی بود که اعلیحضرت امپراطور از دولت دوست و هم عهد معظم خود، توقع داشته، همگی مقبول و پسند رای آن اعلیحضرت افتاد.

شما مامور هستید که به اعلیحضرت پادشاهی معروض دارید، که اعلیحضرت امپراطوری با چقدر دلخوشی قبول فرمودند، این عهد نامه را که در نظر امپراطور شاهد و دلیل مراتب دوستی اعلیحضرت ناصرالدین شاه است. این عهد نامه تاریخ ایام اعتماد و خیرخواهی جدید است، میان این دو مملکت، که به تجدید امضای مراده دوستی فیما بین روابط اتحاد آنها [را] محکم تر، می سازد.

اعلیحضرت امپراطوری حصول این سعادت را، حمل بر میل اصلاح و خیر خواهی جانین، که در مراده صدراعظم و شما ظاهر بوده است می نماید و اعلیحضرت امپراطوری، این معنی را در نهایت رضایت مشاهده می فرمایند، زیرا که مراده این دو مملکت به اقتضای خیرخواهی مزبور، روز به روز وسعت یافته موجب خیر و صلاح جانین خواهد بود. و همچنین شرح ضمیمه عهد نامه مورخه ۱۸ محرم مقبول و محل تحسین امپراطور گردید، و اعلیحضرت ایشان مراتب اطمینان مندرجه را سند قرار دادند و در خصوص میل اخفای این عهدنامه که دولت اعلیحضرت پادشاهی اظهار ساخته، دولت امپراطوری هیچ عیبی در اخفای آن نمی بیند و از جانب خود لازمه دقت را خواهند نمود، که عهدنامه مزبور مخفی بماند و یقین دارد که کارگزاران دولت ایران نیز از جانب خود بر وفق همین مقصود حرکت خواهند کرد.

[متن دستخط پشت سند]: بلاواسطه به نظر برسد و زود مرحمت شود.



سند شماره ۴۸

سواد دستورالعمل امیرالامراء العظام

مصطفی قلی خان<sup>۵</sup> میرپنجه

از سفارت روس اظهار شد که سه هزار نفر شاهسون یک دفعه به حالت اجتماع به مغان خاک روس گذشته‌اند، در سرحد هم به هیچ وجه اردو و قشونی از جانب دولت نبوده، بلکه مأمورین آن طرف که خواسته‌اند شاهسون را ممانعت نمایند، مأموری هم از این طرف در سرحد توقف نداشته که به او اظهار نمایند و قرار منع شاهسون را از دخول به مغان بدهند، حتی مأمورین روس، فرج‌الله خان ایل بیگی را مکرر خواسته‌اند که چاره‌ای در این کار بشود، حاضر نشده است و این سه هزار نفر مجتمعاً به مغان داخل شده‌اند.

در اینجا با سفارت قرار شد که این تیره‌هائی را که رفته‌اند به خاک دولت علیه طرد نمایند و بعد از آن هم نوعی مراقبت بشود که شاهسون نتواند به مغان عزیمت نماید. آن امیرالامراء العظام به حکم همایون باید به تبریز و از آنجا به سرحد رفته با مأمور سرحدی آن دولت بهیه، مذاکرات لازمه را نموده، فقرات ذیل را با نهایت دقت و اعتنا قرین انجام بدارد.

اولاً به دقت رسیدگی و تحقیق نماید، مأمورینی که غفلت و تقصیر کرده و گذاشته‌اند، شاهسون به مغان بروند، کی‌ها هستند، و هرکس در آن مورد تقصیر کرده است به اقتضای تقصیری که دارد مورد مواخذه نماید و اسامی آنها را هم به دربار همایون بنویسد و معلوم نماید، فرج‌الله خان ایل بیگی با این که از قرار اظهار سفارت به او اطلاع

<sup>۵</sup> مصطفی قلی خان قراقرزی همدانی که بعدها ملقب به اعتمادالسلطنه گردید.

داده شده است، چرا در سرحد حضور به هم نرسانیده و غفلت نموده است، و بعد از وضوح تقصیر او به عرض حضور حضرت مستطاب ارفع امجد اسعد اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد دامت شوکت رسانیده قرار تنبیه آن را بدهد.

ثانیاً سفارت روس از شرارت اشرار طایفه قوچه بیگلو و فولادلو شکایت می‌کند و تنبیه آنها را از سرحد مطالبه می‌نماید.

چون کارگزاران دولت بهیه روسیه حق دارند، که اگر رعایای دولت علیه ایران نسبت به تبعه دولت بهیه روسیه شرارتی کنند یا ضرر و خسارتی برسانند، مطالبه ضرر و خسارت و تنبیه اشراری که شرارت نموده‌اند بکنند، لهذا شما باید به اطلاع مأمور سرحد به آن دولت، این فقرات را رسیدگی و اجرا نمایید و محض ملاحظه کمال دوستی که مابین دولتین است باید اشرار طایفه فولادلو و قوچه بیگلو را چنان که سابق هم حکم شده است تنبیه نمایید، که همه روزه اسباب گفتگو نبوده باشد.

موافق اظهارات شاهزاده امیر تومان قوچه بیگلو را در برزند چهارده فرسخ دور از سرحد سکتی داده‌اند، و فولادلو را هم در محل موسوم به گوی، دور از سرحد پورت داده‌اند، و سفارت روس اظهار می‌نماید که از برزند تا سرحد این قدرها مسافت نیست. یک طرف آن پنج شش هفت فرسخ بیشتر فاصله به سرحد ندارد، و گوی هم نزدیک به سرحد است. شما باید ملاحظه نمایید که برزند به محل گوی که به عبارت آخری محل سکنای اشرار طایفه فولادلو و قوچه بیگلو باشد، در کجا است و تا سرحد چقدر مسافت دارد. اگر این دو محل نزدیک به سرحد باشد، در محله دیگر که دور از سرحد باشد، پورت برای آنها قرار بدهد که نتوانند به خاک روس تجاوز نمایند، و هر طور قرار دادید اقدامات خود را به دربار همایون هم بنویسید.

ثالثاً در باب فراریان دولت روس است. از دو سال قبل تا حال مکرر شکایت نموده‌اند که جمعی از اشرار رعایای این دولت، در خاک روس انواع شرارت و تاخت و تاز را

می‌نمایند و به خاک ایران فرار می‌نمایند و بعضی از رؤسا و خوانین سرحد نشین ایران آنها را نزد خود پناه می‌دهند و هر وقت مأموری برای دستگیری آنها می‌رود خوانین مزبور آنها را مخفی می‌نمایند و خیلی از این باب شکایت کرده‌اند و سواد بعضی از مراسلات سفارت که مشتمل به تعیین محل توقف فراریان و اسامی آنها است همچنین اسامی خوانینی که به آنها پناه می‌دهند علاوه، به آن امیرالامراء العظام تسلیم می‌شود، باید در پرده و مخفیاً تحقیقات دقیقانه در این کار به عمل آورده معلوم نماید. این فراریان حالا در کجا و اشخاصی که آنها را پناه می‌دهند کی‌ها هستند و فراریان را به دست آورده، از قرار قبض به سرحد داران روس تسلیم نماید و اسامی آن اشخاص را که پناه دهنده آن فراریها هستند، معین کرده، به دربار همایون بنویسد، تا حکم آن به هر طور شد رفتار نماید. باید معین نماید آنهایی که عادتشان بر این جاری است که به فراریان پناه می‌دهند، کی‌ها هستند، و به اسم و رسم نوشته بفرستید.

رابعاً بعضی از فراریان دیگر است که پارسال به اردبیل آمده بودند، مقرب الخاقان امیر نظام بر حسب حکم خواست آنها را دستگیر کرده تسلیم نماید، به دست نیاوردند، آن امیرالامراء العظام، باید معلوم نماید آن فراریها که در دست بودند حالا در کجا هستند، اگر در این طرف باشند همه را به دست آورده، به سرحدداران روس تسلیم نماید، و اگر به خاک روس رفته باشند، به مأمور سرحدی آن دولت اظهار کند. تا او به مقام تحقیق حالت آنها برآید، یا باید دستگیر نماید یا مدلل و محقق کند، که به خاک دولت بهیبه روسیه رفته‌اند. از اشخاصی که آنها را پنهان کرده<sup>۹</sup> نداده‌اند، مواخذ و تنبیه نمایند.

خامساً دعاوی تبعه دولتین است. از هر قبیل که با هم دارند و هر سال در موقع اجتماع ایلات طرفین و حضور مأمور سرحدیه دولت روس رسیدگی و قطع و تسویه می‌شود. در

هذه السنه هم موافق قرار سنوات ماضیه باید قرار قطع و فصل آن مطالب داده شود، و چون هر سال این مطالب به توسط مأموری که از وزارت خارجه روانه می‌شد، یا از کارگزاری خارجه معین می‌گردید، قطع و تمام می‌شد و باید مأموری باشد که بصیرت به امور سرحدیه داشته باشد. بعد از ورود به تبریز یکی از اجزای کارگزاری خارجه را مثل مقرب الخاقان حاجی میرزا صادق خان و امثال او که جناب جلالت مآب امیرنظام صلاح بدانند، معین کرده به اتفاق به اردبیل خواهد برد، که به تسویه مطالب و دعاوی سرحدیه با حضور مأمور پردازد.

سادساً بعد از رفتن به سرحد و ملاقات با عالی‌جاه مسیو اکریویچ یا هر کس که از جانب دولت بهیبه روسیه مأمور است، اگر سوای مطالب مذکوره مطلبی باشد، بعد از مذاکره و گفتگوی با مشارالیه مطالب حقه آنها، هرچه باشد باید اهتمام کند که به زودی و خوبی انجام بگیرد.

### سواد دستخط همایونی

ملاحظه شد، صحیح است.

مصطفی قلی خان میربنجه مأمور است که به آذربایجان و سرحد اردبیل رفته تمام این فقرات دستورالعمل را در نهایت دقت و اهتمام انجام بدهد. ولیعهد و امیرنظام باید کمال تقویت و همراهی را به میربنجه کرده که ذره [ ای ] از این دستورالعمل باقی نماند که انجام نگیرد.

سند شماره ۴۹

[سه تلگراف شامل خبر درگذشت ولیعهد روس از طرف  
جنرال قونسول ایران در تفلیس، تلگراف تسلیت  
ناصرالدین شاه به امپراطور و پاسخ آن از طرف امپراطور]

[۲۹ ذی‌قعدة و ۲۸ ذیحجه ۱۲۸۱ و ۲ محرم ۱۲۸۲]

[۱] سواد و پیش‌نویس تلگراف مقرب الخاقان

میرزا یوسف‌خان<sup>۱</sup> جنرال قونسول دولت علیه مقیم تفلیس

به حضور جناب جلالت نصاب وزیر امور دول خارجه دام‌اجلاله‌العالی

تهران، جناب وزیر دول خارجه

ولیعهد دولت روس در شهر تفلیس وفات کرده، جانشین به ایروان نمی‌روند،  
پطرزبورغ می‌روند.

جنرال قونسول یوسف

به تاریخ چهارشنبه ۲۹ ذی‌قعدة

[۲] سواد و پیش‌نویس تلگراف اعلیحضرت شاهنشاه روحانفاده

به اعلیحضرت امپراطور روس به تاریخ ۲۷ شهر ذیحجه ۱۲۸۱

\* میرزا یوسف‌خان تبریزی ملقب به مستشارالدوله.

از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت شاهنشاهی به اعلیحضرت امپراطور

به توسط کاربرد از اول دولت ایران از تفلیس به پطرزبورغ عبور داده خواهد شد.  
مصیبت بزرگ و دردناک دشوار بار سنگین، که تحمل آن بر قلب نازک آن اعلیحضرت  
فروید آمد، ما را هم که یک دل و یک جهت و دوست بی‌مغایرت، با آن اعلیحضرت  
همستیم، در اندوه عمیق واقع نمود.

حالت مشکله و وقت صعب آن اعلیحضرت را نمی‌توانیم به تصور آورد و الحق از  
حد تصور بیرون است.

خاطر اندوهگین اعلیحضرت را تسلی نمی‌توان داد، مگر وثوق به الطاف خداوند  
متعال، و طاقت ملوکانه آن اعلیحضرت.

از خدا می‌خواهیم، صبری کامل به آن اعلیحضرت عنایت فرماید و به عطایای کامل  
خداوند، غبار این کدورت بزرگ را از صفحه خاطر بزداید.

\*\*\*

[۳] سواد جواب تلگرافی

اعلیحضرت امپراطور روس به اعلیحضرت

شاهنشاه روحانفاده ۲ محرم سنه ۱۲۸۲ از

پطرزبورغ به اعلیحضرت پادشاه ایران، از اعلیحضرت

امپراطور کل روسیه بواسطه دفترخانه خارجه جانشین قفقاز

مکتوب تلگرافی اعلیحضرت شاهی که مشعر بر تأسف صمیمی ایشان در خصوص بلیه  
شدیده که به من رو[ی] داده بوده است، دلیل جدید و تسلیه بخش، از دوستی مجرب و

مهربانی حقیقی آن اعلیحضرت، به من ظاهر نمود. به اشعار نثات علیّه و تمثیلات حسنه ایشان که کمال قدر آنها، در نزد ما ثابت است، از درون دل به آن اعلیحضرت اظهار تشکر می‌نمایم و به اراده مقدسه خالق متعال تسلیم می‌شوم.

[حاشیه سند]: بیگلروف به روسی ترجمه کند.

سند شماره ۵۰

نامه میرزا یوسف قونسول ایران در تفلیس به  
میرزا حسین خان مشیرالدوله وزیر مختار ایران در  
استانبول |

[۳ صفر ۱۲۸۲]

هو الله تعالی شانه

قبله و امیدگها

رقیمه کریمه مورخه ۸ شهر محرم الحرام جناب عالی عزّ و وصول یافته، از سلامت حال خیریت اشتغال، غایت ابتهاج حاصل گردید. ولی از این که، افول کوکب مجددت و غروب شمس نجدت، حاج میرزا هاشم آقای مرحوم طاب ثراه را اطلاع داده بودید، که در ۱۵ ذی الحجة الحرام رمی جمره دنیا کرده، و داعی حق را از روی حقیقت، تلبیه گفته، به شدت هر چه تمام تر باعث حزن و اندوه گردید.

رحم الله معشر الماضیین، الحق فوت مرحوم مزبور بسیار جای افسوس است و هر قدر ندیمان مجلس انس او را، تأثر حاصل آید، ناجایگاه نیست.

فدوی از روزی که این خبر را شنیده بود، به هیچ وجه دل نمی‌توانست آرام بدهد، ولی از آنجا که کارهای دنیا همه نیش و نوش است، انّ لكلّ عسر یسرأ.

امروز پست از تبریز وارد شده، از مقرب الخاقان نایب‌الوزاره پاکتی گرفتم، در ضمن یک نوشته خود به‌بهارتی داده و نوشته بود، جناب عالی را از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت شاهنشاه روحناه فداه لقب، نبیل مشیرالدوله مرحمت شده است. از این خبر مسرت اثر [جبران] شکست حزن سابق گردید.

بدین مژده گرجان فشانم رواست که این مژده آسایش جان ماست  
درجه و اندازه فرح و انبساط خاطر، از استماع این مژده را نمی‌توانم به تحریر بیاورم،  
مگر حواله به عالم التفات جناب عالی نسبت به خود نمایم، که بی‌نهایتی آن به آن نسبت  
معلوم شود.

باش تا صبح دولتت بدمد کاین هنوز از نتایج سحر است  
از درگاه خداوندی مأمول این است که، امثال فدوی اخلاص کیشان عنقریب نائل آمال و  
امانی خود بوده، در حق جناب عالی به تبریک و تهنیت نیل اعلی‌ترین مراتب مستفوه و  
رطب‌السان باشند. هذا دعاء للبریه، شامل شعر قآنی، بدین نسبت که بالا می‌رود «یا به  
کرسی می‌نشینند یا به عرش کردگار».

از سلامت حال مقرب الخاقان قلمه بیگی اطلاع داده بودند، موجب کمال امتنان گردید،  
استدعا دارد باز هر چه اطلاع از حال ایشان به هم برسانند مقرر دارند فدوی را،  
استحضار بدهند.

از مقرب الخاقان حاجی میرزا صادق خان سرتیپ، خبری که هست یک طغرا رقیمه  
از اسلامبول رسیده است، دیگر اطلاع حاصل نیست که حالا کجا هستند و کسی وارد

اینجا خواهند شد.

زیاده بر این قابل عرض مطلبی نبود.

امرالعالی مطاع

سیم شهر صفراالمظفر سنه ۱۲۸۲ عرض شد

[متن حاشیه سند]:

تا اتمام عریضه روز سه شنبه پست، روانه گردید. امروز جمعه ۶ ماه که عید سعید مولود همایونی است عرض دو فقره مطلب را علاوه می‌نماید. جنرال مین کوتس که بدید [ن] عید آمده بود، یک نفر صاحب منصب دولت محرمانه به عالی‌جاه میرزا ربیع گفته بود، که اعلیحضرت امپراطور، به این سفر<sup>۹</sup> خیریت اثر اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداء در باب امنیت اندرونی اطمینان داده است. اگرچه فدوی در این خصوص از سمت ایران به هیچ وجه خبری نگرفته و اطلاعی ندارد ولی این خبر را لازم دیدم عرض نمایم.

عالی‌جاه حاجی مهدی تاجر باشی این روزها به جهت عمل تجارتمی خود هازم اروسیه است.

بدیهی است التفات جناب عالی نسبت به مشارالیه بیش از آن است که فدوی در حق او سفارش نماید، همین قدر را، در ظهور التفات عالی در

۹ سفر به بندر فرح‌آباد مازندران جهت بازدید از کشتیهای جنگی روسیه. رک. اسناد شماره‌های ۵۴ و ۶۲ همین کتاب و آرشیو وزارت امور خارجه سند شماره ۱۲۸۳، ک ۱۲، پ ۴ حاوی ۱۲ صفحه شرح کامل این سفر.

حق او کافی می‌دانم زیاده جسارت نمی‌ورزم.

فدوی حقیقی یوسف

[متن دستخط پائین سند]:

تصدقت شوم به سر مبارک به هیچ وجه فرصت عرض

عریضه به خط ناقابل خود ندارم امید عفو دارم.

باقی مباد هر که نخواهد بقای تو

سند شماره ۵۱

[نامه وزیر خارجه به ناصرالدین شاه]

[۱۲۸۲ ه ق]

هو

قربان خاک پای جواهر آسای اقدس همایونت شوم

وزیر مختار روس رقعه به چاکر جان نثار نوشته بود، که از تفلیس برای عرض خاک پای مبارک اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداء، کتاب تقویمی فرستاده‌اند. رقعه او را در جوف عریضه عبودیت فریضه و کتاب مزبور را به جهت عرض پیشگاه مرحمت دستگاه ملوکانه فرستاد.

دیگر وزیر مختار در ضمن رقعه علی‌حده که به این غلام نگاشته بود، که قبل از ماه

مبارک، استدعای شرفیابی حضور مراسم ظهور شاهانه را دارد. همان رقعہ معروض الناظر انور اقدس خسروانی خواهد گشت. به هر طور در تعیین روز و ساعت شرفیابی او به اقتضای رأی جهان آرای همایون فرمایش علیه شاهنشاه عالم پناه روحناه فداه شرف صدور یابد، از آن قرار اطاعت خواهد کرد.

امر امر اقدس اعلی است.

الامر الارفع الاقدس الاعلی مطاع مطاع

[متن دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه]: وزیر دول خارجه: وزیر مختار روسیه روز شنبه، چهار ساعت به غروب مانده به حضور بیاید همینطور اخبار نماید. تقویم رسید.

سند شماره ۵۲

[نامه وزارت خارجه احتمالاً به وزیر مختار و یا سفیر روس]

[ربیع الاول ۱۲۸۲]

جواب کاغذ مسیوگیری\*

مطابق مضامین مراسله انفاذیه آن جناب جلالت مآب، مورخه ۲۹ شهر صفرالمظفر عریضه که یکورمکتوف رعیت دولت بهیه روسیه، به آن سفارت داده، از بابت فقره مطالبه عمده الخوانین میرزا داودخان، از خوانین کلهر و کوران کرمانشاهان، اظهاری نموده است.

فقره مطالبه مزبوره که مدتها است، از تاریخ آن میگذرد و از معاملات اوقات حکومت مرحوم منوچهرخان معتمدالدوله، در کرمانشاهان می باشد.

در این چند سال آخر به استناد طلبکاری مکتوف از میرزا داودخان محل تحقیق و اعتنا شده است. وزارت امور خارجه برای اسکات ارباب طلب، مکتوف و ملاحظه این که شاید از این ممر بتوان تنخواهی بجهت طلبکار او دست و پا کرد، مخصوصاً مایل انجام این فقره بوده [است]. در این مدت از تحقیقات لازمه و اهمات فوق العاده خود و تعیین محصل «کره بعد اخری» مضایقه نکرده است.

خوانین کلهر بعضی مستندات ابراز می نمایند [که] معلوم می شود ادعای میرزا داودخان از آنها مقرون به حقیقت نیست، و می توان مستندات آنها را قبول و مسلم داشت.

در باب فقره خوانین کوران، سندی که ملاحظه شده است، محل اعتبار باشد یا نباشد، مضامین نوشتجات نواب مستطاب والا عمادالدوله حکمران کرمانشاهان دلالت می‌نماید. این مطالبه هم از جمله امورات باطله قدیمه است. در این اواخر مراسله‌ای که از نواب معزی الیه به توسط مرتضی‌بیک مأمور وزارت امور خارجه رسیده بود، اینک سوادى از آن به اطلاع سفارت می‌رساند. این که اظهار داشته‌اند دوستدار معجلاً قراری بدهد، خود خوانین یا وکیل ثابت الوکاله آنها به جهت واریسی این امر به دارالخلافه الباهره حاضر شوند. البته انصاف آن جناب جلالت مآب تجویز نخواهد کرد. برای ادعای چند ساله، جمعی را به سبب احضار و یا تعیین وکیل به خسارت و ضرر گرفتار نمود. اگر چیزی به عهده آنها داده نشود، کفالت خسارت آنها را که خواهد کرد. مقرون به حقانیت این است [که] خود مدعی یا وکیل ثابت الوکاله او در محل سکناى مدعی علیهم حاضر شده، رفع ادعای خود را نماید.

در هر حال دوستدار مترصد است، آن جناب جلالت مآب، سواد کافذ نواب معظم‌الیه را به امعان نظر ملاحظه و تأمل در چگونگی عمل به طور حقانیت [بکند]. زیاده زحمت ندارد.

ربیع الاول ۱۲۸۲

سند شماره ۵۳

نامه میرزا یوسف قونسول ایران در تفلیس احتمالاً  
به وزارت خارجه]

تبرستان  
۱۶ رجب ۱۲۸۲  
www.tabarestan.info

هو

قبله و امیدگاہا

یک ماه متجاوز است که حضور عالی عریضه نگار نشده‌ام، سببش را به ملاحظه این که سوء ادب نباشد، در این عریضه نمی‌نویسم به سرکار میرزا ملکم خان نوشته‌ام معروض خواهد داشت.

دو رقیمه عالی را جواب مخصوص عرض نکرده‌ام.

گارت<sup>۱</sup> سرکار علاءالدوله را به طوری که لازم بود تعمیر کرده با یک نفر نوکر و یک کالسکه چی اجیر نموده چرخهای یدکی انداخته، فرستادم و حالا به تبریز رسیده، بلکه به زنجان هم رسیده است.

ناخوشی تفلیس مثل این است که نیست.

سواد فرمان مهر لمعان را که به افتخار جناب عالی صادر شده بود زیارت کردم، خداوند عالم درجه جناب عالی را به آنچه خود قابل و لایق می‌داند و مستهای آمال اخلاص کیشان است، برساند.

در رقیمه مورخه غرة جمادى الثانیه، شرحی از روزنامه دولتی اشاره رفته بود ملاحظه

فرماید. صفحه دوم روزنامه نمره ۵۷۶ به فقره انقیه دان که چقدر مؤثر و حزن آور است. مقرب‌الخاقان نایب‌الوزاره خدمت جناب عالی درست نوشته‌اند، همان انتظار، خانه ما را خراب کرد.

از مقررری مأمورین خاک روس بجز وجه بسیار قلیل که ربع مقررری باشد، هنوز چیزی وصول نشده.

از فوت لرد<sup>۱۰</sup> پالمستون ملت انگلیس نباید ملول و محزون باشند، چون که هزار پالمستون دارند. اگرچه گوی عقل و تدبیر را او از میدان برداشته بود، بلاشک در انگلیس نظیر او پیدا خواهد شد. خداوند به آنها ترحم فرماید که نه پالمستون دارند نه پارلمنت.<sup>۱۱</sup>

افلاس نامه حاجی علی اکبر مع تمسک در جوف عریضه، انفاذ حضور عالی شد واقعاً مشارالیه مفلس لاشی و مریض مشرف به موت است. جناب عالی او را تصدق فرمایند، اگر نمرد و صاحب استطاعت شد، باز مطالبه کردن آسان است.

چند روز قبل، نواب جانشین، قونسولها را به حضور خواسته بودند، بعد از آن که در اتاق معین حاضر شدیم، فدوی را با آرتین افندی یک جا به حضور خواست، با فدوی زیاد تکلم و اظهار تلطف فرمودند، با افندی به طور بی‌میلی رفتار نمودند، مشارالیه از روز ورود به تغلیس الی حال با حکومت اینجا در زد و خورد است، اگرچه پر بی‌حق نیست ولی صبر و تحمل لازم است، چه باید کرد.

بارونوفسکی رئیس دپارتمنت اصلی جانشین قفقازیه که از سیاحت فرنگستان مراجعت کرده بود، در ملاقات به بنده می‌گفت که، در راه پوتی چند نفر مهندس را دیدم،

۱۰ اصل: لارد

۱۱ اصل: پارلمنت

می‌گفتند که به جهت ساختن راه آهن به ایران می‌رویم، ولی آنها چنین آدمی به نظرم نیامدند، که بتوانند از عهده این کار بریایند. البته می‌آیند شما هم می‌بینید، تاکنون که وارد تغلیس نشده‌اند.

دیپوزی تغاریک وارد شد، پاکتی از برای پطرزبورغ داشت، که از اینجا فرستاده شود، آنچه گزارش مستر آلیسون وزیر مختار انگلیس را در اسب دوانی از وزارت جلیله به جناب عالی نوشته‌اند، عرض شد مکرر ...<sup>۱۲</sup> بلی رسیده بوده است، قضایی [بود] ولی به خیر گذشته است. مستدعی هستم مقرر فرمایید پاکت جوف به تاجریاشی داده شود، و نیز جسارت استدعا می‌کنم، اگر تا وصول این عریضه آقا سید حسن از حضور عالی مرخص نشده باشد، حکم فرمایند به زودی عازم تغلیس بشود که به وجود او زیاد محتاج هستم. زیاده جسارت نمی‌کنم.

ایام جلالت برقرار باد.

۱۶ رجب ۱۲۸۲ عرض شد

فدوی حقیقی یوسف

[متن پائین سند]: تصدقت شوم الان حاجی خان وارد شد.



## سند شماره ۵۴

## [گزارش مستشارالدوله جنرال قونسول ایران در تغلیس]

[۱۸ شوال ۱۲۸۲]

هو

قبله گاهها

بعد از رقیمه مختصر که مصحوب آقا محمد طاهر ارسال فرموده بودند، دیگر تعلیقه از جانب سامی زیارت نشد. آقا محمد طاهر وارد شد. از قضا آن روزها میان تجار به جدی بی پولی بود، که یقین دارم به اسلامبول هم نوشته اند، علاوه بر بی پولی روز ثبت [کذا] هم نبود، مع هذا به قدر دوست منات، که کفایت کار او را می کرد، کارسازی کردم، نوشته داد، در بندر جز بدهد.

سارق اموال مشارالیه در تغلیس پیدا شد. آدم فرستادم بیاورد، با قمه زد، انگشت آدم بنده را معیوب کرده فرار نمود، از الواط ایران بود، خود آقا محمد طاهر هم فهمید، با وصف این فورغونچی<sup>۱</sup> از دست آدم بنده به جانشین شاکی شده. نوزدهم فیورال<sup>۲</sup> که روز تخت نشستن اعلیحضرت امپراطور روس بود، در خدمت نواب جانشین دعوت رسمی بود. بعد از ناهار چنان که رسم است با هر کس چند کلمه حرف می زنند، به بنده

\* اصل : فورغونچی

\*\* فوریه

فرمودند، تشریف فرمایی<sup>۳</sup> اعلیحضرت شاه به مملکت ما صریح است. چند روز قبل به عالی جاه میرزا جوادخان فرموده بودند، که از اعلیحضرت امپراطور جواب رسید، چهار روز قبل به تهران فرستادم. دو کشتی آتشی گفته ام، حاضر کرده اند، با سایر ملزومات، افسوس که به جهت کثرت مشغله خودم فرصت ندارم پذیرایی نمایم. فدوی از تهران، در این باب، ابدأ خبری ندارد.

عالی جاه میرزا معصوم خان حسب الحکم جناب خدایگانی وزیر، منتظر وصول احکام است.

جنرال قونسول عثمانی را به خواهش نواب جانشین گویا تغییر بدهند و اسماعیل افندی مأمور بشود. آن روز هم در دعوت جانشین نبود، وعده نخواستنه بودند. در میان مردم اراجیف می گویند روسها در سرحدات عثمانی تدارکات زیاد حاضر می کنند، پر بی اصل هم نیست.

حکم کرده اند از غمنازیه ها<sup>۴</sup> هر متعلم که درس را تمام کرده، یک سر، رتبه افسری بدهند و قشونهای<sup>۵</sup> مرخصی را حاضر می کنند. و یک دیوزیه<sup>۶</sup> سالدات هم به قفقازیه می آید حرفی است، در میان مردم احتمال صدق و کذب را دارد.

۱۸ شوال ۱۲۸۲

فدوی حقیقی یوسف

\* در سال ۱۲۸۳. ق ناصرالدین شاه جهت بازوی لژ کشتیهای جنگی به بندر فرح آباد مازندران رفته بود.

ر.ک. سند شماره ۶۲ و پانویس آن و پانویس ص ۱۳۰ این مجموعه.

\*\* Gymnase ر.ک. واژه نامه

\*\*\* اصل : قشونهای

\*\*\*\* Division ر.ک. واژه نامه

سند شماره ۵۵

[نامه وزیر خارجه به ناصرالدین شاه]

[۱۲۸۲ق]

هو

قربان خاک پای جواهرآسای اقدس همایونت شوم

کاغذ وزیر مختار را در باب پسران میرزا داود، امروز صبحی فرستاد، منتظر جواب بود، غروبی غراف از زرگنده رسید، جوابی برای این غلام فدوی آورد، و زبانی رسماً از قول وزیر مختار اظهار کرد که، البته در این مملکت من نمی توانم، با زور حکم سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی برآیم، اگر خواسته باشند که پسران میرزا داود<sup>۵</sup> را اعادت بدهند یا حکمی بزرگتر از این صادر فرمایند، مختارند. من هم لابد هستم، که معامله به مثل نمایم و هر یک از رعایای ایران که خواسته باشند با بلیت به خاک روس عبور نمایند، مانع شوم، حتی قاسم خان را بلیت ندهم و نگذارم داخل خاک روس شود، یا بیبیم حکمی که از امپراطور خواهد رسید، چه حکم خواهد بود.

چون استحضار خاطر اقدس همایون از کیفیت لازم بود، جسارت به عرض کرده، جواب وزیر مختار را هم در جوف گذاشته، به حضور همایون فرستاد. بدانچه رأی مرحمت آرای اقدس علاقه گیرد، امر امر همایون است.

<sup>۵</sup> میرزا داود یا جان داود ارمنی که به دستور امیرکبیر معلمین اطریشی را برای تدریس در دارالفنون به ایران آورد. رک. مهدی قلی هدایت، خاطرات و خطرات، ص ۶۳.

جناب جلالت مآب صدر اعظم هنوز اطلاع ندارند.

الامرالاقدم مطاع

[متن دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه سند]:

اولاً به جناب صدر اعظم نشان نداده چرا به حضور فرستادی، ثانیاً کاغذ ملاحظه شد، بسیار کاغذ بدی است و اگر جناب صدر اعظم پی این بلند شوند دور نیست، خوب نشود. اگر جناب صدر اعظم مصلحت بدانند کاغذهای طرفین را مبادله کنند، یعنی پس بگیرند.

البته الان به جناب صدر اعظم رسانیده هر نوع مصلحت بدانند معمول بدارند.

صبح زود جواب جناب صدر اعظم را در این باب به من برسان، بسیار زود.

## سند شماره ۵۶

## [نامه وزیر خارجه به ناصرالدین شاه]

[۱۲۸۲ق]

## قربان خاک پای جواهرآسای اقدس همایونت شوم

وزیر مختار روس در باب تهنیت و مبارکباد عید مولود [د] مسعود سرکار شوکت‌مدار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه مراسله به چاکر فدوی نوشته است، برای عرض خاک پای مبارک فرستاد.

قاسم خان رقعہ به این غلام نگاشته، نمونه [ای] از کارهای علاقه‌بندی جوانی سیر مارکو و شانزده کیسه سنگ، جهت خمیره چینی سازی، که وزیر مختار پاریس به صحبت او فرستاده بود، نزد چاکر ارسال داشته بود. آنها را با رقعہ مزبوره به جهت عرض پیشگاه مرحمت دستگاه همایون اقدس اعلیٰ انفاذ نمود.

در باب تحویل التفات ملوکانه نسبت به میرزا مهدی خان کاربرد از ارزنة الروم که فرمایش علیه شاهانه شرف صدور یافته بود، به هر طور این غلام صلاح داند عرض کند، لهذا جسارت می‌نماید که او تا حال خدمات خوب کرده، نشانی به او مرحمت نشده است، و چند دفعه نشان سرهنگی اول با حمایل مخصوص آن مستدعی شده بود، به او وعده داده شد، که خدمات نیک ظاهر سازد و به شمول این التفات نایل آید، چون به امثال او هم این التفات شامل شده، بناء علیه به ضراعت چاکرانه عرض می‌شود، که اگر رأی مرحمت آرای خسروانی علاقه گیرد، فرمان همایون شرف صدور یابد.

امر امر اقدس اعلیٰ است.

الامر الارفع الاقدس الاعلیٰ مطاع

[نسخ دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه]: نمونه‌ها رسید، به اعتضادالسلطنه داده

شد. کاغذ وزیر مختار روسیه خوانده<sup>۹</sup> شد.

جواب التفات آمیز به او بنویس.

نشان سرهنگی اول و حمایل به میرزامهدی

خان بدهد.

## سند شماره ۵۷

## [نامه وزیر خارجه به ناصرالدین شاه در ارتباط

## با سفارت روس]

[۱۲۸۲ق]

## قربان خاک پای جواهرآسای اقدس همایونت شوم

به اعتقاد چاکر فدوی، کاغذی را که سفارت روس در باب گمرک نوشته است، خوب کاغذی است و همین قدر که حق دولت را در گشودن بارها اعتراف کرده است، کفایت

می‌کند. و همین خواهش او که، موافق صورت خریدی که تاجر بنماید، چند عدل از بارها را، لاعلی‌التعین بگشایند و رسیدگی شود. در صورت مطابق بودن معلوم می‌شود که اختلافی نیست، خوب قرار می‌است و این قاعده اکنون نیز در اغلب کارها معهود است. در این صورت هرگاه رأی اقدس همایون روحنا فداه علاقه گیرد، که هم سفارت را ممنون ساخته و هم ضرری متصور نشده باشد، جواب نوشته شود و الا به هر چه حکم جهان مطاع شرف صدور یابد، اطاعت خواهد شد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع

[متن دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه]: البته موافق صرفه دولت جواب بنویسید، اگر این طور جواب نوشتن ضرری ندارد بنویسید.

### سند شماره ۵۸

[نامه وزیر خارجه به ناصرالدین شاه]

[محرّم ۱۲۸۲]

قربان خاک پای اقدس همایونت شوم

پریروز مجملی از تفصیل گفتگوهای خود با وزیر مختار روس در ضمن عریضه جسارت کرده، به خاک پای همایون معروض داشته بود. از این که فرمایشی از جانب سنی الجوانب همایون مقرر نشد، احتمال می‌دهد که

شاید عریضه این چاکر از عرض پیشگاه مبارک نگذشته باشد، ولیکن با نظمی که در سایه همایون حاصل است، مشکل می‌داند که کسی بتواند در ابلاغ عریض چاکران حضرت به خاک پای مبارک کوتاهی نماید. چون بعضی فقرات در عریضه عرض نشده بود، اکنون مقرر فرمایند، به طور روزنامه معروض شود، تا جزئی و کلی همگی به عرض خاک پای مبارک رسیده باشد.

وزیر مختار روس همان روز که آمده بود، خود رقعہ دعوتی به این چاکر داد که شب هشتم ماه در مهمانی او که برای وزیر مختار انگلیس می‌کند، حاضر باشد. ترجمه رقعہ را در جوف عریضه فرستاد، که از عرض خاک پای مبارک بگذرد. به ملاحظه محرم و ایام تعزیه بودن، نمی‌داند این دعوت در حضور اقدس چه حالت خواهد داشت. این چاکر قبول نماید یا به طور خوشی عذر بخواهد. زیاده جسارت نرفت.

الامر الاقدس الاعلی مطاع

[متن دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه]:

وزیر دول خارجه عریضه که در باب ملاقات خود با وزیر مختار روسیه نوشته بودی، همان روز به نظر ما رسید، به علت ایام محرم و کم فرصتی نشد تو را بخواهم و مفصلاً جوینا شوم. یادداشت کرده‌ام که از تو سؤال شود. فردا هفتم است کار دارم، پس فردا روز هشتم، صبح زود درب خانه حاضر شود، به تفصیل عرض کند.

در باب دعوت شب هشتم مهمانی روسها ابدأ وعده ندهد به احترام محرم چگونه می‌شود به مهمانی فرنگی رفت. ابدأ ابدأ

امضاء

سند شماره ۵۹

[نامه وزیر خارجه به ناصرالدین شاه]

[۱۲۸۲ق]

قربان خاک پای جواهرآسای اقدس همایونت شوم

وزیر مختار روس در باب ادعای حاجی جلیل، از نواب مؤیدالدوله، کاغذی نوشته بود، که از عرض خاک پای سرکار شوکت مدار اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداء گذشت.

فرمایش علیه ملوکانه شرف صدور یافت که هنگام شرفیابی مؤیدالدوله به حضور، مراحم ظهور شاهانه، در این باب چاکر عرض کند. بجهت گرفتاریها ممکن نشد که در حین شرفیابی او این غلام جسارت به عرض نماید. چون وزیرمختار در این باب اصرار دارد و میرزا مجید را هم حالا نزد چاکر فدوی فرستاده بود، فردا هم که مؤیدالدوله برحسب فرمایش اقدس اعلی روانه خواهد شد.

لهذا به ضراعت چاکرانه جسارت کرد که به هر طور در این خصوص، رأی جهان آرای شاهنشاه عالم پناه روحنا فداء قرار بگیرد، مقرر خواهند فرمود که از آن قرار عمل شود.

الامر الارفع الاقدس الاعلی مطاع مطاع

[متن دستخط بالای سند]:

هو

روحی فداک امر همایون اعلی این است که همین امشب نواب مؤیدالدوله را

اخبار و احضار و به هر نحو است، رفع ادعای حاجی جلیل را بفرمایند، تا فردا نهار که مؤیدالدوله باید برود. حکم همایون است.

تبرستان

www.tabarestan.info

سند شماره ۶۰

[نامه وزیر خارجه به ناصرالدین شاه]

[۱۲۸۲ق. ۸]

قربان خاک پای جواهرآسای اقدس همایونت شوم

در روزنامه ملاقات میرزا عبدالرحیم با وزیر مختار روس، که به خاک پای همایون عرض شد، که وزیر مختار خواهش کرده بود، چون در نظر مردم چنین می آید که، به مجرد رضامندی اولیای دولت روس از جعفر قلی خان، اولیای دولت ایران او را مغرول کرده، به دارالخلافه خواستند، اگر حکم شود چندی در آنجا بماند، خو بست . گویا بر رأی جهان آرای اقدس همایون لازم نیامده بود، حکمی در این باب مقرر فرمایند.

فدوی جان نثار به عرض این عریضه جسارت می نماید. که اگر امر و مقرر فرمایند، فدوی به سفارت اطلاع بدهد، که با وجودی که حضور جعفر قلی خان، در رکاب همایون لزومی داشت، محض رعایت این نکته احضار او را معجلاً موقوف داشته، و هم فی الحقیقه، به مجرد رفتن حاجی میرزا احمدخان، بی دخل کردن جعفر قلی خان، خالی از این نیست که به واسطه عدم اطلاع حاجی میرزا احمدخان، از رشته کارهای آنجا، و

امور گذشته قطع شده.

فسی الجمله قصوری در کارهای گذشته راه نیابد، حکم از بندگان اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداء است.

زیاده جسارت نرفت.

الامر الاقدس الاعلی مطاع

[متن دستخط حاشیه سند]: وزیر دول خارجه اطلاع به سفارت بدهد که

علی‌العجاله جعفر قلی خان هم در سرحد هست، او و

حاجی میرزا احمدخان هر دو در امورات متعلقه به

روس رسیدگی خواهند نمود.

سند شماره ۶۱

[نامه وزیر خارجه به ناصرالدین شاه]

[۲۸۲۸۲ ق. ۸]

قربان خاک پای جواهر آسای اقدس همایونت شوم

میرزا عبدالرحیم را به سفارتخانه فرستاد، سفارش کرده بود که مطلبی دیگر عنوان کرده، در آن ضمن استمزاج نماید که اراده شرفیابی دارد یا خیر. در بین صحبت وزیر مختار پرسیده بود، امروز وزیر دول خارجه به درب خانه آمده‌اند، یا به سبب انقلاب هوا نیامده‌اند، جواب داده بود، همین قدر به خاک پای همایون مشرف شد، و چون هوا منقلب بود، سرکار اقدس همایون سلام را مرخص فرموده بودند. وزیر دول خارجه انتظار داشت که معلوم شود، شما به خیال شرفیابی باقی هستید و یا به سبب برف و هم خوردگی هوا تغییر خیال داده‌اید. وزیر مختار گفته بود، می‌ترسم بر وجود اقدس قبله عالم مشقت باشد، همین قدر را میرزا عبدالرحیم غنیمت دانسته، سکوت کرده بود و گفته بود مقصود این است، که سرکار اقدس در کمال میل خاطر، همیشه شرفیابی شما را مایل هستند، حالا که خود شما چنین یافته‌اید، که امروز بر وجود اقدس مشقت خواهد بود، هر روز که اراده داشته باشند، اعلام خواهند نمود. گفته بود امروز که اسباب زحمت وجود اقدس نمی‌شوم. روز شنبه شرفیاب خواهم شد. باز گفته بود، روز شنبه هم روز مشورت خواهد بود، میرزا عبدالرحیم جواب داده بود، بعضی از روزهای مشورت فرصت این قدر شرفیابی شما می‌شود و بعضی روزها نمی‌شود. گفته بود، چون تعجیلی ندارم و کار فوری نیست روز شنبه یا وقت دیگر، اعلام از جناب وزیر دول خارجه بشود.

الامر الاقدس الاعلی مطاع

[متن دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه]: روز شنبه چهار ساعت به غروب مانده

خبر کنند به حضور بیاید، مجلس

مشورت دخیلی به آمدن وزیر مختار

ندارد.

سند شماره ۶۲

برنامه بازدید ناصرالدین شاه از کشتیهای روسی در

بندر فرح آباد<sup>۱۰</sup>

[۱۲۸۳ هـ ق]

صورت تشریفات ورود میمنت نمود سرکار اقدس همایون اعلیحضرت شاهنشاهی

<sup>۱۰</sup> در مورد این بازدید، ناصرالدین شاه در خاطرات سفر اول خود به فرنگستان (۱۲۹۰ هـ. ق) هنگام بازدید از شهر تفلیس و ملاقات با پرنس اوربلیانوف می‌نویسد:

«این پرنس اوربلیانوف را می‌شناختم، هفت سال قبل از این که ما به بندر فرح‌آباد ماژنداران رفته بودیم و کشتیهای جنگی روس آنجا آمده بودند، از جانب امپراطور به حضور ما آمده بود. رک. روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان، به کوشش فاطمه قاضیها، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۷،

ص ۳۶۵ و ۳۹۹.

به سفاین موجوده که به تفصیل نوشته شده بود، از لحاظ انور همایونی گذشت، چون آن تشریفات و احترامات مناسب شأن سلاطین و به اقتضای مراسم دوستی و یک جهتی اعلیحضرت شاهنشاهی، با اعلیحضرت امپراطوری است، موجب خشنودی خاطر مبارک گردید، و نظر به کمال مؤدت و موالات حاصله از اهتمامات کارگزاران آن دولت، در ازدیاد مناسبات اظهار مسرت و رضامندی فرمودند.

در محل اجتماع سفاین موافق یادداشتی که سابق داده شده بود، بندر فرح‌آباد را معین فرموده بودند، بجهت بعضی مقتضیات داخله و محل توقف سفاین در بندر فرح‌آباد خواهد بود، که اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی از آنجا تشریف فرمای سفاین بشوند و کشتیها از پانزدهم ذی‌حجه الی بیستم شهر ایضا، در بندر فرح‌آباد حاضر بشوند، که ابتدای ورودشان به بندر فرح‌آباد از پانزدهم باشد.

چون سرکار اقدس شاهنشاهی، عادت به طول توقف در کشتی نداشته‌اند، گویا توقف همایون در سفاین به قدری که بتوانند شب در آنجا بمانند طول نکشد.

برای ناهار هم، سرکار اقدس همایونی، به جهت اصلاح مزاج مبارک خودشان از چند سال قبل تا به حال قرار داده‌اند که ناهار را در اوایل روز و شام را در اول شب صرف می‌فرمایند و مدتی است چه در حضر و چه در سفر هیچ، این قرار اختلاف به هم نرسانده است. بجهت این قرار و عادت، بعد از صرف ناهار به تفرج و تماشای سفاین تشریف‌فرما خواهند شد، ولی محض شگون و میمنت شیرینی و جای و قهوه در کشتی صرف خواهند فرمود.

از تشریفات که معین شده و شایان شأن پادشاهان ذوالاقتدار و محض ازدیاد مودت و یک جهتی است، اظهار خشنودی می‌فرمایند.

چون اطلاع جناب فخامت نصاب امیرال، از رضامندی خاطر مبارک سرکار اقدس

همایونی از تفصیل تشریفات و فقرات مسطوره لازم بود زحمت داده شد.

[متن حاشیه سند]: اردونمای [؟] حالت ملتزمین رکاب مبارک، گذشتن از بندر مزبور به بالاتر را مناسب ندیدند. محل اجتماع و توقفا

سند شماره ۶۳

[گزارش جنرال قونسول ایران در تفلیس به وزارت خارجه]

مورخ ۸ رمضان ۱۲۸۳

سنه بارس نیل از تفلیس

قبله گاهها

بعد از رقیمه دهم رجب دیگر تعلیقه عالی را هنوز زیارت نکرده‌ام. میرزا بزرگ، منشی سفارت پاریس که بایستی چند روز قبل رسیده باشد، هنوز نیامده. جناب مسیو گیرس وزیر مختار قریب به ده روز است وارد تفلیس شده‌اند، شاید ده روز دیگر هم در تفلیس هستند، همچنین، بزابرزوف جنرال قونسول تبریز، که سابقاً در سفارت اسلامبول ترجمان و بعد در ناسر<sup>۱۰</sup> قونسول بود، بزابرزوف چند روز زودتر از وزیر مختار به تبریز خواهد رفت. وزیر مختار این دفعه بی فایده آمده‌اند.

از دولت روس نشان عقاب سفید به جهت جناب جلالت مآب اجل وزیر امور خارجه مرحمت شده، اولیای دولت روس نظر به معرفی وزیر مختار خود، رضامندی زیادی از طرز سلوک و مودت اولیای دولت علیه ایران داشته‌اند.

دیروز که دوشنبه و ۷ ماه رمضان بود، فدوی، مسیو گیرس و کنیاز اوریلیانی و امیر نظام و مین کوتس و سایر اعظام شهر را دعوت شام کرده بود. به فضل الله تعالی به همه جهت زیاد خوش گذشت. مسیو گیرس در بین صحبت می‌گفتند که دولت به من اذن داده است، هرگاه، دولت ایران گمرک آهن را که از روسیه به ایران می‌برند، بر دارد، قرارنامه منعقد نمایم که دولت روس هم در حاجی ترخان<sup>۱۱</sup> و بادکوبه گمرک پنبه را که از ایران به روسیه می‌برند، موقوف المطالبه دارند.

معلوم است در این معامله صرفه روسها بیشتر است به دلیل این که بیست سال قبل به هر هزار پوپ آهن، که از حاجی طرخان خریده، حمل ایران می‌کردند، از دولت روس گمرک نمی‌گرفتند، سهل است، ده منات هم دستی می‌دادند، بعد که به مرور بردن آهن به ایران رواج پیدا کرد، ده منات دادن را موقوف کردند ولی بی‌گمرک مرخص می‌کردند، این اواخر که بنده آنجا بودم، درصد، دو گمرک می‌گرفتند. حالا گویا درصد، پنج است و الان می‌خواهند با چنین عمل عمده موازنه نمایند و فی الواقع استعداد این را هم به هم رسانیده است، به دلیل این که هر ساله قریب به سیصد هزار پوپ آهن از روسیه به ایران می‌برند، کم طالعی<sup>۱۲</sup> مملکت ما، هرگاه کسی پیدا شده به دولت عرض کند که از خاک بی‌مصرف ایران اجازه دهید تا ده سال بی‌گمرک به روسیه ببریم محال است اجاره بدهند و نقد جزئی را به نسیه کلی بفروشند.

جناب وزیر مختار باز می‌گفتند که اعلیحضرت امپراطور از من پرسیدند: «چرا دولت

• اصل : حاجی طرخان

•• اصل : طالع



ایران راضی نمی‌شود کشتیهای تجارتمی به آزادی داخل مرداب انزلی بشوند» من به امپراطور عرض کردم که اعلیحضرت پادشاهی و وزیر دول خارجه ایران مسئله را خوب فهمیده‌اند و می‌دانند که هیچ ضرر پولیتیکه نخواهد داشت، ولی بجهت توهمات بی‌جای کهنه خیالان و اهل ولایت تأمل دارند، من هم نمی‌خواهم اصرار زیاد بکنم، تا کار به موقع خود تمام بشود. اعلیحضرت امپراطور فرمودند: «بلی خوب می‌کنند ما هم راضی نیستیم در این مواد به دولت ایران سخت‌گیری بشود. به اقتضای وقت خودشان خواهند فهمید که این خیالات واهی است».

الحق مسیو گیس بسیار آدم نجیب الفطره و نیک خواه و بی‌غرض است.

یکی از دوستان بنده که از اهل خارجه می‌باشد به تبریز رفته بود، این روزها می‌نویسد: «روز ورود در یک فرسخی تبریز جمعی مرد و زن دیدم که در صحرا ساکن شده‌اند از حالتشان سؤال کردم گفتند، از اهل قریه زال هستیم و به حکم دیوان قریه مزبوره را غارت، و ما را به صحرا متفرق کرده‌اند. سببش را پرسیدم گفت، یک نفر از اهل قریه به محصل دیوان خلاف ادب گفته بود، به تلافی آن هزار نفر از ما را به این روز انداخته‌اند» نویسنده این خبر اظهار تعجب زیادی کرده بود.

دیگر از قراری که در نوشتجات شخصی به فدوی نوشته بودند، شیخ احمد نامی از اهل نیشابور با سه چهار نفر در تبریز به خانه سیدی مهمان رفته بوده‌اند و در آنجا به سید صاحب خانه می‌گویند: شما به چه دلیل خود را رئیس بایان می‌دانی و حال آنکه هادی و رئیس ما در ادرنه که چهل فرسخ<sup>۱۰</sup> از اسلامبول دورتر است می‌باشد و به ما نوشته است، که فلان سید در تبریز در فلان محله می‌باشد و اعتقادش از من فسخ شده، بروید به او نصیحت کنید. با نهایت رأفت حال به شما نصیحت می‌کنیم، اعتقاد خود را درباره هادی

و رئیس ما راسخ کن. سید گویا حرف شیخ را نمی‌پذیرد. شیخ به همراهان خود حکم می‌کند، او را خفه می‌نمایند و بیرون می‌آیند. فردای آن روز شیخ احمد را کماشنگان دیوان می‌گیرند<sup>۱۱</sup> مراسلات زیادی به عنوان مردم تبریز و قزوین و تهران و خراسان و بغداد و غیره و غیره بیرون آمده است و شیخ با همراهان خود در کمال جرأت اقرار به بایبگیری کرده و می‌کنند. در منزل مشیر لشکر، جناب مجتهد، بعضی سؤالات از شیخ کرده بوده‌اند، مطلقاً لب به جواب باز نکرده، گفته‌اند چرا جواب نمی‌دهی، گفته است چه بگویم به که گویم.

جناب ناصرالملک هنوز در تبریز تشریف دارند. معطل تنخواه هستند. فقره معلومه را<sup>۱۲</sup> زیاد بر یک سال است جواب مفصل نوشته و با کمال میل خاطر، قبول کرده‌اند، ولی طوری نوشته‌اند که لامحاله باید فدوی خود عرض حضور عالی نمایم.

عالی‌جاه، محمدحسن خان زیاد به بنده اصرار کرده بود، طوری نمایم که راهش [را] از سمت اسلامبول بپندازد. البته برای ایشان این راه مناسب و انفع است. فدوی هم مردد هستم، گویا اول به زیارت حضور عالی مشرف شوم.

فدوی حقیقی یوسف

سند شماره ۶۴

به تاریخ دوم شهر محرم ۱۲۸۵

مطابق ۱۴ ماه آپریل ۱۸۶۸

نمره ۲۵

ترجمه شرحی است که جناب مسیو زیناویف شارژدفر  
دولت روس به جناب جلالت مآب میرزا سعید خان وزیر  
امور دول خارجی دولت ایران نوشته‌اند

جناب جلالت مآب میرزا سعید خان وزیر مهم دول خارجی اعلیحضرت شهریار،  
به موجب مراسله خود مورخه ۲۸ ذیحجه سنه ۱۲۸۴، واضح این دستخط شارژدفر  
اعلیحضرت امپراطوری مقیم دربار دولت ایران را اخبار نمودند که، من بعد، امنای دولت  
ایران نمی‌توانند به تبعه دولت روس اذن حمل مسکوکات نقره به خارج بدهند و نیز  
اظهار می‌دارند هرگاه تبعه مسطور اجناس این ولا<sup>۱</sup> را نمی‌توانند تحصیل نمایند، باید  
وجوهات نقره سکه دولت ایران را به پول طلا صرف نمایند و به خارج ببرند.  
واضح دستخط تکلیف خود می‌داند، با کمال احترام و ادب اظهار دارد که به قدر  
مقدور سعی خواهد نمود، قرار بدهد، رعایای دولت روس احکام اعلیحضرت  
شهریاری را عمل بیاورند، مشروط بر این که نقصی در منفعت آنها به هم نرسد. اما در  
اجرای تکالیف آن جناب جلالت مآب سامی، موانع عدیده به نظر می‌آید، این را خود

۱ منظور از «ولا» ولایت است.

اولیای دولت ایران مطلع هستند که بجهت کمیابی وجوهات طلا در این اوقات، زیاد  
مشکل است، تنخواه طلا را داد [و] ستد بکنند. هرگاه همه تجار خارجه را مجبور نمایند  
که وجوهات نقره را به طلا معاوضه کنند، شک و شبهه نیست که قیمت وجوهات طلا  
زیادگشته و به این علت تجار خسارت کلی خواهند کشید.

واضح دستخط منافی عدالت دانسته که رعایای روس این نوع متضرر شوند، و آن  
جناب سامی را مستحضر می‌دارد، تکالیف مندرجه مشروحه آن جناب جلالت مآب  
سامی را نمی‌تواند قبول دارد.

با احترام تمام مستدعی است، که امنای دولت اعلیحضرت شهریار، رعایای دولت  
روس را مستثنی<sup>۲</sup> داشته، آنها را ماذون نمایند، وجوهات نقره که قبل از صدور حکم  
قدغن تحصیل نموده‌اند به خارج ببرند. یا قراری بگذارند، هر کس از تبعه روس به جهت  
این قدغن متضرر بشود، در تلافی ضرر آنها برآیند.

امنای دولت ایران این نوع اشکالات را در فقره حاضره می‌توانستند، رفع نمایند، اگر  
سفارت اعلیحضرت امپراطوری را پیش از وقت مستحضر می‌داشتند که می‌خواهند  
حمل مسکوکات نقره را به خارج قدغن نمایند. زیرا که در این صورت تجار خارجه در  
وقت خود می‌توانستند قراری در این خصوص در کار خودشان بدهند. لکن این احتیاط  
را در نظر نداشتند.

واضح دستخط به همین جهت از برای رفع این اشکالات چاره [ای] غیر از دو نوع  
تدبیراتی که اظهار نموده است نمی‌داند.

واضح دستخط امیدوار است، اولیای دولت ایران موافق قواعد عدالت، ادکه مسطوره  
را تصدیق نموده، در محافظت حقوق و منابع رعایای دولت روس هیچ مضایقه نخواهند

۲ اصل: مستثنا

نمود، و آن جناب سامی بلادرنگ سفارت اعلیحضرت امپراطوری را از قرارداد امنای اعلیحضرت شهرباری در این فقره مطلع خواهند ساخت.

واضع دستخط، فرصت را غنیمت دانسته، مراسم احترامی را که نسبت به آن جناب سامی دارد تجدید نماید. ترجمه مطابق اصل است.

[نقش مهر پشت سند]: عبدهالراجی سوربوگین

### سند شماره ۶۵

### اگزارش سرحد آذربایجان و مایحتاج آن

[۱۲۸۳ هـ ق]

نوشتجات میرزا عباس خان مهندس مخصوص

لباس و اسلحه سرباز و سوار کنار ارس، موافق شأن دولت نیست. هشتاد و چهار نفر سرباز و سی و پنج نفر سوار لازم است، و دولت چهل و هشت نفر سرباز و بیست نفر سوار را موجب می دهد. و آن هم همه حاضر نمی شوند. باید سی و شش نفر سرباز و پانزده نفر دیگر سوار گرفته شده و مقرر شود، که اینها همه همیشه حاضر باشند.

\*\*\*

موجب و جیره و علیق سوار، اگر بی رسوم و تعارفات برسد، کافی است، ولی

موجب سرباز از سه تومان [و] نیم باید بیشتر باشد و حکم شود جیره و علیق آنها را در سر خرمن در انبار قراولخانه انبار کنند. سوخت زمستانی و روشنایی قراولخانهها<sup>۹</sup> هم موافق دستخط مبارک داده شود، و سوای سرحد دار دو نفر نایب یکی سرکرده سوار و دیگری<sup>۱۰</sup> سرکرده سرباز لازم است.

\*\*\*

قراولخانههایی که در کنار ارس ساخته شده، بی استحکام است و بعضی را در محل مناسب نساخته اند، و وضع قراولخانهها هم خوب نیست قراولخانه که برحسب لزوم در شام موسی خان بنا خواهد شد برآورد مخارج او را فرستاده ام، خیلی با استحکام و خوش وضع و مناسب خواهد شد.

\*\*\*

در تذکره خانه دولت علیه که مهمانخانه دولتی هم خواهد بود، یک بیرق لازم است.

\*\*\*

روزنامه نویسان سرحدیه آذربایجان، در این موقع که جنگ دول خارجه اتفاق افتاده، لازم است که اخبار را به عرض رسانند.

\*\*\*

قلعه بیگی و سرحد دار خوبی به جهت شهر و سرحدات، بسیار لازم است.

\*\*\*

حاجی حسنعلی و شاه حسین ولد غلام حسین احمدآبادی و عبدالله ولد محمدرضا برادر وی ملتزم شده اند، که اگر در قرای مزبوره پله و کلک درست کرده و باعث ضرر عمل تذکره و کشتی باشند، و یا کسی خیال این کار را داشته باشد، و آنها امین تذکره را

مستحضر نساژند، سی تومان به دیوان همایون دادنی باشند.

\*\*\*

یک نفر قزاق، گوسفندی از چوپان دزدیده بود، دو نفر سرباز، از قراولخانه محاذی یانچی او را تعاقب نمودند، قزاق گوسفند را رها کرده، با آن عجله که داشت، کلاهش افتاد و سر برهنه به خاک آن طرف رفت. کلاه او را صبح پیش بنده آوردند و الان حاضر است لکن قراولخانه‌ها بی‌نظم است، همیشه قزاقها دزدی می‌کنند، و قراولها اکثر بی‌خبرند.

\*\*\*

سرحدداران علاوه بر مداخلی که از جیره و مواجب سرباز و سوار می‌نمایند هر باری که از این طرف به آن طرف می‌گذرد از انگور هزار دینار و از غیر انگور دویست دینار و از ... سیصد و پنجاه دینار می‌گیرند و متاع فرنگ که خفیتاً به آن طرف می‌گذرانند، باری دو سه تومان گرفته و عبور می‌دهند. و همچنین در امر تذکره چیزی از مردم گرفته و بی‌استحضار تذکره‌چی عبور می‌دهند. علاوه بر این از دزدی‌ها که می‌شود، مستحضرند، تعارف گرفته اظهار نمی‌نمایند.

### سند شماره ۶۶

#### نوشتجات میرزا عباس خان سرحددار

قرای دیب کند و ارتاکنند، موافق احکامات که در دست کشیشهای کلیسای وانک است و سواد رقم ولیمهدی سرکار اعلیحضرت شاهنشاه روحنا فداه و رقم مرحوم نایب‌السلطنه، راهم که در این باب صادر شده، ارسال داشت، و حال اهالی دره شام و ایلات دیزمار\* عموماً و حسن بیک دیزماری خصوصاً، به موقوفات آنجا دست‌اندازی نموده، و گاهی هم اسباب کلیسا را به سرقت می‌برند. کشیشهای آنجا، مستدعی هستند، حکمی جهت رفع تعدی آنها صادر شود.

[متن دستخط زیر نوشته:]

این ققره را بیرون نویس نمایند لیکن با تاریخ ماه و سال باشد، نوشتجات بی‌تاریخ، در واقع چیز لغوی است. حتی‌المقدور تا هر درجه ممکن است مقید تاریخ باشید.

و ایضاً کشیشها می‌گویند، که قریه جلفا هم موافق فرمان شاه عباس که سواد آن را فرستاده، وقف کلیسای وانک است از وزارت خارجه با روسها گفتگو شده مطالبه نمایند که مالیات آنجا، صرف تعمیر و مخارج آنجا شده، چنین ابنیه عالیه سرحدیه به این جهات خراب نشود.

نوشتجات حسین خان سرحددار محال گرگر با ثبت نفری عابرین، انفاذ شد، که ملاحظه فرموده، در خصوص اموال مسروقه دستورالعملی

مرحمت شود.

سواد کاغذ حسین خان سرحددار محال گرگر:

چند نفر از اهل یانچی که در کنار ارس واقع است با قزاقهای آن قراولخانه‌ها از رود ارس عبور نموده، هفده رأس عوامل رعایای لیوارجان که در شام موسی خان، می‌چریدند به اردویاد برده و فروخته‌اند. یک نفر از اهل اردویاد آنها را خریده و الان همگی مالها در بیلاق موجودند و یک رأس گاو میش و یک عوامل از اهل شجاع در شام قلتوق می‌چریده، از پشت روسیه، از قزاقها رسیده، برده، کشته و خورده‌اند. رعیتها از این بی‌اعتدالی به ستوه آمده، استدعای رد عواملها و رفع این حرکات را می‌نمایند.

[متن دستخط حاشیه سند]: این فقره را به تاریخ ماه و سال بیرون‌نویس نمایید.

سند شماره ۶۷

[گزارش سرحدات آذربایجان]

[۲۸۶ هـ.ق]

صورت نوشتجات میرزا عباس خان مهندس مخصوص

چاپارخانه کنار ارس خراب است، مخارج تعمیر آنجا را در جزو طومار برآورد مخارج لازمه، نوشته است.

\*\*\*

از تکالیف سرحددار است که نگذارد، تذکره چی‌ها، بی‌اعتدالی کرده، تذکره کهنه بدهند. لازم است که حکمی صادر شود، که سرحدداران از برداشتن اسامی عابرین طرفین و ممانعت در بی‌اعتدالی تذکره چی، ممنوع نباشند.

\*\*\*

روسها خیال دارند، گمرک نخجوان را به سرحد جلقا حمل نمایند. این فقره باعث آبادی سرحد خواهد شد. بذل مراقبت در انتظام این سرحد و آبادی کنار ارس، موجب نفع دولت است.

\*\*\*

مخارج ساختن شانزده باب قراولخانه، در کنار ارس، مقابل بیست و هفت باب قراولخانه دولت روسیه، و همچنین سه باب قراولخانه در قازلی کوی و چالداران و قره آقاج<sup>۱</sup> به انضمام محل نشیمن امین تذکره، که در مرتبه فوقانی قراولخانه‌ها خواهد

شد. از هر جهت موافق طومار برآورد مخارج مزبور، پنج هزار و نهصد و هشت تومان و کسری شده و بسیار لازم و واجب است که ساخته شود.

رودخانه ارس تغییر مجرا بهم رسانده، و چنان می‌شود که یک قطعه زمین از خاک ایران به خاک روس می‌افتد، و بالعکس، ولی اگر زمین روس به این طرف بیفتد، کسی نمی‌تواند تصرف نماید. به سرحدداران قدغن شود، هر طور که سرحدداران روسیه رفتار می‌نمایند اینها نیز رفتار نمایند.

\* \* \*

جهت برداشتن روزنامه ماکو و عرب دیلمقان و قازلی کوی<sup>۱</sup> و اواجق و چالدران و قره‌آقاج و جهریق و لاریجان و سردشت و ارومی و قراچه داغ و پل خدا آفرین، سیزده نفر روزنامه نویس لازم است، در دایره وزارت سرحدیه، میرزای بیکار زیاد است، این سیزده نفر را از آنها روانه نمایند، که ضرری به دولت وارد نشده و محتاج میرزای دیگر نباشد.

\* \* \*

آبادی چشمه میرزا حسام و بنای قریه‌ای در آنجا موجب حفظ قوافل و مترددین است. تفصیل در روزنامه عرض شده، حکمی به حاجی محمود پاشاخان صادر شود، که اگر ملک اوست آباد نماید و الا حاکم خوی تصرف و آباد کرده و قطع شرارت اشرا را نماید و در قراولخانه شاه بولاغی چند نفر سوار خارجی، جهت قراسورانی بگذارند، که آنجا آخل<sup>۲</sup> اغنام رعایای حول و حوش نشده و حفظ راه حاصل آید.

\* \* \*

\* اصل : غازلی کوی

\*\* اصل : عاقول

آبادی قزلچه قشلاق نجف خان آقا، که در کنار ارس و آخر حد عباس آباد است، فواید کلیه دارد، مثلاً اراضی حاصلخیز کنار ارس و خوی و نیزار محفوظ و دست تخطی روسها کوتاه می‌شود، و منافع گمرک و تذکره عاید دولت می‌گردد.

\* \* \*

در باب آبادی صحرای هلاکوخان، شرحی عرض کرده‌ام، با رعایای زنوز در کمال سهولت می‌توان آنجا را آباد کرد.<sup>۳</sup>

### سند شماره ۶۸

[۱۲۸۸ هـ. ق.]

### یادداشت

با کمال توقیر و احترام، به مقام تصدیع خاطر موذت مظاهر سفارت سنیه، برای تکمیل جواب یادداشت سفارت، مورخه ۹ شهر محرم الحرام ۱۲۸۸ برآمده، زحمت می‌دهد که:

اولاً سفارت محترمه دولت بهیه روسیه از کمال بصیرت و حسن انصاف، استحضار کامل دارند که اولیای دولت علیه ایران، از بدو ظهور گفتگوی رعیتی اشخاصی که،

\* در آرشیو وزارت امور خارجه تحت همین شماره و در این ارتباط چندین سند دیگر موجود است.

منسوب به تبعیت آن دولت بهیه معظمه شده‌اند، هیچ وقت از اوقات، رعیتی آنها را نسبت به آن دولت بهیه تصدیق نکرده، و آنها را از روی دلیل رعیت خود دانسته [است]. اگر در دفاتر سفارت سنیه سندی از وزارت خارجه، برخلاف این معنی بوده باشد، که در این مدت متممادی داده باشند ابراز شود، از آن قرار با نهایت دوستی و مودت معمول خواهد شد.

ثانیاً بالفرض، آنها رعیت بلاریب آن دولت مفخمه معظمه هم باشند،<sup>۵</sup> احاطه و بینش و انصاف و حسن عهدداری سفارت محترمه سنیه خود آگاه است، که از قرار فصل پنجم عهدنامه مقدسه، بجز حق داشتن خانه، برای مسکن، در صورت عدم امکان اجاره و انبار به جهت وضع مال التجاره در خاک ایران ندارد. داشتن قراء و ضیاع و عقار را در عهدنامه مبارکه عبارتی ناطق نیست.

ثالثاً در صورتی که من غیر رسم برحسب اتفاق ملکی ورای خانه و انبار به دست یکی از اتباع خارجه بیاید، حقاً و عهداً خاطر محترم عهددار سفارت هم تصدیق خواهد نمود، که یا باید به اهالی داخله بفروشد، و یا مادام تمالک موقتی بلاواسطه رجوعاتش به آداب داخله و حکام ملکیه باشد.

رابعاً، با این که دولت علیه، این حقوق واضحه را به موجب عهد دولتییه دارد، باز محض منتهای میلی که اولیای دولت علیه ایران حتی المقدور، به حفظ احترام و اجرای خواهش سفارت دارند، مضایقه از قبول خواهش محترم سفارت دولت بهیه روسیه ندارند، به این شرط که، این مرحله حقی برای ایشان شمرده نشود و زمان معین آن از حالا تا غایت سه سال تمام باشد، که بعد از سه سال حق دولت ایران ادا شود و از جانب دوستی جوانب سفارت محترمه سنیه هم در عالم کمال دوستی و یک جهتی مراقبت

کامله مبذول شود، که قونسولگری دولت بهیه روس مقیم گیلان نگذارد به وجهی از وجوه، اسباب اختلال امور حکومتی، از اشخاص منسوبین به حمایت سمت ظهور یابد. امیدوار است که این درجه مساعدت و موافقت وزارت امور خارجه و فراهمی اسباب حفظ احترام خواهش سفارت، در نظر دوستی اثر آن سفارت برای حسن نیت و رعایت توقیر و احترام و معاضدت کامله دلیل کافی محسوب شود. زیاده زحمت ندارد.

سند شماره ۶۹

تشریفات روز ورود جناب مسیو

بیکر وزیر مختار دولت بهیه روسیه

یوم سه شنبه ۱۳ شهر ذی حجه الحرام ۱۲۸۹

امیرالاعظم: حاجی سعدالدوله امیر تومان رئیس مستقبلین و یک نفر سرهنگ که علی خان پسر نظام الدوله مرحوم بود و یک نفر یوزباشی با یکصد نفر غلام و سواره نظام و مقرب الحضرت حاجی میرزا رضا وکیل الرعایا از جانب سنی الجوانب اقدس همایون نرفته بود.<sup>۵</sup> و مقرب الخاقان حاجی میرزا حسین خان، از جانب صدارت عظمی، و مقرب الخاقان میرزا حسین خان نایب اول وزارت خارجه تا طرشت، به استقبال جناب

<sup>۵</sup> (عبارت نرفته بود) خارج از متن با دستخط دیگری بالای نام حاجی میرزا رضا وکیل الرعایا نوشته شده

وزیر مختار خواهند رفت.

معمدالسلطان حاجب‌الدوله، چادر دولتی در طرشت خواهند زد و میز و صندلیهای خوب با شیرینی و لوازم معمول آن را به طورهای خوب و منقح حاضر خواهند ساخت. مقرب الخاقان قهوه‌چی باشی اسباب چای و قهوه در آنجا مهیا خواهد کرد.

مستقبلین در آنجا، با جناب وزیر مختار، بعد از صرف شیرینی و چای و قهوه به اتفاق عازم سفارتخانه خواهند شد. با نظم و ترتیب.

رئیس مستقبلین همه جا همدوش جناب ایلچی و سایرین پشت سر ایشان به قاعده و ترتیب خواهند آمد.

نواب امیر آخور سه رأس<sup>۳</sup> اسب از اصطبل خاصه همایون با یراق‌های طلا یکی برای سواری جناب وزیر مختار و دو رأس برای یدک مهیا کرده، جلودار با مستقبلین برده در طرشت حاضر خواهند شد.

برای صاحب منصبان که همراه جناب وزیر مختار هستند، من باب الاحترام از اصطبل همایون اسب فرستاده خواهد شد (۳ اسب).

قدری به سفارتخانه مانده، بیست نفر فراش و ده نفر شاطر حاضر خواهند نمود. هر یک با صاحب منصب خود پیش آمده، تا دم سفارتخانه پیشاپیش جناب ایلچی باشند. آنها که تماشاچی هستند و در معبرها ایستاده‌اند، هنگام عبور جناب وزیر مختار به نظام صف کشیده بایستند و داخل هم نشوند.

معمدالسلطان وزیر تهران، قدغن خواهند کرد که، درویش و فقیر و گدا و ارباب توقع را نگذارند، سر راه جناب ایلچی باشند. در راهها و کوچه‌ها<sup>۴</sup> و معبرها را جاروب کرده

• اصل: ریش

•• اصل: کوچها

آب بپاشند و صفا بدهند و چاهها و گودال‌ها را مسطح نمایند.

در میدان توپخانه هنگام عبور جناب وزیر مختار توپچیان قراول تعظیم نظامی به عمل آورند.

دو سبب نفر سرباز، با یک نفر یاور، دم دروازه به جناب وزیر مختار از آنجا عبور خواهند کرد و دو سبب نفر سرباز با یاور دم در سفارتخانه حاضر خواهند شد و احترام عسکریه به عمل خواهند آورد. و ده نفر سربازان قراول سفارت خانه با وکیل بجهت احترام کماکان خواهند بود.

از نظارتخانه مبارکه، ده خوانچه شیرینی حلویات به طوری که معمول ورود سفیر است در سفارتخانه، قبل از ورود جناب وزیر مختار حاضر خواهد نمود که دلیل مبارک‌باد باشد.

برحسب قرارداد جناب قوام‌الدوله چهار نفر از مستوفیان عظام با لباس درباری، قبل از وقت در سفارتخانه خواهند بود و از جانب سنی الجوانب همایون اقدس اعلی رسم تفقدات را به عمل خواهند آورد.

روز دوم ورود ایشان مقرب الخاقان صنیع‌الدوله، از طرف قرین‌الشرف همایون اقدس اعلی به سفارتخانه رفته، احوال پرسسی از جناب وزیر مختار خواهند نمود.

روز دوم ورود، جناب وزیر فواید، به دیدن جناب وزیر مختار خواهند رفت.

روز دوم ورود، از جانب صدارت عظمی برای احوال‌پرسی جناب وزیر مختار، معمداالسلطان نصیرالدوله، خواهند رفت.

روز دوم ورود، مقرب الخاقان میرزا حسین خان نایب وزارت خارجه و از جانب وزارت خارجه، به احوال‌پرسی ایشان خواهند رفت.



سند شماره ۷۰

[ذیحجه ۱۲۸۹]

تشریفات روز شرفیابی جناب مسیو بیکر وزیر مختار دولت  
بهیه روسیه به حضور همایون اقدس اعلیحضرت شاهنشاهی  
خلدالله سلطانه روز پنجشنبه ۱۵ شهر ذی حجة الحرام ۱۲۸۹

جناب وزیر مختار روز سیم ورود، به سلام خاص اعلیحضرت شاهنشاهی، دامت  
شوکه مشرف خواهند شد.

مقرب الحضرت الخاقان محمدخان، نایب ایشک آقاسی، با بیست نفر فراش و ده نفر  
شاطر و ده نفر یساول و سه نفر نایب، که یکی نایب یساول و یکی نایب فراشخانه مبارکه  
و دیگری نایب شاطرباشی باشد، با یک اسب پراق مرصع، از اصطبل خاصه همایون،  
محض احترام جناب وزیر مختار، و سه رأس اسب دیگر، با این که داخل تشریفات  
نیست محض موافقت دوستانه، بجهت صاحب منصبان، با یک نفر نایب امیرآخور  
حاضر، و به سفارتخانه رفته، اظهار می نمایند که از جانب سنی الجوانب همایون دعوت  
به حضور مبارک شده‌اید.

هنگام عبور جناب وزیر مختار، سربازانی که درب دروازه ازک و تک قراولان که درب  
عمارات، مشغول قراولی هستند، پیش فنگ خواهند نمود. بدین تفصیل از اهل نظام  
حاضر خواهند بود با لباسهای خوب.

دم دروازه دولت یک صد نفر سرباز باید باشند که پیش فنگ نمایند.

قراول توپها کلاً با نظام جلو توپها بایستند تعظیم نظامی خواهند کرد.

چهارصد نفر سرباز، در دو سمت درب اعلی، ایستاده پیش فنگ خواهند کرد.

مقرب الحضرت الخاقانیه، محمدخان نایب ایشیک آقاسی، جناب وزیر مختار را داخل  
کشیکخانه مبارکه [که] بالاخانه صدارت عظمی است، خواهند کرد، در حالتی که چند  
نفر از امرا و امنای دربار اعظم، با لباسهای رسمی، برای احترام جناب ایلچی قبل از وقت  
از قراول ذیل حاضر خواهند بود و در آنجا قهوه‌چی باشی همایون اقدس اعلی به ایشان  
چای و قهوه و غلیان خواهند داد:

● عمدة الامراء العظام حاجی سلیمان خان.

● امیر الامراء العظام حاجی سعدالدوله.

● عمدة الامراء العظام نصرالملک.

● مقرب الخاقان سیف الملک.

● مقرب الخاقان جهانگیرخان آجودان باشی.

● مقرب الخاقان اقبال الملک.

● مقرب الخاقان میرزا جوادخان نایب وزارت خارجه.

● نتیجه الامراء العظام محمدامین خان، نسقچی باشی، جارچی باشی.

بعد از صرف چای و قهوه، مقرب الحضرت الخاقانیه محمدخان نایب ایشک آقاسی، به  
خاک پای همایون اقدس اعلی عرض خواهد کرد که وزیر مختار در کشیکخانه مبارکه  
حاضر است. بعد عمدة الامراء العظام حاجی سلیمان خان جناب وزیر مختار را با صاحب  
منصبان به ترتیب و نظمی که مقرر است به پیشگاه حضور همایون اقدس اعلی خواهند  
برد و عرض خواهند کرد، که جناب مسیو بیکر وزیر مختار دولت بهیه روسیه با نامه  
مودت ختامه، «اگر داشته باشند»، شرف اندوز حضور مبارک اعلیحضرت اقدس  
شاهنشاهی شده‌اند. پس از عرض کفش کننده شرفیاب خواهند شد.

حضرات عظام که در سلام حاضر خواهند بود

شاهزادگان عظام که در اتاق حضور همایون حامل اسباب جواهر خواهند بود:

- نواب مستطاب عزالدوله،
- نواب مستطاب اعتضاد السلطنه،
- نواب مستطاب نصرت‌الدوله،
- نواب مستطاب عمادالدوله
- نواب مستطاب شجاع الدوله

جناب امیرالامراء العظام علاءالدوله کشیکچی باشی با لباس رسمی و چهل نفر غلام پیشخدمت خاصه همایون با لباسهای متق از دو طرف صف خواهند کشید.

مجموعه طلا دم در باغ حاضر نمایند. وقتی که جناب وزیر مختار داخل باغ می‌شود، اگر حامل نامه باشند، نامه را در سینی طلا گذارند به صاحب منصبی که همراه ایشان است خواهند داد که به حضور مبارک ببرد. جناب وزیر مختار که داخل اتاق می‌شود، نامه را از صاحب منصب گرفته بلاواسطه به حضور مبارک عرض خواهد کرد، و اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی نامه را به دست مبارک گرفته، به جناب اجل وزیر امور دول خارجی خواهند داد.

بعد از مرخصی از حضور همایون از جناب مستطاب اشرف اجل افخم صدر اعظم دام اجلا له دیدن خواهند کرد.

بعد از جناب جلالت مآب اجل اکرم وزیر امور دول خارجی دام اقباله دیدن خواهند نمود. فردای آن جنابان معظم‌الیهما بازدید از جناب وزیر مختار خواهند فرمود.

[متن دستخط حاشیه سند]: آن روز جناب مستطاب وزیر احوال نداشتند، دیدن

نکردند، فردای آن دیدن کردند، در دولخانه خودشان.

جناب مستطاب وزیر هم فردای آن بازدید فرمودند.

سند شماره ۷۱\*

[نامه وزیر خارجه انگلیس به میرزا حسین خان سپهسالار]

ششم جمادی الاول [۱۲۹۰ ق. ه]

جناب لرد گرانویل\*\*

در یوم دویم ماه جولای، ششم جمادی الاول،

از دستگاه وزارت امور دول خارجه، به جناب ارفع

حاجی میرزا حسین خان، مرقوم داشته‌اند. دویم ماه جولای،

ژوئیه فرانسه، سال ۱۸۷۳ مسیحی یوم ششم جمادی الاول سنه ۱۲۹۰

هجری تخاقوی نیل ۱۲ سرطان

صاحب،

در رقیمه سی‌ام ماه جون، ژوئن ماه فرانسه، چهارم جمادی الاول خواهش از من کرده‌اید که در خصوص حمایت و نگاهداری ایران در حالت خود، و بدون کسر و نقصان فیما بین بریتانیای\*\*\* اعظم و دولت روسیه، هرگونه قراردادی قبل از اینها مقرر شده باشد، جناب ارفع شما را رسماً از کیفیت آنها مطلع و مستحضر سازم. لهذا در جواب رقیمه خواهش جناب ارفع شما شرح احوال را در باب این مطلب بیان می‌نمایم.

اگرچه عهد و شرط رسمی و دولتی فیما بین دولتین نیست، که بواسطه آن این دو

\* نیز، رک. سند شماره ۷۸ همین مجموعه در ارتباط با موضوع فوق

\*\* اصل: لاردرانویل

\*\*\* اصل: بریطانی

دولت مشروط و مقید بر این شده باشند، که ایران و مملکت ایران را معاً در حالت خود نگاهداری نمایند، و لکن در سال ۱۸۳۴ مسیحی، ۱۲۴۹ هجری که محمد میرزا ولیعهد و وارث تاج و تخت ایران، به تخت سلطنت جلوس نمود<sup>۱۰</sup> یک نوع افهام و استفهام و ادراک آرای یکدیگر، در خصوص ایران فیما بین دولتی به عمل آمد و بواسطه آن این دو دولت به رضا و رغبت خودشان قرار به این دادند، نه تنها آرام و امنیت داخله مملکت را حمایت کنند، بلکه متعهد نگاهداری بقای مملکت ایران را در حالت خود شدند. که ایران را در حالت خود نیز نگاهداری نمایند و از اتفاقات این که در سال ۱۸۳۸ مسیحی، سنه ۱۲۵۴ هجری که جنگ هرات بود (تفصیل دارد)، کنت نسلرود، مجدداً متمسک به همین قرارداد دولتی در خصوص بقای ایران شده، اشاره به این کرده نوشت، آنچه در خصوص بقای ایران در حالت خود فیما بین این دو دولت عهد و شرط شده، همان قرار مدارها به همان قوت و قدرت سابق باقی است. (این هم تفصیل دارد) و همچنین اظهار نموده بود که با کارگزار امور دول خارجه اعلیحضرت ملکه، قرار مجددی در این باب داده شود. در آن وقت که دولت روس به این مقام آمد، اولیای دولت اعلیحضرت ملکه دانستند، که چقدر تدبیر خوبی در تقدیم اصول این مقدمه به کار برده‌اند، که در سال ۱۸۳۴ مسیحی، ۱۲۴۹ هجری بجهت سلامتی بقای ایران در حالت خود، پولیتیک بریتانیا [ی] اعظم را در این باب با پولیتیک روسیه امتزاج و اشتراک داده و به یکدیگر وصل نمودند. چنان که لرد لافتن ایلچی اعلیحضرت ملکه مقیم پترزبورغ و آنچه از اطلاعات او مفهوم می‌شود، دولت روس با کمال خوشوقتی و خوشحالی رجوع به تحقیقات سال ۱۸۳۴ [م]، ۱۲۴۹ [ق] و سال ۱۸۳۸ [م]، ۱۲۵۴ [ق] می‌کردند، که در

۱۰ اصل: به نظر می‌رسد یک سال به عقب رفته‌اند زیرا محمدشاه در سال ۱۲۵۰ (۱۸۳۵م) جلوس نمود.

۱۱ اصل: نماید

این مطلب این دو دولت با یکدیگر کرده و قرار بر این داده‌اند، یعنی نگاهداری ایران در حال خود، و دولت اعلیحضرت ملکه چنین می‌داند و چنین تصور می‌کند، طریقه بهتر برای دولت ایران، که این دو دولت را در این تدبیرات متحد نماید و هر دو را به این مقام بیاورند این است:

دولت ایران چنان که دولت آزاد مستقل است. حق سلطنتی و دولتی خود را به وجه اکمل و استقامت نگاهداری نماید. و با هر یک از این دو دولت هر نوع عهدنامه دارد، موافق شروط آن عمل نماید. و هرگونه عهد و شرط کرده، به استقامت رأی خود لوازم آنها را مجری دارد. در این صورت، اطمینان از دوام دوستی داشته باشد که هر یک از این دو دولت برای منفعت دولت خودش طالب دوستی دولت ایران خواهد بود و خواهش دوام دوستی از دولت ایران خواهد کرد.

خدمتگزار مخلص جناب ارفع شما

گراتویل

سند شماره ۷۲

[دستخط ناصرالدین شاه به وزیر خارجه]

[۱۲۹۰ هـ ق]

جناب وزیر

البته فرمایشاتی که در فقره این شیخ پدر سوخته شد الی حالی مجری داشته است. چند تلگراف دیگر لازم است که باید فوراً بفرستید، از این قرار است:

اولاً به میرزا اسدالله خان وزیر مختار پطر، تفصیل گریختن و ورود این مردکه نحس را بنویس و مأموریت بده که فوراً برود گیرس را ملاقات کند، و بگوید، بعد از همه آن وعده‌های عثمانی، این شخص خائن را باز فرار داده‌اند؛ و تعجب است که از راه پوتی و تغلیس و ایروان به سرحد آمده است. نمی‌دانیم مأمورین شما او را چطور شده است نشناخته‌اند.

خلاصه همان طور که امپراطور مرحوم و امپراطور حالیه در اول جلوس خود، وعده‌های کامله به دولت ایران در هر خصوص از حمایت خودشان می‌دادند و به خصوص در نظم سرحد آذربایجان، که فایده‌اش حاصل دولت روس هم می‌شود؛ بخصوص در طرد و رفع و دفع این شخص خائن، که شیخ عبیدالله است، حمایت‌های آشکار در حق دولت ایران کردند. حال هم باز دولت ایران خواهش دارد، که کبافی‌السابق در کمال سختی به دولت عثمانی تکلیف نماید؛ که فوراً دفع این حرام‌زاده را از سرحد ایران بکنند و الاً دقیقه [ای] از فساد و شیطنت فارغ نخواهد شد، و دولت

ایران لابد باید مخارج گزافی کرده، دایماً، یک اردوئی معتبر\* در مقابل این بدذات منعقد کند. پس مخارج و ضرر این کارها بر عهده کیست، آیا بر عهده عثمانی نیست، که آشکارا این نوع کارها بر ضد امنیت سرحد ایران می‌کند. بخصوص بیاد گیرس\*\* بیاورد؛ که در مسئله امر سرحدات خراسان و اتک و آن نوع همراهی‌های دولت ایران، وزیر مختار آن دولت زیناویوف، چه کتباً چه لساناً، مکرر بر مکرر وعده‌های همراهی‌های بزرگ به دولت ایران داده است؛ که از آن جمله نظم همین سرحدات آذربایجان و دفع شر و فساد این پدر سوخته است.

پس باید دولت روسیه، بنا بر دوستی‌ها و وعده‌هایی که داده است، دولت ایران را مطمئن از همراهی و حمایت خودش در این نوع کارها بکند، و فوراً دفع این مرد نحس نجس را از سرحدات ایران، قویاً از دولت عثمانی خواهش نماید و مجری دارد. بی‌کم و زیاد رمز این تلگراف را در کمال عجله به وزیر مختار پطر بکند. به همین مضامین هم تلگرافی به خود زیناویوف بکن، اما باید مرموز باشد. نمی‌دانم می‌توانید به توسط سفارت روس این رمز را به زیناویوف برسانید یا نه.

[دستخط ناصرالدین شاه به وزیر خارجه]

جناب وزیر

تلگراف ارومیه را دیدم، بسیار تعجب‌ها کردم، عجالتاً شما دو تلگراف رمز حاضر بکنید امشب و فردا صبح زود به تلگرافخانه بدهید، که روانه دارند. یکی به اسلامبول [به] معین‌الملک، یکی به پطر به میرزا اسدالله خان، و صورت این خبر را درج کرده

\* اصل: معتبری

\*\* اصل: غرس

اظهار تعجب بسیار بکنید و مأموریت بدهید که با دولت عثمانی و روس، در این فقره معجلاً حرف زده، و بگویند که این چه اوضاع لوطی بازی است. این چه وضع تأمین سرحد است. این شقی پدر سوخته که اسمش شیخ است، با این حالت بدذاتی را بعد<sup>۱</sup> از دستگیر کردن چرا زنده می گذارند؛ که باز مصدر این نوع فتنه ها بشود.

خلاصه نمی فهمم که یعنی چه، البته تلگرافها را صبح زود به تلگرافخانه بدهید، که بزنند و آنچه لازم بدانید بنویسید و جواب معجل بخواهید، رسماً و قویاً و حتماً.

سواد این تلگراف را هم برای سفیر کبیر عثمانی، هم برای شازدفر روس، هم برای وزیر مختار انگلیس بفرستید؛ و پیغام بدهید که آنها هم به دولت [خودشان] تلگراف کنند که این چه وضع و چه سرحدی است، چه دولتی است، که نمی تواند دفع یک همچو پدر سوخته را موافق قاعده و وعده بکند.

واصل همین تلگراف را صبح همراه خود بیاورید درب خانه که در حضور بعضی خوانده و دستورالعمل وزیر فواید داده شود.

سند شماره ۷۳

[دستخط ناصرالدین شاه به وزیر خارجه<sup>۲</sup>]

[۱۲۹۰ هـ.ق]

جناب وزیر خارجه

از تلگراف آخری امیر نظام، همچو معلوم شد که مأمورین عثمانی که به جلو شیخ پدر سوخته رفته بودند، از جمعیت او واهمه کرده، جلوگیری نکرده اند، و امروز فردا وارد نوجه خانه خود می شود. باید الان فوراً تلگراف سختی به معین الملک بکنید و به همان مضمون هم با ایلچی کبیر حرف بزنند به این طور:

که این طور اخبار می رسد و مأمورین عثمانی نتوانسته اند او را مانع از دخول به نوجه بشوند، بسیار تعجب کردیم، که قشون دولتی و مأمورین دولت نتوانند، یک نفر یاغی طاغی پدر سوخته را مانع از دخول به سرحد و خانه او بشوند. فرضاً اگر برای بعضی حوادث حاضر، چندان قشونی از دولت عثمانی در سرحد حاضر نباشد، بنا بر اتحاد دولتین قشون هر دو دولت یکی است و تفاوتی ندارد، اذن بدهند قشون ایران به اتفاق قشون عثمانی، از دو طرف به نوجه و خانه این پدر سوخته ریخته، پدرش را بسوزانند و او را بگیرند.

واضح است بعد از دفع شر این مفسد و نظم سرحد قشون ایران فوراً مراجعت به سرحدات خود خواهند کرد.

<sup>۱</sup> این سند به علت ارتباط با سند قبلی انتخاب شد.

<sup>۲</sup> اصل: بعذر

البته همین طور که نوشتم به زودی تلگراف به معین‌الملک بکند و با ایلچی کبیر هم حرف بزنند و صورت این تلگراف را هم برای امیرنظام فوراً بفرستد.

### سند شماره ۷۴

#### نامه‌ای در ارتباط با مذاکره با وزیر مختار روس |

[۱۲۸۳هـ.ق]

یادداشتی که در جواب صورت تشریفات به دستخط مبارک مزین شده بود، دیروز که دوشنبه بود، زیارت شد. بلا تأمل نسخه‌ای از روی آن نوشته، میرزا مهدی خان به سفارت روس رسانید، برای ویس آدمیرال ترجمه نمایند. امروز که سه‌شنبه ۲۳ است واصل ایوانیچ نزد این غلام آمده اظهار کرد، که ویس آدمیرال می‌گوید مرا که اعلیحضرت امپراطور مأمور فرمودند، میلشان این بود که در جمیع امور تأسی به میل مبارک اعلیحضرت اقدس همایونی نموده، مطیع فرمایش علیه شاهنشاهی باشیم. این که مقرر فرموده‌اند به ملاحظه حالت ملتزمین رکاب مبارک، و وسعت مکان از دو محل اجتماع سفاین، راحت وجود مبارک بود که در کشتی و در کرجی وجود مبارک راحت باشند، همان اوقات که حکم همایون به حضور سفاین شرف صدور یافته بود، وزیر مختار به دریاییگی که در هاشوراده است نوشته محلی در بنادر برای لنگر انداختن کشتی معین نماید. خود دریاییگی بجهت تأسی<sup>۵</sup> مزاج نتوانسته بود خود رفته بنادر را

۵ کذا، شاید مراد «ناس» و یا «نسه» به معنی بی‌قراری و اندوه و میل به خوردن چیزها باشد.

ببیند. یکی از کنپانیها<sup>۶</sup> را فرستاده است. از قرار راپورت آن کنپان، رودخانه که در بندر فرح آباد داخل دریا می‌شود، به قدر یک چهار یک بیشتر عمق ندارد و علاوه بر آن درختهای حنظلی به میان رودخانه افتاده، ممکن نیست کرجی به میان رودخانه بیاید، که از آنجا سوار شده به کشتی بروند، لابد باید کرجی در دریا تا جائی که می‌تواند به کناره نزدیک شود بماند، از کناره تا محلی که کرجی می‌ایستد باید از حالا تخته بندی نمایند. ولی در بندر مشهد سر که به قدر پنج شش فرسخ از فرح آباد به طرف گیلان است، رودخانه که از آنجا به دریا می‌ریزد سه عمق رودخانه فرح آباد را دارد و کرجی از دریا به قدر بیست ذرع بیشتر داخل رودخانه می‌تواند بشود، که از آنجا سوار بشوند و از ساحل رودخانه تا جائی که کرجی می‌ایستد به قدر دو ذرع باید تخته بندی بشود، و خیلی آسان است. لیکن تفاوتی که هست در بندر فرح آباد کشتی به کناره نزدیک‌تر می‌ایستد و در بندر مشهد سر دورتر که باید مسافتی با کرجی طی بشود تا رسیدن به کشتی. در هر یک که رأی مبارک علاقه بگیرد سفاین حاضر بشوند. زودتر مقرر خواهند فرمود، که آدمیرال روز پنجشنبه خواهد رفت. قبل از رفتن به او اطلاع داده شود. و می‌گفت برای تخته بندی چون از امور داخله مملکت است و ما مداخله نمی‌توانیم بکنیم، مقرر شود زودتر حاضر نمایند. ولی از این که کنپانیهای بیشتر سررشته دارند، اگر مقرر بشود، برای تخته بندی کناره فرح آباد که زیاد است یا تخته بندی کناره رودخانه مشهد سر که کم است، یکی از کمپانیهای ما به کسانی که مباشر خواهند بود دستورالعمل بدهد. و این که میان کاله اظهار شده بود محض استراحت وجود مبارک بود و از کناره میان کاله می‌بایست سوار کرجی شده و به کشتی بروند، از کناره که متصل به ساحل مازندران و اشرف است.

۶ کلمه کمپانی فرانسه Compagnie که در تلفظ برگرفته از روسی در میان ایرانیان به کنپان و کنپانی مصطلح شده بود. (به نقل از اسناد ارجمند جناب آقای ایرج افشار).

این غلام گفت چون میان کاله به قدری که اردوی همایون اقامت نمایند، وسعت ندارد و هوای آنجا هم آن قدر خوب نیست، و برای ملتزمین رکاب مبارک خوش نخواهد گذشت به آن جهت آنجا را برای اجتماع سفاین معین نفرمودند. «واصل ابوانیچ» گفت مقصود وزیر مختار و آدمیرال راحت وجود مبارک است، هرگز راضی نمی‌شوند به جایی که هوای خوب ندارد تشریف ببرند.

و از طرف وزیر مختار می‌گفت، از قرار اظهار آجودان مخصوص از جانب سنی‌الجوانب همایونی، نشان تمثال مبارک برای ویس آدمیرال و نشانهای دیگر و مدالها برای سایر صاحب منصبان، و انقیه‌دانهای مرصع و غیره و شال‌التفات خواهد شد.

وزیر مختار می‌گویند اعلیحضرت اقدس همایونی هرچه بذل و بخشش بفرمایند مختارند، لکن ما نمی‌خواهیم به خزانه دولت علیه ضرر برسد. به همان نشانها که التفات می‌فرمایند صاحب منصبان خوشحال خواهند بود. دیگر چه لزوم دارد، انعام دیگر بفرمایند. با این احوال باز هر طور مناسب می‌دانند اختیار دارند. هرگاه میل مبارک علاقه به التفات نشان تنها گرفت به صدیق الملک مقرر خواهند فرمود، بعد از ورود آنجا شأن و اندازه هر یک از صاحب منصبان را معین کرده روزنامه آن را به نظر مبارک برسانند. به هر طور مقرر گردید نشان موافق اندازه و شأن به آنها داده شود و از طرف وزیر مختار می‌گفت حال که نشان تمثال به ویس آدمیرال مرحمت خواهد شد. مسیو فراهه هم که وزیر بحر و نایب قسطنطنین برادر امپراطور باشد این آدمیرال و سایر آدمیرالهاست مناسب است نشان تمثال مبارک التفات شود، در حضور اعلیحضرت امپراطور زیاد محترم و یکی از اجزای مجلس شورای بحری و حدود ایران و غیره است.

حاجی آقا پسر حاجی میرزا یوسف حاکم رشت را والی گیلان به سمت مهمانداری همراه ویس آدمیرال فرستاد و شرحی نوشته است، التفاتی نسبت به او بشود. کاغذ والی لفاً از لحاظ مبارک خواهد گذشت. معیرالممالک هم شفاهاً به این غلام از لیاقت و

شایستگی او اظهار کرد و خیالش این است [که] اضافه موجب یا التفات دیگر از خلعت و غیره منوط به اقتضای رأی جهان آرای همایون است. جواب عریض زودتر مرحمت خواهد شد که قبل از عزیمت ویس آدمیرال به او اطلاع داده شود.

امر امر اقدس همایون است.

تبرستان

www.tabarestan.info

### سند شماره ۷۵

[ ۱۲۸۲ ق. ه ]

ترجمه مشروحه‌ایست که جناب جنرال لئوتیانن گروگرت  
رئیس تلگرافخانه‌های دولت روس به نواب مستطاب  
علیقلی میرزای اعتضادالسلطنه نوشته‌اند.

مکشوف خاطر نواب والا می‌دارد، که از غره شهر یانوار [ ژانویه January ]  
هذه‌السنه ۱۸۶۶ مسیحی [ رمضان ۱۲۸۲ ] عهدنامه پاریس باید معمول شود. و چون از  
اولیای دولت ایران هنوز خبر نرسیده است، که آیا تعرفه جدید را قبول خواهند نمود یا  
نه، لهذا تلگرافخانه اعلیحضرت امپراطوری، لازم دانست، تعرفه آتیه را مطابق عهدنامه  
پاریس و معاهداتی که فی‌مابین دولت روس با دول همجوار منعقد شده است، در مسافت  
واقع خاک دولت روس، از برای مخابراتی که از خود روسیه به ایران می‌رود، مقرر دارد:

از قفقازیه به سرحد سه فرانک<sup>۹۰</sup>

از خاک روسیه واقعه در اروپا هشت فرانک.

از قطعه اول سیبریا فیما بین اکاترین بورغ الی توکومسک<sup>۹۱</sup> شانزده فرانک.

از قطعه دوم سیبریا از توکومسک الی وِرْخَنی اوویمک، بیست و چهار فرانک.

و در مسافت خاک ایران که مخابرات مزبور عبور می نماید، قیمت مادامی که دولت ایران تعرفه های جدید را که به او تکلیف شده است، قبول ننموده است، از قرار تعرفه معموله حال می باشد.

در باب مخابراتی که از ایران به روسیه می رود، از آن نواب والا متوقع است که در مسافتی که از خاک روسیه می گذرد، قیمت مطابق قراردادی معموله حال وصول شده، به همین نحو با تلگرافخانه اعلیحضرت امپراطوری تفریق و محاسبه نمایند.

تلگرافخانه اعلیحضرت امپراطوری شروع به مراده با تلگرافخانه های سایر دول اروپا نموده است، که ایشان هم از برای مخابراتی که از اروپا به خاک ایران و هندوستان می رود و از آنجاها به اروپا می رود، در اروپا تعرفه جدید مقرره پاریس را برقرار دارند، و تلگرافخانه اعلیحضرت امپراطوری قرار داده است، که قیمت عبور مخابرات مسطوره در خاک روسیه عوض پانزده فرانک، هشت فرانک دریافت گردد.

دوستدار نواب والا را از مراتب فوق مستحضر داشته، امیدوار است که به همین درجه که در خاک روسیه، قیمت ترانزیت<sup>۹۲</sup> تخفیف داده شده است، از قیمت عبور مخابرات از جلفا به دارالخلافه نیز تخفیف بدهند، و اهتمام نمایند که به قدر امکان در

۹۰ اصل: فرانک

۹۱ Tukumsk توکومسک، اصل: طومسک

۹۲ اصل: طرانزیت

خاک ایران تعرفه عمومی زودتر برقرار گردد.

از آن نواب والا خواسته است که مهمات خیالات خود را در باب تعرفه مخابرات فیما بین جلفا و دارالخلافه به دوستدار اعلام دارند.

تبرستان

www.tabarestan.info

سند شماره ۷۶

### نامه وزیر خارجه به ناصرالدین شاه

قربان خاک پای جواهر آسای اقدس همایونت شوم

بر حسب امر مطاع همایونی روحناده که مقرر شده بود در باب سرخس و غیره غلام خانه زاد اطلاعات خود را به مجلس بدهد، دیروز حاضر شده مضمون رسیده وزیر مختار و جواب آن و مذاکرات وزیر مختار و صورتی را که از فرمایشات همایونی نوشته شده به مجلس اطلاع داد و استحضار به هم رسانیدند. فقره ای را که با قلم مداد به دستخط ملوکانه مرقوم شده بود، حالا لازم ندانستند نوشته شود و اظهار نمودند دنباله این مطلب که حالا قطع نمی شود و باز گفتگو به میان خواهد آمد. آن فقره بماند بعد. به مناسبت در موقع دیگر اظهار خواهد شد. سایر فقرات را که نوشته شده تصدیق کردند. بعد از آن کاغذ دیگر از وزیر مختار رسید، جوابی هم به آن نوشته شد که هر دو از عرض حضور همایون خواهد گذشت، اگر امر و مقرر شود، مضمون این کاغذ و جواب آن را هم به اطلاع مجلس برساند، که هر گاه به نظر اهل مجلس هم چیزی برسد علاوه شود، بعد ارسال گردد.

امرالقدس الارفع الاعلی مطاع مطاع مطاع



[دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه]:

جناب وزیر خارجه

مراسله وزیر مختار روس را دیدم جوایی هم که نوشته بودید دیدم، خوب نوشته است، در آخر به خط خودم الحاقی کردم، گویا مناسب باشد و جواب دندان شکنی باشد. فی الواقع اگر موافق یک شرطی و فصلی در عهد نامه، سرخس کهنه متعلق به روس می شود، پس این اصرار تاثیری نخواهد داشت و الا اگر عهداً حقی نداشته و نتواند ثابت نماید، کار تمام است، می رود پی کارش. من فردا ان شاء الله به شهر می آیم شما همین کاغذها را حاضر بکنید، به اطلاع وزرا [رسانده] مذاکره شود، هر طور صلاح شد از آن قرار عمل شود، همین کاغذها را فردا به عرض برسانید.

سند شماره ۷۷

[سواد تلگراف سفیر ایران در اسلامبول در مورد شیخ عبیدالله و دستور ناصرالدین شاه به وی و سفیر ایران در پطر در این رابطه]

www.tabarestan.info  
۱۲۹۰ هـ ق

سواد تلگراف رمز به اسلامبول

خلاصه تلگراف جناب سالار لشکر از ارومی

«عصر ششم کاغذی از میرزا جواد خان رسید که، شیخ ملمون در راه موصل تمارض و در قریه اولیان اقامت کرد. کامل بیک مامور عثمانی به اصرار او را حرکت داد. روز حرکت در عرض راه عبدالقادر<sup>۱۱</sup> با چهار صد سواره و پیاده آنها را احاطه کرده، کامل بیک و عیسی بیک را خواستند بکشند. شیخ مانع شد، هر دو را گرفته، با چهل نفر عسکر سواره که همراه آنها بود، همه را دست بسته با شیخ به خوره مار بردند. الان کامل بیک و عیسی بیک با چهل نفر سواره محققاً محبوس و مغلوبند.

رؤسای عسکریه عثمانی بعد از اطلاع اولاً علاقه شیخ را که در نوچه و نهری بودند مانده بود غارت کردند، ثانیاً هواخواهان شیخ را که در نوچه و نهری بودند، همه را گرفته، مشغول اذیت و شکنجه آنها هستند و عساکر عثمانی حرکت کرده اطراف خوره مار، را گرفته، در سه روز چهار جنگ ما بین عبدالقادر و عسکر عثمانی شده، سی چهل نفر مجروح و مقتول شده اند. عساکر عثمانی مشغول محاصره خوره مار و تنبیه هواخواهان

شیخ هستند.»

این تلگراف به عرض حضور همایون رسیده، موجب کمال حیرت و تعجب شد، مقرر فرمودند در کمال تاکید به آن جناب بنویسیم که:

[تقریر ناصرالدین شاه]: [ادبه سفیر ایران در اسلامبول]

شما مامور هستید معجلاً با اولیای دولت عثمانی حرف زده بگویید این چه اوضاع و چه وضع تامین سرحد است. این شقی پدرسوخته را که اسمش شیخ است، با این بدذاتی بعد از دستگیر کردن چرازنده می‌گذارند که باز مصدر این نوع فتنه‌ها بشود. در نظر دولت ایران این اقدامات دولت عثمانی حقیقتاً به جد نمی‌ماند، مثل هزل به نظر می‌آید. از مثل دولت عثمانی، دولت دوست همجوار اسلام خیلی تعجب است. پس از تأمینات زیاد در این مدت و وعده‌های صریح، اقدامی بکنند که مآلش منجر به بی‌نتیجگی و شبیه به هزل باشد. شما از سلطان عثمانی و وکلای آن دولت از طرف دولت متبوعه خود قویاً و رسماً و حتماً خواهش کنید، که معجلاً شر این پدرسوخته را از سرحدات رفع کنند و دولت ایران را بدون هیچ جهت گرفتار این زحمات و اشکالات و مخارج فوق العاده نکنند. و الا حقیقت تحمل این کار، از طاقت دولت ایران خارج است، هیچ نمی‌تواند متحمل شود. دولت جواب معجل را منتظر است.

امضا:

[تقریر ناصرالدین شاه]: ۲- به سفیر پطر با مقدمات فوق

با وزیر خارجه روس و یا اگر توانستید با خود اعلیحضرت امپراطور ملاقات کرده، بگویید، این چه اوضاع و چه وضع تامین سرحد است و این چه دولتی است، که نمی‌تواند دفع یک پدرسوخته را موافق قاعده و عهد بکند. این شقی پدرسوخته را که اسمش شیخ است، بعد از دستگیر کردن چرازنده می‌گذارند، که باز مصدر این نوع فتنه‌ها شود. در نظر دولت ایران این اقدامات عثمانی حقیقتاً به جد نمی‌ماند. مثل هزل به

نظر می‌آید. لازم است از طرف دولت متبوعه خود قویاً و رسماً خواهش کند که به زودی شر این پدرسوخته را از سرحد ما دور کنند و دولت ایران را بدون هیچ جهتی گرفتار این زحمات و اشکالات فوق العاده که در هیچ جا حساب نمی‌شود نکنند و اگر نه حقیقت تحمل این کار از طاقت دولت ایران خارج است. هیچ نمی‌تواند متحمل بشود. باید دولت روس هم بر غیرت خودش روا نداند که دولت ایران بیش از این گرفتار این کار بی‌معنی بشود. دولت جواب معجل را منتظر است.

سند شماره ۷۸\*

[قرار روس و انگلیس در مورد تثبیت ایران در وضع موجود]

[جمادی الاخر ۱۲۹۱]

ترجمه مراسم وزارت خارجه دولت انگلیس به جناب مستطاب اشرف

صدراعظم دولت علیه ایران مورخه دوم ماه ژوئیه ۱۸۷۴ مسیحی

حضرت اشرف عالی به موجب مراسله خودتان مورخه سی‌ام ماه ژون خواهش فرموده بودید که از قراری که فیما بین دولتین انگلیس و روس در باب برقراری و استقلال دولت ایران روی داده است. رسماً جناب اشرف عالی را مستحضر سازم، در جواب شرف داشته، به جناب اشرف عالی اظهار می‌دارم که اگر چه معاهده کاملی در این فقره

\* نیز، رک. سند شماره ۷۱ همین مجموعه.

فیما بین دولتین انگلیس و روس منعقد نشده است ولی در سنه ۱۸۳۴ مابین دولتین مزبورین در وقت برقرار شدن محمد میرزا به سرپر سلطنت دولت علیه ایران قراری به عمل آید، که به موجب آن دولتین مزبورین میل صادقانه خود را اظهار داشته بودند، که نه تنها رفاه و امنیت داخله ایران را برقرار دارند، بلکه آزادی و استقلال و تمامیت حالت حالیه بودن ایران نیز مقصود ایشان بوده است. و در سنه ۱۸۳۸ کنت نسلرود قراری را که از جانب دولتین، به عمل آمد، پیشنهاد خود ساخته به ملاحظه رسانید، که قرار مزبور در کمال استقامت و قوت باشد. چنانچه وزارت امور خارجه اعلیحضرت ملکه انگلیس بر استقامت قرار مزبور اعتراف نمود.

دولت اعلیحضرت ملکه انگلیس چون اساس پولیتیک خودشان را با روس بر آزادی و استقلال و بقای تمام حالت حالیه ایران قرار داده‌اند، در این اوقات تجدید مطلب نموده، به موجب استحضاری که از لرد لقوس، سفیر کبیر انگلیس مقیم پترزبورگ رسیده، اعتقاد و یقین قوی دارند، قراری که فیما بین دولتین در سنه ۱۸۳۴ و سنه ۱۸۳۸ داده شده است. کاملاً باقی و برقرار است، و دولت انگلیس بهترین طریقه استقامت دولتین را در این رأی این طور ملاحظه می‌نمایند، که حقوق دولت ایران را با کمال آرامی، مانند دولت آزاد و مستقل نگاه دارند، و دولت ایران هم اهتمام کامل در آن نماید که، با هر یک از دولتین بروفق تمهیدات در عهد نامه رفتار نماید. و در صدد استحکام دوستی با هر دو دولت برآید، تا دو دولت مزبور حتی در اموری هم که صرفه خودشان را می‌خواهند، باز با کمال مودت و دوستی با دولت ایران باشند.

شرف دارم که با کمال توقیر و احترام، خود را حقیرترین چاکر جناب اشرف عالی محسوب دارم.

گراتویل

[متن دستخط ناصرالدین شاه پایین سند]: اصل این کاغذ به خط انگلیس در خزانه اندرون ضبط است.

صحیح است.

تبرستان

www.tabarestan.info

سند شماره ۷۹

[موضوع ترانزیت تلگراف در ارتباط با خواسته سفارت روس]

هو

شرحی که جناب فخامت نصاب، شارژدفر روس، مورخه ۲ شهر صفر خدمت جناب عالی اظهار داشته است، با ترجمه تلگرافی که از دفتر خانه وزارت خارجه اعلیحضرت امپراطوری به سفارتخانه روسیه در تهران رسیده است، ملحوظ افتاد.

فرمایشات جناب عالی را نیز علیقلی خان سرتیپ، مفصلاً اظهار و ابلاغ کرد، چون از ابتدای این عمل تلگراف قرارنامه‌هایی که در میان دولت علیه با روس و انگلیس و عثمانی بسته شده، نسبت تعرفه آنها، در خاک ایران به طوری معین شده بود که قیمت مخابرات ترانزیت از جلفا الی بوشهر، خیلی کمتر می‌شد از تعرفه انگلیسها، و در محرم توشقان ثیل موافق عهدنامه، شرحی جناب عالی به سفارت روسیه، درباب امتناع از بعضی فقرات عهد نامه مرقوم فرمودند، که در این محرم لوی ثیل ابلاغات خود را اظهار دارد. در این بینها قرار نامه سیمنس که منعقد شد، این حق از میان رفت [و] به همان تعرفه اول قناعت نمود.

این اوقات حکایت بنای انعقاد مجلس وینه در میان آمد، به تفصیلی که گذشته است،

جناب لیدرس وکالت از طرف دولت علیه به هم رسانیده است، که به استحضار گرنویل کلمت، هر قراری که دارای صرفه و صلاح حالت دولت علیه باشد قبول نماید. مع هذا اصرار در تقلیل تعرفه آن هم از جمیع سرحدات و حال آن که با انگلیس و عثمانی منافات کلی دارد.

از این که موکب اعلیحضرت شاهنشاهی روحانفاده تشریف ندارند، زیاده از این که عرض می شود، ممکن القبول نخواهد بود. بلکه از تقبل آن امتناع کلی حاصل است، همین قدر می توانم خدمت جناب عالی عرض کنم که هر گاه تعرفه کل دول و ملل در مجلس وینه نسبت به سنوات سابقه تغییر پذیرد، خواه در تناقض، خواه در تزیاید، دولت علیه هم به همان نسبت تقبل آن تعرفه جدید را خواهد نمود. از سرحد جلفا الی بندر بوشهر.

شرحی را هم که بایست به عرض خاک پای مبارک برسانید، خود جناب عالی به همان قسمت که صلاح دانسته اند، با همین شرحی که مخلص عرض کرده است، ارسال فرمایند، ضرری ندارد. زیاده زحمت است.

## سند شماره ۸۰

ترجمه شرحی است که جناب مسیوزیناویف ایلچی مخصوص و وزیر مختار دولت قوی شوکت روس به جناب مستطاب اشرف امجد ارفع حاجی میرزا حسین خان وزیر مهام خارجه و سپهسالار اعظم اعلیحضرت شهریاری نوشته اند.

۸ شهر جمادی الثانی ۱۲۹۷ مطابق ۶ ماه مای ۱۸۸۰

از مضمون مراسلات و عرایض کلیه تجار تبعه دولت علیه روسیه، مقیمین ولایات داخله خاک دولت علیه ایران، که در این اواخر به دستدار رسیده، چنان معلوم و مستفاد می شود، که اولیای دولت علیه ایران جمیع پوستهای حیوانات را از قبیل دله و روباه و زردابی و غیره که بوده باشد به عالی جاه مسیو کنت منت فرت اجاره داده اند، و نیز به مشارالیه اذن داده اند، که از تجاری که مال التجاره مزبوره ابتیاع و به خارج حمل می نمایند، به اختیار و میل خود مبالغی گزاف مالیات مطالبه و دریافت نماید.

بر طبق شروط عهد نامه مبارکه منعقد فیما بین دولتین قوی شوکتین علیتین روس و ایران، جمیع اجناس و مال التجاره ای که تجار مشارالیه هم، در خاک دولت علیه ایران، ابتیاع و به خاک روسیه حمل می نمایند، فقط باید از قرار صد پنج گمرک بدهند. لهذا اجازه و اذنی که از جهت اخذ مالیات پوستهای مزبوره به مشارالیه داده شده، موجب نقض عهد نامه مبارکه است.

بناء علی هذا، دستدار از جناب مستطاب عالی در کمال توقیر و احترام خواهش می نماید که تدابیر لازمه، به جهت موقوف نمودن این قسم تفویض محض، که به زبان فرانسه پریویلز می نامند، به مشارالیه داده شده و حقیقتاً خلاف مدلول عهد نامه مقدسه

می‌باشد به عمل آورند. نیز صعوبت و اشکالاتی، که در زمان حرکت و حمل و نقل مال‌التجاره مزبوره به ظهور می‌رسد، بلاد رنگ رفع نمایند. زیرا که هرگاه فوراً رفع ممانعت و صعوبت حمل و نقل مال‌التجاره مزبوره نشود، به کلی آنها ضایع و خراب گشته هر قدر ضروری که از این جهت به رعایای دولت بهیه روسیه وارد شود، بر عهده اولیای دولت علیه ایران خواهد بود.

در این موقع دوستدار، منتظر جواب اولیای دولت علیه ایران در خصوص تدابیر فوق بوده، همواره احترامات فایقه دوستدار را نسبت به جناب مستطاب اشرف امجد ارفع خود برقرار دانند. ترجمه مطابق اصل است

[نقش مهر پشت سند]: مترجم اول سفارت روس گریگروویچ\*

[متن دستخط پشت سند]: سفارت روس در باب منع امتیاز پوست رویاه و غیره به کنت‌منت

سند شماره ۸۱

[نامه میرزا حسین خان، سپهسالار به ناصرالدین شاه در مورد سلب اختیار از شیلات]

[۲۲ شوال ۱۲۹۷]

قربان خاک پای جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم

چند روز قبل به واسطه تلگراف، امر قدر قدر همایون شاهنشاه ظل الله روحنا و روح العالمین فداه شرف صدور یافته بود، که انتقال نامه و اسناد اجاره و غیره شیل را زودتر تقدیم خاک پای مبارک نمایم.

در کمال ضراعت و خاکساری جسارت به عرض نمودم که همین دو روزه تقدیم حضور مهر ظهور اقدس اعلی روحنا فداه خواهم داشت. لهذا: اولاً: ملفوفه فرمان همایون شاهنشاهی روحنا فداه که به منزله اجاره و اختیار نامه این غلام خانه زاد است و در صدر آن،<sup>۱</sup> شرحی به دستخط مبارک همایونی در تحکیم عمل، شرف صدور یافته است.

ثانیاً: انتقال نامه که به قدر قوه سعی نموده‌ام که به قاعده زاگون نوشته شده باشد و اصل اجاره و مال‌الاجاره و عمل را در آتیه به رضا و رغبت خودم انتقال به ذات مقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه نموده و از خود کلیتاً سلب اختیار و اقتدار و تصرف و مداخله را در امر شیلات و در وجه مال‌الاجاره نموده‌ام.

ثالثاً: نوشته از جانب خود به سفارت روس نگاشته و این انتقال به ذات اقدس

همایونی و سلب اختیار از خود را، به همه جهت در نوشته مزبوره اعتراف نموده، خواهش کرده‌ام که این اعتراف غلام خانه زاد را در انتقال و سلب اختیار از خودم در دفتر سفارت ثبت و ضبط و به مسیو بیگلروف مستاجر، رسماً اخبار نماید، که در آتیه سروکار خود را با هر که، قبله عالم روحنا فدا معین و منتخب خواهند فرمود، دانسته و مال الاجاره را در اقساط معینه به همان شخص کارسازی داشته و قبض وصول بجهت سند خود دریافت دارد.

مال الاجاره در سال مبلغ پنجاه هزار تومان نقد رایج خزانه عامره است که در تهران روز اول ماه ژانویه روسی بیست و پنج هزار تومان، و روز اول ماه مارس روسی بیست و پنج هزار تومان نقد باید بدهند، و بدون حرف و دقیقه [ای] تأخیر می دهند و قسط بندی را طوری نموده‌ام که همیشه آنها پیش باید بدهند، مثلاً غره ماه ژانویه روسی هذه السنه مطابق است با ۱۲ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۹۸ که هفتاد روز قبل از عید نوروز است، و غره ماه مارس روسی هذه السنه مطابق با ۱۲ شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۹۸ که ده روز قبل از عید نوروز است. مثلاً تمام وجه مال الاجاره سنه آتیه ییلان ثیل ده روز قبل از نوروز کاملاً پرداخته شده است.

کمال تشکر و افتخار و مباحات به جهت این غلام خانه زاد حاصل است. روزی که شیل را به تیول و اجاره این فدوی بی مقدار مرحمت و عنایت فرمودید، اگر چه در دفتر سی و یک هزار تومان جمع داشت، لکن هیچ وقت از هفده هزار تومان زیادت‌تر عاید دولت نمی‌گردید.

چنانچه کتابچه‌های مفصاحساب حکام سابق، از قبیل مرحوم اعتمادالدوله و مجدالدوله و نظام الدوله و غیره و غیره شاهد بر صدق عرض فدوی خاکسار می‌باشند. و

از این هفده هزار تومان هر سال پنج هزار تومان قیمت پیرپاس<sup>۱۰۰</sup> از دیوان می‌گرفتند که در حقیقت سالی دوازده<sup>۱۰۰</sup> هزار تومان عاید دیوان اعلی می‌شد.

حالاکه این غلام خانه زاد، امانت همایونی را رد می‌نمایم، بی خرج و بدون زحمت در سنائی پنجاه هزار تومان بیش عاید خزانه عامره خواهد گردید. و اگر مکان سرتک موضوع نشده بود، در شصت و پنج هزار تومان ممکن بود اجاره داده شود.

از اسناد شیل چیزی که باقی است و الان نتوانستم پیدا نمایم، همان اجاره نامه بیگلروف است که تفصیل آن<sup>۱۰۰</sup> را دو روز قبل به جناب امین‌الملک<sup>۱۰۰</sup> نوشته‌ام، که به خاک پای مبارک عرضه دارد.

عجالتاً نمی‌دانم کجا گذارده‌ام لکن سواد آن در دفتر وزارت خارجه و در دفتر سفارت روس هر دو ثبت و موجود است. به امین‌الملک نوشتم سوادى از این دو دفتر دریافت نماید، تا خود فدوی خانه زاد در همین روزها در میان نوشتجات اینجا که همراه دارم و نوشتجاتی که نیاورده‌ام و می‌فرستم می‌آورند، اصل نسخه را پیدا نموده، تقدیم خاک پای مبارک اقدس اعلی خواهم نمود.

امرالاقداص الاعلی مطاع مطاع مطاع

معروضه ۲۲ شهر شوال ۱۲۹۷

غلام خانه‌زاد حسین

۱۰۰ پیرپاس: ریشه این لغت یافته نشد اما در سند شماره ۸۹ همین مجموعه ذیل «شرط سیم» آمده است: «کل اسباب پیرپاس یعنی جمیع لوازم که از هر جهت از برای عمل و مصارف و اتیکه‌های صیادی شپلات حمل به داخل نموده آورده شود و ...».

۱۰۰ اصل: دوازده

۱۰۰ اصل: او

۱۰۰ میرزا علی خان امین‌الملک، امین‌الدوله بعدی

سند شماره ۸۲

[تعهد نامه کتبی نامه میرزا حسین خان سپهسالار

در سلب اختیار خود از شیلات]

بنا به اجازه و اختیاری که از جانب دولت علیه متبوعه خود داشتم، به اجاره صحیحه داده بودم، تمامی شیلات حلال و حرام ایران را از قولتوق<sup>۱</sup> استرآباد، الی رودخانه آستارا به استثنای محل موسوم به سرتک، به عالی‌جاه بلند جایگاه، پول شاه میروویچ ملک بیگلروف، از تاریخ ماه سپتامبر سنه ۱۸۷۹ مسیحی به مدت پنج سال تمام شمسی، که در این مدت به هر قسم که معمول سابق بوده است. پول شاه میروویچ ملک بیگلروف با شرکاء و گماشتگان او، صیادی ماهی حلال و حرام را نموده، و مال خود بدانند و در مکان موسوم به سرتک به هیچ وجه مداخله نکرده، نه واتیکه<sup>۲</sup> صیادی بسازند و نه در آن مکان صید نمایند. در عوض سالی مبلغ پنجاه هزار تومان تنخواه نقد رایج خزانة عامره ایران در دارالخلافه تهران، در دو قسط متساوی یکی ابتدای ماه ژانویه روسی و دیگری ابتدای ماه آوریل روسی به من کارسازی دارند. چنانچه قسط سال اول را به همین نهج کارسازی داشته و قبض در دست دارند و مال الاجاره چهار سال دیگر را که عبارت باشد از دوست هزار تومان رایج ایران موافق قسط و نهجی که در فوق ذکر شد بالطبع والرغبه به میل و رضای خودم انتقال دادم و تحویل نمودم به ذات اقدس همایون

۱ این کلمه در اسناد موجود به صور مختلف قولتوق، قلتاق، قلتیق و قلتق نوشته شده بود که به تبعیت از فرهنگ ناظم‌الاطباء «قولتوق» انتخاب شد.

۲ شاید منظور Vasque فرانسوی به معنی حوضچه کوچک و کم عمق باشد، این کلمه در اسناد به صورتهای مختلف واتکه، واتیکه و واتیکه نوشته شده که «واتیکه» برگزیده شد.

شاهنشاه جم‌جاه ظل‌الله (ناصرالدین شاه) خلد‌الله ملکه و سلطانه و تخلیه ید نمودم کاملاً از جمیع شیلات و منافع و مال الاجاره او به قسمی که، از امروز به بعد، مرا به هیچ وجه، حقی و قدرتی در اخذ مال الاجاره یا تغییر شرایط مندرجه در اجاره نامه که در دو نسخه به یک مضمون نگاشته شده، و به مهر وزارت جلیله خارجه دولت علیه ایران و به مهر سفارت دولت امپراطوری روس در تهران تصدیق شده. نسخه [ای] در نزد این جانب، و نسخه [ای] در نزد پول شاه میروویچ ملک بیگلروف می‌باشد، باقی بماند. و عالی‌جاه پول شاه میروویچ ملک بیگلروف قسط مال الاجاره سنه آتیه ۱۸۸۱ و سه قسط دیگر متوالی این قسط را در ظرف چهار سال، تا مدت اجاره منقضی شود، به هر که ذات اقدس همایون شاهنشاه ایران خلد‌الله ملکه معین و منتخب فرمایند کارسازی داشته و قبض الواصل دریافت نمایند و از امروز به بعد هیچ قبض و سندی، بجز از شخصی که ذات مقدس ملوکانه معین می‌فرمایند. محل اعتنا و اعتبار نخواهد بود.

این چند کلمه بر سبیل انتقال نامه و کف ید نمودن در کمال استحکام قلمی و تحریر شده.

مورخه ۲۲ شهر شوال الکرّم سنه ۱۲۹۷ هجری

مطابق ۱۶ سپتامبر سال ۱۸۸۰ روسی

[نقش مهر پایین سند]: عبده‌الراجی محمد حسین

[متن دستخط میرزا حسین خان سپهسالار]: فقرات مسطوره در فوق صحیح و

اعتراف این جانب است.

حسین

سند شماره ۸۳

نامه میرزا حسین خان سپهسالار به سفیر روس در مورد  
سلب اختیار خود از شیلات

[۲۲ شوال ۱۲۹۷]

جناب جلالت مآب، فخامت و مناعت انتسابا،

کفایت و کفالت نصابا، دوستان استظهارا، مشفق، معظم محترم، مهربانا

چنانچه آن جناب جلالت مآب اطلاع و استحضار کامل دارند، در سنه ماضیه بنا به اجازه و اختیاری که از جانب دولت علیه متبوعه خود داشتم، شیلات حلال و حرام ایران را از استراآباد الی آستارا، به استثنای محل موسوم به سرتک اجاره صحیحه دادم به عالی جاه بلند جایگاه پول شاه میروویچ ملک بیگلروف تبعه و صاحب منصب دولت بهیه روس، به مدت پنج سال، که سالی مبلغ پنجاه هزار تومان نقد رایج خزانه عامره ایران به شرایطی که در اجاره نامه در دو نسخه نگاشته شده و به مهر سفارت امپراطوری تصدیق گردیده، نسخه ای [در نزد این جانب و نسخه ای] در نزد عالی جاه مشارالیه ضبط است. مال الاجاره هذه السنه را که مبلغ پنجاه هزار تومان باشد، در دو قسط که یکی ابتدای ماه ژانویه و دیگری ماه آوریل روسی باشد کارسازی داشته و قبض از این جانب در دست دارند.

از امروز موافق انتقال نامه جداگانه، جمیع حقوقی که در باره شیل و اجاره او در ذمه پول شاه میروویچ ملک بیگلروف داشتم، انتقال داده و تفویض نمودم به ذات اقدس همایون شاهنشاه ظل الله روحنا فداه، ولی نعمت همایون خودم و از آن جناب جلالت مآب متوقعم که این اعتراف دوستدار را در دفتر سفارت ضبط و ثبت و به عالی جاه ملک

بیگلروف به هر وسیله که مناسب دانند، اخبار بفرمایند، که در آتیه مرا به هیچ وجه حقی و تصرفی در امور شیل و مال الاجاره او نیست. وجه اجاره سنه آتیه و سه سال دیگر متوالی او را، به هر که ذات اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانہ معین و منتخب منی فرمایند کارسازی داشته، قبض دریافت نماید، که من بعد بجز قبض و نوشته شخصی که معین خواهند فرمود، هیچ کاغذ و قبض و نوشته از احدی در باره شیلات و مال الاجاره آنجا مقبول و پذیرفته نیست.

همواره دوستدار را یکی از مخلصین خود بدانید.

مورخه ۲۲ شهر شوال ۱۲۹۷

از قزوین زحمت داده شد.

مخلص جناب شما حسین

[نقش مهر پشت سند]: عبدهالراجی محمد حسین

[متن دستخط پشت سند]: جناب جلالت مآب فخامت و مناعت نصاب، کفایت و

کفالت انتساب، دوستان استظهاری، مشفق و معظم و

محترم مهربان مسیوزیناویف وزیر مختار و ایلچی

مخصوص دولت بهیه روسیه ملاحظه نمایند.

مورخه ۲۲ شهر شوال ۱۲۹۷

از قزوین



## سند شماره ۸۴

## [دستورالعمل سرحدی در ارتباط با سند بعدی]

[صفر ۱۲۹۹]

## سواد دستورالعمل مقرب‌الحضرت حاجی شاه محمدخان

چون منظور نظر اقدس همایون این است که نظم حدود و ثغور مملکت محروسه خراسان، از این تاریخ به بعد زیاده بر سابق روز به روز مزید استحکام و استقرار به هم رسانده و سکنه سرحد دولت علیه که از مقر خلافت عظمی دورتر و به شمول مراجع دولت ابد مدت مستحضرند آسوده شوند. لهذا پیشنهاد همت والا نهمت اقدس همایونی این است که به تمهید اسباب این مقصود همایونی به هر طور که مقتضی باشد، از جانب امنای دولت ابد مدت علیه، قیام و اقدام شود.

از جمله ماموریت بعضی از آدمهای کافی قاعده دان، که بصیرو بینا به رموز و نکات مهم دولتی باشند لازم است که، در برخی از نقاط مهم سرحد اقامت نمایند. بنابراین عالی‌جاه مقرب‌الحضرت، حاجی شاه محمد خان سرهنگ سپرده وزارت خارجه، که مراتب کاردانی و کفایت او، در پیشگاه شوکت دستگاه اقدس همایونی مشهود بود، از برای توقف در ولایت درجز<sup>۱</sup> و مراقبت حصول و ازدیاد نظم و امنیت ولایت مزبور و سرحد آنجا مأمور شد. حسب الامر الاقدس الاعلی مقرر است که فقرات آتی را در آن سرحد به دقت تمام، به حکم ایالت جلیله خراسان و تقویت عالی‌جاه عمده‌الخوانین العظام اللهیاریخان حاکم و بیگلر بیگی ولایت درجز و بهبود خان حاکم کلات بدون

تخلف مجری دارد.

چون تراکمه که در قلعه‌جات واقع در اتک، درجز و کلات سکنی دارند در سنوات گذشته به واسطه این که از بی اعتدالی تراکمه آخال نظم کامل در آن صفحات نبود، آسایشی نداشتند و به این واسطه نه آنها دلگرم به رعیتی و فلاحت بودند و نه هم حکام درجز و کلات از آنها اطمینان کامل داشتند. تا حال نتوانسته‌اند به وظایف کسب و رعیتی بپردازند. و اکنون بضاعت آن را ندارند که تکلیف و تحمیلی به آنها شود.

لهذا محض این که آنها چندی آسوده شده رشته زندگانی و تمدن به دست بیاورند، از جانب سنی الجوانب همایون مقرر است که از آنها موقتاً مالیات و عشریه زراعت به هیچ وجه من الوجوه، گرفته نشود. باید مأمور دولت مقیم محمد آباد، به حکم ایالت خراسان و تقویت حکام درجز و کلات مراقبت لازمه کامله به عمل آورد. که به وجهی از وجوه مطلقاً از آن تراکمه نقداً و جنساً حبه و دیناری مطالبه و دریافت ننمایند. و لیکن لازم نیست که این حکم گوشزد سایر رعایای غیر ترکمان درجز و کلات شود و باید کاملاً مستور بماند.

چون بعد از این در سایه امنیت دولت راه مرآوده تجارت در حدود خراسان باز و مفتوح خواهد شد و غالب این است که مترددین و قوافل از همه جا و حتی از مرو، من بعد بنای آمد و شد گذارند و این معنی البته باعث آبادی و ثروت مملکت و اهالی خواهد شد و البته اگر اسباب تسهیل تجارت بیشتر فراهم شود به رواج تجارت خواهد افزود. لهذا رأی جهان آرای اقدس همایون علاقه بر این گرفت که از قوافل مروی و آخالی که از راه اتک عبور و مرور خواهند کرد به هیچ وجه من الوجوه مطالبه راهداری و گمرک و باج فقط در اتک از خود و مال التجاره آنها نشود که بیشتر مایه تشویق آنها به تجارت و آمد و شد باشد.

بر عهده مأمور مزبور است که به دقت نظر و نهایت هوشیاری و مواظبت نگذارد که

احدی بر خلاف این حکم حرکت نماید. و نیز چون قلعه‌جات ترکمان نشین اتک به علت ناامنیهای سابق، هنوز به حلیه آبادی نیامده است، و استعداد آبادی دارد، لهذا اگر از تراکمه خارج، مثل مروی و غیره کسانی که اهمیت داشته باشند. طالب سکنی در بعضی از قلاع مزبور، برای زراعت و آبادی شوند و اولیای دولت علیه اشخاص معلومه‌الاسامی را به والی مملکت خراسان معرفی نمایند، حکام سرحد به اجازه ایالت جلیله خراسان اذن سکنی به آن اشخاص داده، ممانعت به هیچ وجه ننمایند، و از آنها نیز باید مثل سکنه بالفعلی قلاع مزبور به هیچ اسم و رسم مطالبه خراج ننمایند.

اگر امری که دخل به انتظام و حفظ امنیت اتک و تراکمه اتک نشین داشته اتفاق بیفتد، چون طرز حکومتها و قرار دادها که سابق در این خصوصات از طرف حکام سرحد می‌شد موافق منظورات همایونی که امروزه در نظر دارند، نیست، لهذا حسب الامر الاقدس الاعلی مقرر است که در امثال این موارد حکومت درجز و کلات به رأی<sup>۱۱</sup> و اراده خودشان در صدد حکومت و قرار داد برنیایند، بلکه بلا تأخیر مراتب را به والی مملکت خراسان اطلاع بدهند. و ایالت به واسطه تلگراف به دربار جهان مدار عرضه دارد. اولیای دولت علیه به هر طور که قرار و دستورالعمل دادند از آن قرار به نظم و نسق آن کار و حفظ و استقرار آن از طرف حکومت بدون ذره‌ای تخلف اقدام شود. و چون این طایفه تراکمه هنوز از وحشت تاخت و تاز و ناامنیهای سابق بیرون نیامده‌اند، باید آنها و سایر سرحد نشینان را به مرور از این وحشت بیرون آورد و تغییر طبیعت دهد.

لهذا کلیتاً باید حکام سرحد در وقت لزوم [که] خواسته باشند به اتک بروند، جمعیت و سوار زیاد که سبب وحشت می‌تواند شد همراه نداشته باشند، مگر به قدر حاجت و لزوم. البته باید مأمور مشارالیه در نهایت دقت مراقب اجرای اوامر مقرر همایونی که

شرح داده شد، باشد و این دستورالعمل را بدو به ملاحظه و اطلاع نواب مستطاب، اشرف امجد والا رکن الدوله فرمان‌فرمای مملکت خراسان و سیستان برساند و بعد حکام سابق الذکر را از تفصیل آن مستحضر نماید و به دستورالعمل ایالت و تقویت حکومت همه را مجری و ممضی دارد، بی آن که ذره‌ای از نکات آن مهمل و متروک بماند و به آنها حالی و خاطر نشان کند که اندکی تهاون دستی در اجرای احکام مقرر همایونی البته بلا تردید سبب عزل آنها و مواخذه سخت و شدید از والی و فرمان‌فرمای مملکت خواهد شد.

فی ۱۶ شهر صفر المظفر ۱۲۹۹

#### سند شماره ۸۵

[نامه سفیر ایران در روسیه احتمالاً به وزیر خارجه و

دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه، نیز سند قبل که دستورالعمل سرحدی می‌باشد در رابطه با متن این سند است.]

[۲۷ ربیع الاول ۱۲۹۹]

#### خداوندگار

روزنامه‌های روسیه صورت قراردادنامه سرحدیه<sup>۱۲</sup> را که تازه قیامین دولتین علیتین

\* ر.ک. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، اسنادی از روابط ایران با مناطقی از

آسیای مرکزی، همان، ص ۲۰۲ - ۱۹۴.

ایران و روس منعقد شده، چاپ کرده، این فقره را هم مندرج کرده بودند، که یک حصه اتک به دولت علیه واگذار شده، حصه دیگر نیز تا پنج سال در تصرف دولت ایران خواهد ماند، مشروط بر این که:

اولاً: دولت علیه در عرض مدت پنج سال به هیچ وجه من الوجوه مالیات از اهالی آنجا نگیرد.

ثانیاً: اگر دولت روس را در عرض مدت مزبوره سوق لشکر به طرف بالا لازم شد، قشون روس را اذن مرور از همان جا داده شود.

نمی دانم این تفصیلی که روزنامه‌ها می نویسند حقیقت دارد و یا مضمون عهد نامه به طور دیگر است. بالفعل مسئله مشروط قرارداد سرحدیه آخال فیما بین دولتین انگلیس و روس مطرح گفتگو است.

هنوز از اظهارات دولت انگلیس و جواب روسها اطلاع ندارم.

چند هفته قبل ایلچی کبیر انگلیس پیش بنده آمده، بعد از صحبت‌های مختلف فقره قرار دادنامه را به میان آورد، بنده به کلی تجاهل کرده، گفتم شروط قرارداد نامه در تهران شده، هنوز به سفارت اطلاعات لازمه نرسیده، نمی دانم قرار گفتگو چه بوده و به چه نحو عهدنامه منعقد شده است. بعد از این گونه جواب بنده، ایلچی انگلیس هم مطلب را دنبال نکرد. دیگر نفهمیدم ایراد و اعتراض آنها به دولت روسیه از چه فقره است. زیاده جسارت نماند.

۲۷ شهر ربیع الاول سنه ۱۲۹۹

[متن دستخط ناصرالدین شاه]: با وزیر مختار روس در این باب حرف بزنند که بدهند، تکذیب نمایند. از حالا این چه شهرت‌هاست که می دهند.

سند شماره ۸۶

نامه مأمور سرحد مغان به وزارت خارجه در رابطه با موارد ابلاغ شده از طرف ملیکوف جانشین قفقاز]

هو

متعلق مراسله میرزا خانلرخان\*

مأمور سرحد مغان به وزارت امور خارجه

مورخه ۲۹ شهر ربیع الاول ۱۲۹۹]

حسب العرض جناب جلالت مآب اجل الفخم اکرم جانشین موقتی قفقاز\*\*

جنرال آجودان کنیاز ملیکوف مقرر فرمودند:

اولاً: در این حال سرانجام نموده که حدودات همان نقاطی که در صفحه مغان به اختیار منفعت شاهسون داده شده است، برقرار و معین گردد، که آن حدود همان است که بطور صریح در سنه ۱۸۴۹ که سی و سه سال قبل بر این باشد، جناب وائینی غوبور ناطور اسبق شماخی بارون ورائکیل معین نموده است، مشروط بر آن که در این استقرار حدود، مهندسین و وکلای املاک دولتی و ناظم سرحد دولت روس مباشرت نمایند. ثانیاً: مأمور سرحد این دولت حسب الاهتمام مأمور دولت ایران نظارت نماید، که ایلات ایران تاکنون خود سری که می نمودند، به آن طور ابدأ به انحراف و تجاوز از حدود

\* میرزا خانلرخان ملقب به اعتمام‌الملک. ر.ک. مهدی بامداد، همان، ج ۵، ص ۹۵-۹۲.

مقررہ قادر نبوده، قشلاقاتی که به آنها واگذار نشده است، مداخله نکنند.

ثالثاً: سرانجام نموده در باب این که، حراجاً\* به اجاره همان املاک دولتی در صفحه مغان داده شود که مداخله آنها به شاهسون قدغن و در اطراف و اکناف رودخانه‌ها واقعند به شرطی که هر دفعه در باب حراجی، به علاوه آن که در میان جماعت همان آویزد معلوم می‌کنند، اعلام نامه نزد مأمور این دولت نیز فرستاد، به ملاحظه این که به ایلات شاهسون هم معلوم نماید، که اگر آنها هم خواهش داشته باشند، که در حین حراجی می‌توانند حضور به هم برسانند و وعده حراج نیز باید در آن وقت تعیین شود که شاهسون در مغان می‌باشد.

رابعاً: هر گاه فرصت نشود یا سایر علت پیدا شده، اجاره املاک تعویق پیدا کند و املاک موقوف به اختیار و کالتی و کلا بشود، در آن وقت آنها باید تجسس نمایند، کسانی را که خواهشمند باشند به اجاره املاک به وعده مختصر باز به واسطه مأمور این دولت، ایلات شاهسون را هم دعوت نمایند.

در این باب به آن جناب فحامت مآب، اطلاع می‌دهد، بجهت لازمه سرانجام، بر اصل این امضا گذاشته اند، جناب جلالت مآب رئیس و پیشکار دیوانخانه جانشین جنرال لیوتنانت\*\* ایستراسیاسکی و رئیس دفترخانه، جناب پری بیل

[متن دستخط حاشیه سند]: هر

اولیای دولت علیه نه نقشه سرحدات دارند نه دفتر مخصوص و ترتیب در امورات دولتی. هر سالی یک نفر مأمور گاهی از دارالخلافه، گاهی از

\* اصل: هراجاً

\*\* اصل: لیطانیانط

آذربایجان رفته، بعضی بیشتر باعث اختلال و شکایت روس و بعضی مداخل برده برگشته، بعضی گرسنه و مقروض مراجعت کرده‌اند. حالا قراری که سی و سه سال قبل داده‌اند مطالبه اجرا دارند، با کمال سختی اما از روی بی بصیرتی، خواه ضرر دولت باشد یا منفعت، باید قبول کنیم. با تلگراف به اختصار عرض شد هنوز جواب نرسیده.

[متن دستخط ناصرالدین شاه پشت سند]:

نوشته به خط فرانسوی زیناویوف وزیر مختار روس پا به مهر و امضا به خط خودش، در فقره دوستی و حمایت امپراطور به ایران

سنه ۹۹ بیلان بیل شهر محرم در تهران،  
ترجمه به خط یحیی خان معتدالملک است.

## سند شماره ۸۷

از اداره بریگاد سواره قزاق  
اعلیحضرت قوی شوکت اقدس همایون شاهنشاهی  
به تاریخ یوم ۱۴ شهر جمادی الاول ۱۲۹۹ [۱۲]

به حضور حضرت اشرف والا شاهنشاهزاده اعظم،  
نایب السلطنه امیر کبیر و وزیر جنگ معروض می‌دارد

در پیدجه\* که به حضور حضرت اشرف والا عرض می‌شود، مواجب و مرسوم صاحب منصبان مامورین نظامی روس، همان مواجب و مرسوم که در سنوات ماضیه\*\* به موجب قرار نامه دریافت می‌کرده‌اند، معین شده است.

من جمله پنج نفر از این مامورین که رتبه سوزوفیسیه یعنی وکیلی دارند، هر یک مبلغ یک‌صد و هشتاد تومان در سال دریافت می‌کردند. حال چند نفر سوزوفیسیه\*\*\* به اطریشی وارد شده‌اند، که مواجب آنها از قرار دوست و پنجاه و سیصد تومان، در حق هر یک نفر آنها مقرر شده است.

نظر به این که، سوزوفیسیه‌های روسی مدت سه سال خدمت کرده‌اند، و با جرأت\*\*\*\*

\* ظاهراً بجای کلمه بودجه و تلفظی از آن است. (به نقل از استاد لرحمتد جناب آقای ایرج افشار)

\*\* اصل : ماضیه قرارنامه

\*\*\* Sous\_officier

\*\*\*\* اصل : جرعت

می‌توانم، امید داشته باشم، که در خدمت اعلیحضرت قوی شوکت، اقدس همایون شاهنشاهی، به قدر امکان، فایده از وجود آنها حاصل گردیده، این مبلغ یک صد و هشتاد تومان که از اول کفایت مخارج آنها را نمی‌کرد، نسبت به مبالغی که در حق سوزوفیسیه‌های اطریشی مقرر شده، اختلاف و منافات کلی دارد. امر امر حضرت اشرف والا است.

امضا

## سند شماره ۸۸

## [دستخط ناصرالدین شاه به وزیر خارجه]

## جناب وزیر خارجه

تلگرافها را دیدم. از تلگراف مشیرالدوله، حقیقتاً تعجب کردم. دستورالعملی که ما بر خلاف عهد و شرط به علی مردان خان داده باشیم، کدام است. البته شما بهتر می‌دانید که همچو خبری هست یا نه و همچنین سایر ایرادها، که همه در مقابل آن همه موافقت‌های ما بسیار سست و بی‌معنی است، جوابی که شما نوشته بودید به مشیرالدوله، بسیار خوب است. البته زود بزنند. تلگرافی هم من معلوم کردم، این را هم البته بزنند، هر دو مفید است و زود بفرستدو جواب بخواهد.

به\* مشیرالدوله تلگراف دیگری بکنید که به امپراطور بگوید قطور را شما بنابه دوستی

\* اصل : و به

که با ایران داشتید، در عهد نامه برلن به ایران رد نمودید، اما دولت عثمانی حدود اصلی قطور را معین نمی‌کند، و مامورش را به اتفاق مامورین دول واسطه نمی‌فرستد به حدود قطور، در این فقره خواهش داریم که اولیای آن دولت را مجبور به فرستادن مامور خودشان بکنند که زودتر این کار بگذرد.

تلگراف ملکم خان را خواندم<sup>۱۰</sup> بسیار بسیار مایه خورسندی شد. خیلی خیلی تمجید از کاردانی او بکنید، با تلگراف، و تاکید بکنید که اصل کاغذ وزارت خارجه را به وسیله‌ای خاطر جمع و محکم به حضور بفرستد.

رشته امتداد این کار را هم البته البته باید محکم گرفت و خیلی تدابیر به کار برد. همین طور تلگراف بکنید.

سند شماره ۸۹

### [قرارداد شیلات بین دولت ایران و لیانازوف تبعه روس]

[قره جمادی الثانی ۱۳۰۰]

کندرخت<sup>۱۱</sup> قرارنامه

شهر دارالخلافه تهران غره ماه آپریل سنه یک هزار و هشتصد و هشتاد و سه،

ما در ذیل امضاکنندگان و قول گذارندگان وکلای دولت علیه ایران:

حضرت مستطاب ارفع اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر وزیر جنگ دولت علیه ایران و فرمان فرمای تهران، گیلان، مازندران، استرآباد،

دویم جناب مستطاب اجل اکرم افخم میرزا سعیدخان موتمن الملک وزیر امور خارجه دولت علیه ایران.

به موجب اختیار و اقتداری که از دولت علیه ایران دارند، از یک جانب، و رعیت روس:

پاچو مستوینی پاچطنی غرازدانین استپان مارتینچ لیانازوف، تاجر درجه اول حاجی ترخان، از جانب خود این کندرخت را قرار نامه را منعقد نمودیم به شرایط ذیل:

شرط اول:

حضرت مستطاب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر و جناب مستطاب وزیر امور خارجه بر حسب اجازه و وکالتی که دارند تمامی، همگی کل شیلات و صیادی ماهی

<sup>۱۰</sup> احتمالاً منظور از «کندرخت» کترات می‌باشد.

ایران را که مسمی به حلال و حرام است از رودخانه آستارا که سرحد دولت فخمیه روسیه است، تا الی رودخانه اترک که سرحد دولت علیه ایران است، به موعده شش سال کامل، به اجاره صحیحه قطعیه به مسیولیانا زوف واگذار نمودند و دادند که ابتدای تاریخ اجاره آن از غره ماه اکتبر<sup>۱۰</sup> سنه آتیه یک هزار و هشتصد و هشتاد و چهار محسوب خواهد شد که وجه اجاره آن را هر ساله مبلغ پنجاه و شش هزار تومان پول قرانی ایران محسوب نموده، باید رسانیده کارسازی نماید.

شرط دویم:

اجاره دار، مسیولیانا زوف متعهد و متقبل می شود که وجه اجاره را از بابت شیلات و عمل صید ماهی که در شرط اول مذکور است مبلغ پنجاه [و] شش هزار تومان پول قرانی رایج ایران در هر یک سال در دو قسط مساوی که عبارت از پانزدهم ماه ایون<sup>۱۱</sup> و پانزدهم ماه آوقوست<sup>۱۲</sup> سنوات آتیه ذیل:

سنه یک هزار و هشتصد و هشتاد و پنج، سنه ۱۸۸۶، سنه ۱۸۸۷، سنه ۱۸۸۸، سنه ۱۸۸۹، سنه ۱۸۹۰ مسیحی بوده باشد به وکلای دولت علیه ایران در دارالخلافه تهران رسانیده کارسازی نماید.

اگر چنانچه اتفاقاً اجاره دار مسیولیانا زوف وجه اجاره را در موعده اقساط معینه کارسازی ننماید، از برای هر قسطی از اقساط یکماه مهلت داده خواهد شد، به شرط این که به جهت اوقات پس افتاده، تنزیل از قرار تومانی یک صد دینار در هر ماهی یعنی از

\* اصل : اکتبر

\*\* ژوئن

\*\*\* اوت (اگوست)

صد دوازده<sup>۱۳</sup> در سال کارسازی نماید.

شرط سیم:

کل اسباب پریاس یعنی جمیع لوازم که از هر جهت از برای عمل و مصارف واتیکه های صیادی شیلات، حمل به داخل نموده آورده شود و هر قدر جنس ماهی و متفرقه متعلقه به صید آن به خارج حمل [و] نقل شود، مباشرین گمرکخانه های دولت علیه ایران از قرار اجاره سالهای سابق از اجاره دار مذکور به هیچ وجه حق مطالبه وجه گمرک نخواهند داشت.

شرط چهارم:

محض ترقی و انتشار عمل صید ماهی به اجاره دار مذکور اجازه داده می شود که در تمام امتداد و مسافت واقع در میان رودخانه های آستارا و اترک به غیر از «سرتک و میان قلعه» واتیکه های جدید به غیر از آنهایی<sup>۱۴</sup> که الان حاضر و موجود می باشند ساخته، دایر نمایند. ولی به شرطی که هر دفعه قبل از وقت به حضرت مستطاب ارفع اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر اطلاع و اخبار دهند و اجازه بخواهند و حضرت والا در دادن اجازه مذکور انکار نخواهند داشت و لذا از جناب مستطاب وزیر امور خارجه اجازه بخواهند.

شرط پنجم:

اگر چه در حسن سلوک و رفتار اجاره دار مسیولیانا زوف [نسبت به] رعایای ایران شک و شبهه نیست. لکن اگر فیمابین کسان اجاره دار و اهالی دولت علیه ایران حرفی و یا اختلافی واقع شود، اجاره دار مذکور تمهد می کند که کسان آنها، اول به حکام دولت علیه

\* اصل : دوازده

\*\* اصل : آنها

ایران رجوع نمایند، یا این که به آن شخصی که به سمت کارپردازی از جانب دولت و حضرت والا معین و مامور باشد، از برای امورات متعلق به عمل شیلات در صورتی که چنین شخصی در آنجا باشد، رجوع خواهند نمود.

شرط ششم:

در صورت برهم خوردن هر یک از فصول به غیر از فصل پنجم این قرار نامه هر کس از طرفین که اسباب بر هم خوردن آن بشود، باید مبلغ یک صد هزار منات پول اسکناس روسی به طرف مقابل به رسم جریمه کارسازی نماید. و در مدت اجاره واتیکه‌ها و اسباب صیادی تمام آنها، مثل یک ضمانت بجهت دولت علیه ایران باقی خواهد بود و مستاجر در مدت اجاره، این که اینها را به سایرین بفروشد، یا انتقال نماید حق ندارد.

شرط هفتم:

بعد از اتمام موعد اجاره مذکور در قرارنامه کل واتیکه‌ها و پرپاسها یعنی اسباب و لوازم متعلق به عمل شیلات و صید ماهی، ملک طلق اجاره‌دار می‌باشد و بعد از اتمام موعد، اجاره‌دار مستحق می‌باشد که قرار نامه با یک نفر شخص وکیل از طرف دولت علیه ایران و یا با اجاره‌دار جدید، منعقد نموده، قراری در باب واگذار نمودن، واتیکه‌ها و اسباب لوازم مذکور را با ایشان بگذارند. ولی در صورتی که این قرارنامه با شخص وکیل دولت علیه ایران و نه با اجاره‌دار جدید، سر نگرفت، آن وقت اجاره‌دار مختار و مستحق می‌باشد، که واتیکه‌ها و اسباب لوازم خود را بر چیده، در مدت سه ماه از ایران حمل و نقل نمایند. اگر فورس مازور یعنی حادثه فوق العاده رخ نماید.<sup>۵</sup>

شرط هشتم:

کندرخت یعنی قرارنامه حاضر [در] نسخین نوشته شده و به امضای طرفین رسیده، باید

یک نسخه از آن در نزد اجاره دار باشد و نسخه دیگر آن باید تقدیم خدمت یکی از وکلای دولت علیه ایران بشود.

ششم شهر جمادی الثانی سنه یک هزار و سیصد<sup>۵</sup>

[متن دستخط و محل مهر وزیر امور خارجه ایران]: هوالکافی

هو، میرزا سعید خان وزیر امور خارجه دولت علیه ایران

[متن دستخط و محل مهر نایب السلطنه کامران میرزا]: نایب السلطنه امیر کبیر وزیر

جنگ دولت علیه ایران.

شهر جمادی الثانی ۱۳۰۰ هجری

[نقش مهر وزارت امور خارجه]: وزارت امور خارجه دولت علیه ایران

[متن دستخط ذیل مهر وزارت امور خارجه]: ثبت دفتر وزارت خارجه شد.

فی غره جمادی‌الثانیه قوی ثیل ۱۳۰۰

صدیق الملک

<sup>۵</sup> در سال ۱۳۰۶ ق. در همین رابطه قرارداد دیگری منعقد گردیده ر.ک. آرشیو وزارت خارجه، س



سند شماره ۹۰

## [ترجمه نامه وزیر مختار روسیه به وزیر خارجه]

[۲۹ شوال ۱۳۰۰ ه. ق.]

ترجمه شرحی است که از جانب جناب جلالت مآب مسیو ملیکوف وزیر مختار و ایلچی مخصوص [روس] به جناب جلالت مآب اجل اکرم، میرزا سعید خان وزیر مهام امور خارجه به تاریخ ۲۹ شوال ۱۳۰۰ هجری مطابق ۲۱ آگوست ۱۸۸۳ مسیحی نوشته شده است.

به موجب فصل دوم عهدنامه<sup>۱</sup> منعقد در نهم ماه ذکابر سنه ۱۸۸۱ مسیحی مطابق ۲۹ ماه محرم سنه ۱۲۹۹ هجری فیما بین دولتین علیتین روس و ایران، دولتین معظمین، متعهد شده اند که مأمورین مخصوص تعیین نمایند، که به سرحد رفته، خط سرحدی مندرجه در فصل اول عهدنامه مزبوره رامعین نموده و نشانه‌ها و علائم تشخیص برای آن بگذارند.

بناء علی هذا دوستدار با کمال توقیر و احترام، جناب مستطاب عالی را مستحضر می‌دارد، که برای انجام این عمل، از جانب دولت اعلیحضرت امپراطوری سرکار کوزمین قراویف پولکونیک آتامازور با دو نفر دیگر، یکی موسوم به اشتاب رود میسیر غراف نرد، که به جهت نیابت مأمور و دیگری مسیو پاخیطونف، که از جانب وزارت جلیله

\* اصل: لوگوست

\*\* رک. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، استادی از روابط ایران با مناطقی از آسیای مرکزی، همان، ص ۱۸۳ - ۱۹۳.

خارجه دولت معظم نیز برای نیابت پولکونیک معزی‌الیه معین و مأمور گردیده‌اند، این روزها وارد دارالخلافه تهران شده‌اند] و نیز برای تکمیل اطلاع آن جناب، دستدار زحمت اظهار می‌دهد که، به سرکار پولکونیک معزی‌الیه اختیار تام و تمام از جانب دولت متبوعه خود داده شده است، که آن اختیار کامل، امکان قرار گذاشتن و اتمام و انجام هر مسئله که راجع به خط سرحد می‌باشد به معزی‌الیه می‌دهد، که در همان جا تمام نماید. دوستدار امیدوار است که امنای دولت اعلیحضرت همایونی همچنین، قوت تام و تمام و اختیار کلی به مأمور خود بدهند، بجهت آن که، داشتن قوت و اختیار کلی مأمورین، سبب تسهیل عمل گشته و تعیین خط سرحد هم با دارائی قوت و اختیار کلی آنها زودتر انجام می‌گیرد.

بدیهی است که مأمورین معزی‌الیهما به غیر از مسائل و مطالبی که راجع به عمل خط سرحد است، به مسئله و مطلب دیگر مداخله نخواهند نمود.

در صورتی که فیما بین مأمورین برای عبور دادن خط سرحد از محل معینی ناموافقتی حاصل شود، دوستدار لازم می‌داند که قبل از وقت به آنها سپرده و سفارش شود، که در صورت روی دادن همچو اتفاقی به جاهای دیگر مشغول گشته و آن عمل را موقوف دارند و آن مسئله و محلی که با هم متفق نیستند، مأمور دولت علیه ایران به وزارت جلیله خارجه متبوعه خود اطلاع داده و دلایل درستی اعتقاد و عقیده خود را بنویسد.

همچنین مأمور دولت علیه روسیه به سفارت سنیه اطلاع داده و نیز دلایل و جهات درستی عقیده خود را در همان فقره قلمی دارد.

در این قبیل مسائل و مطالب که فیما بین مأمورین طرفین عدم اتفاق حاصل گردد، باید به توسط وزارت جلیله خارجه اعلیحضرت شهریاری و سفارت سنیه اعلیحضرت امپراطوری، معاً اختتام پذیرد و انجام داده شود.

در این موقع دوستدار تکلیف خود می‌داند که برای رفع این جور اشکالات مسطوره

فوق، از جناب جلالت مآب عالی خواهش نماید که، در یک مجلس دوستدار و جناب عالی با حضور مأمورین معزالییها نقشه سرحد را که مقیاس آن دو ورسی<sup>۶</sup> می باشد و مهندسین دولت علیه روسیه با کمال دقت و مواظبت ترتیب داده کشیده اند، قبل از وقت ملاحظه نموده، این طور و این گونه امکانه را که در خصوص آنها تحقیق و توضیح لازم است، فیما بین خود در همینجا قرار می بگذاریم.

منتظر جواب مراتب مسطوره از جناب جلالت مآب عالی هستم و احترامات فایقه را تجدید می نمایم.

ترجمه موافق و مطابق اصل است.

[نقش مهر پشت سند]: مترجم اول سفارت روس گریگوریویچ

سند شماره ۹۱

[دستورالعمل در مورد ورود و خروج کشتیهای روسی  
در آبهای ایران]

مدت توقف کشتی را باید معین کرد که متنها زیاده از یک ماه نباشد. تبعه جانبین باید مطیع مأمورین نظمیه باشند، اگر نظمیه یک نفر تبعه روس را به جهت نظم و لزوم بخواهد توقیف نماید، تبعه مزبور نباید یاغی بوده و گردنکشی نماید. متنها و ارسی باز به اطلاع مأمورین قونسولگری در ثانی خواهد شد. و لکن به نظمیه حق داده می شود که در حفظ نظم، رعایای خارجه را هم توقیف نموده باشد.

اشخاصی که در کشتیهای خارجه از تبعه دولت علیه خدمت می کنند، در حین تقصیر و لزوم قرار باشد بدون شرط، تبعه مزبوره را به مأمورین دولت علیه مسترد دارند. کشتیها هیچ وقت تبعه دولت علیه را بدون تذکره باقاعده<sup>۷</sup> و قانون نباید نگاه بدارند. در حین ورود و خروج کشتیها باید به مأمورین گمرک یا مأمور دیگر دولت علیه اطلاع بدهد و بدون تحصیل تذکره نباید خارج شود.

(وقتی لیانازوف ماهی سفید رود را تماماً راه انداخت بعد از آن بنای شلتاق گذاشت و کسی خبردار نشد و سبسالار مرحوم درگیر ماند.)

از روسیه مخارج لازمه و مستحقین و پلیس دولت را کمپانی می دهد به دولت و دولت خود از آن محل به آنها مواجب می دهد و همچنین مواجب شُرف و ممیز که دولت برای واریسی راه می گذارد به پای کمپانی است.

دولت حق دارد [برای] آنچه تعلق به نظم مملکت خود دارد آدمها گماشته رسیدگی به هر

۶ شاید بجای «رسی»، «ب» نوشته شده است.

امر نماید و مواجب آنها را از کمپانی بگیرد، حتی المقدور کمپانی باید اجزای کار خود را از تبعه دولت علیه بگیرد، حتی در آتیه اگر از مهندس و ماشین ساز از تبعه دولت علیه به عمل آمد، باید آنها را داخل خدمت نماید.

### سند شماره ۹۲

[۱۳۰۰ هـ ق]

### سواد مراسله جوابیه وزارت جلیله امور خارجه به سفارت روس

بعد از حصول اطلاع بر مضامین مشروحه جناب جلالت مآب سامی، مورخه ۲۹ شهر سوال المکرم هجری ۱۳۰۰، مطابق ۲۱ آگوست ۱۸۸۳ مسیحی، مشتمل به مدلول فصل دوم عهدنامه منعقد در نهم ماه دکابر سنه ۱۸۸۱ مسیحی، مطابق ۲۹ ماه محرم سنه ۱۲۹۹، مابین دولتین علیتین ایران و روس، که دولتین معظمتین متعهد شده‌اند که مأمورین مخصوص تعیین نمایند که به سرحد رفته، خط سرحدی مندرج در فصل اول عهدنامه مزبوره را معین نموده و نشانها و علائم تشخیص برای آن گذارند، و جناب جلالت مآب سامی اسامی محترمه مأمورین از طرف دولت متبوعه معظمه و وزارت امور خارجه دولت معزی الیها را، با صفت و سمت مأموریت ایشان به وزارت جلیله دولت علیه ایران، قلمی و نیز، برای تکمیل آن اطلاع، فقرات سه گانه دیگر در ذیل

مشروحه مزبوره خود مندرج ساخته بودند.

دوستدار پس از تحصیل اجازه از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی ولی نعمت همایون خود، به احترام تمام در مقام تصدیع جناب جلالت مآب عالی برآمده، تکلیف خود می‌داند که در ضمن مراسله جوابیه خود، مأمورین محترم از طرف دولت علیه را با سمت و صفت هریک از ایشان، بدین موجب، به جناب جلالت مآب سامی معرفی و همچنین اظهار نماید، همان درجه اختیاری که برای انجام و اتمام مسائل راجعه به خط سرحد به سرکار کوزمین قراویف<sup>۵</sup>. پولکونیک اتامازو، از جانب دولت متبوعه خود داده شده، از طرف قرین الشرف اعلیحضرت همایونی هم، به امیرالامراء العظام سلیمان خان صاحب اختیار امیر تومان [هم] اعطاء گردیده، که در هر مسئله که تعلق به خط سرحد داشته باشد، بر اتمام آن از روی حقانیت و مدلول عهدنامه مقتدر بوده باشند.

در دو فقره اخیر نیز، که مکمل فقرات سه گانه و شرحش در مشروحه مزبوره جناب جلالت مآب، مستغنی از تکرار، در ضمن این مراسله دوستدار است، موافقت با دستورالعمل مأمورین دولت متبوعه معظمه جناب جلالت مآب عالی نمایند.

نیز دوستدار حاضر است که با حضور جناب جلالت مآب سامی و مأمورین معزی الیهیم نقشه موصوفه در مشروحه سامی را قبل از وقت ملاحظه نموده، آن طور و آنگونه امکان را، که در خصوص آنها تحقیق و توضیح لازم است، فیما بین خود به قدر امکان در همینجا قراری بگذاریم.

<sup>۵</sup> اسامی مأمورین ایران، بعد از «کوزمین قراویف»، یعنی یک قسمت از نام شخص مزبوره، نوشته شده بود که جهت روشن بودن متن در قسمت آخر نامه درج شد.

اسامی مأمورین دولت علیه از این قرار است :

امیرالامراء المعظام سلیمان خان صاحب اختیار و امیر تومان به سمت مأمور مختار از جانب سنی الجوانب دولت اعلیحضرت شاهنشاهی دام ملکه و سلطان.

- نواب عالم شاه میرزای سرتیب به سمت نیابت از طرف قرین الشرف دولت علیه.

- مقرب الخاقان میرزا علی خان منشی اول وزارت خارجه دولت علیه به وصف نیابت از طرف وزارت خارجه

احترامات فایقه را تجدید می نمایم

فی غره شهر ذیقعدة الحرام ۱۳۰۰

سند شماره ۹۳

شرح ملاقات عضو وزارت خارجه با عرب صاحب کارمند

سفارت روس در ارتباط با وزیر مختار روس]

تبرستان  
وزارت امور خارجه  
مورخه  
سنه ۱۳۰۰

فدایت شوم

امروز که روز جمعه است دو ساعت به غروب مانده، عرب صاحب آمد و از جانب وزیر مختار صورت تکالیف را آورد، که ترجمه آن ارسال گردید.

پیغام آورده بود که تکالیف روس این است که صورت آن را فرستادم غیر این اگر بشود، یا جرح و تعدیلی در آن نمایند، اختیار ندارم آن را قبول نمایم.

در باب پنج سال و چهار سال، گفتم، وزیر مختار وعده به من داد و من به خاک پای مبارک عرض کردم، حالا مرا دروغگو بیرون آوردن چه معنی دارد. گفت وعده وزیر مختار دروغ نمی شود، همین که پنج سال از جانب دولت قبول شد، شرط باشد که یک سال را از امپراطور تخفیف بگیرند. وزیر مختار خواهش دارد که این کار را زود تمام نمایند که تعویق افتادن آن کار خوبی نیست و هرچه زودتر بشود، باعث رضای خاطر امپراطور روس خواهد بود. زیاده عرضی و زحمتی ندارد.

سند شماره ۹۴

[نامه وزیر خارجه به ناصرالدین شاه]

[۱۳۰۰ هـ. ق.]

قربان خاک پای جواهرآسای مبارک اقدس همایونت شوم

دیشب موقع نشد با مسیو ملیکوف مذاکره نماید. امروز بعد از رفتن سفرا ان شاء الله مذاکره کرده خلاصه آن را به عرض حضور مبارک اقدس همایونی می‌رساند.

البته در عید سعید مولود اعلیحضرت اقدس شاهنشاه عالمیان پناه روحی و روح العالمین فداه، از جانب اعلیحضرت سلطان تبریک شده است، چون امروز عید مولود ایشان است تلگرام تهنیت ملفوف عریضه عبودیت فریضه چاکرانه به دستخط مبارک موشح و امر و مقرر خواهند فرمود. نصرالله خان از تلگرافخانه سلطنت آباد تلگراف کند. دیروز امر و مقرر شد بلویوک\* را بدهد خانه زاد حقیقی آستان مبارک ابوالقاسم ترجمه کند. هنوز رفع مرض به طوری که بتواند مشغول ترجمه آن بشود، نشده است. اگر چند روزی تأخیر بشود سبب شرمساری در خاک پای مبارک مرض مشارالیهاست.

امرالاقدرس الاعلی مطاع مطاع

[دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه]:

جناب وزیر خارجه:

امروز صریح و در کمال سختی به وزیر مختار بگو، البته به همین عبارت که می‌نویسم: بگو البته که شاه می‌گوید من می‌توانم از سلطنت خودم بگذرم، لیکن نمی‌توانم از یک وجب خاک و متعلقات سرخس بگذرم. این سخن آخر است. و جواب بگیر از او و به عرض برسان.

ان شاء الله ابوالقاسم خان زود خوب می‌شود، کتابچه بلو بلوک\* را بده به صنیع الدوله مترجمین ترجمه کنند.

[متن پشت سند یا متن روی پاکت ضمیمه سند]:\*\*

از شرف عرض خاک پای مرحمت اقتضای اعلیحضرت قدر قدرت اقدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه خواهد گذشت.

\* اصل: بلوک بول، ولی مراد همان کتاب آبی است.

\*\* اعتمادالسلطنه در خاطرات روز یکشنبه ۲ شعبان ۱۳۰۰ هـ ق خود می‌نویسد:

امروز بعد از پذیرایی ایلچی روس. بنا بود شاه دوشان تپه بروند، موقوف فرمودند که ایلچی را هم فردا پذیرایی کنند بعد بروند. صبح که من در خانه رفتم باز وزیر امور خارجه کاغذ نوشته بود که به جهت ترجمه ایلچی روس حاضر باش. به عجله پی جبه و نشان فرستادم، خوشبختانه معلوم شد این ایلچی که موسیو ملیکوف است به زبان روسی خطبه خواهند خوانند و مترجمی هم از خودشان خواهد بود.

## سند شماره ۹۵

دستورالعمل تعیین زمین و آب در میان اهالی سرحدیه  
دره جزو کلات بین ایران و روسیه<sup>۱</sup>

بنا به دستورالعمل واحد المضمون، مأمور اعلیحضرت پادشاه کل ممالک ایران سلیمان خان صاحب اختیار امیر تومان و مأمور اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه غزالتی شتاب پولکونیک نقولاقورتین قارا واسیف، در خصوص قرارداد آب و تعیین زمین، در میان اهالی سرحدیه دره جزو کلات، مأمورین مشارالیهما به تاریخ ۹ شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۰۱ مطابق ۲۱ ماه ایون<sup>۲</sup> سنه ۱۸۸۴، در اردوی قزاقیکان مجلس کرده و چنین قرار گذاشتند.

## فصل اول:

محل از برای زراعت، قزاقیکان معین می شود در دره رودخانه مهنه (قزاقیکان سو)، در میان خط سرحد شمالی خراسان که تقاطع می کند دره رودخانه مزبور را در دریندی که ترکیب یافته از صخره های چهل گذر و قلّه قاط سفید و میان مخرج شمالی دریندی که در نه ورسی<sup>۳</sup> طرف جنوب غربی خط سرحد مزبور واقع است. علاوه بر گندم و جو، زراعت پنبه و کنجد نیز تجویز می شود مشروط بر این که از پنبه و کنجد زیاده بر یک خروار کاشته بشود.

در هر یک از طرفین رودخانه آب باید فقط به واسطه یک نهر بالا برده شود. باغات این قریه نباید از مقداری که حالا موجود است زیادتر بشود.

\* زونن

\*\* اصل: ویرس

## فصل دوم:

از برای زراعت قریه های ینگه قلعه و بهبوخان قلعه و سررود قلعه داده می شود. مسافت زمین دره رودخانه از دریندی که در دو ورس و یک ربع ورسی طرف مشرق قرینه ینگه قلعه واقع است، به بالا، تا در بندی که در یک ورس و یک ربع ورس بالاتر از محل رود تا کند واقع شده.

غیر از گندم و جو، کاشتن پنبه و کنجد و سبزی کاری نیز در این مسافت تجویز می شود. ولی عموماً از همه اینها، یعنی پنبه و کنجد و سبزی کاری نباید زیاده بر یک خروار بکارند.

## فصل سیم:

در همه باقی مسافت دره رودخانه مهنه (قزاقیکان سو)<sup>۴</sup> غیر از جاهایی که در دو فصل اولی همین پروتکل ذکر شد هیچ گونه زراعت تجویز نمی شود، و همه نهرهایی که حالا در این مسافت موجود است باید در مدت هفت روز خراب شود.

## فصل چهارم:

در همه مجرای رودخانه شورسو زراعت گندم و جو تجویز می شود، ولی غیر از گندم و جو نباید زراعت دیگر بکنند.

رودخانه آب زو، تا نقطه ای که با آب رودخانه نبیت که از خرابه نبیت ابتدا می شود به هم متصل می شوند و همچنین رودخانه مزبور تا به نقطه وصل آن به آب زو به اختیار اهالی هر دو قریه های زو واگذار می شود.

زراعت شلتوک در اینجا تجویز می شود. ولی نباید زیاده بر یک خروار تخم بکارند این مقدار شلتوک باید در دره زو، در مسافت نیم فرسخ (سه ورس) از زو بالا به این طرف کاشته شود، پایین تر از نقطه اتصال دو آب مزبور در دره که شعبه رودخانه مهنه را ترکیب

\* قریه تیکان سو

می‌کند، تا خرابه اول طرح‌تی\* به اهالی قریه‌زو زراعت گندم و جو تجویز می‌شود، ولی غیر از گندم و جو در اینجا نباید چیز دیگر بکارند. بهره‌مند شدن از آب چشمه‌هایی که در نزد خرابه‌های طرح‌تی بیرون می‌آید و همچنین پایین‌تر از آنجا بدون حرف قدغن می‌شود، بردن آب بواسطه نهرها از همه این مجراها و رودخانه‌ها که در این فصل ذکر شده به دره‌های همجوار بدون حرف قدغن می‌شود.

#### فصل پنجم:

در همه مجرای رودخانه مهنه (قرا تیکان سو) آب را از برای مشروب کردن نباید بالاتر از دامنه تپه‌هایی که این طرف و آن طرف دره واقعند به نهرها بلند کنند. بعد از برداشتن محصولات، آب از نهرها باید بدون درنگ به رودخانه‌ها رها شود. بردن آب از دره رودخانه مهنه به دره‌های همجوار و همچنین به دره شورسو قدغن می‌شود.

#### فصل ششم:

زراعت‌های شلتوک که امسال در همه مسافت دره رودخانه مهنه کرده‌اند، با نهرهایی که آنها رامشروب می‌کند باید بدون درنگ خراب شوند، در مستقبل در همه مجرای رودخانه مهنه زراعت شلتوک و تریاک قدغن می‌شود، مگر مقدار شلتوک که در دره آبرو موافق فصل چهارم همین پروتکل به اهالی زو تجویز شده است.

#### فصل هفتم:

در همه مجرای رودخانه مهنه هیچ‌گونه آبادی و بنای جدید نباید احداث بشود.

سلیمان‌خان صاحب‌اختیار امیرتومان

\* در بعضی منابع «طرق‌تی» نوشته شده است.

#### سند شماره ۹۶

### قرارداد آب اتک و تعیین زمین در میان اهالی اتک و اهالی سرحدیه دره‌جز و کلات [بین ایران و روسیه]

تبرستان  
www.tabarestan.info  
(۱۳۰۱ هـ ق)

بنابه دستورالعمل واحد المضمون مأمور اعلیحضرت پادشاه کل ممالک ایران سلیمان‌خان صاحب‌اختیار امیرتومان و مأمور اعلیحضرت امپراطوری کل ممالک روسیه غزالتی شتاب پولکونیک نقولاقودمین قاراواسیف در خصوص قرارداد آب اتک و تعیین زمین در میان اهالی اتک و اهالی سرحدیه دره‌جز و کلات، مأمورین مشارالیه در تاریخ پنجم شهر جمادی الاولی سنه ۱۳۰۱ مطابق بیستم ماه فیورال سنه ۱۸۸۴ مسیحی در قریه قوزغان مجلس کرده و چنین قرار گذاشتند.

#### فصل اول

قریه زنکنانلوی جدید که در این دو سال آخری بنا شده و در کنار راست رودخانه رودبار در جایی که رودخانه از دریند خارج می‌شود، واقع شده است و به موجب فصل دوم دستورالعمل یا می‌بایست خراب شود [یا] به رضای ما در جای خود به شروط ذیل برقرار می‌ماند.

اولاً: عدد خانوار اینجا باید زیاد از صد خانوار نباشد و هر چه زیاد بر صد خانوار است باید از آنجا در مدت شش هفته بعد از امضای همین پروتکل بیرون بروند.

ثانیاً: محل از برای زراعت این قریه که از آب رودبار مشروب خواهد شد در نقاط ذیل

معین می‌شود.

در جایی که رودخانه از دریند خارج می شود در کنار چپ رودخانه مزبور تا برج مخروبه که در بالای تپه واقع شده است و به این تپه دره پایین قریه مزبوره منتهی می شود به قدر شش و سیطین روسی زمین (که مقدار سه خروار بذرافشان می شود)

این قطعه زمین باید از نهر آسیاب حالیه مشروب شده و بعد از مشروب کردن زراعت، آب از همین نهر به رودخانه رها گردد.

قطعه دیگر از برای زراعت اهالی زنکناولوی جدید در کنار راست رودخانه مابین تراز دره [و] دول دره تا حدی که تخمیناً در مسافت دو یست و هفتاد ذرع روسی از خرابه کوچه کانلو قلعه به طرف شمال معین شده است مشخص می شود. و این پارچه عبارتست از بیست و سیطین روسی (ده خروار بذرافشان). هر سال باید نصف این قطعه را زراعت کنند و آب را از نهری که از پائین دره دول دره ابتدا می شود، به زراعت بدهند و نهر حالیه که این قطعه زمین را مشروب می کند اسباب مخروبه را گدازشته باید پایین آورده شود و در آخر آب به رودخانه رها گردد. دره های این طرف و آن طرف رودخانه و همچنین یک پارچه زراعت که حالا در یک طرف موجود است، نباید از آب رودخانه مشروب شود. ثالثاً: از رودخانه به قریه زنکناولو نهر نکشند و آب داخل آن شهر نکنند و نهرهایی که حالا موجود است، موقوف شود و درختها که کاشته اند در مدت شش هفته بعد از امضای پروتکل کنده شود.

رابعاً: غیر از گندم و جو، در این قطعات زمین که از برای زراعت اهالی زنکناولوی جدید معین شده زراعت دیگر تجویز نمی شود.

خامساً: در قریه زنکناولوی جدید همین یک آسیاب که حالا موجود است تجویز می شود، به شرطی که آسیابی را که در زنکناولوی قدیم هست خراب کنند.

### فصل دوم

در قریه شمسی خان عدد خانوار زیاد از بیست خانوار نخواهد بود. زراعت این قریه در

نقاط ذیل معین می گردد.

اولاً: در طرف راست رودخانه یک قطعه زمینی که مشروب می شود از آب رودبار به واسطه نهری که تخمیناً در مسافت ششصد ذرع روسی بالاتر از محاذی چشمه که در کنار چپ رودخانه واقع است، ابتدا می شود معین می گردد. آب از همین نهر، این قطعه زمین را مشروب می کند و در دم دریند به رودخانه رها می شود و دره [ای] که در طرف شرق شمسی خان واقع است از آب رودبار مشروب نخواهد شد.

ثانیاً: در کنار چپ رودخانه یک قطعه زمینی که در میان چشمه که بالای قریه واقع است از چشمه تا دریند زراعت می شود، ولی این قطعه زمین باید با آب چشمه مشروب شود.

ثالثاً: یک قطعه زمین در طرف چپ رودخانه پایین تر از دریند تا حدی که تخمیناً در مسافت پانصد و بیست و هشت ذرع روسی پایین تر از آن تپه کنده شده زراعت می شود و این زراعت به واسطه یک نهر قدیم پایینی، که از پایین دریند ابتدا می شود، از آب رودبار مشروب خواهد شد، مساحت این قطعه زمین بیست و نه و سیطین روسی است (چهارده خروار و نیم بذرافشان باشد). در انتهای این قطعه باید آب از نهر به رودخانه رها شود. در هر سال در این قطعه پایین دریند نصف این محل زراعت می شود. غیر از گندم و جو زراعت دیگر در آنجا قدغن می شود.

رابعاً: در قریه شمسی خان می توانند یک آسیاب درست نمایند در صورتی که به آن آسیاب آب از چشمه که در فوق ذکر شد انداخته شود.

### فصل سیم

در دره رودخانه رودبار از قریه زنکناولوی جدید تا قوزغان قلعه غیر از قطعات مزبور فوق که از برای زراعت معین شده، در هیچ جا زراعت نخواهد شد. هیچ گونه بنای جدید تجویز نمی شود و دو احداث تازه در میانه قریه شمسی خان و خرابه قاسم و زراعتی



که حالا در این دره کرده‌اند با نهرهایی که آنها رامشروب می‌کند در مدت شش هفته بعد از امضای پروتکل باید خراب کرده و آب آنها را به رودخانه رها کنند.

#### فصل چهارم

در همه مجرای رودخانه رودبار، بالاتر از قوزغان زراعت شلتوک و پنبه و تریاک قدغن می‌شود و این‌گونه زراعت که حال موجود است باید تا مدت شش هفته بعد از امضای پروتکل خراب شود، زراعت یونجه و پنبه به اهالی شمس‌خان تخویز می‌شود، در یک قطعه زمینی که در طرف چپ رودخانه در میان چشمه و دریند معین شده است.

#### فصل پنجم

همه فاضل آب رودبار، پیش از بیرون آمدن آن به صحرای اتک قریب چهار ورس بالاتر از قریه قوزغان به دو حصه منقسم می‌شود. یک حصه از آن که عبارت از دو ثلث همه فاضل آب است، با مجرای رودخانه جاری می‌شود و حصه دیگر که عبارت از یک ثلث همه فاضل آب است از همین نقطه گذاشته می‌شود به نهری که تا دست چپ رودخانه می‌آید، تا کمره تپه‌هایی که دره رودبار را منتهی می‌کند به طرف مغرب و در بیرون دره رودبار این نهر تقاطع می‌کند. نهر قریه مخدوم را و همه جا با دست چپ رودخانه می‌آید به طرف حصار. یک ربع همه آب این نهر را از برای زراعت قریه حصار جدا کرده، مابقی آب این نهر از بالای آسیاب حصار به قریه لطف‌آباد و شلنگان داده می‌شود.

از برای بردن آب خودشان از حصار به پایین اهالی لطف‌آباد و شلنگان نباید آب را به مجرای رودخانه بیندازند، مابقی فاضل آب رودبار که عبارت از دو ثلث باشد از محل تقسیم فاضل آب با مجرای رودخانه می‌آید، و از برای زراعت دوازده قریه اتک که در کنار رودبار واقعند داده می‌شود.

#### فصل ششم

از برای ملاحظه ابقای شروط مزبوره در شش فصل مذکور فوق همین پروتکل باید میرابها رسیدگی نمایند. از این میرابها چهار نفر از طرف قریه‌های تراکمه نشین و چهار نفر از طرف قریه‌های قزل‌باش نشین که در کنار رودخانه رودبار واقع شده‌اند منتخب خواهند شد. این میرابها را مأمورین محلیه تصدیق خواهند کرد. از طرف قریه‌های تراکمه، مأمورین روس و از طرف قریه‌های قزل‌باشیه مأمورین ایران تصدیق خواهند نمود.

غیر از میرابها رسیدگی و دقت کردن در همه فقرات مزبوره فوق سپرده می‌شود به کارگزار دولت ایران و اگنت\* دولت روس مقیم دره جز وکلالت.

اگر چنانچه در دره رودخانه رودبار بالاتر از قوزغان بنای جدید و آسیاب و سد تازه و زراعت احداث بکنند و آب را از رودخانه به نهرهای دیگر بیندازند، از مقصرین از هر طرف که باشد باید مواخذه سخت بشود و جریمه تقدیه گرفته شود، رسیدگی این امور محول می‌شود به اگنت دولت روس و کارگزار دولت ایران و ایشان باید به این‌گونه امور، به اتفاق و اطلاع همدیگر در سر محل و با حضور میرابهای مصدق طرفین، رسیدگی نمایند.

اهالی دهاتی که مقصرین از آنجا هستند، باید این‌گونه بناهای ناحق را خراب و خرابیهای بی‌قاعده را بر پا نمایند و از عهده خسارتها برآیند.

#### فصل هفتم

میرابها که از برای معین کردن و انداختن فاضل آب به انهار قریه‌هایی که از طرف همان قریه‌ها منتخب شده‌اند، باید متوجه بشوند که مجرای رودخانه وانهار در همه جا

پاک و بی عیب باشد و همچنین باید متوجه باشند که در هیچ جا آب بی مصرف و تلف نشود. در صورتی که نهرها را بیهوده خراب کنند و آب را بیهوده برگردانند و یا جلوی آب را سد کنند، که مایه تضييع آب و باعث خسارت بشود کارگزار دولت ایران و اگنت دولت روس باید به نحوی که در فصل ششم ذکر شد رسیدگی به کار نمایند. مقصرین باید به مؤاخذه خیلی سخت گرفتار شوند و اهالی قریه‌هایی که این مقصرین از میان آنها است خرابیها را درست کنند و جریمه نقدی بدهند.

#### فصل هشتم

میرابهای منتخب و مصدق طرفین باید از مأمورین محلیه خودشان، اعتبارنامه در دست داشته باشند، که به آزادی از خط حدود عبور نموده، در جمیع مجرای آب به جهت سرکشی ایاب و ذهاب نموده و فقرات پروتکل را ملاحظه نمایند.

#### فصل نهم

نظر بر این که نهری که به حصار و لطف آباد می‌رود، از میان زراعت مخدوم می‌گذرد و همچنین نهرکورن از میان زراعت لطف‌آباد می‌رود، اهالی مخدوم و لطف‌آباد ملتزم می‌شوند، که دست به آبی که به آنها متعلق نیست نزنند و مانع از کندن انهار نشوند. اگر برخلاف این بکنند باید به مؤاخذه خیلی سخت گرفتار شده و جریمه نقدیه بدهند و رسیدگی به این‌گونه کارها و عرایض و شکایات محول می‌شود به کارگزار دولت علیه ایران و اگنت دولت بهیه روسیه موافق فصل ششم همین پروتکل.

سلیمان‌خان صاحب اختیار امیرتومان

#### سند شماره ۹۷

### یادداشت سفارت روس به وزارت امور خارجه

[رمضان ۱۳۰۲]

هو

یادداشت

سفارت سنیه اعلیحضرت امپراطوری، به موجب یادداشت مورخه ۱۱ محرم الحرام سنه ۱۲۹۸ به نمره ۸۴ به وزارت جلیله مهمام خارجه اعلیحضرت شهریاری زحمت افزا شده و مطالبه مبلغ دو هزار و دویست و پنجاه تومان طلب عالی جاه لیانازف مستاجر شیلات دولت علیه ایران را، از خوانین طولش از بابت اقساط سه ساله سنه ۱۸۷۶ و سنه ۱۸۷۷ و سنه ۱۸۷۸ نموده بود.

وزارت جلیله خارجه در یادداشت جوابیه خود به نمره ۷ و به تاریخ ۱۵ همان محرم، مطالبه اصل اسناد یا سواد مطابق الاصلی که در دست وکیل مستاجر شیلات بوده، نموده بودند. سفارت سنیه‌باز در یادداشت مورخه ۱۱ صفر سنه ۱۳۰۱ به نمره ۱۷۰، مطالبه مبلغ چهارهزار و دویست تومان از بابت سنوات ماضیه هزاروهشتصد و هفتاد و شش الی سنه هزار و هشتصد و هشتاد و دو طلب عالی جاه مشارالیه را از بابت صید ماهی حلال از خوانین طولش نموده و بتابر خواهش وزارت جلیله سواد مطابق الاصل صورت تصدیقی که وکیل مشارالیه از علی اکبر خان بیگریگی داشته و بعضی تلگرافها از حضرت اشرف والا آقای نایب السلطنه و مرحوم سپهسالار اعظم را برای مزید استحضار وزارت جلیله خارجه ارسال و خواهش به زودی وصول نمودن طلب عالی جاه لیانازف را نموده بود.

وزارت جلیله ثانیاً در یادداشت خود به نمره ۱۰۵ و به تاریخ ۲۹ همان شهر صفر جواب داده بودند که احکامی که لازم بود صادر و به کارگزاران گیلان تأکید به عمل آمد که لازمه تحقیق و غوررسی را نموده مطالبات عالی‌جاه لیانازف را از خوانین مفصله وصول و عاید دارند.

از آن وقت تا به حال نتیجه ظاهر نشده و وعده وزارت جلیله بلائمر وفایده مانده است.

لهذا سفارت سنیه از فقرات مسطور، وزارت جلیله را مستحضر و مجدداً بنا به عریضه که وکیل عالی‌جاه مشارالیه داد، خواهش می‌نماید که احکام اکیده مؤثره به عهده هر کس لازم است، صادر و ارسال دارند که مبلغ پنج هزار و پانصد تومان طلب عالی‌جاه لیانازف را به موجب تفصیل [ذیل] به زودی وصول و ایصال داشته و از نتیجه اقدامات حسنه خود، سفارت سنیه را مستحضر دارند.

بدهی نصرت‌الله‌خان از بابت سنوات سنه ۱۸۷۶ الی سنه ۱۸۸۴ از قرار سالی ده هزار و هفتصد تومان\*

بدهی اللهیارخان از بابت سنوات ۱۸۷۷ الی سنه ۱۸۸۴ از قرار سالی هزار و ششصد تومان\*

بدهی امان‌الله‌خان از بابت سنوات مزبور از قرار سالی هزار و دوست تومان\*

فی غره رمضان المبارک سنه ۱۳۰۲

[نقش مهر پایین سند]: سفارت روس

\* ارقامی که با ستاره مشخص شده است در اصل سیاق بوده است.

سند شماره ۹۸

[نامه وزارت خارجه به سفارت روس]

وزارت جلیله امور خارجه دولت علیه ایران

شهر — سنه ۱۳۰۲

جناب جلالت و نبالت نصابا، فخامت

و مناعت انتسابا، دوستان استظهارا، مشفقاً، مکرمًا، مهرباناً

از قراری که از خراسان نوشته‌اند بعضی از تبعه آن دولت بهیه در آنجا به صرافت خرید خانه و غیره می‌باشند و حال آن که، آن جناب جلالت مآب می‌دانند که موافق مدلول صریح فصل پنجم عهدنامه تجارتمی، که تکیه سایر عهود مقدسه دول متحابه هم بر آن است، حق تمالک اتباع خارجه در خاک دولت علیه محدود و فقط منحصر به خانه و انبار است، آن نیز در صورتی است که به اجاره و استجاره مقدور نبوده باشد، اگر برای آنها اجاره خانه و انبار مقدور است، اقدام آنها به ابتیاع خانه و انبار غیر جایز و برخلاف مدلول فصل مزبور و اسباب تجاوز سایر اتباع دول متحابه خواهد بود.

بدیهی است آن جناب جلالت مآب به تبعه دولت متبوعه خود از مراتب اطلاع خواهند داد.

در این موقع احترامات فایقه را نسبت به آن جناب تجدید می‌نماید.

سند شماره ۹۹

## [نامه وزیر مختار روس به وزیر خارجه]

[۲۹ ذی حجه ۱۳۰۲]

ترجمه شرحی است

که از قول جناب جلالت مآب مسیو ملیکوف<sup>۵</sup>

وزیر مختار وایلیچی مخصوص دولت قوی شوکت روس،

به جناب محمودخان ناصرالملک وزیر مهمام خارجه دولت علیه ایران

به تاریخ ۲۹ ذی حجه سنه ۱۳۰۲ مطابق ۲۷ سپتامبر سنه ۱۸۸۶ نوشته شده است.

مشروحه محترمه آن جناب جلالت مآب مورخه ۲۷ شهر حال نمره ۲۲۳ واصل النایل احترام دوستدار گردیده، در جواب مبادرت می‌ورزد. این که در آن مشروحه مرقوم فرموده بودند که (از قراری که از خراسان نوشته‌اند بعضی از تبعه آن دولت بیهی در آنجا به صرافت خرید خانه و غیره می‌باشند) و نیز مرقوم فرموده بودند که این خریداری خانه ما برای تبعه دولت قوی شوکت روسیه، گویا برخلاف مدلول فصل پنجم عهد نامه تجارتي است. دوستدار تکلیف خود دانسته به فصل مزبور فوق رجوع نموده و بعینه عبارت آن فصل را که در این فقره است برای اطلاع خاطر آن جناب جلالت مآب می‌نگارد:

چون موافق عادت می‌باشد که در ایران موجود است برای اهالی

۵ اصل: ملنیکف، اسم این شخص در اسناد به صور مختلف «ملیکف»، «سلکنف»، «سلکنوف»، «ملنیکف»، «ملکوف»، «ملنیکوف» و «ملیکوف» آمده است، که «ملیکوف» برگزیده شد.

بیگانه مشکل است که خانه و انبار و مکان مخصوص برای وضع امتعه خود به اجاره پیدا کنند، لهذا به تبعه روس در ایران اذن داده می‌شود، که خانه برای سکنی و انبار و مکان برای وضع امتعه تجارت اجاره نمایند و هم به ملکیت تحصیل کنند.

نیز دوستدار تکلیف خود می‌داند که جناب جلالت مآب عالی را، جداً به عبارت آخری فصل پنجم عهدنامه که به تبعه روس در ایران اذن داده می‌شود، که خانه برای سکنی اجاره نمایند و هم به ملکیت تحصیل کنند، باشد، متوجه نماید و موافق مدلول این عبارت آخری فصل مزبور عهدنامه، دوستدار چنان می‌داند که اگر تبعه دولت قوی شوکت روسیه خانه‌ها برای سکناي خود در خاک ایران بخرند، نقض شرایط و فصول عهدنامه مقدسه را ننموده و نمی‌نمایند. و هم برای دوستدار دست‌آویزی که بتوان به موجب آن رعایای روسیه را از خرید خانه‌ها منع نماید نمی‌باشد.

بناء علی هذه المراتب دوستدار مکلف بر آن است، که آن جناب جلالت مآب را مستحضر نماید، که هرگونه اقدامات سختی که کارگزاران خراسان برای ممانعت تبعه روسیه از خرید خانه‌ها برای سکنی نمایند، به نظر دوستدار باعث نقض شرایط عهدنامه مزبوره خواهد بود و این نقض عهدنامه، دوستدار را مجبور خواهد نمود که هم پروتست نماید و هم به اولیای دولت اعلیحضرت امپراطوری اطلاع داده از ایشان خواهش نماید که نسبت به رعایای دولت علیه ایران هم در خاک روسیه همان‌طور اقدامات نموده یعنی معامله به مثل نمایند.

در این موقع احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.

ترجمه مطابق اصل است.

سند شماره ۱۰۰

[نامه‌ای احتمالاً از وزارت خارجه به امیر نظام]

[۸ محرم الحرام ۱۳۰۳]

جناب جلالت مآب اجل اکرم امیر نظام دام اقباله

از سفارت روس اظهار داشته‌اند بیرام و امیرخان، پسرهای نورالله بیک خواجه بیگلو و آقاخان ولد مجید بیک از طایفه آلاز در ۲۰ ذیقعد نزدیک محل قراولخانه کهنه ایران با قزاقهای روس تیراندازی نموده، اسب و آدم از طرفین مجروح شده است و خیال دارند به اوبه‌های ناپادار هجوم ببرند. این ققره خیلی مایه استعجاب شد. جناب عالی می‌دانند که این گونه اتفاقات در سرحد روس چقدر بدنما و مخالف انتظامات و اسباب اشکالات و زحمت است. آیا جناب عالی اطلاع از این فقرات دارند یا نه و حالا چه اقدام در این کار خواهند فرمود که اسباب سد این تخطیات و جبران این تجاوز خلاف مرتکبین شده باشد. مراتب را زود تلگراف فرمایند.

امضاً

[دست‌خط ناصرالدین شاه در حاشیه سند]:

اردوئی که بنا بود در سرحد اردبیل و مغان تشکیل بدهید چرا به تأخیر انداخته‌اید. البته زودتر اردو را تشکیل بدهید، و یک نظم و قرار صحیح درستی در کار سرحد و شاهسون بگذارید که این بی‌نظمی‌ها رفع شود. شاهسون، فولادلو و غیره اکثر دهات داخله اردبیل و دور شهر اردبیل را غارت کرده آدم می‌کشند، بی‌نظمی شدید می‌کنند، حالا هم تخطی به

خاک روس می‌کنند. عاقبت این کار چه خواهد شد. عجالتاً قرار معجلی برای اسکات سفارت روس بدهید و مرتکبین این عمل را تنبیه بکنید. و اگر حقیقتاً تبعه ایران و شاهسون مرتکب نشده باشد، آن را هم با دلیل صحیح باید جواب بدهید که متقاعد شوند. هر چه زودتر بتوانید عجله در نظم شاهسون و سرحدات اردبیل و داخله آنجا بکنید. البته.

سند شماره ۱۰۱

[۲۹ ربیع الاول ۱۳۰۳]

ترجمه عریضه جناب وزیر مختار روس است

اعلیحضرتا

در شرفیابی حضور همایون، که در شهر ذی‌حجه گذشته در سلطنت آباد نایل شد، شکایات حقه که این دولتخواه از کارگزار خارجه آذربایجان ساعدالملک<sup>۱</sup> معروض داشت، که منافع و حقوق رعایای روس متوقف تبریز را پایمال کرده، به بی‌اعتنایی

۱ میرزا عبدالرحیم خان ساعدالملک که در تاریخ سند فوق (۱۳۰۳ ه.ق) کارگزار مهم خارجه آذربایجان بوده است.

می‌گذرانند، آن اعلیحضرت محض مکرمت اصفا فرموده، دانستند که این دولتخواه بدون هوای نفس عرض کرده است، از آنجا که انصاف و عدالت و بی‌غرضی، جلیلی وجود همایونی است، وعده ملوکانه رفت که به زودی این کارگزار معزول و احضار خواهد شد. از آنجایی که بر این دولتخواه یقین بود که ساعدالملک تغییر رفتار نداده سهل است در کردار ناهنجار خود اصرار خواهد داشت.

جسارت ورزیده در این مواقع تذکار وعده همایونی را می‌نماید. تذکار خاطری که بر قلب همایونی واضح است، محض منع حدوث جهتی که خدای نکرده در حین مرآوده حسنه مستحکمه موجود روس و ایران، مایه و اسباب برودت بین الدولتین شود.

خادم دولتخواه آن اعلیحضرت ملیکوف

تهران ۲۴ دسامبر مطابق ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۰۳

سند شماره ۱۰۲

[۱۳۰۳ هـ ق]

تبرستان

www.tabarestan.info

رأبوت مجلس دربار اعظم دایر به مسائل روز

یکشنبه ۲۶ جمادی‌الاولی ایت نیل ۱۳۰۳

[در ارتباط با سفارت روس]

فهرست عرض وزارت امور خارجه را که در مسئله خرید و فروش نفت در دست [شخص] واحد سبب شکایت سفارت روس و موجب دعوی خسارت تبعه آن دولت شده و به دستخط مطاع مبارک مقرر فرموده بودند:

« جناب وزیر نظام در مجلس حاضر شده تحقیق این فقره بشود.»

حسب‌الامر معزی‌الیه حاضر شده بعد از زیارت دستخط مبارک اظهار بی‌اطلاعی کرد که نه راه خسارت تجار خارجه را می‌دانم و نه در این باب سابقه اطلاعی دارم. چون در واقع راه ورود خسارت به تجار تبعه خارجه معلوم نبود، و این قرارداد جدید نفت سلب آزادی تجارت تبعه دولت روس را نکرده، بلکه به هیچ وجه اسباب ممانعتی هم در کار تجارت نداشته، فقط خورده فروشی نفت در داخله شهر قرار شده بود به [دست] شخص واحد باشد و هر کس هم تجارت و معامله نفت می‌کند، یک ده یک علاوه بر آنچه وارد شده است قیمت بگیرد و به مباشر و مستأجر نفت بفروشد. در این صورت معین است که ضرر و خسارت به کسی نمی‌رسد.

به توسط میرزا عبدالله خان پسر صدیق‌الملک استعلام راه دعوی خسارت تبعه روس از وزارت امور خارجه شد، اگر چه جوابی از این سؤال نیاورد، ولی از بیانات او همین قدر معلوم شد که سفارت روس می‌گوید باید قبل از وقت از این قرارداد جدید

اعلام می‌کردند که تجار تبعه آن دولت مطلع می‌شدند. حالا هم باز اعلام و مهلت ضرور است، زمان مهلت را در مجلس یک ماهه گفتند، آنها سه ماهه خواستند، موقوف به عرض حضور مبارک ماند، که هر قدر معین فرمایند همان را به سفارت آن دولت اعلام کنند.

امرالقدس الاعلیٰ امطاع

[متن دستخط بالای سند:]

ملاحظه شد. با حضور جناب مشیرالدوله<sup>۱</sup> مراجعه شود، مدتی است دولت در شهر برای نفت قرارداد داده و فروش آن به یک<sup>۲</sup> [شخص] واحد مقرر شده است. اگر خسارتی به این سبب به رعایای روس که تجارت نفت می‌کنند وارد شده است معلوم کنید. حالا هم می‌گیرند باید مهلتی قرار داد و بعد این حکم را مجری کرد. موافق رأی مجلس یک ماه کافی است، فی الحقیقه در این مدت که این قرار مجری شده است، تا بی‌اعلان رسمی بودن، یک ماهه مهلت ضرر ندارد بیشتر به نظر لازم نمی‌آید.

<sup>۱</sup> منظور یحیی‌خان مشیرالدوله برادر میرزا حسین‌خان سپهسالار و شوهر چهارم عزت‌الدوله است که در این تاریخ وزیر امور خارجه بوده است.

سند شماره ۱۰۳

اعلام خطر شارژدافر انگلیس در مورد تردد قشون روس

در سرحد خراسان]

تبرستان

[۱۳۴۳ هـ ق]

ترجمه مراسله محرمانه مسترنیکلسن شارژدافر انگلیس

مورخه فوریه ۱۸۸۶

در وقت شرفیابی به خاک پای مبارک، موقع نشد بعضی اخبار واصله به خود را، مبنی بر<sup>۱</sup> حرکات قشون روس در سرحد خراسان به عرض برسانم.

از جای معتبر به من خبر رسیده است که قشون روس مکرر از راهی که دو فرسخ در جنوب سرخس جدید واقع است می‌گذرند و بدون اجازه از خاک دولت علیه عبور می‌نمایند. و نیز به من خبر رسیده است که حاکم خراسان اعلام کرده است که اجازه ساختن راه از مشهد به سرحد روس داده شده است.

البته هر اقدامی که مستوجب آبادی این مملکت است، اسباب خوشوقتی کسانی است که میل دارند، سرعت ترقی ایران [را] ببینند، اما آیا می‌توان مطمئن شد که در افتتاح راه، مرادده آسان و سریعی در آن سمت، خطر مداخله خارجه در ایالت خراسان ملحوظ نیست. یک سیلی از شمال جاری است، در طرف افغانستان سدی در مقابل آن بر پا شد، آیا بیم آن نیست که این سیل از طرف دیگر راه خود را باز کند. به جای این که سدی در مقابل بگذارند درها را باز می‌کنند. موقع خراسان برای ایران خیلی اهمیت دارد، ممکن است یکی از این روزها از طرف خراسان وقایع بزرگ [رو]ی بدهد.

لهذا برای حفظ مصالح ایران، کمال لزوم را دارد که ایران از صداقت و بستگی این ایالت مطمئن بشود و حاکم آنجا کسی باشد که وطن پرستی و درستی و دولتخواهی او محل شبهه نباشد.

سند شماره ۱۰۴

[۱۳۰۶ ق. ۵]

اظهارات دالغوروکی<sup>۵</sup> وزیر مختار روس

اولاً: آزادی مرداب انزلی با جمیع رودخانه‌هایی که مصب آنها مرداب انزلی می‌باشد، با حق ساختن اسکله‌ها و انبار و غیره و سایر ملزومات متعلقه به آن که مفصلاً مذاکره خواهد شد.

ثانیاً: آزادی سفید رود و رودخانه مشهد سر و سایر رودخانه‌ها که مصب آنها بحر خزر است.

ثالثاً: ساختن راه عراده رو یعنی شوسه از انزلی الی دارالخلافه تهران که این راه باید قبل از همه راهها ساخته شود و باز بشود. کمپانی می‌تواند از اهالی ایران یا از اهالی روس یا از اشخاص متفرقه باشد، اما راه قوچان باید در سر وعده و پیش از همه راه‌ها ساخته و

حاضر باشد.

رایعاً: تسهیل راه از آستارا<sup>۶</sup> الی اردبیل

خامساً: در باب ساختن راه آهن در خاک ایران مذاکره خواهد شد. یعنی در باب خطوط این راهها و هم در باب ضمانت دولت ایران. باید دولت علیه ایران متعهد شود که در مدت پنج سال به احدی اجازه ساختن راه آهن ندهد، بعد از انقضای مدت مزبور (یعنی فلان مدت) اگر دولت روسیه نخواست راه آهن بسازد، دولت علیه ایران به هرکه بخواهد اجازه ساختن بدهد، مختار خواهد بود. در تمام اطراف ایران و تمام خطوط.

[متن دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه سند]:

کی مذاکره خواهد کرد باید معین شود، نه بی تعیین.

خطوط در شمال ایران فقط یا در همه جا، جنوب، مغرب، مشرق و غیره باید و غیره توضیح شود.

لفظ خطوط جمع عمومی است و ما صلاح نمی‌دانیم، باید یک خط مذاکره شود.

در کجا و چه خطها، در مدت معین اجازه ساختن راه آهن ندهد، باید توضیح بشود.



سند شماره ۱۰۵

### التزام ناصرالدین شاه در مورد واگذاری امتیاز ساختن راه‌های آبی، شوسه و راه آهن به کمپانیهای روسی

السلطان ناصرالدین شاه

محرمانه است

به ملاحظه دوستی خالصانه خودمان با دولت بهیه روسیه، حاضریم فقرات مفصله ذیل را قبول نماییم. برای تسهیل و توسیع تجارت میانه ایران و روس.

اولاً: مرداب انزلی و رودخانه‌هایی که مصب آنها مرداب انزلی است، برای عبور کشتیهای تجارتمی بخاری و بادبانی و کرجی تبعه دولت روسیه آزاد خواهد بود و به ملاحظه رفع خطرات کشتیها و کرجیها، دهنه مرداب انزلی و دهنه رودخانه مشهد سرو دهنه رودخانه پیر بازار که مشهور به رودخانه سیاه رودبار است تنقیه و اصلاح خواهد شد. حقوق و شروط این آزادی کشتیرانی علی‌حده مقرر و از طرف دولت ایران به تبعه دولت روسیه اعلان می‌شود.

ثانیاً: کل رودخانه‌ها که مصب آنها بحر خزر است و عبور و مرور کشتیها و کرجیها در آنها ممکن است برای عبور کشتیها و کرجیهای تبعه روسیه آزاد است و این آزادی کشتیرانی بر طبق حقوق و شروط فوق است که در فصل اول اشاره شده است.

ثالثاً: انبارهای تجارتمی و اسکله‌هایی که لازم باشد و غیره را دولت علیه ایران با رعایای ایران ساخته و به تجار تبعه روسیه به قیمت عادلانه اجاره داد و از روزی که آنها را معین نموده و به کارگزاران دولت ایران از طرف تجار روسیه اعلان خواهند کرد، اگر [تا] انقضای مدت یک سال، دولت ایران یا رعایای ایران نساختند، آن وقت تجار دولت روسیه حق خواهند داشت، که موافق عهدنامه مقدسه آنها را بسازند و تجار روسیه

حق آن را دارند که برای بار دادن و بار گرفتن از تبعه ایران یا روسیه به قدر ضرورت عمله و مزدور بگیرند.

رابعاً: دولت ایران ساختن راه شوسه را، از پیربازار یا مبارک آباد به تهران قبول می‌کند، که کمپانی آن را دولت روسیه تشکیل بدهند، با شروطی که نافع تجارت دولتمی باشد و تبعه ایران هم حق شراکت با آن کمپانی خواهند داشت و شروط قرار نامه این راه شوسه فیما بین اولیای دولت ایران و کمپانی مزبور به رضای طرفین معین و مقرر خواهد شد. هنگامیکه در شروط و قرار و مدار ساختن این راه شوسه مذاکره و گفتگو می‌شود امتیازاتی که به کمپانی راه آذربایجان داده شده به نظر خواهد آورد که نظایر آن امتیازات به این کمپانی هم مرحمت شود.

خامساً: به کمپانی راه آذربایجان مقرر خواهد شد که راه [عراده رو از تبریز به جلفا و از تبریز به اواجق را یک دفعه به اتمام برسانند و به همین کمپانی امر و مقرر می‌شود که راه آستارا را هم الی اردبیل به زودی شروع نموده، تعمیر و تسهیل نمایند.

سادساً: دولت ایران قبول می‌کند که به کمپانی روس اجازه بدهد راه‌های آهنی به هر جا که مفید و مناسب منافع تجارتمی دولتمی روس و ایران باشد در خاک ایران بسازد و شرایط قرارنامه آن باید مناسب به رضای طرفین باشد.

برای مذاکرات این مسئله به کمپانی مزبور پنج سال مهلت می‌دهد و وعده می‌دهد که در ظرف این پنج سال به هیچ کمپانی دیگر اجازه ساختن راه آهن ندهد، بعد از انقضای مدت مزبوره با امضای قرار نامه دولت ایران مختار خواهد بود که اجازه ساختن راه آهن به هر کمپانی و از هر طرف بخواهد بدهد، در صورتی که در ظرف این پنج سال از کمپانیهای روس نخواهند راه آهن بسازند دولت ایران از این وعده و تعهد خود بکلی آزاد است.

به ملاحظه قبول فقرات مزبوره فوق، وعده و قراری که در چهاردهم ذی حجه ۱۳۰۴

متعلق به راههای آبی و آهنی به اعلیحضرت امپراطوری داده بودیم از اعتبار خود ساقط شد.

به تاریخ شهر رجب المرجب سال ۱۳۰۶ امضا شد و به جناب پرنس دالغوروکی وزیر مختار دولت بهیه روسیه داده شد.

صحیح است

السلطان ناصرالدین شاه قاجار

دستخط همایونی

سند شماره ۱۰۶

[درخواست واگذاری اجازه صیادی رود ارس به تبعه روس]

[۵ جمادی الثانی ۱۳۰۶]

فدایت شوم

مقرب الحضرت ساطورخان سرهنگ وزارت خارجه، در چندسال قبل صیادی ماهی، یک نقطه از رود ارس را در سمت مغان در سالی سیصد تومان از دیوان اجاره کرد. لکن در این چند سال همیشه شکایت داشته است که عمل نمی‌کند و چون سیصد تومان به این رسم هر ساله در دستورالعمل دیوان جمع است، محض این که از این بابت ضرری بر دیوان وارد نیاید، در دو سال گذشته مواجب ساطورخان که بعد از وضع رسوم دورست و چهل تومان است، در ازای اجاره محسوب شده [است].

ساطورخان چند وقت قبل عریضه در این باب به توسط جناب خلیفه کل آرامنه آذربایجان، به جناب جلالت مآب اجل اکرم امین السلطان دام اجلاله‌العالی نوشته و حاصل عرض او دو فقره بود:

یکی این که از بابت دو ساله که مواجیش در ازای وجه اجاره محسوب شده، تخفیفی در حق او منظور شود. دیگر چون صیادی عمل نمی‌کند از سنه آتیه اجاره را از او خلع نموده، مسئولیت این فقره را از او بردارند و از دارالخلافه هم به تصدیق و اطلاع مخلص رجوع نموده بودند، مخلص این ملاحظه را داشت که اگر این اجاره از او گرفته شود شاید کسی نباشد که اجاره را قبول نماید و ضررش راجع دیوان خواهد بود. لکن از حسن اتفاق عالی‌جاه خواجه سرکیس<sup>۱۰</sup> تاجر باشی تبعه دولت بهیه روسیه که آدم درستکار امینی است، طالب شده که ده ساله اجاره را به همان سیصد تومان قبول نماید، و گویا سابقاً هم این فقره رابه توسط کسان خودش که در دارالخلافه هستند اظهار نموده است، که خدمت جناب عالی عرض نمایند. حالا هم شرحی در این باب به مخلص نوشته است، لفاً ارسال خدمت نمودم.

چون مشارالیه آدم معقول درستکار امینی است، چنانچه اجاره صیادی ماهی رود ارس را به او واگذار فرمایند، خیلی مناسب است، که هم مالیات دیوانی بدون زحمت به وصول خواهد رسید و هم آن محل را آباد خواهد نمود. زیاده مصدع نمی‌شوم. ایام شوکت و جلالت مستدام باد.

فی ۵ شهر جمادی الاخر ۱۳۰۶

## سند شماره ۱۰۷

## [نامه تاجر باشی روس و درخواست اجاره صیادی ارس]

[۵ جمادی الثانی ۱۳۰۶]

## تصدق حضور مبارکت شوم

محل صید ماهی کنار رود ارس من توابع محال توپخانه حسنخانلو در اجاره مقرب الحضرت الخاقانیه ساطورخان بوده و مدت دو سال است، که محل معروض عمل نکرده و به کلی از حالت انتفاع انداخته‌اند و هم به جهت وصول نشدن مثال دیوانی آنجا، خود مقرب الحضرت مشارالیه همیشه در شکایت و استعفا است.

فدوی قبل در خصوص اجاره محل معروض، به مدت ده سال، سالی به مبلغ سیصد تومان که اصل وجه اجاره مقرری دیوانی است در دارالخلافه به کسان خود اظهار داشته و از وزارت جلیلیه امور خارجه، به علت این که وجوه دیوانی آنجا از محل صحیح و معتبر وصول شود، گویا حرفی نداشته باشند محض خدمت به وکلای دولت علیه و روتق و آبادی محل معروض، که سالها است از بی مبالاتی این گونه اشخاص مخروبه و بی حاصل مانده. فدوی به مدت ده سال سالی به مبلغ سیصد تومان وجه اجاره آنجا را، هرگاه بندگان سرکار حضرت مستطاب اجل عالی روحی فداء مرحمت فرمایند قبول دارد.

استدعا آن که در صورت قبول استدعا، محض مرحمت سفارشنامه مبارکه در این باب به وزارت جلیلیه امور خارجه مرقوم و اجازه هم از بندگان حضرت مستطاب عالی

شرف صدور یابد، که به موعد معلوم و مبلغ معروض، به عهده اجاره این کمترین محول و واگذار فرمایند که هم آنجا را به حلیه آبادی در آورده و هم وجه اجاره را در هر سال به هر نحو که مقرر شود، هر سال بدون تاخیر تحویل کارگزاران دیوان همایون داشته و قبض الوصول دریافت دارد.

امرالاجل الارفع العالی مطاع

۵ شهر جمادی الاخر ۱۳۰۶

فدوی سرکیس آقایوف<sup>۱</sup> تاجر باشی

امضا

www.tabarestan.info

\* این اسم با احتمال خوانده شد.

سند شماره ۱۰۸

[ تلگراف قوام‌الدوله<sup>\*</sup> به ناصرالدین شاه هنگامی که درسفر سوم فرنگستان بوده است<sup>\*\*</sup> ]

تلگرافی است که از جناب قوام‌الدوله به این سفارت سنیه

رسیده است. به تاریخ یازدهم ژوئیه ۱۸۸۹

قربان خاک پای جواهرآسای اقدس همایونت شوم

امروز که پنج شبه دوازدهم شهر ذیقعدۃالحرام است صبح شارژدافر روس آمده اظهار داشت، موافق دستخط مبارک که به سفارت نوشته شده در باب آمد و رفت کشتی به مرداب انزلی و رودخانه‌ها، قراردادی برقرار خواهد شد و از طرف ایران به تجار و تبعه روسیه اعلان خواهد شد. مسیو گیس مرا مأموریت داده است، که باشما حرف زده آن قرار داد را توضیح و مراتب را معجلاً اطلاع بدهم.

این پیر غلام به او گفت موکب همایون تشریف ندارند و من بدون اذن و اطلاع نمی‌توانم سوال و جواب در این باب بکنم. گفت و اصرار کرد که مراتب را به خاک پای اقدس همایون شاهنشاهی روحنفاذ تلگراف نمایم. شارژدافر گفت از پطرزبورغ صورت قراردادی برای من نیامده است، من به سلیقه و عقل خودم چیزی یادداشت کرده‌ام. اگر در خاک پای مبارک مقبول افتاد، می‌توانم تلگراف نمایم که اولیای دولت

\* میرزا عباس خان نقرشی قوام‌الدوله وزیر خارجه.

\*\* ناصرالدین شاه در روز یازدهم ژوئیه ۱۸۸۹ [ برابر ۱۲ ذیقعد ۱۳۰۶ ] هنگام سفر سوم فرنگستان در شهر بیرمنگام بوده است و این نامه از طرف سفارت ایران در انگلیس به او داده شده است. ر.ک. محمد اسماعیل وضوئی، فاطمه قاضیه، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان، کتاب

دوم، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ص ۸۲.

روسیه هم تصدیق و امضا نمایند.

باید از طرف ایران اعلان بشود، که برای تسهیل امور تجارتی فیما بین ایران و روس، دولت علیه ایران به کشتی تجارتی روسیه اعم از آن که بخار یا بادی یا کرجی باشد اجازه می‌دهد که در مرداب و جمیع رودخانه‌ها [که] به مرداب و دریای خزر می‌رود در کمال آزادی، آمد و رفت نمایند به موجب قرار داد ذیل.

اولاً:

کشتی و کرجیها باید در اسکله توقف نمایند، همین قدر که برای داد و ستد بار و مسافر و آذوقه و تعمیر و مرمت لازم باشد و در صورتی هم که دریا طوفانی باشد.

ثانیاً:

از برای انتظام امور در اسکله هم قراول از دولت علیه ایران تعیین و برقرار خواهد

شد

ثالثاً:

تبعه ایران، که مشغول فعلگی و حمل مال التجاره به کشتیهای مزبور خواهند بود باید از کارگزاران ایران تذکره در دست داشته باشند.

رابعاً:

از رعایای ایران که در کشتیهای روسیه خدمت می‌کنند هر گاه تقصیری در خاک ایران کرده باشند، بعد از آن که کارگزاران ایران تفصیر او را به رئیس کشتی مدلل داشتند، رئیس کشتی مقصر را به کارگزاران ایران تسلیم خواهند کرد. با ملاحظه شرایط عهد نامه ترکمان چای.

خامساً:

حمل و نقل اسلحه کلیتاً قدغن و موقوف است، ولی روسای کشتیها به جهت

خودشان چند قبضه تفنگ‌های شکاری می‌توانند داشته باشند.

سادساً:

بدون اذن و اطلاع از طرف دولت علیه ایران، کشتیها نمی‌توانند، باروت و دینامیت حمل و نقل نمایند.

هفتم:

هر گاه از کشتیهای روسیه غرق بشوند، باید موافق قرارداد کلیتاً روی زمین سکنه ساحل، در خلاصی آن کشتی و مال التجاره آن اهتمام کافی به عمل بیاورند و حق زحمت را هم که مستحق هستند دریافت نمایند.

سند شماره ۱۰۹

تغییر در قرارداد ساختن راه آهن ایران و روس با

دستخط ناصرالدین شاه |

به ملاحظه آن که، اولیای دولت اعلیحضرت اقدس همایون شهریاری اظهار داشتند، که اجرای تعهدی که درخصوص ساختن راههای آهن به توسط کمپانیهای روسیه در خاک ایران در ماه رجب ۱۳۰۶ نموده‌اند، اشکالاتی برای آنها حاصل است، اولیای دولت قوی شوکت اعلیحضرت امپراطور کل ممالک روسیه قبول فرمودند، که تغییری در تعهد مزبور داده شود و جناب وزیر مختار و ایلچی مخصوص خود، مقیم دربار ایران را وکالت داده، به اتفاق جناب امین‌السلطان از طرف اعلیحضرت اقدس همایون قرار شروط مفصله ذیل را مقرر داشتند:

دولت علیه ایران تعهد می‌نماید که تا مدت ده سال، ابتدا از تاریخ امضای همین قرارنامه، نه خود، راه آهنی در خاک ایران بسازد و نه اجازه ساختن راه آهن به کمپانی یا اشخاص دیگر بدهد و بعد از این مدت ده سال در صورت ضرورت طرفین، به اتفاق دولتین قوی شوکتین روس و ایران می‌تواند باز هم امتداد حاصل نماید. و در صورتی که دولتین معظمین امتدادی بر مدت ده سال ندادند. آنوقت مجدداً دولتین ایران و روس قرار می‌دهند که راه آهن ایران خواهند داد، که صرفه و صلاح تجارت طرفین باشد.\*  
و مقصود از راه آهن اعم از آن است که از بخار یا قوه دیگر حرکت نماید، که همه اقسام آن در ضمن این قرار است. راههای ترموه که با اسب کشیده می‌شود، از این قرار خارج است ولی فقط در شهرها و جاهای نزدیکتر به شهر است.

\* عباراتی که با حروف درشت درج شده در متن سند به خط شخص ناصرالدین شاه است. همچنین عبارات سطر سوم و چهارم و پنجم از آخر که با حروف دشت زده شده بجای عبارتی نوشته شده که ناصرالدین شاه روی آنها خط کشیده و با خط خودش نوشته است: «این عبارات غلط است به علت این که اگر اشکالی نداشت چرا این قرار جدید رامی‌نوشتند، پس باید این سطور آخری عوض بشوند. جهت استحضار کامل مطالعه کنندگان این سند در آخر کتاب کلیشه گردیده است.

سند شماره ۱۱۰

[نامه وزیر مختار روسیه به وزارت خارجه]

[۲۰ محرم ۱۳۰۸<sup>۱</sup>]

جناب جلالت مآب

فخامت و مناعت انتسابا، دوستان استظهارا، معظما

هنگام انعقاد قرارنامه مورخه بیست و پنجم شهر رمضان المبارک ۱۳۰۸<sup>۲</sup> مطابق ۲۲ آپریل سنه ۱۸۹۱ مسیحی، در باب کشیدن سیم تلگراف فیما بین سرخس روس و سرخس ایران، این یک فقره که اینک در ورقه علی حده انفاذ حضور جناب جلالت مآب عالی می‌گردد از نظر محو شده، جزو قرار نامه نگاشته نشده بود. این اوقات اولیای دولت اعلیحضرت امپراطوری، دوستدار را ملتفت و متوجه نموده‌اند و حسب اشاره اولیای دولت معظم با نهایت توقیر و احترام، از جناب عالی متمنی است، که پس از عرض به حضور مبارک سرکار اعلیحضرت اقدس شهرباری و تحصیل اجازه، دوستدار را مستحضر فرمایند که جداگانه این فقره را هم به زبان روس و ایران در دو نسخه نوشته و امضا و مبادله نماییم و در این موقع احترامات فایقه را نسبت به خود برقرار دانند.

فی ۲۰ محرم سنه ۱۳۰۸<sup>۳</sup>

امضا

<sup>۱</sup> احتمالاً این تاریخ اشتباه درج شده، شاید ۱۳۰۹ باشد چون زمانی که در سطر اول نامه از رمضان المبارک ۱۳۰۸ صحبت می‌کند، چطور می‌شود تاریخ نامه قبل از آن باشد؟

سند شماره ۱۱۱

[تغییر شرایط قرارداد راه آهن از طرف روسیه در ایران  
با امضای وزیر مختار روسیه و وزیر اعظم]

[۲۷ ربیع الاول ۱۳۰۸]

سواد قرارنامه محرمانه که از فدوی بود در باب راه آهن

به ملاحظه این که، اولیای دولت اعلیحضرت اقدس همایون شهرباری اظهار داشتند که اجرای تعهدی که در خصوص ساختن راههای آهن به توسط کمپانی‌های روسیه در خاک ایران در ماه رجب ۱۳۰۶ نموده‌اند، اشکالاتی برای آنها حاصل است که پیشرفت ندارد، لهذا اولیای دولت اعلیحضرت قوی شوکت امپراطور کل ممالک روسیه قبول فرمودند که تعهد مزبور به شرایط مفصله ذیل تغییر داده شود و جناب مستطاب اجل اکرم اشرف امین السلطان، وزیر اعظم دولت اعلیحضرت اقدس همایون شهربار با اقتدار کل ممالک ایران و جناب جلالت مآب طامینی سونیک مسیو بوتسف وزیر مختار و ایلچی مخصوص اعلیحضرت قوی شوکت امپراطور اعظم کل ممالک روسیه به اختیاری که از دولتین قوی شوکتین متبوعه خود داشتند، شروط مفصله را مقرر نمودند.

دولت علیه ایران تعهد می‌نماید، که تا مدت ده سال آتی از تاریخ امضای همین قرارنامه، نه خود راه آهنی در خاک ایران بسازند و نه اجازه و امتیاز ساختن راه آهن به کمپانی یا اشخاصی دیگر بدهند و بعد از انقضای مدت ده سال، مابین طرفین در باب تحدید امتداد فوراً مذاکره خواهد شد.

مقصود از راه های آهن اعم از آن است که از بخار یا قوه دیگر حرکت کنند، که همه اقسام آن در ضمن این قرار است. و راه‌های تراموه که با اسب کشیده می‌شود از این قرار

خارج است ولی فقط در شهرها و جاهای نزدیک به شهرها است و راه آهن از تهران به شمیران، که بیلاق بندگان اعلیحضرت اقدس همایون است و منتهای دوری آنها از تهران دو فرسخ است. از این قرار و تمهد خارج است و بعد از امضای این قرار داد. دیگر آن نوشته مورخه شهر رجب ۱۳۰۶، هر قدری که متعلق به راههای آهن است از درجه اعتبار ساقط است.

این قرار نامه در دو نسخه در تهران به مهر و امضا رسیده.

فی ۲۷ ربیع الاول ۱۳۰۸

به حکم محکم همایون بندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری خلدالله ملکه این پروتکل تحریر و امضا<sup>۱۱</sup> شد.

دستخط :

این قرار نامه که به مهر جنابان امین السلطان وزیر اعظم و مسیو بوتسف وزیر مختار دولت روسیه بسته و امضا شده است و خلاف نخواهد داشت. پارس نیل ۱۳۰۸ [۱]

[ متن دستخط روی پاکت ] :

دو رأس گاو از روسیه آورده اند، نوشته جوف پاکت راجع است به آن فقره شخصی از اهل روسیه دو رأس گاو پیشکش خاک پای مبارک کرده است. عریضه به خط روسی بدون پاکت عرض کرده است. بدون پاکت است، جناب اجل آقای امین الملک داده اند، در جوف پاکت است.

به تاریخ شهر جمادی الاول ۱۳۰۸

سند شماره ۱۱۲

[ نامه کارگذاری مهام خارجه آذربایجان به احتمالاً وزیر خارجه و دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه ]

کارگذاری مهام خارجه آذربایجان

ماه ۱۵ جمادی الاولی

سنه ۱۳۰۸

خدایگانا

حاج میرزا احمد نام اصفهانی، از سه چهار سال قبل، اسم خود را باتومی گذاشته و بدین جهت، خود را باتومی قلمداده و چون باتوم به تصرف روس درآمده است، خود را به تبعیت روس داخل کرده [است].

جناب جلالت مآب معین الملک<sup>۱۲</sup> سفیر کبیر دولت علیه سوال و جوابهای طولانی، با وزیر مختار دولت علیه مقیم پترزبورغ و با سفیر کبیر دولت بهیه روسیه کرده، تا ایشان را متقاعد بر این نموده اند که حاجی میرزا احمد اصفهانی الاصل، تبعه ایران است.

حاج مشارالیه از اسلامبول به تبریز آمده، در اینجا نیز این خیال کج خود را تصحیح نکرده، مدتی معتمد السلطان ثقة الملک، با جنرال قونسول روس سوال و جواب آن را کرده اند. کار به همین منوال بوده.

یکی هم حاجی میرزا خباز نام، پسر آقا فتح الله مسگر خوبی است. که او هم خود را

۱۲ حاجی محسن خان معین الملک که از سال ۱۲۸۹ تا اواسط ۱۳۰۸ ه. ق سفیر کبیر ایران در اسلامبول

بود. رک. مهدی بامداد، همان، ج ۴، ص ۲۰۴-۲۱۲

قارصی قلمداد، چون قارص به تصرف روس درآمد، پاسپورت<sup>۱۰۰</sup> جعلی به دست آورده، خود را تبعه روس می‌دانسته. در این باب هم معتمدالسلطان ثقة‌الملک، سوال و جواب زیاد کردند.

چون این اوقات حاکم کل قفقاز به جنرال قونسول تبریز موکداً نوشته‌اند، هر کس از همان شهر که در دفتر نفوس آنجا اسمش ثبت است، تصدیق نامه رعیتی (سرتیفیکا)<sup>۱۰۱</sup> در دست نداشته باشد او را حمایت نکند، بدین سبب جنرال قونسول از حمایت بعضی اشخاص، در حالتی که پاسپورت صحیح در دست نداشته<sup>۱۰۲</sup> [و] مع هذا ادعای تبعیت روس را می‌کنند صرف نظر کرده، چندان پایی نیستند.

دو هفته قبل جنرال قونسول روس، برای تعیین تاجر باشی، تبعه دولت متبوعه خود را به جنرال قونسول‌گری دعوت کرده بودند. همین دو حاجی فوق‌الذکر هم در جزو تاجر روس به آنجا رفته بودند. مسیو بطروف جنرال قونسول، عذر آنها را خواسته و از مجلس بیرون کرده‌اند. که شما تبعه روس نیستید، زحمت کشیده بیرون بروید. به خفت تمام از مجلس بیرون رفته‌اند.

حالا عرض فدوی این است که به این جور مردمان شرارت پیشه، که بدون هیچ‌گونه سبب و جهت از دولت متبوعه خود روگردان شده، بواسطه اجرای پاره‌ای [خیالات شرارت و شیطنت آمیز، مامورین دولت را به زحمت سوال و جواب طولانی گرفتار می‌کنند، آیا گوشمال بسزا دادن، منافی عدل و انصاف خواهد بود و یا باید اغماض کرد. در اینجا چیزی به خاطر من رسید عرض می‌کنم. استپان نام قراچه داغی، پنجاه سال

۱۰۰ اصل: پاسپورت

۱۰۱ Certificat

۱۰۲ اصل: ندارد

قبل با یک تاجر گرجی به تفلیس رفته در مراجعت به ایران ارباب او پاسپورت تبعه روس برای استپان گرفته بود، بعد از آن که استپان به تبریز آمد و خودش حجره تجارت باز نمود، اینچکوف جنرال قونسول روس با او در سر مطلبی به مقام لجاج برآمده، خواست از تبریز به تفلیس بفرستد، آیت صاحب قونسول انگلیس حمایت کرد که تبعه ایران

کار در تهران به دو سفارت انگلیس و روس افتاد، سفارت روس که قبل از سفارت انگلیس، سبقت اظهار به مرحوم حاج میرزا آقاسی کرده بود، تصدیق تبعیت روس بودن استپان را از مرحوم حاجی گرفته به تبریز فرستاد. اینچکوف، استپان را محبوساً به قفقاز فرستاد، مدتی او را در آنجا حبس کردند، تا عبرت دیگران شد و حال این که استپان در تبعیت اصلی خود ماندن را می‌خواست که به آن مشقتها دچار شد. این بی غیرتها بدون این که از کسی و جایی ستم ببینند، تبدیل تبعیت را برای خود مایه افتخار می‌دانند.

الامرالاجل العالی مطاع

فدوی یوسف

[دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه سند]: محرمانه به امیرنظام بنویسید هر دو اینها

را گرفته، تحت الحفظ به تهران بفرستد.



## سند شماره ۱۱۳

## [موضوع قرار نامه تلگرافی بین ایران و روس]

در قرار نامه راجعه به مراودات تلگرافی فیما بین دولتین قوی شوکتین روس و ایران که در ۹ ماه ایپول<sup>۱</sup> سنه ۱۸۸۶ مطابق شوال سنه ۱۳۰۳ که به امضای وکلای دولتین معظمتین رسیده است، مقرر گردیده که آن قرار نامه به قوه و حالت اعتبار خود باقی خواهد بود. مادامی که قرارداد سنه ۱۸۸۵ کنفرانس تلگرافی انترناسیونال برلن منقضی نگردیده باشد و در قرار نامه مراودات تلگرافی منعقد در ۱۴ ماه مای<sup>۲</sup> سنه ۱۸۹۱، مطابق ۱۷ شوال سنه ۱۳۰۸، هم که به امضای وکلای دولتین قوی شوکتین روس و ایران رسیده، نیز مقرر گردیده است که قرار نامه ماه ایپول سنه ۱۸۸۶، مطابق شوال سنه ۱۳۰۳، باز به حالت اعتبار خود باقی خواهد بود، تا انقضای موعده قرار داد سنه ۱۸۹۰ کنفرانس تلگرافی پاریس.

این اوقات به ملاحظه آن که، موعده قرار داد کنفرانس پاریس در ۱۹ ماه یول روسی (غره ماه یول کاتولیکی) هذّه السنه ۱۸۹۷، منقضی و شروع به اجرای مقررات قرار نامه بوداپست که در سنه ۱۸۹۶، انعقاد یافته خواهد شد. و چون در قرار نامه بوداپست تغییری به تعرفه مطالب تلگرافی بین الدولتین قوی شوکتین داده نشده، امضاء کنندگان ذیل هر یک بر حسب دستورالعمل دولت متبوعه معظمه خود مقرر می دارند. که همان قرار نامه ۹ ماه ایپول سنه ۱۸۸۶، مطابق شوال سنه ۱۳۰۳، کماکان به قوه سابقه خود باقی باشد تا موعده قرار نامه سنه ۱۸۹۶ بوداپست بکلی منقضی گردد و برای استحکام

\* اصل : یول، ماه ایپول روسی برابر است با July انگلیسی و ژوئیه فرانسوی.

© May انگلیسی، مه فرانسوی

همین قرار نامه حاضره، امضا کنندگان ذیل این قرار نامه را در دو نسخه به امضا و مهر خود رسانیده اند.

## سند شماره ۱۱۴

### قرار نامه خط تلگراف میانه سرحد سرخس دولتین علیتین روس و ایران

چون اولیای دولتین علیتین، اعلیحضرت امپراطوری کل ممالک روسیه و اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه ایران، اراده نموده اند که سیم خط تلگراف ما بین سرحد دولتین را در میانه دو سرخس به یکدیگر متصل نمایند، لهذا امضا کنندگان ذیل قرار های آتیه را برقرار نموده اند.

## فصل اول

رشته خط تلگراف مابین دو سرخس به توسط اداره تلگرافی دولتین بهتین در میانه سرحد مزبور اتصال خواهد یافت، و در امتداد خاک ایران تا وسط هر پرود هر قدر ستون تلگرافی لازم باشد ایرانی و غیره، این ستونها ایرانی گذاشته خواهد شد.

## فصل دوم

مخابرات رسمی و غیر رسمی طرفین از خط سرحد مزبور مثل مخابرات سرحد جلفا و چکشلر مخابره خواهد شد.

## فصل سیم

حفظ و نگهداری و مرمت سیم در سرحد مزبور هر طرفی بر عهده اداره خود خواهد بود.

## فصل چهارم

قیمت<sup>۱۱</sup> مخابرات تلگرافی طرفین از سرحد سرخس مثل قیمتی خواهد بود که از سرحدات جلغا و چکشلر دریافت می‌شود، حق ایران از بابت قیمت مخابرات ترانزیت از سرحد سرخس به سرحد جلغا، یا از سرحد سرخس به سرحد چکشلر، هر بیست کلمه چهار فرانک خواهد بود.

## فصل پنجم

مخابره تلگرافی طرفین از سرحد سرخس، در تحت قواعد کلیه اصول تلگرافی که فیما بین دولتین علیتین معمول و مجری است خواهد بود.

## فصل ششم

این قراردادنامه از روز تاریخ امضای آن برای مدت سه سال منعقد می‌گردد، و پس از انقضای مدت سه سال اگر اولیای دولتین قوی شوکتین ایران و روس، بالاتفاق استقرار آن را مقتضی بدانند، یا تغییراتی که بعد لازم خواهد شد، امتداد خواهد یافت.

## فصل هفتم

تفریق حساب مخابرات تلگرافی طرفین از سرحد سرخس موافق معموله ادارتین روس و ایران خواهد بود.

## فصل هشتم

از وسط هریرود به این طرف یعنی در خاک ایران، هر قدر ستون تلگرافی لازم باشد، ستون ایرانی خواهد بود و نمره این ستونها ایرانی گذاشته خواهد شد.

تبرستان

www.tabarestan.info

## سند شماره ۱۱۵

## الحاق ماده‌ای به عهدنامه تلگرافی ایران و روس

## قریانت شوم

چندی قبل، عهد نامه سیم سرخس با سفارت روسیه مبادله شد و گذشت، بعد از آن جناب وزیر مختار روسیه، مراسله‌ای<sup>۱۲</sup> نوشته و صورتی فرستاد، که در فصل ششم قراردادنامه مزبور عبارت و مدلول فصل ۳۵ عهد نامه عمومی فرنگستان اضافه گردد. هر چند، این مسئله عمومی همیشه معمول بوده است و هست [و] فرقی نخواهد کرد. لکن چون سفارت معظم‌الیه، در این خصوص میل دارند، عیبی ندارد که آن عبارت هم نوشته شود.

مستدعی است به نوعی که مناسب می‌دانید، این فقره را هم مقرر فرمایید نوشته شود. زیاده عرضی نیست.

## سند شماره ۱۱۶

هو

فهرست عرض وزارت امور خارجه

در ماه جمادی الثانیه ۱۲۹۶ قرارنامه تلگرافی فیما بین جناب سپهسالار اعظم و سفارت روس، در باب سیم تلگرافی که از چکشلر تا استرآباد کشیده شده منعقد گردید. در فصل دهم قرارنامه مزبور قید شده است که اگر بعد از انقضای مدت قرارنامه، اولیای هر دو دولت، استقرار این قرارنامه را منقضی بدانند امتداد خواهد یافت.

این اوقات از سفارت روس مراسله ای نوشته، خواهش کرده اند قرارنامه مزبور تجدید بشود و لایحه قرارنامه جدید را نوشته، فرستاده اند، [که] ملغوف این فهرست عرض عیبدانه از عرض حضور مرحمت ظهور مبارک خواهد گذشت. همه فقرات آن با قرارنامه سابق مطابق است، مگر این که در این قرارنامه جدید تعیین مدت نکرده اند.

یکی دو دفعه در این باب گفتگو شده [است]، وزیر مختار روس می گوید دولت روس می خواهد خودش مستقیماً یک رشته سیم تلگراف برای ابلاغ مخابرات به اداره حریه واقع در آن طرف بحر خزر بکشد و بعد از کشیدن این رشته سیم از تلگراف مابین چکشلر و استرآباد مستغنی خواهد شد. چون معین نیست که تا چند وقت مخابرات تلگرافیه خود را به توسط سیم مابین چکشلر و استرآباد خواهند نمود. تعیین مدت هم لازم نخواهد بود.

به هر طور رای اصابت آرای اقدس همایون اعلی روحنا فداه اقتضا فرماید از آن قرار معمول خواهد شد.

الامر الاقدس الاعلی مطاع

[متن دستخط حاشیه سند]:

مجلس صلاح نمی داند بدون تعیین مدت قرارنامه نوشته شود، مدتی معین نمایید و اختیار جدیدی هم در قرارنامه به سفارت روس داده شود.

تبرستان

www.tabarestan.info

## سند شماره ۱۱۷

انامه احتمالاً وزیر خارجه به ناصرالدین شاه در ارتباط با سیم تلگراف و روسها و دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه]

قربان خاک پای جواهر آسای اقدس همایونت شوم

چند روز قبل ساعدالدوله حاکم استرآباد تلگراف کرده بود، که روسها می خواهند تلگراف چکشلر را تعمیر نمایند. سیصد و پنجاه تیر کوچک لازم دارند. چون قونسولگری روس خواهش کرده، قبول نمودم که تیر به آنها بدهم [ولی] سایر مصارف به عهده خودشان باشد. چاکر فدوی به میرزا جوادخان کارگزار خارجه آنجا تلگراف رمز نمود، که بر حسب قرار نامه تلگرافی که فیما بین دولت ایران و روس مبادله شده، مقرر است بعد از انقضای یک سال، سیم تلگراف چکشلر به دولت علیه واگذار شود و حالا سیم مزبور تعلق به این دولت دارد. با این حالت روسها چه طور می خواهند تعمیر نمایند، جهت را معلوم کرده اطلاع بدهد. جوابی از او حالا رسیده است که در ضمن این عریضه چاکرانه از عرض پیشگاه مقدس همایونی روحنا فداه خواهد گذشت.

تلگراف ساعد الدوله و تلگراف رمزی را هم که چاکر فدوی به کارگزار نموده در این فقره به خاک پای مبارک تقدیم می نماید. و به هر طور امر و مقرر شود معمول خواهد

شد.

امرالقدس الرفع الاعلی مطاع مطاع

[دستخط ناصرالدین شاه در حاشیه]:

سیم که مال شما شده است، دیگر مداخله روس‌ها ضرر دارد. برای عمل  
پولیتیکی آن زمین‌ها البته نگذارید. مداخله غیر حقه بکنند. هر تعمیری  
لازم باشد، خود حاکم استرآباد چشمش کور شود بکنند، آن وقت با  
تلگرافها، به نایب السلطنه اطلاع بدهند هر حکمی که لازم است زود  
بفرستد.

سند شماره ۱۱۸

[نامه فرمانده بریگاد سواره قزاق به وزیر جنگ]

اداره بریگاد سواره قزاق

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

به تاریخ یوم شنبه ۱۰ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۱۱

تهران

حضور مبارک حضرت مستطاب اسعد امجد اشرف ارفع والا

شاهنشاه زاده اعظم آقای نایب السلطنه امیر کبیر و وزیر جنگ روحی فداه

معروض می‌دارد:

موافق قرار داد منعقد که مابین وزارت امور خارجه و وزیر مختار دولت بهیه روس  
معمول است، که هر کلنل که مامور فرماندهی بریگاد سواره قزاق اعلیحضرت اقدس  
همایونی می‌شود، چه در وقت آمدن و چه رفتن، یک صد عدد امپریال<sup>۱</sup> به جهت مخارج  
راه به او مرحمت می‌شود.

حالا کلنل شنه‌اور که حاضر است و مدت ماموریت او تمام گردیده، استدعا از حضور  
مبارک می‌نماید، که یک صد عدد امپریال مخارج راه او را مرحمت فرمایید که معطل  
نکرده به روسیه مراجعت نماید.

امر مبارک مطاع

فرمانده موقتی بریگاد سواره قزاق  
اعلیحضرت شاهنشاهی کاپتین بلیگارد  
capitaine de Bellegard

[متن پشت سند]:

اولیای دولت علیه ایران متعهد می شوند که بعد از انقضای مدت سه سال، این قرارنامه که در این مدت این قرارنامه حالیه استقرار دارد، بجهت مراجعت نمودن پولکونیک کوزمین قراوایف و همچنین سایر صاحب منصبان و ادبادتیکان<sup>۱</sup> روس معادل مبلغی که در فصل چهارم ذکر شده به عنوان خرج راه به ایشان بدهند، و در صورتی که به میل و رضای اولیا دولت اعلیحضرت اقدس همایونی قبل از انقضای مدت سه سال قرارنامه حاضره منسوخ [شود]، باید اولیای معظم الیه همین تنخواه را به مشارالیه عاید دارند.

<sup>۱</sup> کلمه «ادبادتیکان» که به نظر می رسد یک درجه نظامی از صاحب منصبان جزء باشد شناخته نشد و با احتمال خوانده شد.

سند شماره ۱۱۹

اعلان

بانک استقراضی رهنی ایران به قاطبه اهالی تهران

محترماً اعلان می دهد، محض آسایش حال فقرا و مستقرضین مستاصل هر کس از هر قبیل اسباب در بانک استقراضی به مبلغ یک تومان گرو بگذارد، بانک در هر ماه یک شاهی برای یک تومان تنزیل خواهد گرفت.

به تاریخ یوم دهم شهر جمادی الثانیه سنه ۱۳۱۱

سند شماره ۱۲۰

[نامه بانک استقراضی به صدراعظم «امین السلطان»]

بانک استقراضی رهنی ایران در تهران

به تاریخ غره شهر رجب سنه ۱۳۱۱

به شرف عرض حضور انور بندگان حضرت مستطاب

اشرف اجل اکرم اعظم صدارت عظمی روحی فداه می رساتند.

بانک استقراضی روس که در دارالخلافه تهران برای تسهیل امورات اهالی این

مملکت تشکیل یافته است، این اوقات محض آسایش و رفاهیت فقرای این شهر، که مراعات آنها به تمام ملل متمدنه لازم و واجب است، به اعلان مشروح مفصله که چاپ شده، از لحاظ انور اشرف خواهد گذشت، امیدوار است که بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف عالی روحی فداه هم این نیت حسنه بانک استقراضی را، که حقیقتاً خدمت به فقرا و مساکین ملت اسلام است، تنزیل یک تومان را در هر ماه یک شاهی خواهد گرفت، تصدیق فرموده، به اشخاص محتاج امر و مقرر خواهند فرمود، که در موقع احتیاج رجوع به بانک استقراضی نمایند. در انجام اظهارات آنها به طوری که اعلان شده است مساعدت و همراهی خواهد نمود. همواره آفتاب عظمت و اجلال از مطلع دولت بی‌زوال مستدام باد.

[نقش مهر پایین سند]: شامکاملسکی

رئیس بانک استقراضی

سند شماره ۱۲۱

[نامه رئیس بانک استقراضی به وزیر خارجه]

بانک استقراضی رهنی ایران در تهران

هو

خدمت جناب جلالت مآب، اجل اکرم افخم اعظم، آقای قوام الدوله وزیر

امور خارجه دام اقباله‌العالی

عرض می‌شود:

موافق شکایتی که به توسط سفارت فخریه امپراطوری روس در خصوص باز شدن دو کیسه مسکوکات، رهنی جناب آقا میرزا محمود مستوفی واصل گردیده، ما مطلب ذیل را برای استحضار وزارت جلیله خارجه عرض می‌نمایم.

موافق امتیاز و قانونی که بانک استقراضی رهنی ایران در دست دارد و اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه ایران آن را تصدیق و امضا نموده‌اند. بانک استقراضی محق است، که اسباب گروی هر کسی را که در مدت سه ماه پس از وعده از گرو بیرون نیامده و یا سند آن تجدید نشود با حراج به فروش برساند. لیکن ما در خصوص این سند هفت ماه تأمل نمودیم و به کزات و مزارت جناب آقا میرزا محمود را اطلاع دادیم، که از وعده سند مشارالیه گذشته، باید یا تجدید شود و یا از گرو بیرون آورد و بیشتر ما او را به این ملاحظه مخیر می‌نمودیم که مبادا مسکوکات مشارالیه به فروش رود و حق حراج بر عهده ایشان وارد بیاید.

لیکن مع‌هذا جناب ایشان همیشه اوقات به مسامحه و تعلل گذرانده‌اند، تا آن که اسباب مشارالیه داخل حراج گردید و معلوم است که هر اسبابی که داخل حراج شود تا

خریدارها آن را رویت نکنند، نخواهند خرید. پس ما دو کیسه مسکوکات را در حضور مشتریها و حاجی آخوند باز نموده و به معرض فروش درآوردیم، لیکن چون مشتری برای مسکوکات به مقداری که صاحب آن دو کیسه به بانک مقروض بود پیدا نشد، پس آن دو کیسه مخصوص بانک ماند و بعد مادر حضور مشتریها و حاجی آخوند، حراجی دو مرتبه با مهر بانک مهر نموده و در وقت خود تسلیم بانک شاهنشاهی نمودیم. زیاده جسارت است.

[ نقش مهر پایین سند ] : شامکاملسکی

رئیس بانک استقراضی

سند شماره ۱۲۲

[ نامه فرمانده بریگاد قزاق به وزیر جنگ ]

آدان بریگاد سواره قزاق

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

به تاریخ یوم دو شنبه ۲۲ شهر

ذیقعه الحرام سنه ۱۳۱۱ تهران

حضور مبارک حضرت مستطاب

اسعد امجد اشرف ارفع والا شاهنشاهزاده اعظم

آقای نایب السلطنه امیر کبیر و وزیر جنگ روحی فداه معروف می‌دارد

موافق قرارنامه منعقد، ما بین وزارت جلیله امور خارجه و سفارت دولت بهیه روس معمول و مقرر است که هر کلنل روسی که مامور می‌شود، برای فرماندهی بریگاد سواره قزاق، اعلیحضرت اقدس همایونی یک صد عدد امپریال به جهت مخارج آمدن و یک صد عدد به جهت رفتن مرحمت می‌شود. این جانب به سرخدمت و ماموریت خود حاضر شده‌ام. ایضاً برای سوزوفیسیه‌های روسی هم معمول و مطابق قرارنامه است که هر نفری برای رفتن بیست عدد و برای آمدن بیست عدد مرحمت می‌گردد. یک نفر از سوزوفیسیه کالاکف [نام] بعد از هفت سال خدمت مرخص می‌شود. یک نفر سوزوفیسیه هم عوض او آمده [است]. بجهت رفتن و آمدن این دو نفر سوزوفیسیه چهل عدد امپریال که هر نفری بیست عدد باشد، لازم است.

لهذا از حضور مبارک استدعا دارم که امر و مقرر شود یک صد و چهل عدد امپریال را بدهند تا پرات صادر شود، که قیمت او را موافق نرخ حالیه عاید دارند. چون لازم بود به حضور مبارک معروض داشت.

فرمانده بریگاد سواره قزاق اعلیحضرت همایونی \* کلنل کاساگوفسکی  
colonel kassagovsky

سند شماره ۱۲۳

[۱۳۱۲ هـ ق]

قرار نامه واگذاری اختیار جنگلهای دولت علیه ایران از استارا تا استرآباد اعم از گیلان و مازندران و تنکابن و کجور و استرآباد و سایر ولایات کائناتماکان از جانب اولیای دولت علیه ایران به تجارتخانه مسیوکوسیسی و توفیلاکتس تبعه دولت قوی شوکت روسیه

#### فصل اول:

دولت علیه ایران اختیار تمامی جنگلهای گیلان و مازندران و تنکابن و کجور و استرآباد و غیره از استارا تا استرآباد و بندر جز را به تجارتخانه کوسیسی و توفیلاکتس واگذار می نماید، در مدت پنج سال شمسی، که چوب شمشاد و گردو و غیره آنچه خواسته باشد قطع و به فرنگستان حمل نماید و باید زیاده از دوست و پنجاه هزار اصله از چوب شمشاد قطع نمایند.

#### فصل دوم:

بدون اجازه تجارتخانه مزبوره احدی حق ندارد که از جنگلهای مزبوره برای حمل به خارجه، از راه دریا یا خشکی هیچ رنگ چوبی را قطع نماید و همچنین احدی حق ندارد تخته یا زغال حمل به خارجه نماید.



## فصل سیم:

دیوان اعلیٰ قدغن سخت و ممانعت خواهد نمود، که احدی بدون اجازه تجارتخانه مزبوره، مداخله در جنگلها نکند و هرگاه احدی به غیر از گماشتگان کوسیسی و توفیلاکتس، چوبی یا تخته برای حمل به خارجه بریده باشند، دیوان اعلیٰ متعهد است که در هر نقطه از نقاط مزبوره، ضبط نموده، عین چوب یا تخته را تحویل گماشتگان کوسیسی و توفیلاکتس نماید. و همچنین به حکومتهای ولایات در تقویت تجارتخانه مزبوره در پیشرفت کار و حفظ حقوق آنها، تاکیدات و احکام لازمه صادر خواهند فرمود که تعدی به کارگزاران و عملجات تجارتخانه مزبوره وارد نیاید.

## فصل چهارم:

اولیای دولت علیه ایران، به تجارتخانه کوسیسی و توفیلاکتس حق می دهند، که جنگلهای مزبوره را کلاً و بعضاً به دیگری از تبعه دولت علیه ایران یا روسیه یا غیرهما، واگذار نماید. سواى چوبهای شمشاد، که مطابق فصل اول باید مخصوصاً در دست تجارتخانه مزبوره باشد و به دیگری واگذار ننماید.

## فصل پنجم:

اولیای دولت علیه ایران به تجارتخانه مزبوره وعده می دهند که بعد از انقضای مدت پنج سال، جنگلها را به تجارتخانه مزبوره، در صورتی که طالب باشد، در پنج سال دیگر به مبلغ معین و شروط همین قرار نامه واگذارند و اگر هم دیگری طالب شود و زیاده نماید، تجارتخانه کوسیسی و توفیلاکتس را مقدم بدانند و اگر تجارتخانه مزبوره طالب نشود و اولیای دولت علیه به کمپانی دیگر واگذار نماید، انبارها و خانه‌هایی که تجارتخانه مزبوره برای این کار ساخته و مهیا نموده، اولیای دولت علیه مساعدت خواهند نمود، که آن خانه‌ها و انبارها رابه آن مستاجر جدید به قیمت عادله به فروش برسانند.

## فصل ششم:

تجارتخانه کوسیسی و توفیلاکتس متعهد است که در مدت پنج سال مبلغ پنجاه و پنج هزار تومان پول سفید رایج ایران، در هر سالی یازده هزار تومان به دیوان اعلیٰ به دو قسط متساوی یکی در نیمه یا<sup>۱۰</sup> نوار که تقریباً هشتم دلو می شود و یکی در نیمه مای<sup>۱۱</sup> که تقریباً هشتم جوزا می شود، کارسازی نماید و بجز این وجه نباید دیوان اعلیٰ و حکومت‌ها به اسم گمرک و راهداری و اسامی دیگر وجهی از تجارتخانه مزبوره به جهت چوب آلات و ذغال، چه در ولایت و چه در وقت حمل به خارجه، چیزی مطالبه نمایند.

## فصل هفتم:

تجارتخانه مزبوره متعهد است که متعرض جنگلهای محل تفرج اعلیحضرت همایونی روحنا فداه نشود و از آنها چوب قطع ننماید. در تمام رودخانه چالوس از ابتدا تا انتها، هر دو طرف رودخانه [و] از اول کالیجرود الی آخر بحر رودبار که لب دریا است.

## فصل هشتم:

تجارتخانه مزبوره رعایت صاحبان املاک حول و حوش را، چنان که سابقاً می نموده خواهد نمود و در صورتی که صاحبان املاک بخواهند، نسبت به کارگزاران تجارتخانه مزبوره اجحاف و بی حسابی نمایند، اولیای دولت علیه متعهدند، که رفع اجحاف و تعدی آنها را بفرمایند.

\* ژانویه

## فصل نهم:

این قرار نامه از ۱۸ یانوار ۱۸۹۵، مطابق ۱۱ دلو یونت ثیل ۱۳۱۲، لغایت ۱۸ یانوار ۱۹۰۰ مطابق ۱۱ دلو تنکوزیل ۱۳۱۷ برقرار خواهد بود.

تحریراً.....\*

## سند شماره ۱۲۴

نامهٔ وزیر مختار\* ایران در پترزبورگ در مورد مذاکره با وزیر خارجه روسیه در باب تعیین سرحد مغان |

تبرستان  
نمبر ۱۳۵  
۴ ربیع الثانی ۱۳۱۳  
www.iranrestan.info

## قربان حضور مبارکت مردم

در باب تعیین حدود سرحدیه مغان، اقدامات خود را سابق به عرض حضور مرحمت ظهور مبارک رسانیده و معروض داشته بود که، وزارت خارجه روس در این باب از وزارت جنگ و وزارت داخله استحصال رأی نموده است. وزارت جنگ جواب مساعد داده و وزارت داخله تفصیلات را به فرمان‌فرمای قفقاز نوشته و رأی او را پرسیده بود. چون اغلب مطالب در قفقاز، خیلی به عهدهٔ تأخیر می‌ماند و جواب به موقع نمی‌رسد،

\* میرزا رضاخان (پرنس ارفع الدوله)، بعد از داشتن مناصب مختلفی در ایران و در روسیه از قبیل ژنرال قونسول مقیم تفلیس، مترجمی و نیابت سفارت. و مستشاری سفارت پترزبورگ، در سال ۱۳۱۲ به سمت وزیر مختار ایران در دربار دولت روسیه منصوب شد. در سال ۱۳۰۲ هـ. ق که سلیمان خان افشار صاحب اختیار برای تحدید حدود سرحدات خراسان مأمور شد میرزا رضاخان به همراه او به سمت مترجمی به آن حدود می‌رود و معروف است که این مأموریت برای او بی‌استفاده نبود و نیز معروف است که مأمورین ایران که عبارت از نامبرده و محمدصادق خان قاجار شامبیانی (امین نظام) بودند در این تحدید حدود در مقابل گرفتن پولی از روسها اراضی زیادی به موجب پروتکل ۱۸۸۶ م. (۱۳۰۲ هـ. ق) به روسیه واگذار نمودند. ر. ک. مهدی بامداد، همان، ج ۱، ص ۵۰۷ - ۵۱۲.

\* در سند بعد از تحریراً نوشتهٔ دیگری موجود نیست.

چاکر خواست هنوز که سؤال جواب خانه‌زاد با اعلیحضرت امپراطور که سابقاً به عرض حضور مبارک رسانیده بود، از یاد وزیر خارجه نرفته است، این کار را یک طرفی نماید. عالی‌جاه میرزا کریم ژون دولانک سفارت را به سمت مترجمی کمیسیون تحدید سرحد مغان به حکومت قفقاز معرفی کرده، از پترزبورغ به تعجیل فرستاد و نمره همان کاغذ وزارت داخله را نزد او فرستاده، دستورالعمل داد که پرود به دفترخانه فرمان‌فرمای قفقاز، خودش را به سمت مترجمی کمیسیون معرفی نموده و از طرف چاکر از مسیو ژابا، منشی مهمام خارجه قفقاز، خواهش نماید که زودتر جواب کاغذ وزارت داخله را، بفرستند، تا فصل پاییز نگذشته دولتین قوی شوکتین، وکلا به مغان فرستاده، این عمل را ختم نمایند.

اینک عین کاغذهای میرزا کریم را که در این خصوص نوشته است، لفاً محض استحضار خاطر مبارک تقدیم می‌نماید که ملاحظه فرمایند، تا چه پایه چاکر در این باب سعی و کوشش دارد.

دیروز بعد از زیارت احکام مطاعه مورخه ۱۹ شهر ربیع‌الاول بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف امجد اکرم افخم روحی فداء، به وزارت خارجه روس رفته اول با «مسیو شیشکین» که حالا در غیاب جناب وزیر خارجه کارهای وزارت مذکوره را اداره می‌نماید، ملاقات نموده و در ضمن مطالب دیگر اظهار داشت، که از جانب صدارت عظمی امروز به سفارت سنیه حکمی رسیده، که در خصوص تعیین کمیسیون سرحدی مغان، اقدامات لازمه از طرفین به عمل آورده شود، که تا پاییز نگذشته بلکه ان‌شاء‌الله کارهای آنجا تمام شود. مسیو شیشکین خودش چاکر را تا اطاق «کنت کامپیست» رئیس اداره شرقیه وزارت خارجه مشایعت نمود و خواهش کرد که قرار امورات را با او بدهد. زیرا که مشارالیه متصدی امورات متعلقه به مشرق زمین است. کنت کامپیست با کمال

احترام چاکر را پذیرفته و بعد از پذیرایی گفت جواب فرمان‌فرمای قفقاز رسید، نه از طرف وزارت جنگ و نه از طرف وزارت داخله مانعی به جهت تعیین حدود مغان نیست. فقط علت تأخیر این کار این است، که نه در وزارت داخله و نه در وزارت خارجه برای مخارج این کمیسیون پولی موجود<sup>۵</sup> نیست. چون در اول سال هیچ یک از این وزارت‌ها نمی‌دانستند که تعیین حدود خواهد بود، تا ملاحظه مخارج آن را در بودجه خود نمایند و گفت رسماً به شما خاطر جمعی می‌دهم، که به جهت تعیین حدود با کمال میل حاضر هستیم. لکن باید تا سال آینده صبر کرد، تا این که ملاحظه مخارج آن در بودجه آتیه یکی از این وزارت‌ها بشود. آن وقت به اتفاق سفارت سنیه دولت علیه ایران، موقع و نقطه ملاقات مأمورین دولتین معین می‌شود و ان‌شاء‌الله سال آینده این کار به انجام خواهد رسید.

حالا تا یک درجه می‌شود به بندگان حضرت مستطاب اجل اشرف امجد روحی فداء به موفقیت این مسئله تبریک گفت. عمده راضی کردن اولیای دولت روسیه بود به این مسئله.

تعیین مأمورین البته با دقت و فرصت به عمل می‌آید و این مسائل فوری نیست. مسئله تحدید حدود پامیر فیما بین روس و انگلیس دو سال مطرح مذاکره بود، تا این که امسال در این ماه به اتمام رسید و حالا زیاده بر این، امسال نباید در این فقره تجدید مطلب کرد. ان‌شاء‌الله یک ماه به آخر سال مانده با خود جناب وزیر خارجه و کنت کامپیست ملاقات کرده یادآوری خواهد نمود که مخارج تحدید حدود را در بودجه بیاورند.

<sup>۵</sup> اصل: پول موجودی

زیاده جسارت نمی‌ورزد.

الامرالاجل الاشرف الامجد روحی فداه مطاع

[نقش مهر] عبدهالراجی رضا [ارفع الدوله]

[متن دستخط پشت سند]: سفارت پطر، در تعیین حدود مغان بواسطه کمیسیون

طرفین.

## بخش دوم

### اسناد روابط ایران و روسیه

از سلطنت مظفرالدین شاه

تا سقوط قاجاریه

تاریخ اسناد (۱۳۱۶ - ۱۳۴۴ ه. ق)

تبرستان

www.tabarestan.info

تفکیک موضوعی اسناد  
بخش دوم

تبرستان  
موضوع  
www.tbrstan.info

شماره اسناد	موضوع
۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۶	۱- سرحدات
۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۷۳، ۱۷۷	۲- سران، کارگزاران و امور سیاسی دو کشور
۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۰	۳- مسائل اتباع دو کشور
۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۶۳	۴- قراردادها

## فهرست اسناد بخش دوم

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۱۲۵	بودجه سواره قزاق در ارتباط با مظفرالدین شاه و سفارت روس.	۲۹۷	س ۱۳۱۶/ک ۲/پ ۵
۱۲۶	توصیه وزیر مختار روس مبنی بر عزل کارگزار اردبیل بجهت حرکات منافی عهد مقدسه.	۲۹۸	س ۱۳۱۶/ک ۲/پ ۵
۱۲۷	ادعای وزیر مختار روس در لزوم پرداخت دستمزد نقاش نصریز ناصرالدین شاه بعد از مرگ وی.	۳۰۰	س ۱۳۱۶/ک ۲/پ ۵
۱۲۸	اعزام طبیبی از مجلس حفاظت الصحة بطرزبورگ جهت استکشافات طبی در سواحل دریای عمان و تقاضای همراهی دولت ایران با وی.	۳۰۱	س ۱۳۱۶/ک ۲/پ ۵
۱۲۹	تقاضای افزایش بودجه بریگاد قزاق از طرف وزیر مختار روس.	۳۰۲	س ۱۳۱۶/ک ۲/پ ۵
۱۳۰	سوزاندن درب خانه عمال روس در مشهد و اعتراض سفارت روس.	۳۰۳	س ۱۳۱۷/ک ۱۱/پ ۲
۱۳۱	توجیه موضوع فوق از طرف حاکم خراسان.	۳۰۴	س ۱۳۱۷/ک ۱۱/پ ۲
۱۳۲	افشنشاش در سرحد استرآباد و تأکید بر لزوم تقویت ساعدالدوله از طرف مظفرالدین شاه.	۳۰۷	س ۱۳۱۷/ک ۲/پ ۲۴
۱۳۳	قرارداد احداث راه ارابه رو از سرحد روسیه الی قزوین با بانک استقراضی.	۳۰۸	س ۱۳۱۰/ک ۲۲/پ ۳
۱۳۴	اعزام دوازده نفر سیاح از انجمن جغرافیایی بطرزبورگ به ایران برای بعضی تجربیات جغرافیایی.	۳۱۱	س ۱۳۲۱/ک ۲/پ ۱۱
۱۳۵	ابهام در مأموریت یک صد نفر سوار قزاق سرحدات خراسان.	۳۱۲	س ۱۳۲۴/ک ۱۸/پ ۵
۱۳۶	ورود قزاقان روسی به نهریز و سرحد آن حدود.	۳۱۴	س ۱۳۲۵/ک ۱۸/پ ۹

۱۴۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۷۲

۵- روابط تجاری و تجار

۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۵، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۱،

۶- قشون روس

۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳ (مسیرزا کوچک خان)، ۱۶۵ و ۱۶۶ (قشون روس و انگلیس).

۱۳۶ الی ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۶، ۱۵۷

۷- انقلاب مشروطه

۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۷

۸- حکومت شوروی

۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۶۶

۹- جنگ جهانی اول

۱۷۰، ۱۷۴، ۱۷۵

۱۰- صیادی و شیلات

شماره سند	موضوع سند	شماره محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۱۵۲	حکم غیابی محکمه حقوقی دیوانخانه بشابت نفلیس نسبت به آقای حاج امین‌الضرب در مورد موضوع فوق.	س ۱۳۳۳/ک ۲/پ ۱۱
۱۵۴	ادعای حاج امین‌الضرب منوط بر کذب اتهامات وارده به او و حراج چاه نفت ملکی وی در یادکویه بدون اطلاع وی.	س ۱۳۳۳/ک ۲/پ ۱۱
۱۵۵	اظهار سفارت روس مبنی بر لزوم رعایت ادب و احترام در ذکر اسم وزیر مختار در جرایم.	س ۱۳۳۳/ک ۲/پ ۱۲
۱۵۶	خوالدنته سفارت روس مبنی بر لزوم ادای توضیح در مورد مأموریت سردار بهادر از طرف وزارت خارجه.	س ۱۳۳۳/ک ۲/پ ۱۲
۱۵۷	پاسخ وزارت خارجه در مورد موضوع فوق.	س ۱۳۳۳/ک ۲/پ ۱۲
۱۵۸	لزوم ادای توضیح وزارت خارجه به فونسولگری روسیه در مورد مسافرت خارج حاج امین‌الضرب.	س ۱۳۳۳/ک ۲/پ ۱۱
۱۵۹	دستگیری اسرای آلمانی و اطریشی توسط سالدانهای روس در سبزوار.	س ۱۳۳۴/ک ۲۷/پ ۱۵
۱۶۰	دستگیری ۵۲ نفر مأمورین پلیس توسط قشون روس در بیجار.	س ۱۳۳۵/ک ۱۳/پ ۱۱
۱۶۱	ضبط اسلحه صاحب منصبان روس در سرخس.	س ۱۳۳۷/ک ۳۷/پ ۱۵
۱۶۲	رفوس مسائل دستورالعمل آقای مشاورالممالک جهت مذاکره با دولت شوروی، برای احضار نظامیان ولایات سرحدیه در ارتباط با میرزا کوچک‌خان و غیره.	س ۱۳۳۸/ک ۱۵/پ ۴۹
۱۶۳	موضوع دستورالعمل فوق در مورد مذاکره با حکومت جدید روسیه.	س ۱۳۳۸/ک ۱۵/پ ۴۹
۱۶۴	خرابی و غارت بیست و یک باب خانه اتباع ایران در بند هنگام زدوخورد دافستانها با قوای دنیکن و ادعای خسارت از طرف وزارت خارجه.	س ۱۳۳۸/ک ۱۵/پ ۴۹

شماره سند	موضوع سند	شماره محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۱۳۷	اظهار سفارت روس مبنی بر خطر کلی برای جان و مال اتباع روس در ارومیه.	س ۱۳۲۶/ک ۲/پ ۳۹
۱۳۸	پناهندگی میرزا محسن‌خان امین‌الدوله به سفارت روس.	س ۱۳۲۷/ک ۲/پ ۴۸
۱۳۹	متروک نمودن استعمال اجناس روسی از طرف اهالی گیلان و اعتراض سفارت روس در این رابطه.	س ۱۳۲۷/ک ۲/پ ۵۰
۱۴۰	توجیه مطلب فوق از طرف وزارت امور خارجه.	س ۱۳۲۷/ک ۲/پ ۵۰
۱۴۱	اعتراض سفارت روس به اتهامات وارده به لیاخوف در مطبوعات.	س ۱۳۲۸/ک ۲/پ ۳
۱۴۲	یادداشت سفارت روس مبنی بر ضرورت تکذیب خبر حمله نظامی روس در جرایم.	س ۱۳۲۸/ک ۲/پ ۳
۱۴۳	طلب تبعه روس از هارطون قهریانس متوفای تبعه ایران.	س ۱۳۲۸/ک ۲/پ ۳
۱۴۴	پاسخ سند شماره ۲۵۶ از طرف وزارت خارجه.	س ۱۳۲۸/ک ۲/پ ۳
۱۴۵	خروج تدریجی قشون روس از کشور و تکذیب خبر ورود پانصد نفر از این قشون به تبریز از طرف سفارت روس.	س ۱۳۳۰/ک ۲۴/پ ۱۷
۱۴۶	اشغال نقاط استراتژیکی شمال کشور توسط قشون روس علی‌رغم وعده خروج تدریجی نیروهای آنان.	س ۱۳۳۰/ک ۲۴/پ ۱۷
۱۴۷	اعتراض فونسولگری روس به عدم عودت دو قباله مربوط به خانه‌های ایشیای بانک استقراری از طرف وزارت امور خارجه.	س ۱۳۳۱/ک ۲/پ ۱۵
۱۴۸	درخواست سواد رقم عباس میرزا از طرف بانک استقراری در مورد طلب اتباع روس از اتباع ایران.	س ۱۳۳۱/ک ۲/پ ۱۵
۱۴۹	پاسخ درخواست فوق.	س ۱۳۳۱/ک ۲/پ ۱۵
۱۵۰	موضوع سند شماره ۲۶۲.	س ۱۳۳۱/ک ۲/پ ۱۵
۱۵۱	موضوع مستحفظین سفارت روس.	س ۱۳۳۲/ک ۲/پ ۱۵
۱۵۲	ادعای روسها مبنی بر طلب تاجر روسی از حاج امین‌الضرب.	س ۱۳۳۳/ک ۲/پ ۱۱

## اسناد بخش دوم

سند شماره ۱۲۵

[بودجه سواره قزاق در ارتباط با مظفرالدین شاه  
و سفارت روس]

[۲۲ صفر ۱۳۱۶ ق.ه]

مراسله جوابیه به سفارت روس

از مضمون مراسله محترمه آن جناب جلالت‌مآب، مورخه ۱۸ شهر صفر نمرة ۲۰ راجع به فقره بودجه سواره قزاق، دولت علیه ایران و مسئله رجوعات عمدتاً الامراء العظام پولکونیک فرمانده بریگاد، استحضار حاصل گردید و مراتب را به عرض حضور مراجع ظهور اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی دام سلطانه رسانید. امر و مقرر فرمودند. جواباً به اطلاع خاطر محترم آن جناب جلالت‌مآب برسانند. در باب بودجه سواره قزاق و ایصال حقوق آنها عنقریب قرار درستی داده می‌شود، که حقوق آنها کماکان به موقع و سهولت برسد. از بابت رجوعات پولکونیک نیز اگر چه اداره قزاق در معنی و فی الحقیقه در تحت ریاست و توجه خاص ملوکانه می‌باشد. ولی چون در امر کلیه قشون، با وضع سابق تغییراتی می‌شود و اولیای دولت مشغول اصلاح و ترتیبات آن هستند و دستورالعملهای لازمه نیز برای اجرای این مقصود، به نواب مستطاب اشرف والا امیرخان سردار معظم وزیر جنگ دامت شوکته داده شده، کلیه عمل قشون نباید، از اداره

شماره سند	موضوع سند	شماره صفحه کتاب	محل در آرشیو وزارت امور خارجه
۱۶۵	تکذیب خبر حمله نظامی روس توسط وزیر مختار، موضوع پذیرایی و احترام از وی، موضوع تخلیه ایران از قشون روس و انگلیس و غیره.	۳۵۴	س ۱۳۴۰/ک/۲/پ/۳۳
۱۶۶	پاسخ ریاست وزرا (سید ضیاءالدین طباطبایی) در مورد امور فوق.	۳۵۹	س ۱۳۴۰/ک/۲/پ/۳۳
۱۶۷	کسب تکلیف وزارت داخله از وزارت خارجه در مورد ورود یک عده آرتیست روسی به ایران.	۳۶۳	سازمان اسناد ملی ایران ۴۱۳۴ - آ ۲۲۲
۱۶۸	تأسیس کلوب و برپائی جشن روز اول انقلاب روسیه از طرف قونسول روس و نگرانی اولیای امور.	۳۶۲	۲۹۰۰۰۳۷۶۸
۱۶۹	تأکید وزارت خارجه دال بر نظارت پلیس بر کلوب روسها در تبریز.	۳۶۴	۲۹۰۰۰۰۲۰۰۹
۱۷۰	امور مربوط به لغو کاپیتولاسیون.	۳۶۵	۲۹۰۰۰۶۴۴۹
۱۷۱	نصب تلفن بی‌سیم برای مخابره با مسکو و برلن در فونسلگری شوروی در تبریز.	۳۶۶	۲۹۰۰۰۰۱۶۴
۱۷۲	دخالت فونسلگری شوروی در امور انتخاب نماینده ارمانه شهر تبریز.	۳۶۷	۲۹۰۰۰۲۲۳۱
۱۷۳	تقاضای وزیر مختار شوروی مبنی بر ابراز مساعدت با فونسل جدید کرمان در عرض راه بندرعباس به کرمان.	۳۶۸	۲۹۰۰۰۰۱۶۴
۱۷۴	موضوع قرارداد شیلات و صید ماهی.	۳۶۹	$\frac{۲۴۰}{۳۱۲/۵/۸۲}$
۱۷۵		۳۷۰	$\frac{۲۴۰}{۳۱۲/۵/۹۵}$
۱۷۶	درگیری طایفه علیانلو با بالشویکها در سرحد ارس.	۳۷۲	$\frac{۲۹۰}{۳/۲۷۰/۲}$
۱۷۷	شناسائی رضاخان پهلوی به ریاست موقت مملکت ایران از طرف شوروی.	۳۷۳	$\frac{۲۹۳}{۱۹/۱۷۴/۴}$



وزارت جنگ خارج باشد و تمام احکام نظامی خاصه، راجع به اداره قزاق را به نفس نفیس همایونی می‌فرماید. نهایت باید راپورت کلیه به توسط نواب مستطاب معظم، به عرض پیشگاه مقدس ملوکانه برسد.

در این موقع احترامات فایقه را تجدید می‌نماید. ۲۲ صفر

سند شماره ۱۲۶

[نامه وزیر مختار روس و توصیه عزل کارگزار اردبیل]

[۱۳۱۶ ق. ه]

جناب مستطاب، اجل اکرم ارفع

امجد الخیم دوستان استظهارا، مشفقاً، مکروماً، مهرباناً

از قراری که از جنرال قونسولگری روسیه مقیم آذربایجان راپورت داده شده کارگزار اردبیل میرزارضاخان منیف السلطنه، حرکات بی‌قاعده و منافی عهد مقدسه می‌نماید. مثلاً چهار نفر پسران حاجی فرج ایروانی را در روز نهم ربیع الاول که موافق رسوم عادیۀ آنجا از ریختن آب، فرار نموده [اند]، این فقره را اسباب کرده، آنها را زده و دکان آنها را غارت و بعد از آن که خیر به حکومت و کارگزار رسیده، پسران حاجی فرج را گرفته، محبوس و نود تومان حکومت و پنجاه تومان کارگزار از آنها گرفته، آگنت<sup>۱</sup> روسیه هم که خواهش رسیدگی کرده، مطلقاً گوش به حرف او نداده‌اند. نیز مهدی نام یهودی، از خلاف ادب طفلی، به داروغه شکایت و داروغه آدم فرستاده طفل را تنبیه کرده، کارگزار، یهودی را گرفته با پسرش محبوس و خانه او را هم غارت کرده‌اند، و آگنت روسیه که

استخلاص او را خواسته جواب داده که اگر او را رهاکنم اسباب شورش و غوغا می‌شود و همه یهودها را خواهند کشت. حال آن که یهودیان تبعه دولت علیه ایران را اطمینان و تأمین نموده.

لهمذا دوستدار جناب اجل عالی را، از این تفصیل مستحضر داشته و چون کارگزار مشارالیه به خلاف فصل هشتم عهدنامه مقدسه رفتار نموده، حقاً متمنی است که به موجب فصل نهم، بلادرنگ، کارگزار را معزول نموده، پس از آن قرار ترضیه پسران حاجی فرج و مهدی یهودی را بدهند. با انتظار حصول خیر از عزل کارگزار و قرار ترضیه آنها.

احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.

۲۱ جمادی‌الاولی ۱۳۱۶

[نقش مهر پشت سند]: وزیر مختار روس

سند شماره ۱۲۷

[نامه وزیر مختار روس در ارتباط با تصویر ناصرالدین شاه]

[۱۳ ربیع الاول ۱۳۱۶]

جناب مستطاب اجل اکرم

افخم دوستان استظهارا، مشفقاً، مکرمًا

از قراری که مسیو گرنخ زن تارسکی، مصور، ساکن ورشو<sup>۱</sup> به وزارت جلیله خارجه دولت قوی شوکت روسیه اظهار داشته، در سفر اخیر شاه شهید نورالله مضجعه به فرنگستان، تمثالی از خودشان به او فرمایش داده، و او در ماه یون<sup>۲</sup> سنه ۱۸۹۴، شمایل را تمام و با قاب بسیار ممتاز به ایران فرستاده، قبض میرزاسیدحسین خان رئیس پستخانه سرحد را هم تحصیل و به او اطلاع داده‌اند، که به توسط وزیر دربار تقدیم حضور شاه شهید مغفور شده، و قبل از واقعه شهادت شاه شهید، منتظر پنجاه هزار فرانک وجه مرحمتی درباره او، مقابل زحمت و خدمتی که نموده، بوده [است] و پس از شهادت شاه شهید به صدارت عظمی و سفارت دولت علیه ایران، مقیم پترزبورغ اظهار و از هیچ یک جوابی به مشارالیه نرسیده.

لهذا جناب مستطاب اجل عالی را از این تفصیل مستحضر داشته، متمنی است، اگر محتاج به استفساراتی از هر جا باشد بفرمایید و جوابی که موافق صواب باشد، مرقوم فرمایند، که به مشارالیه جواب داده شود. در این موقع احترامات فایقه را تجدید می‌نماید.

۱۳ ربیع الاول ۱۳۱۶

[نقش مهر پشت سند]: «گیرونویو»<sup>۳</sup> وزیر مختار تزار روس

\* اصل: و ارشاد

\* انگلیسی June \*

\*\*\* اصل: غیرونویو

سند شماره ۱۲۸

[نامه وزیر مختار روس]

[۹ جمادی الاول ۱۳۱۶]

جناب مستطاب اجل اکرم،

دوستان استظهارا، مشفقاً، مکرمًا، مهرباناً

از قراری که از وزارت جلیله دولت اعلیحضرت امپراطوری خبر رسیده، از جانب مجلس حافظالصحة پترزبورغ، «طیبی» «پاش کفسکی نام»، مأموریت یافته که در ولایات و آبادیهای واقعه در سواحل دریای عمان و آن حول و حوش، استکشافات طبی نماید.

لهذا از آن جناب مستطاب متمنی است، که به ولایات کنار بحر عمان و آن نواحی به هر کس لازم می‌دانند، احکام در مساعدت و همراهی با طیب مشارالیه در انجام مقصود و مأموریت او، به عمل آورده، لدی‌الضروره از او جانبداری نمایند و از صدور احکام مزبوره دوستدار را مستحضر و احترامات فایقه را قبول فرمایند.

فی ۱۹ جمادی‌الاولی ۱۳۱۶

[نقش مهر پشت سند]: «گیرونویو» وزیر مختار تزار روس

سند شماره ۱۲۹

[نامه وزیر مختار روس]

[۹ شهر صفر ۱۳۱۶]

جناب مستطاب اجل اکرم

ارفع الفخم دوستان استظهارا، مکرم، مهربانا

فرمانده کل قزاقان اعلیحضرت شهریاری را برتی به این مضمون به دوستدار داده: که تعویق قرارداد و وصول وجوهات بدجه\* بریگاد قزاق در هذه السنه به دلایل مفصله، زیاده بر این امکان نخواهد داشت.

اولاً: به جهت آن که اکنون موقع و مناسب خرید و تهیه علیق برای آنها است ثانیاً: بعد از دوازده روز قزاق باید به اردو بیاید و اوقات اردو موجب صاحب منصبان قزاق مضاعف و چند روز پیش از حرکت آنها از شهر باید به آنها برسد.

ثالثاً: از نهم یون (غره شهر صفر) بریگاد قزاق جیره یومیه و علیق و موجب ندارد و بریگاد چون ضمانت یعنی حواله و چک تا نوروز آتیه در دست ندارد، نمی تواند از بانک شاهنشاهی استقراض نماید. چنان که در فصل ۲۴ قرارنامه بریگاد در توضیح فصل ششم قرارداد که در ششم یون سنه ۱۸۹۵ میانه وزیر مختار سابق و اولیای دولت علیه منعقد شده است مقرر است.

دوستدار اینک برای استحضار خاطر اجل اکرم عالی، ترجمه ای ارسال و امیدوار است، زودتر دوستدار را از اقدامات حسنه و نتیجه حاصله آن مستحضر و احترامات فاتحه را قبول فرمایند.

فی ۹ شهر صفرالمظفر سنه ۱۳۱۶

[سجع مهر سند]: گیرونویو وزیر مختار تزار روس

\* منظور بودجه است که در سند به صورت فوق نوشته شده است.

سند شماره ۱۳۰

[اعتراض سفارت دولت روسیه]

[۴۵ جمادی الثانی ۱۳۱۷]

جناب مستطاب اجل اکرم

اشرف امجد ارفع اعظم، دوستان استظهارا، معظما

خاطر محترم اجل اشرف اعظم عالی، البته متذکر است که در سنه ماضیه اوپاش و اشرار، درب خانه جنرال قونسول و منشی باشی و تاجر باشی روس را، در مشهد مقدس سوزانده و چون اهتمام و سعی از طرف حکومت نشد، مرتکبین به دست نیامدند.

امسال باز مجدداً اقدام به این گونه حرکات وحشیانه نموده اند و یکی از مقصرین به دست آمده و دو نفر را هم نشان داده، ولی جای افسوس است که باز حکومت سختگیری و اهتمام نمی کند و با اظهارات کتبی و شفاهی جنرال قونسولگری مساهله می کند و شاید منتظر است که مقصرین را بستی و راه عذری برای خود تحصیل نمایند.

دیروز هم تلگرافاً خبر رسیده، که درب خانه یکی از تبعه معتبر روس را سوزانده اند. لهذا دوستدار خاطر محترم اجل اشرف اعظم عالی را، علی التفصیل به توسط جناب اجل اکرم، مشیرالدوله مستحضر داشته و اکنون مصرماً متمنی است که هرگونه اقدام و اهتمام که لازم می دانید مبذول فرمایید، که مقصرین تماماً به دست آمده، تنبیه سخت بشوند، و مجازات اعمال ناشایسته را ببینند. البته خاطر محترم اشرف اعظم ملتفت خواهد بود که این گونه سوء ادب و بی احترامی که به جنرال قونسولگری دولت قوی شوکت روسیه وارد آمد، البته بر اولیای دولت معظمه به نهایت ناگوار و محتمل است که اسباب کدورت و تقار غیرمترقی بشود.

با انتظار استحضار از اهتمامات مؤثره کافیه، احترامات فاتحه را تجدید و برقرار می دارد.

۲۵ جمادی الثانیه ۱۳۱۷

سند شماره ۱۳۱

## [ پاسخ رکن الدوله حاکم خراسان در ارتباط با سند قبلی ]

[ ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۱۷ ]

استخراج تلگراف رمز مشهد

خدمت حضرت مستطاب اجل اشرف

امجد اکرم الفخم آقای صدراعظم دامت شوکتہ

تلگراف رمز حضرت عالی که مراسله سفارت روس را عیناً مندرج بود وصول یافت و از تمام اوامر مقدسه همایونی ارواحنا فداه و فرمایشات مطاعه حضرت عالی مستحضر گردید.

با این که سفارت روس فقط<sup>۱</sup> — ادای مطلب و مقصد خود را داشته، باز در ذیل مراسله عرض کرده، که با اهمات ایالت، یک نفر دستگیر شده و در اخذ بقیه تکاهل می نمایم.

اما خاطر محترم عالی، تصور چنین مطلب را می فرمایند، که فرضاً این فقره اتفاقی بیفتد و بنده آنی از تفتیش و اخذ مرتکبین غفلت داشته باشد، هر گاه اقدامات سریعہ نمی شد، به موجب اظهار خود سفارت، این یک نفر هم گرفتار نمی شد، و حال آن که اشهدبالله، به نمک همایون ارواحنا فداه، اقدامات و مواظبتی که بنده شخصاً در این فقره نموده و می نمایم، هر گاه در قوه احدی باشد، آن یک دو فقره — که در — پیش آمد و آن طور اسباب زحمت شد، حاجی میرزا محمودخان بیگلریگی [را] که فی الحقیقه از بی مراقبتی او این سوانح حادث شده بود معزول نموده، قریب چهار ماه در ارک محبوس و — که به وسایل و وسایط — گمان این حرکت می رفت، دستگیر و متجاوز از شصت

<sup>۱</sup> در این سند خطوط تیره معتد که در فواصل متن به تناوب آمده است در اصل سند نیز چنین بوده است.

نفر در ارک محبوس و همه روزه مجالس عدیده در کارگزاری با کمال دقت با حضور اجزای جنرال قونسول روس — مختلفه و تحقیقات دقیقه، فوق تصور نموده، بعد از شش ماه سؤال و جواب، با تصدیق خود حضرات محقق شد، این حرکات را اکبر نام تبریزی، خرازی فروش، مرتکب بوده و متجاوز از یک سال است، که اکبر نام محبوس است.

فقط محض این که از روی حقیقت این کار معلوم بشود، بعد از — ترتیبات مختلفه برای تنظیم شهر داده، چنانچه در این مدت یک سال مطلقاً اثری از شتایع این اعمال بروز نکرده، و درب خانه های تمام اعضا و اجزای تبعه قونسولگری، پلیسهای مخفی و غیره در شب و روز گماشته، تا چند روز قبل که از قونسولگری مجدداً اظهار داشتند که درب خانه حاجی مجید قراباغی را شب سوزانده اند، فوراً در صدد تحقیق و کشف مجدد برآمده، معلوم شد سه نفر بوده [اند]:

یکی میرزا رحیم نام که از الواط معروف محله سراب و آن وقت به شدت مست بوده — در خانه حاجی که عبور می کردند — شش لوله خالی کرده و فقط آثار سیاهی در پای درب خانه حاجی مجید محسوس بوده و ابدأ علامت سوختگی در اینجا، مشهود نیست.

با این تفصیل فوراً جمعی از پلیس و قزاق و غیره را فرستاد که میرزارحیم را دستگیر نمایند، تا چند نفر را زخم دار نکرد و خود زخم نخورد گرفتاری دست نداد، آخر او را گرفته، الان در ارک محبوس و مشغول معالجه او هستند. یک نفر دیگر هم، مصطفی نام، که دستگیر شده و محبوس است، یکی دیگر هم که با او شریک بوده است، ان شاء الله تعالی این دو روزه حتماً دستگیر خواهند شد.

خانه حاجی محمدجعفر بادکوبه هم، که در آخر دالان بسیار تنگ و قریب همان منزل اکبر نام است، که سابق مرتکب بوده و محبوس است. همین قدر علامت سیاهی در پای درب منزل داشت. بعد از زحمت زیاد مکشوف شد، کار مادر همان اکبر بوده که به خیال رفع اتهام از پسر خود، این حرکت را نموده که او را خلاص نموده باشد. او هم دستگیر شده و باز هم به انواع تحقیقات مشغول و آنی غفلت ندارد.

خاطر محترم حضرت مستطاب عالی کاملاً تصور این مطلب را البته می فرماید که عوض — اگر بنده پانصد نفر پلیس برقرار نموده و درب خانه تمام تجار و اجزای خارجه که متجاوز پنج هزار خانه است قراول بگذارد — است که در تمام شب و روز ساعتی غفلت برای — حاصل نباشد، شهر بزرگ — در زیر دالان تنگ، من غیر ترتیب این طور وقایع احساس — بدون تحریک احدی حادث می شود و چقدر — طرف این است لازم است که — به دست بیاید.

عدهٔ مطلب مهم این است که جنرال قونسول روس در کمال سختی اصرار دارد که محرک این کار را ما می دانیم، کسی است که هم با ما غرض دارد، هم با شما بدخواه و بارقیب ما، هم خیال و صاحب — و مکننت است و قبایح اعمال او در — روس — و مشحون است — آنها این است که عرض شد، لیکن بنده تمام حواس خود را صرف این فقره دارم که به حول الله و قوته در نهایت بی غرضی محرک حقیقی این فقره را معلوم کنم.

بعضی نکات دقیقه، راجع به این مسئله را به جناب مستطاب اجل اکرم مشیرالدوله، وزیر خارجه دام اجلاله العالی زحمت می دهد. البته به عرض خواهد رسانید.

هر طور رأی محترم حضرت اجل عالی تصویب فرمود و حکم شد اطاعت می شود.

رکن الدوله ۲۹ جمادی الثانیه ۱۳۱۷

سند شماره ۱۳۲

[نامهٔ مظفرالدین شاه به صدر اعظم]

[۲۷ شعبان ۱۳۱۷]

جناب اشرف صدر اعظم

از مفهوم تلگرافات که تواتراً به عرض می رسد عمل استرآباد خالی از اغتشاش نیست، و هر چه خیال می شود، باز بهتر از ساعدالدوله<sup>۱</sup> سردار کسی به نظر نمی آید و از این که از خارج انگشت به امر و عمل آنجا می شود، مسلم است و جای شبهه در این مسئله نیست، باید از سردار تقویت نمود، و انگشت خارجیا را هم قطع کرد.

البته هر قدر ممکن است تنخواه تهیه کرده و هر چه زودتر به استرآباد برسانید که حرفهای او هم تمام شود و اکیداً نظم آن ولایت را خواست. آنجا سرحد است، نمی توان به مسامحه قایل شد. و تا ممکن است تقویت کرده، تا آن سرحدات را منظم نگاه دارد. ان شاء الله بعد از آن که از سفر فرنگستان مراجعت شد، هر قسم مقتضی است در عمل حکومت استرآباد خواهیم داد.

تلگرافات را هم لفاً ملاحظه خواهید نمود.

۲۷ شعبان ۱۳۱۷

۱ حبیب الله خان ساعدالدوله در سال ۱۲۹۸ ه. ق به حکومت استرآباد تعیین و تا سال ۱۳۰۳ حکومتش

در آنجا ادامه داشت. ر.ک. مهدی پامداد، همان، ج ۱، ص ۳۰۳ - ۳۰۶.

سند شماره ۱۳۳

### قرارداد احداث راه اراپه‌رو از سرحد روسیه الی قزوین با بانک استقراضی

[ ذیحجه ۱۳۱۹ ]

دولت علیّه ایران لازم دانسته که پای‌تخت خود که تهران است [را] متصل نماید، به یکی از منزلهای سرحدی، از راههای آهن دولت روسیه، به توسط راهی اراپه‌رو. بجهت این مقصود، امتیاز امتداد این راه اراپه‌رو را از سرحد روسیه، از راه تبریز الی قزوین را، به بانک استقراضی ایران داده به شروط ذیل:

**اول:** بانک استقراضی ایران این راه را یا خود ساخته و دایر می‌نماید یا محول می‌دارد، حقوق خود را، مبنی به این قرارداد موافق قانون روسیه، به انجمن سهامی و سهم این انجمن را تبعه دولت روسیه و دولت ایران می‌توانند خریداری نمایند فقط.

**دوم:** این راه به دو قسمت مقسم می‌شود:

اولاً: از سرحد روسیه الی تبریز

ثانیاً: از تبریز الی قزوین

بانک استقراضی قسمت اول را شروع به کار خواهد نمود، در مدت دو سال بعد از امضای این قرارنامه و حالت اراپه‌روی راه مزبور حاصل خواهد نمود، بعد از دادن اراضی لازمه به مدتی که زیاد از شش سال نباشد.

قسمت ثانی را بانک استقراضی نباید شروع به کار نماید، در مدت زیاده از چهار سال از امضای این قرارنامه گذشته، باید بعد از دادن اراضی لازمه، زیاده از شش سال طول نکشد، که حالت اراپه‌روی حاصل نماید.

**سیم:** این راه اراپه‌رو، در جاهای مقتضیه می‌تواند که شوسه باشد و سمت امتداد راه را باید بانک معین نماید، و عرض راه نباید کمتر باشد از دو سازهین و شصت صدم به عبارت آخر پنج متر و نیم.

**چهارم:** حکام ولایات و مباشرین و غیرهم مداخله در کار بانک راجع به دایر نمودن راه نخواهند داشت و اگر اختلافی حاصل شود فقط باید رجوع شود به حکومت مرکزی دولت علیّه ایران.

**پنجم:** دولت علیّه ایران به حکام و عمال محلی احکام خواهند داد، که مساعدت و همراهی به بانک در تحصیل مصالح، برای راه و اجیر نمودن عملجات و کرایه مال و تحصیل آذوقه و علیق و غیره بنمایند، که به قاعده و قیمت عادلانه باشد. بانک مختار خواهد بود که کارگزارها و عملجات اجیر نماید، از رعایای ایران و رعایای روس و رعایای سایرین.

**ششم:** عمل مطالبات و قتل و جنایات که در عرض این راه اتفاق افتد، قطع و فصل می‌شود، موافق عهود مقدسه که میانه دولتین روس و ایران منعقد است.

**هفتم:** [از] اراضی خالصه که در امتداد این راه واقع شود، مصالح از خاک و سنگ مجاناً به بانک داده می‌شود و [از] اراضی که اربابی علما و اعیان و غیرهما بوده باشد، داده می‌شود به بانک به قیمت عادلانه یا به طور اجاره.

عرض اراضی که راه در آن امتداد می‌شود، نباید کمتر از بیست سازهین یعنی چهل و دو متر و هفده صدم بوده باشد و در بعضی محلها به اقتضای ضرورت می‌شود این عرض زیاد باشد.

اراضی که متعلق به بانک شده یا به خریداری یا به اجاره، از همه قسم مالیات و عوارض دیوانی معاف خواهد بود.

بانک حق دارد که در اراضی مزبوره هر نوع عمارت بنا نماید و نیز خط سیم تلگراف برای ضرورت راه امتداد بدهد.

**هشتم:** هر دخل و منافعی که از امتداد این راه و اعمال راجعه به آن، به بانک عاید شود از مالیات و عوارض دیوانی معاف خواهد بود.

تمامی مصالح که به جهت بنا و تعمیر و دایر نمودن راه و اعمال راجعه به آن لازم می‌شود یا حمل و نقل می‌شود، از مالیات و عوارض و گمرک معاف خواهد بود.

**نهم:** امتیاز مخصوص به بانک داده می‌شود که معدن ذغال سنگ و نفت که در ده فرسخ

از دو طرف راه واقع باشد، متعلق به بانک باشد، اگر در املاک خالصه است مجاناً به بانک واگذار می‌شود و اگر از املاک ارباب‌بست، اعم از دایر و بایر با مالکین قرار آن را بانک می‌دهد.

به بانک اجازه داده می‌شود که از خط عمده راه به جایی که معدنی باشد خط راه کوچکی احداث نماید و تحصیل اراضی به همان طور خواهد بود که در فصل هفتم ذکر شده.

از تیر و چوب و هیزمی که به جهت راه لازم شود، بانک می‌تواند از جنگلهای اطراف بحر خزر یا جاهای دیگر نزدیک راه تحصیل نماید. اگر از خالصه است مجاناً و اگر از ارباب‌بست به شروطی که بانک به اتفاق مأموری از طرف دولت علیه ایران مقرر می‌دارند گرفته می‌شود.

دهم: مال‌التجاره روسیه که از این راه، داخل خاک ایران می‌شود، بعد از ادای گمرک در سرحد دیگر، از همه عوارض و گمرک در همه جا از خاک ایران معاف خواهد بود.

بنه و لوازم سفر که از این راه عبور می‌کند، از همه عوارض و گمرک معاف خواهد بود. دولت علیه ایران تمهید می‌شود که از این راه متعلقه به بانک، راهداری مطالبه نماید.

یازدهم: دولت علیه ایران تمهید می‌کند که در نقطه اتصال راه به سرحد روسیه، ایجاد گمرکخانه بنماید. ریاست این گمرکخانه با اولیای دولت علیه ایران خواهد بود، که اگر بخواهند به بانک واگذار می‌نمایند. مأمورین این گمرکخانه اگر از تبعه سایر دول باشند، باید با تصویب اولیای دولت روسیه بوده باشد.

دوازدهم: حق‌العبور و حق‌گذاشت و برداشت مال‌التجاره را در این راه متعلق به بانک، بجهت کالسکه و گاری و بارکش و مال‌التجاره و سایر مسافرن، بانک مقرر خواهد داشت و تمهید می‌کند از پست دولت علیه ایران نصف معمول سایر دریافت دارد.

سیزدهم: ایجاد این راه می‌شود به سرمایه و مخارج بانک، و دولت علیه ایران در ضرر او مسئول نخواهد بود.

این راه در مدت نود و نه سال متعلق به بانک خواهد بود و بعد از آن مجاناً و بلاعوض، مخصوص دولت علیه ایران خواهد شد.

چهاردهم: بانک تمهید می‌کند، که در سالهایی که منافع راه نسبت به مخارج از صدی پانزده زیادتر بوده باشد، نصف آن فاصل را به اعلیحضرت همایون بدهد.

پانزدهم: در صورت اختلاف در مفهوم عبارت روسی و ایرانی مفهوم عبارت روسی مقدم خواهد بود.

[این دستخط احتمالاً مظفرالدین شاه در حاشیه سند]: این قرارنامه صحیح است

در قصر گلستان ذی‌حجه ۱۳۱۹

سند شماره ۱۳۴

سواد کاغذ اتابک اعظم به امیر نظام

مورخه ۲۱ شهر صفر ۱۳۲۱

از سفارت دولت بهیمة روسیه این طور اشعار داشته‌اند که از انجمن جغرافیایی پترزبورگ در اواسط تابستان آینده هذه السنه توشقان‌نیل، ده دوازده نفر سیاح و مسافر برای بعضی تجربیات جغرافیایی و کلکسیون حیواناتی که شکار خواهند کرد، و به دست آوردن بعضی سنگهای مفیده و استعمال بارومتر و ترمومتر و تعیین اندازه عمق رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و برآورد سطح اراضی کردستان و عثمانی و برداشتن نقشه خطوط منقوشه و حجاری شده و جستجوی اسباب و آثار قدیمه در اراضی و کلیه کلکسیون آثار قدیمه و این قبیل کارهایی که راجع به علم جغرافیایی است به خاک ایران خواهند آمد، که پس از گردش در آذربایجان به کردستان و از آنجا به خاک عثمانی و

بغداد و حوالی قرات و کوشت<sup>۱</sup> و از آنجاها، به بندرعباس عزیمت نمایند. قبل از وقت خاطر جناب عالی را از مسافرت آنها مستحضر می‌دارد که به هر جا لازم بدانند در حوزه ایالتی آذربایجان توصیه مشارالیهم [و] تأکیدات لازمه بفرمایند که همه جا مراقبت آسایش و تسهیل عبور آنها بوده باشند.

اتابک اعظم

سند شماره ۱۳۵

[تلگراف آصف‌الدوله از مشهد به وزیر امور خارجه]

از مشهد به تهران

جواب ۱۴ دولتی

روز دوشنبه ۱۲ شعبان [۱۳۲۴ ه. ق.]

خدمت ذی‌شرافت جناب مستطاب اجل اکرم الفخم،

آقای علاء‌السلطنه<sup>۲</sup> وزیر امور خارجه دام‌آقباله‌العالی

در باب یکصد نفر سوار قزاق، که از رکاب مبارک مأمور قزاقینه سرحدات خراسان از تربت حیدریه و باخزر الی زورآباد شده‌اند، مرقوم فرموده‌اند، موافق تلگرافی که از سرحددار سیستان رسیده، معلوم نیست آنها به چه حکم در این نقاط توقف کرده‌اند. اصلاً مأموریت آنها را بنده هم مطلع نیستم، اما مقصود سرحددار سیستان این است که، این یک صد نفر سوار قزاق، حالا در این حدود افغانستان قزاقینه لازم نیست، به سیستان

۱ این دو محل شناخته نشد.

۲ میرزا محمد علی‌خان معین‌الوزاره «علاء‌السلطنه»

رفته در آنجا مشغول خدمت باشند.

البته سوار قزاق که تربیت شده‌اند در سرحد سیستان باشند، خیلی بهتر از سوار ولایتی است، خاصه این اوقات لازم است، یک دسته سوار منظم آنجا مأمور باشند.

آصف‌الدوله

[حاشیه]: این قزاق برای جلوگیری ناخوشی طاعون و عابرین که از سیستان به خراسان آمد و شد می‌نمایند مأمور شدند. جنابان مشارالسلطنه و مفتاح‌السلطنه مسبوق هستند تلگرافها و احکامی که صادر شده است، پیش آنها در دفتری مرجوع اگر بشود، معلوم خواهد شد، حالا اگر دیگر در آنجاها کاری ندارند پنجاه و سه نفر پست بدهند، باقی مراجعت نمایند. درست دقت بشود که از روی تحقیق هر چه باید بشود.



سند شماره ۱۳۶

[ ورود قزاقهای روسی به تبریز ]

[ ۱۳۲۵ ق. م ]

استخراج تلگراف رمز از تبریز

هو

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه

روز چهارشنبه سی و دو نفر قزاق روس وارد تبریز شده، در جنرال قونسولگری هستند، می‌گویند برای حفظ خط راه شوسه هم معدودی قزاق گذاشته‌اند. خبر صحیح هنوز نرسیده. از قراری که می‌گویند در سرحد نیز قزاق دارند و البته در صورت عدم اطلاع وزارت جلیله مذاکره این فقره و علت آمدن قزاق را تحقیق خواهند فرمود.

فدوی ناصرالوزاره

۲۸ ذیقعدہ ۱۳۲۵

سند شماره ۱۳۷

[ نامه سفیر روس ]

سفارت دولت امپراطوری روسیه

مقیم دربار ایران

مورخه فخره ربیع الثانی سنه ۱۳۲۶

هو

جناب مستطاب اجل اکرم

ارفع افخما، دوستان استظهارا، مشغقا، مکرم

از قرار اطلاعاتی که از ارومی به دوستدار رسیده وضع آنجا بقدری مغشوش و ناامن است که برای جان و مال اتباع روس متعلمین آن ولا، احتمال خطر کلی می‌رود. لهذا از جناب مستطاب اجل اکرم عالی، با کمال احترام خواهشمند است، دوستدار را مستحضر فرمایند، که برای استقرار نظم و حصول امنیت آنجا، به کدام فقره از قراردادهای مجلس شورای ملی ایران، تا بحال حقیقتاً اقدام شده و من بعد هم، چه اقدامات مؤثره مفیده خواهد شد. با انتظار جواب مساعد، احترامات فایقه را نیز تجدید می‌نماید.

امضا

سند شماره ۱۳۸  
[ نامه سفیر روس ]

سفارت دولت قوی شوکت امپراطوری روسیه  
مقیم دربار ایران  
مورخه ۱۳ شعبان ۱۳۲۷

یادداشت

جناب اجل حاج میرزا محسن خان<sup>\*</sup> امین الدوله، بواسطه عدم اطمینان از جان و مال خود، به سفارت سنیه آمده، پناهنده شده‌اند. بنابراین احتراماً از وزارت جلیله امور خارجه خواهشمند است، مقرر فرمایند از طرف اولیای دولت علیه تأمین نامه جانی و مالی و شرفی صادر و به سفارت سنیه ارسال دارند، که ایشان از این حیثیات مطمئن و آسوده بوده به منزل خود مراجعت نمایند. همچنین حکم لازم صادر شود، مجاهدینی که الان در پارک و منزل ایشان اقامت دارند، سریعاً از آنجا خارج شوند. جواب مساعد سریع را منتظر است.

سفارت روس

\* محسن امین الدوله پسر حاج میرزا علی خان امین الدوله که در ارتباط با روسها بود و در سال ۱۳۲۶ بعضی از زعمای مشروطه خواه به خانه او (پارک امین الدوله) پناهنده شدند ولی او پس از آن که سه نفر از آنان از جمله میرزا جهانگیرخان مدیر صوراسرافیل را فراری داد از ترس شاه به مأمورین قزاق اطلاع داد که پناهندگان را در خانه او دستگیر کنند. رک. مهدی پامداد، همان، ج ۳، ص ۱۹۷ - ۲۰۰. ولی سند فوق گویای آن است که خود نیز مدتی بعد به سفارت روس پناهنده شد.

سند شماره ۱۳۹

سفارت دولت قوی شوکت امپراطوری روسیه  
مقیم دربار ایران  
مورخه ۷ رجب ۱۳۲۷

یادداشت

از قراری که به اطلاع سفارت سنیه رسیده، اهالی گیلان بواسطه تحریک بعضی اشخاص اعلان نموده‌اند، که استعمال امتعه و مالالتجاره روس را متروک دارند. چون این ققره نسبت به یک دولت دوست همجواری ناروا و بکلی مخالف وداد و اتحاد دولتین قوی شوکتین است و به علاوه اظهار یک نوع عداوتی مخصوص می‌باشد. لهذا سفارت، احتراماً خواهشمند است، که اولیای دولت علیه ایران، برای اثبات دوستی خود و رفع علائم خصومت متصوره، مقرر فرمایند، عاجلاً و هر چه زودتر اقدامات لازمه به عمل آید، که اهالی گیلان سریعاً ترک این رفتار ناپسند خود را نموده و مسلک عداوت آمیز خود را تغییر بدهند.

زیاده با انتظار استحضار از نتیجه اقدامات چند زحمت‌افزا نمی‌شود.

[ مهر ] سفارت روس

امضا

سند شماره ۱۴۰

## سواد یادداشت [وزارت خارجه] به سفارت روس

وزارت امور خارجه

۸ شهر رجب ۱۳۲۷

یادداشت آن سفارت محترمه راجع به بعضی اعلانات غیرمطلوبه در گیلان واصل نایل احترام گردید. بطوری که آن سفارت محترمه مستحضر [است]، چند روز قبل تلگرافی مبنی بر نصایح به گیلان و سایر ولایات در باب حسن روابط دولتی قوی شوکتین ایران و روس شده و سواد رسمی آن تلگراف به جناب مسیو بارانفسکی مترجم اول سفارت، یوم پنجشنبه ۴ حضوراً داده شده است. اینک هم سفارت محترم را مسبق می‌دارد و مخصوصاً همین امروز تلگرافی، مؤید تلگراف سابق، به گیلان شد و وزارت خارجه مطمئن است، که عاجلاً حسن اثر بخشیده، سفارت محترمه از وصول آن قبیل اخبارات فراغت حاصل نمایند.

سند شماره ۱۴۱

سفارت دولت قوی شوکت امپراطوری روسیه

مقیم دربار ایران

مورخه ۱۶ ذیحجه ۱۳۲۷

## یادداشت

بطوری که معلوم گردیده، در روزنامه حبل‌المتین کلکته آرتیکلی<sup>۵</sup> درخصوص نسبتهایی به پولکونیک لیاخوف فرمانده سابق بریگاد قزاق همایونی، مبنی بر، راپورتهایی که به ریاست اداره نظامی قفقازیه پیشنهاد نموده، نوشته شده و عبارت راپورت‌های منسوب به پولکونیک را هم درج نموده‌اند، که بعد این فقره را در روزنامه شرق تهران هم نوشته و تکرار نموده‌اند، چون از طرف وزارت جلیله خارجه دولت اعلیحضرت امپراطوری، اصل نسخه راپورت پولکونیک مشارالیه را، با صورت راپورتی که در این روزنامه‌ها، ثبت نموده‌اند مقابله و معاینه کرده، و واضح شده است که صورت راپورت‌های مندرجه در حبل‌المتین موافق با اصل نبوده و به خیال خود نوشته بودند. لهذا سفارت سنیه احتراماً از وزارت جلیله خارجه دولت علیه ایران، خواهشمند است مقرر فرمایند در روزنامه‌جات محلّیه، آرتیکل و شایعه مزبوره را تکذیب نموده و مخصوصاً ذکر نمایند که اصل نسخه راپورت‌های پولکونیک لیاخوف، با آنچه در روزنامه حبل‌المتین نوشته شده، متفاوت و اینهایی که انتشار داده‌اند، بی‌اصل و معمولات است. زیاده زحمت افزا نمی‌شود

[مهر]: سفارت روس

امضا

## سند شماره ۱۴۲

سفارت دولت قوی شوکت امپراطوری روسیه  
مقیم دربار ایران  
مورخه ۱۸ رجب ۱۳۲۸

## یادداشت

سفارت با نهایت احترام زحمت‌افزا می‌گردد که در دوسه روز قبل لایحه‌ای از طرف هیأتی<sup>۱</sup> که خود را جمعیت اتفاق و ترقی می‌نامند، طبع و منتشر گردیده، و این طور درج کرده‌اند که در آخرین یادداشت استقلال شکنانه [ای که از دولت روس به وزارت امور خارجه ایران رسیده، که اگر تا سه روز بازار و دکاکین باز و علامت اغتشاش و هیجان مرتفع نگردد، برای حفظ منافع خود، و جلوگیری وقایع غیرمنتظره، متوسل به قوای نظامی شده، تأمین شهر تهران را به عهده می‌گیریم.

چون آن وزارت جلیله خارجه به خوبی می‌دانند که همچو یادداشتی از سفارت نوشته نشده و به آن وزارت محترمه ارسال نگردیده است، بنابراین با کمال توقیر، جداً خواهشمند است مقرر فرمایند، هر چه زودتر مندرجات این لایحه را که در تمام تهران، و بلکه در خارج هم منتشر گردیده، در جرأید پایتخت مثل شرق و استقلال ایران و مجلس تکذیب، و اشخاصی را که مرتکب جعل این مطلب و انتشار آن شده‌اند به مجازات قانونی برسانند.

زیاده زحمت‌افزا نمی‌شود

[مهر]: سفارت روس  
امضا

## سند شماره ۱۴۳

سفارت دولت قوی شوکت امپراطوری روسیه  
مقیم دربار ایران  
مورخه ۲۴ صفر ۱۳۲۸

## یادداشت

از قراری که آواتین اسپوف تبعه روس، از روسیه به شرح عریضه تظلم می‌نماید، مبلغ دوهزار منات به موجب چهار طغرا سند معتبری که قراراً در دفتر سفارت موجود است، از هارطون فقیریانس متوفای تبعه ایران، طلبکار است.

بنابراین سفارت احتراماً از آن وزارت جلیله خارجه خواهشمند است، مقرر فرمایند هر چه زودتر مبلغ مزبور را یا از ماترک متوفای مزبور یا از وراث او وصول و به توسط سفارت، به تبعه روس مشارالیه عاید دارند، که رفع شکایت او بشود.

زیاده زحمت‌افزا نمی‌شود

[مهر]: سفارت روس  
امضا

سند شماره ۱۴۴

[پاسخ سند شماره ۲۵۶]

وزارت امور خارجه

۴ شهر صفر ۱۳۲۸

یادداشت به سفارت روس

با نهایت احترام، به مقام جواب یادداشت مورخه ۱۷ ذیحجه ۱۳۲۷ مربوط به مندرجات حبل‌المتین کلکته، با کمال احترام زحمت‌افزاست که وزارت خارجه به مناسبت احترام خواهش آن سفارت محترمه مراتب را به وزارت معارف اشعار داشت، جواب داده‌اند که حبل‌المتین کلکته، از حوزه اختیار وزارت معارف خارج است، روزنامه شرق هم که بر سیل نقل اشعار کرده بود و چندیست تعطیل شده، اطلاعاً با کمال توقیر مزاحم گردید.

اسمعیل وزارت خارجه

سند شماره ۱۴۵

[نامه سفارت روس]

سفارت دولت علیه ایران در پترزبورغ

۱۴ شهر صفر ۱۳۳۰

وزارت جلیله امور خارجه

در باب قشون روس، در چندین مجلس با وزیر خارجه مذاکره کردم و آنچه در دولتخواهی و در انجام اوامر لازم دانستم مشروحاً بیان کرده و چنان که در تلگراف رمز عرض کرده‌ام، بحمدالله تعالی موفق شده‌ام، که دولت روس حاضر شده است هر قدر ممکن است، به مرور از هر نقطه مراجعت بدهد، تا همین که اعاده نظم شد، بکلی عودت بدهد.

از قرار تلگراف اخیر یک فوج از تبریز مراجعت داده، در صددند و بلکه شروع کرده‌اند، از قزوین هم حرکت بدهند، جناب وزیر خارجه می‌گفتند مخصوصاً خاطر نشان نمایند که جداً مساعدت و همراهی داشته و برای این که علایم آن هم در همه جا مشهود شود، با وجود این که غالب روزنامجات و بلکه افکار عامه برخلاف آن است، شروع کرده‌اند قشون خودشان را متدرجاً و متوالیاً بخواهند داشت، هم ورود پانصد نفر به قزوین را هم جداً تکذیب کردند.

[حاشیه]: اداره روس، جواب لازم بنویسید.

## سند شماره ۱۴۶

وزارت امور خارجه

اداره روس

به تاریخ ۱۵ ربیع الاول ۱۳۳۰

## به سفارت پترزبورگ

راپرت نمرة ۶۰۲ دایر به مذاکراتی که در باب خروج قشون روس از ایران نموده‌اید واصل شد.

از یک طرف آن قسم مواعید و اظهارات می‌نمایند و از طرف دیگر دستجات قشون خود را به اطراف فرستاده، و تمام نقاط استراتژیکی و نظامی شمالی را به وسیله قشون خود اشغال می‌نمایند.

اولیای دولت ایران در صورتی که با نیات صادقانه و قلب صاف، در صدد حفظ و برای انتظامات مملکتی، به استعانت دول دوست همجوار می‌باشند، دیگر این قبیل اقدامات چه معنی خواهد داشت.

واقعاً اگر دولت روس در خیال مساعدت با دولت ایران است، جا دارد که با نهایت بی‌طرفی و صدق نیت، همان طور که اولیای دولت علیه انتظار دارند، قشون خود را از ایران مراجعت داده و برای وقایت امنیت که همه وقت خروج قشون خود را منوط به آن می‌نمایند، از هیچ گونه مساعدت اولیای دولت علیه دریغ ننمایند.

به موجب راپرتهای جدیدی که از کارگزاری قزوین رسیده و مذاکراتی که نموده است، معلوم شد باز برخلاف انتظار در صدد ازدیاد قوای خود در قزوین هستند، در صورتی که در ضمن تلگراف رمز اطلاع داده بودید، که وعده خروج قشون و تخلیه قزوین را داده‌اند در حالی<sup>۱۰</sup> که با وزیر مختار روس مذاکره می‌شود جواب می‌دهند

همچو خبری نرسیده است.

در هر صورت در تأیید مذاکرات سابقه این مسئله مهم را همیشه در ضمن مذاکرات مطرح نموده و اقدامی که متضمن رجعت قشون باشد بفرمایید، تا از این راه فرصتی برای اولیای دولت حاصل شده و بتوانند به تنظیمات امور و استقرار امنیت موفق گردند. لزوماً این نکته را اخطار می‌نماید، که به واسطه حضور قشون روس در نقاط مختلفه، مفسدین جری و به پشت‌گرمی آنها انواع مخالفت می‌نمایند و هر وقت اولیای دولت می‌خواهند به قوای قهریه از آنها جلوگیری نمایند، به ملاحظه دخالت مأمورین روس و ظهور اختلاف تازه‌ای، مابین قشون روس و مأمورین نظامی ایران، احتراز می‌نمایند. چنانچه در ضمن راپرتهای کارگزاری خراسان ملاحظه خواهید فرمود این است که اولیای دولت ایران استقرار نظم و امنیت را، با وجود قشون روس در ایران محال و بلکه منافی مآل‌اندیشی دانسته، احتیاطاً از هر اقدامی در جلوگیری از مفسدین خودداری دارند، معلوم است، در صورتی که آنها در مقابل حرکات خود مخالفتی نبینند، روز به روز بر شرارت خود خواهند افزود. در این صورت باید لازمه اهتمام را در معاودت قشون روس از تمام نقاط ایران بفرمایید.

امضا

## سند شماره ۱۴۷

[ جنرال قونسولگری امپراطوری روسیه در تهران ]

مورخه ۲۵ شهر ربیع الاول سنه ۱۳۳۱

جناب مستطاب اجل امجد عالی،

دوستان استظهار، مشفق معظم مهربانا

احتراماً، خاطر مودت مظاهر جناب مستطاب اجل امجد عالی را مستحضر می سازد، که مورخه سیم ذی قعدة ۱۳۳۰، به موجب یادداشت نمرة ۳۸۲، یک طغرا قبالة خانة ایتیاهی بانک استقراضی ایران را از سیدمصطفی خان عون السلطنه و در بیست وهفتم صفر نیز، یک طغرا قبالة پارک مرحوم اتابک، ایتیاهی بانک استقراضی، به اداره محاکمات وزارت جلیله امور خارجه ایفاد گردیده، که موافق ترتیب معموله امضا نموده، عودت دهند. چندین مرتبه، از آن تاریخ تاکنون، تمنا شده است که قبالة مرسوله را عودت دهند، و در صورتی که مایل به امضا نیستند، عین قبالة را بدون امضا عودت دهند و برای استحضار جنرال قونسولگری معین و مرقوم فرمایند، که چه موانعی در نظر است، که قبالة قانونی املاک مزبور را از آن وزارت خانه محترمه تصدیق و امضا نمی فرمایند. تا بحال ابدأ جوابی در این باب نمی نویسند.

توقیراً، خواهشمند است، که در این خصوص، بذل توجهی فرموده، که هر چه زودتر تکلیف قبالات بانک استقراضی ایران معلوم شود. موقع را غنیمت شمرده احترامات فایقه را تجدید می نماید.

امضا

## سند شماره ۱۴۸

جنرال قونسولگری اعلیحضرت امپراطور

کل اممالک روسیه مقیم تهران

به تاریخ شهر جمادی الاول سنه ۱۳۳۱

مطابق آپریل ۱۹۱۳

یادداشت به اداره تحریرات روس وزارت جلیله امور خارجه

برحسب تقاضای بانک استقراضی ایران، از آن اداره محترمه خواهشمند است، سند مشهور به رقم عباس میرزا را درخصوص طلب اتباع روس از اتباع ایران، که ضبط دفتر اسناد آن وزارتخانه محترمه است، سوادى از آن به جنرال قونسولگری ارسال فرمایند که به بانک مزبور ارسال شود.

[ سجع مهر ]: جنرال قونسول اعلیحضرت امپراتوری روس

مقیم تهران

امضا

[ حاشیه ۱ ]: از قرار تحقیقاتی که کرده ام این سند در دفتر قدیم است و به صورت الملک سپردم نوشته را پیدا کند.

[ حاشیه ۲ ]: تحقیق شد، در دفتر چنین کاغذی نیست.

## سند شماره ۱۴۹

وزارت امور خارجه

اداره روس

به تاریخ ۲۶ جمادی الاولی ۱۳۳۱

از طرف اداره | روس | : یادداشت به جنرال قونسولگری محترم

دولت بهیه روس

در جواب یادداشت آن جنرال قونسولگری محترم، به نمرة ۲۱۵، درخصوص سند مشهور به رقم عباس میرزا، در باب طلب اتباع آن دولت بهیه از اتباع ایران، با کمال توقیر و احترام زحمت‌افزاست که تحقیق و جستجو شده و در دفتر همچو کاغذی نیست. اطلاعاً زحمت‌افزا گردید.

امضا

## سند شماره ۱۵۰

جنرال قونسولگری اعلیحضرت امپراطور

کل شمالک روسیه مقیم تهران

به تاریخ ۱۰ شهر جمادی الثانی ۱۳۳۱

مطابق ۱۹۱۳

یادداشت به اداره تحریرات روس

وزارت جلیله امور خارجه

جنرال قونسولگری امپراطوری، مورخه سیم ذیقعد ۱۳۳۰، قبالات خانه [ای] را که میرزا مصطفی خان عون السلطنه از صاحب اختیار ایشیاع نموده و به بانک استقراضی انتقال داده است و نیز در ۲۸ صفر ۱۳۳۱ قباله پارک مرحوم اتابک را که از طرف اردشیر مهربان تاجر پارسی، به بانک مزبور منتقل گشته. برای تصدیق و امضا به اداره محاکمات وزارت جلیله امور خارجه ارسال داشتند و آنچه تاکنون یقیناً در مقام اظهار برآمده، معلوم نیست به چه سبب این مدت را به عهده تعویق و تأخیر گذرانده‌اند. خواهشمند است هر چه زودتر اقدام در اتمام آن فرموده، به جنرال قونسولگری عودت دهند، که رفع شکایت دائمی بانک مزبور بشود. یا این که مانع از قبول تصدیق را مرقوم فرمایند که تکلیف به دست آید.

امضا

مهر قونسولگری



## سند شماره ۱۵۱

وزارت جنگ

۱۱ برج جوزا ۱۳۳۲ [قمری]

## وزارت جلیله امور خارجه

جنرال قونسولگری روس از سابق چهارده نفر قراول داشتند و همیشه از وزارت جنگ، معمولاً برای نه نفر آنها، در اول سال و چهارده نفر در شش ماهه آخر، از بابت ملبوس ورقه درخواست صادر می‌شد.

چندی پیش که قراولهای سفارت روس مرخص شده‌اند، ژنرال قونسولگری شانزده نفر بر قراولهای خود افزوده، برای سی نفر تقاضای ملبوس از وزارت جنگ نموده است. ضمناً هم به وزارت جنگ راپرت رسیده بود، که عده اضافه را می‌خواهند در خانه بعضی اشخاص مأمور قراولی بنمایند. برای تحقیق مطلب در تاریخ پنجم جوزا از وزارت جنگ به ژنرال قونسولگری نوشته‌اند، که عده قراول سی نفر نبوده، حالا اگر اضافه بر عده سابق لازم باشد، یا بخواهند برای قراولی نقاط متفرقه معین نمایند، لزوم آن را اطلاع بدهند. در جواب شرحی رسیده است، که عده قراول سی و یک نفر است. پانزده نفر متعلق به جنرال قونسولگری است و بقیه در بعضی از ادارات روسی و غیره مستخدم هستند.

سواد شرح مزبور را لفا ارسال داشت، ملاحظه خواهند فرمود.

اگر چه مکاتبه وزارت جنگ را در تحقیق عده نمی‌پسندم، ولی به این مشروحه جنرال قونسولگری، نیز لازم است جواب داده شود، سابقه مطلب و عده قراول به شرحی است

که عرض شده.

تمناً دارم، هر طور به این مراسم در باب عده اضافه قراول باید جواب داده شود، زودتر به وزارت جنگ مرقوم فرمایید، که از همان قرار جواب ژنرال قونسولگری را صادر

نمایند

امضا

[مهر] وزارت جنگ

[حاشیه ۱]: به عرض مقام معاونت کل برسانند.

[حاشیه ۲]: اداره روس

[حاشیه ۳]: در تهران ادارات روس جز سفارت و ژنرال قونسولگری و بانک که حق داشتن مستحفظ دارند، اداره دیگری در نظر نیست. مستحفظین سفارت و بانک از بریگاد قزاق داده می‌شود. برای ژنرال قونسولگری و اعضای آن هم بطوری که از سابق معمول بوده، چهارده نفر کافی است. نقاطی را که ژنرال قونسولگری در نظر گرفته خوب است معین نمایند، تا اگر توزیع قراول در آن نقاط تصدیق شود، وزارت جنگ در صدد تهیه لباس آنها برآید.

«در خاتمه این کاغذ خوب است اضافه شود، که اگر وزارت جنگ مایل است مکاتبه مستقیم با ژنرال قونسولگری داشته باشد، به عقیده وزارت خارجه باید این طور جواب نوشته شود»

## سند شماره ۱۵۲

سفارت دولت قوی شوکت  
امپراطوری روس در دربار ایران  
مورخه سلخ جمادی‌الثانیه ۱۳۳۳،  
نمره ۶۲

## یادداشت

سفارت اعلیحضرت امپراطوری، اینک برای وصول مبلغ سی هزار و سیصد و چهل و شش منات، هشتاد و شش کُپک<sup>۱</sup>، با تنزیل قانونی آن، طلب تجارتخانه آرزومانیانس، از آقای حاج امین‌الضرب، سواد ورقه اجرا را که از تجارتخانه مزبور فرستاده‌اند. لفاً به وزارت جلیله امور خارجه دولت اعلیحضرت شهریاری ارسال داشته، خواهشمند است مقرر فرمایند هر چه زودتر اقدامات لازمه در فصول آن به عمل آید. زیاده زحمت‌افزا نمی‌شود.

امضا

[ حاشیه | اداره روس و محاکمات

[ حاشیه | : به حاج امین‌الضرب کتباً اخطار گردید. ۷ رجب ۳۳

## سند شماره ۱۵۳

دارالترجمه وزارت امور خارجه  
ترجمه سواد ورقه اجرا  
نمره ۳۰، سال ۱۹۱۲

## ورقه اجرای نمره ۱۸۲۷۸

برحسب حکم اعلیحضرت امپراطوری در روز ۲۴ اپریل ۱۹۱۲، دیوانخانه شعبه اول محکمه حقوقی دیوانخانه بدایت تغلیس، در تحت ریاست امیریدونف و اعضای محکمه، سودار و مایقور و لاشچنگر به عرض حال تجارتخانه برادران بدل آرزومانیانس، نسبت به حاجی محمدحسن امین‌الضرب، به موجب قرض ذمه به مبلغ ۵۱۵۳۴ منات و یک کاپیک رسیدگی کرده و حکم غیابی ذیل صادر گردید:

مبلغ پنجاه هزار و یانصد و هفتاد و شش منات و هشتاد و شش کُپک (۵۰۵۷۶ / ۸۶) و در سال با صدی دوازده تنزیل، از ۳ اپریل ۱۹۱۲، تا روز پرداخت وجه به موجب سند ذمه مورخه ۲۱ اکتیابر ۱۹۱۰ از حاج محمدحسن امین‌الضرب تبعه دولت ایران، گرفته، باید به تجارتخانه برادران بدل آرزومانیانس، پرداخته شود. مبلغ یک هزار و ششصد و شصت و دو منات و هشتاد و یک کاپیک هم، مخارج محاکماتی و ثبت اسناد را از مدعی علیه گرفته به مدعی مسترد دارند.

این حکم با رعایت شرایطی که در ماده ۹۲۴ اصول قوانین محاکمات حقوقی، ذکر شده است می‌تواند بطور موقت به موقع اجرا گذارده شود.

اجرای این حکم نیز به موجب ماده ۷۳۶ اصول محاکمات حقوقی می‌باشد. در روز

۲۷ آوریل ۱۹۱۲ محکمه بدایت تفلیس به موجب حکم اعلیحضرت امپراطوری، به کلیه مأمورین و ادارات مقتضیه از قبیل پلیس و مأمورین نظامی و مأمورین اجرا امر داد که به موجب قانون در اجرای آن مساعدت بنمایند. و این ورقه اجرا بعد از تأدیه مخارج محاکماتی و ثبت اسناد به مسیو سانشیف وکیل تجارتخانه «فرزندان بدل آرزومانیانس» داده شود.

امضای معاون رئیس محکمه (م. پ) امضای محرر.

این ورقه اجرا برای تعیین مأمور به قاضی شعبه دویم صلحیه شهر تفلیس داده می شود. آوریل ۱۹۱۲ امضای رئیس محکمه امضای محرر اجرای این حکم به عهده مأمور اجرای شعبه ثالث محکمه صلحیه بادکوبه میسکا نوف محول می گردد.

۲۰۰۴ ۲۰۰۴ ۱۹۱۲ شهر بادکوبه نمره

امضای کفیل ریاست محکمه بدایت بادکوبه . امضای محرر

به تاریخ ۲۱ ایول<sup>۱۹۱۲</sup>، به موجب این ورقه اجرا، خسرو آرزومانیانس از طرف تجارتخانه بدل آرزومانیانس، اموال منقوله حاجی امین الضرب را به مبلغ ۲۰۳۳۰ منات، به مزایده گذارده و این ورقه اجرا به موجب خواهش خسرو آرزومانیانس به مشارالیه مسترد گردید.

امضای مأمور اجرا

تصدیق ناتور<sup>۱۹۱۲</sup> تفلیس بر صحت این سواد

محل امضای ناتورکارت ولوف

محل تمبر دولتی

تبرستان  
www.tabarestan.info

سند شماره ۱۵۴

[نامه حاجی امین الضرب به وزارت امور خارجه]

شهر رجب ۱۳۳۳

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت عظمة

تعلیق مطاعه نمره ۲۵۲۵ مورخه هفتم شهر حال زیارت شد، سواد یادداشت نمره ۶۲ سفارت دولت بهیه اعلیحضرت امپراطوری روس را، ارسال و مقرر فرموده بودید جواب عرض شود.

اینک به عرض می رسانم، که حقیر در سال ۱۹۱۱ و سال ۱۹۱۲ در بادکوبه و تفلیس نبوده ام. وکیل هم در آنجا نداشته ام، اخطاریه هم به حقیر نرسیده است و به هیچ وجه از این محاکمه مطلع و مسبوق نبودم.

در یک موقعی به بنده خبر رسید که چاه نفت<sup>۱۹۱۲</sup> ملکی حقیر را که قیمت آن خیلی

عالی و معتنا به است، در بادکوبه حراج<sup>۱۰</sup> کرده‌اند. در صدد تحقیق برآمدم. معلوم شد بطور خدعه عریضه به محاکم روسیه داده‌اند و به اشتباه حکمی صادر کرده‌اند و همان حکم مشتبه را مدرک قرار داده و چاه نفت ملکی حقیر را حراج کرده‌اند.

لهذا وکیل مخصوص معین نمودم، که به مقتضیات قانون، به مقامات لازمه عریضه بدهند و حقوق مغسوبه حقیر را با خسارات وارده درخواست کنند و برای ثبوت حقایق خود از وزارت جلیله امور خارجه تصدیق نامه گرفتم، که حقیر در سنوات مزبوره تهران بوده‌ام و ابداً به روسیه مسافرت نکرده‌ام.

آن تصدیق نامه را در قونسولخانه دولت بهیبه روس هم امضا نمودند، و نزد وکیل فرستادم. فعلاً هم وکیل حقیر مشغول محاکمه است و چندی قبل از این از اداره مدعی العمومی بادکوبه به توسط جنرال قونسولگری دولت بهیبه روسیه مقیم تهران از مدعی العموم وزارت خارجه تحقیقات مربوطه به این عمل را نموده بودند، که البته دوسیه آن در جنرال قونسولگری و در دفترخانه مدعی العموم وزارت خارجه مضبوط است.

در خاتمه تصریحاً عرض می‌نمایم، که بنده به هیچ وجه از این محاکمه اطلاع نداشته‌ام. کلیتاً از روی خدعه اقدام کرده‌اند و حکم به اشتباه صادر شده، چاه نفت ملکی خود و مبلغی خسارات وارده با عواید چاه نفت را مطالب هستم. زیاده عرض نیست.

الحاج محمدحسین امین‌الضرب

[ حاشیه ] : راجع به قرض ایشان به تجارتخانه آرزومانیانس است.

سند شماره ۱۵۵

[ از سفارت روسیه به وزارت خارجه ]

هو

[ سفارت امپراطوری روسیه در تهران ]

۲ ذیقعد ۱۳۴۳

فدایت شوم

پس از تقدیم مراتب ازادت صمیمانه، با نهایت احترام خاطر مکرمت مظاهر را مستحضر می‌دارد، که پاره‌ای از ارباب جراید در مقالات و مندرجات روزنامجات خود، هیچ رعایت احترام و ادب را در ذکر اسم جناب مستطاب اجل، سرکار وزیر مختار و سایرین نمی‌کنند و به طور تحقیر، نام می‌برند. مثلاً جریده بامداد روشن در نمره اخیرش در ذکر اسم وزیر مختارها فقط به نگارش «اتر»<sup>۱۱</sup> و «مارکینگ»<sup>۱۲</sup> اکتفا نموده است. در مندرجات جراید ابداً چیزی نمی‌گوییم، هر چه می‌خواهند بنویسند، ولی در ذکر اسامی لااقل نباید از طریق ادب خارج شوند. بدیهی است مقرر خواهید فرمود این نکته را به صاحبان جراید بفهمانند.

زیاده عرضی ندارد و تکریمات لایقه را صمیماً تقدیم می‌نماید.

امضا

[ پورینف ]

۱۰ اترن باخ وزیر مختار روسیه

۱۱ سرچارلز مارکینگ وزیر مختار بریتانیا

[ حاشیه ]: اداره روس جواب بنویسد و به وزارت علوم بنویسد.

سند شماره ۱۵۶

[ نامه سفارت روس به وزارت خارجه ]

[ سفارت امپراطوری روسیه در تهران ]

۲۳ ذیحجه ۱۳۳۳

فدایت شوم

خواهشمندم لطف فرموده، مرقوم فرمایید آقای سردار بهادر<sup>۱</sup> را برای چه کار مأمور اردبیل و خلخال نموده‌اند. بدیهی است پس از تحقیق مخلص را مستحضر خواهید فرمود.  
زیاده ایام الحال به کام باد.

امضا [ یورینف ]<sup>۲</sup>

[ حاشیه ]: جواب بدهید که به کلی این خبر خالی از حقیقت است.

۱ جعفر قلی خان سردار بهادر پسر بزرگ سردار اسعد از سران معروف اردوی مشروطه خواهان که برای سرکوبی اشراز اردبیل و اهر به ریاست اردوی سپاه نامزد گردید.  
۲ مسیو یورینف نایب و مترجم سفارت روس

سند شماره ۱۵۷

وزارت امور خارجه

اداره روس

۲۷ ذیحجه ۱۳۳۳

از طرف اداره [ روس ] به

مسیو یورینف نایب و مترجم سفارت روس

فدایت شوم

مرقومه محترمه در باب شهرت عزیمت آقای سردار بهادر به اردبیل، عجز وصول بخشید. این خبر بکلی بی‌ماخذ و اساس، و خالی از صحت است و ابدأ مشارالیه به مأموریت معین نشده، و به سمت اردبیل عزیمت نخواهند کرد.  
محض استحضار خاطر محترم عالی با نهایت توقیر و احترام جواباً به مقام مزاحمت برآمد.

امضا

## سند شماره ۱۵۸

جنرال قونسولگری اعلیحضرت امپراطوری

کل ممالک روسیه مقیم تهران

به تاریخ ۴ شهر ربیع الاول سنه ۱۳۳۴

مطابق ۲۸ دکابر ۱۹۱۵

فوری است

یادداشت به اداره تحریرات روس

وزارت جلیله امور خارجه

در تعقیب یادداشت خود، مورخه سیم دکابر نمرة ۹۴۶، راجع به مسافرت حاج محمدحسین امین‌الضرب به خاک خارجه، زحمت افزا شده، احتراماً خواهشمند است، بطوری که تقاضا شده، توضیحات لازمه در این باب مرسول بدارند.

امضا

[ سجع مهر ]: جنرال قونسول اعلیحضرت

امپراطوری روس مقیم تهران

## سند شماره ۱۵۹

کارگزاری مهام خارجه سبزوار

۹ شهر شعبان ۱۳۳۴

مقام منبع وزارت جلیله امور خارجه دامت شوکته

دیروز در وسط بازار، جمعی از سالداتها، دو نفر مسافر را که لباس گُردی پوشیده بودند، دستگیر نمودند و پس از تحقیقات اظهار داشتند، یک نفر آنها از اُسرای آلمانی و یک نفر دیگر اطریشی است، که از سرحد فراراً، به خاک ایران آمده و تا امروز در سبزوار توقیف [ هستند ]، محتمل است تحت الحفظ به روسیه عودتشان بدهند.

امضا

[ سجع مهر ]: کارگزاری سبزوار و نیشابور

## سند شماره ۱۶۰

سفارت دولت علیه

ایران در پترزبورگ

مورخه ۲۶ شهر جمادی الاخر ۱۳۳۵

## وزارت جلیله امور خارجه

چندی قبل، ویس قونسولگری دولت علیه در گنجه، تلگراف کرده بود که (۵۲) پنجاه و دو نفر مأمورین پلیس را در بیجار قشون روس دستگیر و به گنجه آورده‌اند. فدوی پس از اقدامات، بالاخره موفق به استخلاص آنها گردیده، همین چند روزه حکم استخلاص مشارالیه صادر و به ایران اعزام می‌شوند. ضمناً، در خاتمه استدها می‌کند مقرر فرمایند، صورتی از کلیه ایرانیانی که به خاک روسیه تبعید شده‌اند به این سفارت بفرستند [که] اقدام در استخلاص آنها نموده و آزادی همه یا هر کدام را ممکن شود تحصیل نماید.

امضا

[حاشیه ۱]: اداره محترم روس، به آقای انتظام‌الملک بدهید، مفاد آن را به روزنامه‌ها بدهند طبع نمایند. ۲۰ رجب ۳۵. نصرالدوله

[حاشیه ۲]: بدهید به اداره اطلاعات

[حاشیه ۳]: به جراید اطلاع داده شود.

## سند شماره ۱۶۱

سفارت دولت

قوی شوکت روسیه در ایران

مورخه ۲۰ شهر شوال ۱۳۳۷

## یادداشت

از قراری که از جنرال قونسولگری مشهد، تلگرافاً اطلاع می‌دهند، در سه هفته قبل، ۱۶ نفر صاحب منصب و کادت<sup>۱</sup> روس از طریق سرخس، از روسیه به مشهد وارد شده‌اند. مأمورین دولت علیه در سرخس، اسلحه آنها را ضبط و توقیف نموده‌اند. لهذا سفارت، با نهایت احترام از آن وزارت جلیله، خواهشمند است مقرر فرمایند، حکم لازم به عهده مأمورین دولت علیه، راجع به استرداد اسلحه مزبوره، به صاحبانش صادر گردد. متنی است چون اشخاص فوق‌الذکر که موقتاً حالیه در مشهد می‌باشند و به روسیه مراجعت خواهند نمود، حکم مزبور به وسیله تلگراف فوری صادر شود. زیاده زحمت افزا نمی‌شود.

امضا

[حاشیه]: اداره روس

اگر اشخاص با رضایت خاطر اسلحه خود را به گمرکخانه داده، وارد خاک ایران شده باشند، بدیهی است در موقع خروج از ایران حق دارند اسلحه

خود را موافق قبضی که در دست دارند مطالبه و مسترد دارند. به کارگزاری خراسان دستورالعمل بدهید، که در موقع خروج این مقوله اشخاص، اسلحه آنها را بدهند، به وزارت مالیه بنویسید که همین طور به رئیس گمرک سرحدات، دستورالعمل بدهند.

#### سند شماره ۱۶۲

وزارت امور خارجه

سواد تلگراف رمز به آقای مشاورالممالک

مورخه ۴ ذی‌قعدة ۱۳۳۸

رئوس مسائل دستورالعمل جناب مستطاب عالی، در مأموریت سفارت فوق‌العاده در نزد دولت سویتی روسیه از این قرار است:

اول: بواسطه این که در این اواخر نظامیان دولت سویتی روسیه به ریاست جماعتی از اهالی قفقاز بالشویک، با کشتیهای روس و مهمات جنگی به گیلان آمده، به ضدیت با دولت، با میرزا کوچک خان و جنگلیها متفق شده‌اند و همین طور هم، جماعتی به مشهد سرآمده نایب‌الحکومه بار فروش را گرفته، توقیف و آمده ساری را تصرف کردند، که شرح آن جداگانه برای اطلاع جناب عالی تلگراف می‌شود.

مذاکرات و اقدامات مجدانه در احضار نظامیانی که در ولایات سرحدیه ایران دارند، به

عمل آورده و اهتمام نمایید از هر نوع کمک مادی و معنوی با عناصر محلی ایران، که در سرحدات بر ضد دولت خود مشغول اقدامات و مخالفت می‌باشند، خودداری نموده و جلوگیری از عناصر غیرنظامی، که از روسیه به سرحدات ایران برای القای فساد و تحریک مردم می‌آیند، نموده و هیچ قسم کمک به آنها ننمایند.

دوم: طوری مذاکره و اهتمام فرمایید که از هر نوع تبلیغات، بالشویکها در ایران خودداری نمایند.

سوم: زمینه عقد عهدنامه مودت را، با رعایت مندرجات نوشتجاتی که در نقض عهدنامه ترکمان‌چای به سفارت ایران نوشته بودند و در تهران هم نماینده آنها همان وقت پیشنهاد کرده بود، مذاکره و تهیه نموده به دولت ایران پیشنهاد نمایند.

چهارم: برای افتتاح باب مراوده تجارتنی، مذاکرات مقدماتی نموده، طوری اهتمام نمایند که اساس آن بر مبنای محکمی گذاشته شود و مقصود از این ماده مبادله اجناس طرفین هم می‌باشد.

پنجم: راجع به افتتاح مراوده کتبی و تلگرافی مذاکره در قرارهای مفید فرمایید.

ششم: برای رفع اختلافات سرحدی، مذاکره نموده زمینه حاضر نمایید.

هفتم: ماده ۱۶ که کمیسرهای خارجه دولت سویتی (تروتسکی) و (چیچرین) راجع به حقوق ایران تصدیق کرده‌اند، قرار اجرای آنها را بدهید.

هشتم: نوشتجاتی که مابین سفارت ایران و تروتسکی مبادله شده و لازم است قبل از مذاکره به آنها رجوع نمایید و مسبق هستید که همه آنها نزد اسدخان یمین‌خاقان شارژدافر بوده و همراه خود به سوئد برده است، بخواهید و از مساعدتهایی که در آن نوشتجات رسماً وعده شده، استفاده فرمایید.

نهم: به حسن مذاکرات، توجهات دولت سویت روسیه را، در رعایت و حفظ مسلمانهای



روسیه و قفقاز، جلب نمایند که نظایر واقعه فاجعه‌ای که در گنجه نسبت به بی‌گناهان واقع شده، اتفاق نیفتد و در امنیت و آسایش باشند.  
سواد مطابق اصل است.

امضا و مهر وزارت خارجه

### سند شماره ۱۶۳

وزارت امور خارجه

اداره تحریرات روس

سواد دستورالعمل آقای مشاورالممالک<sup>۱۰</sup>

سفیر فوق‌العاده مسکو

مورخه ۱۷ ذیقعدہ ۱۳۳۸

در این موقع که آقای حمیدخان، نایب سفارت فوق‌العاده عازم است تلگراف مورخه

<sup>۱۰</sup> علیقلی خان انصاری مشاورالممالک پسر میرزا حسن خان نایب‌الوزاره و نوه حاج میرزا مسعود ایشلیکی گرمروزی انصاری وزیر امور خارجه محمد شاه قاجار و همان طور که در سند فوق مذکور است در سال ۱۳۳۸ قمری پس از سقوط و ثوق‌الدوله و روی کار آمدن حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، مشاورالممالک برای تنظیم قرارداد با دولت شوروی به مسکو اعزام شد و قراردادی تحت ۲۶ ماده باکمیسر (وزیر) امور خارجه آنجا امضا نمود. رک. مهدی بامداد، همان، ج ۲، ص ۲۵۹ - ۲۶۱.

۴ ذیقعدہ ۱۳۳۸ نمرة ۳۸۶ را توضیح و برای استحضار جناب مستطاب اجل عالی زحمت افزاست.

۱- اگر چه در ماده اول و دوم تلگراف فوق، مقصود اصلی اولیای علیه ذکر شده است، ولی در تبادل تلگرافات اخیر با مسیو چیچرین کمیسر خارجه حکومت سویت<sup>۱۱</sup> روسیه با این که خروج قشون روس را صریحاً قید کرده و عدم مداخله خود را اعلام می‌نماید، ولی در تلگراف اخیر که عین آن درج می‌شود ملاحظه می‌فرمایند، که نظریات حکومت مسکو، نسبت به متجاسرین و متمردین گیلان چیست، مطابق اطلاعات و مشاهدات فعلی اظهارات حکومت مسکو موافق واقع نیست، زیرا متمردین گیلان با کشتیهای روس یا کشتیهایی که ظاهراً از روسها خریداری کرده‌اند، به سایر بنادر ایران نیز حمله کرده و از ادوات ناریه که استعمال می‌نمایند، مسلم است که از منابع دیگری به آنها کمک می‌شود، البته تا این رویه تعقیب شود اولیای دولت علیه کمتر، به موقیبت کامل خود امیدوار خواهند بود.

بنابراین وزارت امور خارجه لازم می‌داند که جناب مستطاب اجل عالی با کمال دقت و وسایل ممکنه، مقاصد اصلی حکومت سویت را معلوم نموده، طوری آنها را متقاعد فرمایند، که شاید این رویه مشکوک را ترک کرده و با کمال صمیمیتی، که اولیای دولت علیه، در بروز موافقت و حسن یک جهتی و مودت و عقد قراردادهای جدید دارند، مساعدت [ت] فرمایند. که گذشته از این که دخول افراد نظامیان رسمی روس را به خاک ایران ممنوع دارند، هرگونه مساعدت و موافقت مادی و معنوی خود را نیز برله مخالفین حکومت مرکزی ایران، متروک نمایند.

اگر چه تلگراف مسطوره فوق حاکی از بی‌طرفی نسبت به متمردین گیلان و دربار تهران

<sup>۱۱</sup> Soviet اصل: ساوت، چون این کلمه به چند شکل نوشته شده بود، سویت برگزیده شد.

است، ولی لازم است، وضعیات این مملکت و عدم استعداد قبول انقلابات روسیه در ایران را، خاطر نشان نموده و تذکر دهید که استدامه این قبیل انقلابات و هرج و مرجها، مضر به حال طبقات کارگر و دهاقین ایران می باشد.

البته با صدماتی که ملت ایران از رژیم سابق متحمل شده و خساراتی که رعایای ایران در قشون کشی اخیر دیده اند، سزاوار نیست که آسایش فعلی آنها نیز در اثر این تحریکات مختل گردد و بالاخره دولت ایران انتظار دارد که در قرارداد ماده اول و دوم تلگراف نمرة ۳۸۶، به حکومت مسکو، موفقیت حاصل فرمایند، که صمیمانه به موقع اجرا گزارده شود.

۲) به موجب راپرتهایی که رسیده، چهارصد نفر از بلشویکهای Tsaritsin جزء قشون متمرّدین گیلان بوده اند، که اخیراً دوست نفر آنها به بادکوبه مراجعت کرده اند و همچنین معلوم گردید که کاپیتان Maounicoff که جزء قشون یازدهم است با قوای متمرّدین به ساری آمده بوده است.

۳) اگر چه خاطر محترم از جریان مکاتبات و مذاکرات آقای اسدخان یمین خاقان، در مسکو و مسیو براوین در تهران، کاملاً مستحضر است، ولی تذکراً زحمت می دهد که در زمینه عقد عهدنامه مؤدت با رعایت مندرجات نوشتجاتی که در نقض عهدنامه ترکمان جای به سفارت ایران نوشته بودند، در تهران هم مسیو براوین پیشنهاد کرده بود مذاکره و تهیه نموده و به دولت پیشنهاد نمایند.

۴) چنانچه در مواد ۷/۶/۵/۴/۳ تلگراف مذکور فوق ذکر شده است، برای افتتاح باب مرآوده تجارتی و پستی و تلگرافی، مذاکرات مقدماتی نموده، طوری امتحان نمایند که اساس آنها را بر مبنای محکمی گذارده «مقصود از اساس و مبانی محکم آن است [ که ] ترتیبی اتخاذ شود که در عوض مالالتجاره ایران، منات و بِن کاغذی ندهند، یا باید مالالتجاره با مالالتجاره معاوضه شود یا تقسیم دیگری که در ضمن مذاکرات معلوم

خواهد شد. و قراردادهای مفیدی منعقد فرمایند و بالاخره مواد ۱۶ گانه که کمیسرهای خارجه دولت سویت روسیه (تروتسکی و چیچرین) راجع به حقوق ایران تصدیق کرده اند و برای تذکر جناب مستطاب اجل عالی ذیلاً ذکر می شود تعقیب و قرار اجرای آنها را بفرهنگند:

۱ - جمیع قرضهایی که ایران به حکومت امپراطوری داشت، فسخ و باطل است.

۲ - روسیه از این به بعد هرگز حق نخواهد داشت در واردات ایران مانند عایدات گمرکات و تلگراف و پست و مالیات و غیره مداخله نماید.

۳ - بعد از آن که دریای خزر از کشتیهای راهزن حرص مملکت گیری انگلیس پاک شود برای کشتیرانی آزاد زیر بیرق ایران، اعلان خواهد شد.

۴ - حدود حکومت شوریه روسیه، با ایران به موجب رضایت و میل اهالی که در خطوط سرحدات نشمین دارند معین خواهد شد.

۵ - جمیع امتیازاتی که پیش از این چه به حکومت روسیه و چه به اشخاص سائره از تبعه روس، از طرف دولت ایران داده شده بود فسخ شده، از درجه اعتبار ساقط است.

۶ - بانک استقراضی ایران با تمام اراضی و املاک متعلق به آن، و تمامی شعبه های آن، که در ایران است، ملک طلق ملت آزاد ایران اعلان می شود.

۷ - خط سیم تلگراف مشهد سیستان و سیم تلگراف ناحیه استرآباد و راه شوسه انزلی و تهران و همه راههای شوسه که قشون روس در مدت اقامت آن در ایران، در زمان جنگ ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ ساخته است با جمیع آلات و متعلقات آنها و ایضاً بناهای بندرگاه در انزلی با جمیع متعلقات آنها

محطه‌های الکتریکی و ...<sup>۸</sup> و سدها و عمارات و مخلفات و غیره و همچنین راه آهن جلفا و تبریز و شعبه آن تا صوفیان با تمامی اشیای متعلقه به راه آهن و آلات و اسباب و ابنیه و عمارات و غیره، همچنین جمع پستخانه‌ها و تلگرافخانه‌ها و تلفن روس در ایران به تصرف و مالکیت مطلقه ایران و اهالی آزاد و مستقل ایران داده می‌شود، مشروط بر این که حقوق به مستخدمین و کارگزاران ادارات مذکوره فوق بدهند.

۸- اصول محاکمه در قونسول‌خانه‌ها که سابق معمول بود بالتام لغو و برطرف می‌شود.

۹- هیأت دینی و روحانی که در ارومیه تأسیس شده بود محو و برطرف می‌شود.

۱۰- روسهایی که در ایران ساکن هستند، هرگونه مالیات و رسومی که از اهالی مملکت ایران گرفته می‌شود، به همان اندازه باید بپردازند. در صورتی که این رسوم و مالیات از روی قانون وضع شده باشد و برای سد احتیاجات ملت تحصیل شود.

۱۱- حکومت روسیه حاضر است که به اتفاق حکومت ایران مسئله حق تملک روسها بر اراضی ایران و طریقه اجاره کردن و پرداختن مالیات و غیره را معاینه نماید و این مسئله را با حفظ منافع اهالی ایران و روس حل و تسویه نماید.

۱۲- سرحد روس و ایران، برای عبور و مرور مردم، به آزادی و حمل و نقل مال‌التجاره باز می‌شود. [و] به ایران اختیار داده می‌شود، هرگونه

مال‌التجاره را از هر کجا باشد، به عنوان ترانزیت از روسیه عبور بدهد.  
۱۳- حکومت شوریه روسیه، حاضر است که به اتفاق حکومت ایران، تعرفه‌های کرایه مال‌التجاره ایران که به توسط راه آهن و کشتی بخار و سایر وسایط حمل و نقل از ایران به روسیه آورده می‌شود تعدیل و اصلاح نماید.

۱۴- روسیه از هرگونه مداخله کردن به تشکیل قوای حریه در ایران دست می‌کشد.

۱۵- حکومت روسیه، در الغای ادارات کارگزاری، در ایران حرفی ندارد.

۱۶- به ایران حق داده می‌شود که در تمامی شهرهای روسیه شورویه و همچنین، در ترکستان و ولایت، ماورای، بحر خزر و در خاک بخارا و خیوه که با ما متحد هستند برای خود قونسول تعیین کند.

و نسبت به اختلافات سرحدی، مذاکره در زمینه حاضر نمایند که حقوق حقه دولت ایران مسترد گردد.»

۵) نظر به وضعیات فعلی قفقاز و توجه مسلمین آنجا به دولت علیه و مراجعه اهالی نخجوان و شرور و غیره با حسن مذاکرات، توجه اولیای دولت ساوت را در رعایت حفظ جان و مال مسلمین، جلب نماید، که نظایر واقعه گنجه که نسبت به بی‌گناهان واقع شد اتفاق نیفتد و جان و مال مسلمین آن حدود تأمین گردد.

۶) اقدام فرماید که مال‌التجاره اتباع ایران و کلیه اموال متعلقه به دولت و اتباع ایران، که در نقاط مختلفه از طرف اولیای حکومت روسیه ضبط یا توقیف گردیده عیناً یا قیمت آن، مسترد گردد.

۷) در صورت اظهار دلتنگی و گله از طرف حکومت ساوت نسبت به رفتاری که از طرف قشون سفید و صاحب منصبان روس، در ایران نسبت به مأمورین رسمی حکومت مسکو

شده است، البته کمال تأسف را اظهار فرموده و گوشزد نماید که این قبیل حرکات از مأمورین ضدانقلابی روس، که آن اوقات در ایران استعداد داشتند، واقع شده و دولت ایران مسئول وقایع اتفاقیه نبوده. چنانچه خود مسیو چیچرین در تلگراف خود این قضیه را تصدیق می‌نماید.

۸) چنانچه در تلگراف فوق نیز ذکر شده است. نوشتجاتی که مابین سفارت ایران و تروتسکی مبادله شده است و لازم است قبل از مذاکره به آنها رجوع نماید و مسبق هشتید که همه آنها نزد اسدخان شارژدافر بوده و همراه خود به سوئد یا پاریس برده است، بخواهید و از مساعدتهایی که در آن نوشتجات رسماً وعده شده است استفاده نمایید.

مقدم بر تمام مسائل افتتاح، باب مخابرات تلگرافی و پستی است، این یکی را بر سایرین مقدم خواهند داشت.

در خاتمه برای مزید بصیرت جناب مستطاب اجل عالی، سواد کلیه مکاتبات تروتسکی و مسیو براوین و تلگرافات اخیر که بین اولیای دولت علیه و حکومت مسکو مخابره شده است، لفاً ارسال گردید، که از جریان مذاکرات مستحضر بوده و در مواقع لازمه سابقه را از مد نظر گذرانیده و بتوانید با بصیرت کامل مقاصد اولیای دولت علیه را پیشرفت دهید.

محل امضای مشاورالسلطنه وزیر امور خارجه

محل مهر وزارت خارجه

سواد مطابق اصل است.

### سند شماره ۱۶۴

وزارت امور خارجه

اداره روسی

به تاریخ ۱۳۳۸ ۱ ع ۸

نوع مسوده: یادداشت به سفارس روس

از فراری که از دریند به وزارت امور خارجه اطلاع رسیده است، در موقع اغتشاش و زد و خورد، بین داغستانها و قوای دنیکن، بیست و یک باب خانه اتباع ایران، که بالغ بر یک میلیون منات ارزش داشته، به غارت رفته و چهل و چهار نفر ایرانی مقتول گردیده‌اند.<sup>۱۰</sup>

اذناً خاطر اولیای آن سفارت سنیه را، زحمت‌افزا می‌گردد، که وزارت امور خارجه هر گونه خسارتی که به اتباع ایران، از قبیل قتل و غارت و حرق و غیره در خاک روس وارد آید، مسئول آن را اولیای دولت بهیه و مسبب آن دانسته و جبران خسارت وارده و دیات مقتولین را در موقع خود مطالبه خواهد نمود.

در خاتمه از اولیای سفارت سنیه تقاضا می‌نماید به وسائل ممکنه موجبات آسایش اتباع غارت زده و خسارت دیده و بازماندگان مقتولین ایرانی را فراهم نمایند.

امضا

سند شماره ۱۶۵

## [تلگراف وزیر مختار روسیه به ریاست وزرا]

از شاهزاده به باغ

مقام منبع ریاست وزرای عظام دامت شوکت

مفهوم تلگراف مبارک نمرة ۱۰ را به وزیر مختار ابلاغ دادم، جواب شرحی به فدوی نوشته‌اند که ترجمه آن را ذیلاً به عرض مبارک می‌رسانم:

بعدالعنوان

از مضمون تلگراف آقای رئیس‌الوزرای ایران، که دیروز به عنوان شما رسیده و به من ابلاغ گردید، مطلع شدم، از اتفاقی که پیش آمده است در نهایت درجه متأسفم، ولی راجع به آن قسمت از تلگراف که سیاست دولت مرا متهم به عدم صمیمیت و عهدشکنی نموده‌اند مثل این است که گویا دولت من خیال حمله نظامی به مملکت ایران دارد. جداً پروتست<sup>۱</sup> می‌کنم.

البته آقای رئیس‌الوزرا بخوبی می‌دانند، اگر دولت روسیه خیال حمله به ایران داشت، دیگر لازم نبود با دولت ایران قرارداد صلح و مسالمت منعقد نموده، در صدد ایجاد روابط مودت و وداد برآمده، وزیر مختار به این مملکت گسیل داشته، بعد عهدشکنی نماید. خیلی ساده‌تر بود که یک کروارسه<sup>۲</sup> برای تسخیر تهران و سایر مراکز ایران اعزام می‌نمود.

<sup>۱</sup> Protest

<sup>۲</sup> این کلمه با احتمال خوانده شد، شاید منظور به طریق دسته، دسته‌ای (آلمانی) ChorWeise باشد، و در اینجا به معنی واحد نظامی نظیر لشکر

اما راجع به احترامات و پذیرایی، که در بین راه نسبت به این جانب به عمل آمده و می‌آید، بدیهی است که کاملاً متشکر بوده و مخصوصاً از اظهار مسرت، که در هر نقطه ملاحظه می‌کردم فوق‌العاده ممنون هستم، ولی ابداً مایل نیستم که این احترامات و پذیرایی را فقط مثل یک وثیقه، که در آتیه باعث دوستی ملیتی ایران و روس خواهد شد تلقی کرده و یا حمل به اظهار قدردانی از طرف ایران، در مقابل آن همه مساعدتهای مادی که دولت من به میل و رضا و رغبت خود در حق ملت ایران مرعی داشته بنمایم، زیرا برای دو ملت دوست، سزاوار نیست که راجع به روابط حسنه خودشان محاسبه تجارتی داشته باشند. اما اگر خواسته باشیم تفریق حساب بکنیم در این صورت تصور می‌کنم، دولت ایران باقی‌دار می‌باشد، نه دولت شوروی روسیه.

باری از مقصود دور نشده، می‌توانم به آقای رئیس‌الوزرا اطمینان بدهم، که این اتفاق نه فقط بدون اطلاع، بلکه برخلاف میل و نیت دولت من پیش آمده است، زیرا دولت شوروی روسیه بدون تزلزل و باکمال جدیت همان سیاستی را که در یادداشتهای خود به آقای مشاورالممالک، خاطر نشان کرده، مجری نموده و می‌نماید و این جانب بقدری که در بین راه امکان دارد، اقدامات سریع می‌نمایم، که از این اتفاق و اختلاف تأسفانگیز جلوگیری بشود.

ولی لازم می‌دانم اظهار نمایم مسئولیت این اتفاق، به خود دولت ایران وارد است، زیرا این جانب و دولت من نمی‌دانیم به چه جهت کمیسیون مختلط دو دولت که ایران و انگلیسها، برای اتخاذ ترتیب تخلیه هر دو فرونت تصویب نموده بودند تشکیل نشده، به قشون انگلیس اجازه داده شد، که بدون اطلاع و قرارداد لازم، با مخالفین خود عقب‌نشینی بکند.

به نظر شخصی مثل من که از مسائل و نکات نظامی اطلاع ندارم، ممکن است تخلیه فرونت به این ترتیب عملی باشد، ولی یک دولت ایرانی دارای خبره‌های نظامی و

متخصصین و حقوقدانهای بین‌المللی، البته باید بدانند که این گونه تخلیه فرونت از طرف یکی از مخالفین بدون تعیین شروط و قرار لازم با طرف دیگر، دچار اشکال می‌گردد، زیرا این ترتیب شبیه به عقب نشستن معمولی است، که طبعاً در این مواقع طرف دیگر می‌خواهد به قشون مخالف صدمه وارد نماید و در این صورت اشغال مواقع جنگی، توسط قشون ایران، اصل موضوع را تغییر نمی‌دهد، زیرا برعکس وقتی که قوه مسلحه ایران بدون قرار و شروط لازم و جلب رضایت قشون ما سنگرهای قشون انگلیس را اشغال می‌نماید، واضح است قشون ما تصور می‌کند که این یک گونه مساعدت و اتحاد نظامی است، که به این وسیله قوای ایران می‌خواهد عقب‌نشینی قشون انگلیس را در زیر بیرق خود محفوظ بدارد و این ترتیب از نقطه نظر نکات نظامی و حقوق بین‌المللی صورت صحیح نداشته، ممکن است از طرف مخالف حملات نظامی هم به عمل آید. چنان که در فوق اشاره شد، قسمت مسئولیت این اتفاق ناگوار راجع به خود دولت ایران است.

دولت من از این که قشون انگلیس بدون قرارداد و مذاکره با طرف مخالف می‌خواهند فرونت را تخلیه نماید در شگفت بود، زیرا دولت مزبور بجز تشکیل کمیسیون مختلط برای اتخاذ ترتیب معین جهت تخلیه هر دو فرونت گیلان شکل دیگری را تصور نمی‌کرد و این نظریه از تلگراف معاون کمیسر خارجه که از مسکو به نمایندگان این جانب که در بادکوبه هستند مخابره و به حکومت بادکوبه توسط نمایندگان مزبور توصیه می‌نماید که در موقع تخلیه فرونت گیلان، تصور هیچ گونه خطر نظامی نمی‌رود، زیرا پیشنهاد دولت روسیه راجع به تشکیل کمیسیون مختلط با شرکت انگلیسها در ایران از طرف دولت ایران و همچنین انگلیسها، پذیرفته شده است، بخوبی معلوم می‌شود.

چنان که ملاحظه می‌فرمایید معاون کمیسر خارجه که ترتیب دهنده قرارداد ایران و روس است، در چهارم آوریل سال جاری نظریات فوق را راجع به ترتیب تخلیه فرونتهای گیلان

چنین بیان می‌نماید، ولی دولت ایران بدون جلب رضایت طرف دیگر ترتیبی را که رضایت طرفین برای تخلیه هر دو فرونت داده شده بود، به هم زده اشتهاً اقدامی نموده که به آن واسطه، راجع به عقب‌نشینی و تخلیه فرونت از طرف قشون انگلیس و اشغال آن توسط قشون ایران، سوءظن طرف مخالف را فراهم کرده است.

هم متأسفانه در یک موقعی پیش آمده که مخالفین آذربایجان نسبت به سیاست دولت شوروی روسیه در حق ایران، وضعیت اخیر تهران را با اطمینان تلقی نکرده، مخصوصاً فراهم شدن وسایل حرکت مرا به ایران در مدت ۲۴ روز که در سرحد ایران منتظر بودم، بهانه قرار داده افکار را متزلزل می‌کردند، که روابط دولت ایران نسبت به دولت شوروی روسیه صمیمی نیست.

ولی با همه اینها چون این جانب کاملاً به صمیمیت دولت ایران مطمئن هستم، مسئله عدم تشکیل کمیسیون مختلط و اشغال مواقع جنگی بدون قرار و مذاکره را فقط یک سهو اتفاقی و بدون غرض می‌دانم. لهذا باز هم تکرار می‌کنم که برای رفع این قبیل اتفاقات و کلیتاً ختم مسئله گیلان، هر چه بتوانم اقدام کرده و خواهم کرد.

در بین راه و با ترتیب مسافرت که وسایل مهیا نیست، حل این مسئله البته آسان نمی‌باشد، ولی امیدواریم، که بعد از چند روز وارد تهران شده، بیش از این‌ها در این باب اقدام نمایم.

اما راجع به ترتیب پذیرایی و احترامات رسمی که مخصوص آقای رئیس‌الوزرا در تلگراف خودشان خاطر<sup>۹</sup> نشان می‌فرمایند، به این جانب حق می‌دهند، من بعد از قبول هر گونه پذیرایی و احترامات رسمی امتناع ورزیده مثل یک نفر مسافر ساده راه خود را پیش گرفته عازم تهران شوم.

چنانچه خود شما می‌دانید، این جانب تمایل به مراسم و احترامات رسمی ندارد. همیشه میل داشتم بدون این ترتیب مسافرت بکنم، ولی حالا از این حق خود صرف نظر کرده، نمی‌خواهم افکار ملیتی ایران و روس را پریشان نمایم، چه بدیهی است اگر یک مرتبه در رفتار و معاملات معموله نسبت به این جانب تغییری پیدا شود، باعث تزلزل خیال آنها خواهد شد. احترامات صمیمانه را تجدید می‌نماید.

امضا

روت‌شتاین

منتظر جواب فوری است

پنجم حمل

قدوی نادر آراسته

سند شماره ۱۶۶

[پاسخ تلگرافی ریاست وزرا به وزیر مختار روسیه از طریق نادر آراسته]

فوری حضوری

ریاست وزرا<sup>۱</sup>

یادداشت شب اول

برج نور تخاقوی نیل ۱۳۰۰

شاهزاده نادر میرزا<sup>۲</sup>

مراتب ذیل را به وزیر مختار محترم ابلاغ فرمایید:

تلگراف جنابعالی را با تعجب تمام تلقی کردم، زیرا صداقت گفتار اینجانب، برخلاف انتظارم اثر غیرمطلوبی بخشیده.

اولاً: یقین دارم که وزیر مختار محترم تصدیق می‌فرمایند که در زندگی بشر، اعمال از کلمات بیشتر تأثیر دارد و فقط اعمال است که حسن نیات اشخاص، یا دول را اثبات می‌کند.

صمیمیت حکومت مسکو را اساساً من مایل نیستم تردید بکنم، زیرا از طرف ایران و

<sup>۱</sup> سید ضیاءالدین طباطبایی

<sup>۲</sup> شاهزاده نادر میرزا یا نادر آراسته در این زمان (تاریخ سند فوق) رئیس اداره دوم سیاسی وزارت امور خارجه بود (اداره دوم سیاسی مسائل مربوط به اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای اروپای شرقی را انجام می‌داد)

حکومت فعلی نسبت به روسیه غیر از صمیمیت و صداقت نظری را نمی‌بینم. اما بدیهی است، صمیمیت حکومت مسکو، وقتی بر ما مدلل خواهد شد، که تمام آثار موجوده، مربوط به روسیه نماند دهنده این صمیمیت واقع شود. و اما این که اظهار کرده‌اند، اگر دولت روسیه خیال حمله به ایران داشت، تا آنجایی که می‌گویند یک گروارسه برای تسخیر تهران و سایر مراکز ایران اعزام می‌نمود. و متأسف هستم که از زبان نماینده دولت منادی سعادت بشر و مدعی اجرای عدالت کلماتی را می‌شنیدم، که سابقاً از نمایندگان نظامی تزارسم می‌شنیدم.

ثانیاً: راجع به پذیرایی متأسف هستم که مقصود من به حسن تعبیر تلقی نشده، من به یادآوری کردم در موقعی که ما با کمال صمیمیت و احترام نماینده یک دولت همجوار را می‌پذیریم، متأسفانه در گیلان غریب توپخانه قوای روس، به طور متقابل به ما عوض می‌دهد. به هیچ وجه مسائل مربوط به پذیرایی را من نخواستم، مدار مناسبات حسنه یا استفاده برای محاسبات تجارتمی، بطوری که ایشان متذکر شده‌اند، قرار بدهم.

ثالثاً: تصور می‌فرمایند اگر تفریق حسابی بشود، ایران باقی دار خواهد بود نه دولت شوری روسیه، تصور می‌کنم جناب وزیر مختار پس از دیدن خرابه‌های ایران، و استحضار تلفات مالی وارده از قشون تزارسم روس و عوامل انقلابی روس به احباب تفنگدارانه که دارند، یک عقیده‌ای غیر از آنچه به آن فرموده‌اند پیدا خواهند کرد.

رابعاً: خیلی خرسندم، که وزیر مختار محترم اطمینان می‌دهند که حملات قشون روس به سرحد پيله‌سوار و بمبارده‌مان مواقع قشونی فرنٹ<sup>۶</sup> گیلان، از طرف توپخانه روس برخلاف میل و نیت دولت ایشان پیش آمده است و بیشتر خرسند خواهم شد، که اقدامات سریع وزیر مختار محترم، جلوگیری از تکرار این حوادث بنماید.

خاصاً: تعجب خود را مکتوم نمی‌دارم، از این که وزیر مختار محترم مسئولیت بمبارده‌مان ساخلوهای نظامی ایران را، از طرف توپخانه روس، متوجه به دولت ایران می‌نمایند و برهانی که برای خود اقامه می‌کنند عدم تشکیل کمیسیون مختلط است.

تخلیه ایران از طرف قشون روس مشروط شده بود به تخلیه و حرکت قشون انگلیس از ایران<sup>۷</sup> و ضمناً شرط بر این است که، طرفین تخلیه را در یک موقع [بنمایند] تا که<sup>۸</sup> روس اغفال نشده بمانند.

خوشبختانه این مقصود به عمل آمد، قشون انگلیس راه خود را پیش گرفت. در خلال همین احوال بود، که مأمورین فوق‌العاده در تحت ریاست معاضدالسلطنه، از طرف دولت ایران رهسپار فرنٹ گیلان شدند، تا با رؤسای قوای روس داخل مذاکرات شده و حرکت قشون انگلیس را به آنها اعلام دارند.

مقصود و آمال ما و انتظار روسیه، تخلیه ایران بود از قشون انگلیس، در صورتی که انگلستان حاضر شد قبل از تخلیه قوای روس این مقصود را به موقع اجرا بگذارد، دیگر لازم نبود، تقاضا بکنیم که انگلستان حرکت قشون خود را برای تشکیل کمیسیون مختلط به تأخیر بیندازد و البته این پیش‌قدمی انگلستان را در تخلیه ایران از قشون خودمان تقدیر کردیم. پس از حرکت قشون انگلیس ما ناچار بودیم ساخلوهای نظامی ایران را، در خطوطی که ممکن بود مورد مهاجمه واقع شود برقرار نماییم، در صورتی که هیچ‌گونه تعرض و تجاوزی، از طرف قوای دولتی ایران نسبت به قشون روس که حق توقف در خاک ایران را ندارند نشده و مع‌هذا، توپخانه روس مواقع ما را بطوری که می‌فرمایید بدون اطلاع مسکو بمبارده کردند.

بدیهی است اگر این قوا مأمور دفاع خاک وطن نمی‌شدند، قشون روس بدون اطلاع



مسکو ممکن بود دائره حمله و مهاجمه خود را توسعه داده و حتی پایتخت ما را دچار تهدید نمایند، و در نتیجه چیزی که برای ما می ماند فقط اظهار تأسفی بود که می شنیدیم. اساساً: غرسندم، که وزیر مختار محترم صمیمیت دولت ایران را نسبت به روسیه مطمئن و امیدوارم که با این حسن نیتی، که اظهار می فرمایند، که دولت ایران را به بیانات قطعیه خود امیدوار ساخته اند، پس از ورود به تهران آثار صمیمیت دولت ایران را مشاهده نمایند.

و اما راجع به ترتیب پذیرایی و احترامات رسمی، که آن طورها اظهار کرده اند، با کمال مودت و دوستی عرض می کنم که، دولت ایران وظایف مهمان نوازی خود را بجا آورده و خواهد آورد.

در خاتمه تفسیر بیانات خود و جواب مطالب وزیر مختار محترم را، معمول و احترامات صمیمانه خود را تجدید می نمایم.

ضیاءالدین طباطبایی

امضای ریاست وزرا

[ حاشیه ] : ساعت ده بعد از ظهر چهارشنبه ۳۱ حمل ۱۳۰۰ به شاهزاده مشارالسلطنه داده شد که از تلگرافخانه گلستان مخابره نمایند.

سند شماره ۱۶۷

[ نامه وزارت داخله به وزارت امور خارجه ]

دولت علیه ایران

وزارت داخله

تهران، ۱۶ جوزا ۱۳۰۱

وزارت جلیله امور خارجه

در جواب مرقومه نمره ۳۷۲۵ متضمن سواد راپورت قونسولگری بادکوبه راجع به اجازه ورود یک عده آرتیست روس به ایران، زحمت افزا می شود که ورود این قبیل اشخاص تا به حال در تحت قید و اجازه مخصوص نبوده است. چنانچه اولیای محترم آن وزارت جلیله، ورود اشخاص مذکور را با جنبه سیاسی تلقی می نمایند، البته طوری که مقتضی بدانند دستور لازم به قونسولگری بادکوبه صادر و از نتیجه این وزارت خانه را هم مطلع خواهند نمود.

امضا

سند شماره ۱۶۸

[ نامه ایالت آذربایجان به وزیر داخله ]

وزارت داخله

سواد تلگراف رمز ایالت نظامی آذربایجان

مورخه ۲۹ حوت ۱۳۰۱

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکت

تعقیب [ نامه شماره ] ۱۶۹۳، قونسول روس، روز افتتاح کلوب از ایالت و رؤسای

دوایر دعوت کرده بودند و بنده نرفتم، روز اول انقلاب روسیه را نیز در کلوب جشن گرفتند. اشخاصی که رفته بودند همین قدر احساس کرده‌اند، که مقصود از تأسیس این کلوب فقط تبریکات و دعوت ایرانیان برای انقلاب است و قطعاً در سرحدات و سایر ولایات نیز به همین رویه اقدام و در صورت ادامه، بدیهی است در آتیه مفاسدی بروز خواهد کرد که جلوگیری آن بس دشوار خواهد بود.

منوط به مقتضیات رأی مبارک خواهد بود.

ایالت نظامی امیرلشکر اسمعیل

۲۷ حوت ۱۹۶۷

سند شماره ۱۶۹

**نامه وزارت امور خارجه به وزارت داخله**

وزارت امور خارجه

اداره دوم

مورخه ۲۹ حمل | فروردین | ۱۳۰۲

وزارت جلیله داخله

مرفومه مورخه ۱۴ برج جاری نمره ۲۰۰ راجع به کلویی که روسها در تبریز تأسیس نموده‌اند زیب وصول داد، این قبیل مؤسسات باید پس از تقدیم نظامنامه اساسی با اجازه اولیا و امور محلی تأسیس و در تحت مراقبت مخصوص پلیس دائر باشد.

بدیهی است در صورتی که مشخص شود کلوب فوق‌الذکر مرکز تبلیغات مضره است باید به وسایل مقتضیه جلوگیری به عمل آید.

امضا

سند شماره ۱۷۰

**نامه وزارت داخله حکومت شاهرود\***

وزارت داخله

تاریخ تحریر ۱۲ برج اسد ۱۳۰۲

حکومت شاهرود

به طوری که اطلاع دارید در نتیجه عهدنامه ایران و روسیه کاپیتولاسیون ملنی و امور اتباع روس اعم از حقوقی و جنایی به محاکم داخلی مربوط گردید و دستورالعمل رسیدگی هم در موقع خود به حکام و سایر مأمورین اعلام شده است. اینک نیز به مناسبت اهمیت موضوع نظر آن حکومت جلیله را به حسن جریان رسیدگی و تحقیقات درباره متهمین\*\* و مقصرین قانونی اتباع روس جلب نموده، به طور کلی اخطار می‌شود اولاً در موقع ارجاع امور اتباع روسیه به محاکم عدلیه کاملاً مراقبت بفرمایید که بدون مسامحه و تامل انجام یافته و محاکم عدلیه در اجرای تحقیقات حسن روابط ایران و روسیه را ملحوظ داشته، از هرگونه اضرار و خسارات غیرقانونی نسبت به آنها جلوگیری نمایند.

ثانیاً درباره اتباع روس که برحسب مقتضیات قانون جلب و توقیف می‌شوند قدغن نمایند مأمورین امنیه و نظمی و دوایر و شعب استنطاق و همچنین محاکم جزایی طوری با آنها رفتار نمایند، که مخالف رویه نبوده محل ایراد و اعتراض واقع نشده، عملیات و اقدامات مأمورین دولت به خلاف تمدن و انصاف و بی‌اطلاعی از قوانین و ترتیبات

\* بررسی اسناد نشان می‌دهد که این نامه به حکومت‌های سایر ولایات نیز ارسال شده است.

\*\* اصل : مطهین

معاصر تفسیر نشود و بلکه از حسن سلوک و رفتار مامورین دولت و رویه عادلانه آنها ناراضی نباشند. اهتمامات کافی آن حکومت جلیله را در اجرای این تعلیمات انتظار دارم.

سند شماره ۱۷۱

[ نامه نظمیه به ریاست وزرا ]

وزارت داخله

اداره کل تشکیلات نظمیه

به تاریخ ۲۲ ماه اسد ۱۳۰۲

مقام منبع ریاست محترم وزرای عظام دامت شوکت

از نظمیه تبریز راپورت می دهند که یک دستگاه تلفن بی سیم برای مخاپره با مسکو و برلن، در قونسولگری دولت شوروی روسیه نصب نموده و چون مهندس قابلی نداشتند به وسیله نعلبند یانس مهندس راه آهن تبریز دکل آن را نصب کرده اند.

از طرف نظمیه از مهندس مزبور تحقیقات لازمه به عمل آمده، اظهار داشته است، تلفن مزبور مخصوص تحصیل اخبار از «برلن و مسکو» می باشد و موتور دادن اخبار از تبریز به نقاط مزبور را ندارد. ترتیب اخذ اطلاعات بوسیله تلفن مذکور مطابق دفتری است که اوقات و ساعات تحصیل اطلاعات در آن معین شده و با آن دستگاه از روسیه فرستاده اند. در ساعات معینه در دفتر فوق گوشی مخصوص دستگاه را به هر دو گوش وصل نموده اخبار و اطلاعات را استماع می نمایند و اخبار «رستو» [ ؟ ] را بوسیله تلفن فوق تحصیل و در تبریز طبع و منتشر خواهند نمود. اینک مراتب را برای استحضار خاطر مبارک معروض داشت.

سواد معروضه فوق به مقام منبع وزارت جلیله داخله تقدیم می گردد.

رئیس کل تشکیلات نظمیه

امضا

سند شماره ۱۷۲

[ نامه نظمیه تهران به وزیر داخله ]

وزارت

اداره نظمیه تهران

[ مورخ ۲۷ جوزا ۱۳۰۳ ]\*

محترماً به عرض می رساند

به موجب راپرتهایی که به وسیله بعضی آرامنه رسیده است، قونسولگری دولت شوروی روس باطناً در امور انتخاب یک نفر نماینده آرامنه شهر تبریز دخالت داشته و فوق العاده ساعی بوده و هستند که الکساندر وارتانیان که عضو فرقه هنجاق بوده و ارتباط مخصوص با قونسولگری دولت شوروی روس دارد انتخاب شود و اغلب شخص مزبور به قونسولگری شوروی روس تردد می نماید.

به موجب راپرتهایی که اخیراً رسیده است، از طرف تجارتخانه های دولت شوروی روسیه با تجار آرامنه که در تبریز و مراغه با آنها طرف داد و ستد هستند اخطار و تهدید نموده اند که هر گاه در انتخاب الکساندر\*\* مزبور مساعدت نکرده و ممانعت نمایند،

\* این تاریخ با توجه به سایر اسناد ضمیمه این سند اخذ شده است.

\*\* اصل : الکسان

مالالتجاره آنها را نخواهند گذاشت به روسیه برود.  
مراتب برای استحضار خاطر مبارک به عرض رسید.

نمره ۱۰

سند شماره ۱۷۳

[ نامه وزارت امور خارجه به وزارت داخله ]

وزارت امور خارجه

به تاریخ ۱۴ برج سرطان

۱۳۰۳

فوری است

وزارت جلیله داخله

از نمایندگی مختار دولت شوروی مراسله به وزارت امور خارجه رسیده و مشعر است بر این که مسیو لاکتی نوف قونسول سابق دولت مشارالیهها در اردبیل که فعلاً در بوشهر متوقف است به سمت کفالت قونسولگری کرمان معین و از راه بندر عباس عازم کرمان می باشد و تقاضا کرده اند تعلیمات تلگرافی به مامورین و حکام عرض راه از بوشهر تا کرمان صادر شود، تا در موقع مسافرت مشارالیه از ابراز مساعدت در تسهیل مسافرت مضایقه نمایند.

با ذکر مراتب فوق، خواهشمند است قدغن فرمایند اقدام و وزارت امور خارجه را نیز مطلع دارند که به نمایندگی مختار اطلاع داده شود.

[ نقش مهر ] وزارت امور خارجه

امضا

[ حاشیه ] فوری

اداره جنوب

فوراً اقدام شود ۴/۱۶

تبرستان

www.tabarestan.info

سند شماره ۱۷۴

[ نامه نماینده دولت شوروی به ریاست وزرا در ارتباط با صید ماهی و

شیلات ]

ش. ۱۳۰۴/۱/۲۴

دوست معظم محترم

پس از تقدیم مراتب مودت و وداد خاطر مودت مظاهر آن دوست معظم محترم را قرین استحضار می دارد، نظر به این که نتیجه ای باید از قرار داد شیلات حاصل شود، هنوز گرفته نشده و چون قرارداد مزبور هنوز از تصویب مقامات مربوط نگذشته و از طرف دیگر موقع صید ماهی نزدیک و سکنه آن حدود که از قدیم الایام مشغول ماهیگیری و بواسطه احتیاج به کسب معیشت، مصراً تقاضا می کنند که آنها را به امور شیلات گماشته و حاصل صید آنها قبول شود. لهذا دوستدار از حضور محترم آن دوست معظم خواهشمند است که برحسب مذاکرات ۲۴ برج جاری مسئله اجازه موقتی صید ماهی را در هیأت وزرا [ ی ] عظام حل و تسویه کنند تا وجهی که بابت این صید تعلق می گیرد به عنوان سهم دولت علیه در سرمایه کمپانی مختلطی که برطبق قرارداد فوق الذکر تشکیل می شود به نام دولت علیه امانت گذارده شود.

نظر به این که موقع صید ماهی در همین چند روزه شروع می شود، لهذا وظیفه دوستی خود می داند که حل فوری قضیه را از حضرت مستطاب اشرف عالی خواستار

شود.

دوستدار کمال تشکر را خواهد داشت که حسب الامر آن دوست معظم نتیجه را به این جانب اطلاع بدهند.

در انتظار جواب فوری و مساعد احترامات فائحه را تقدیم می‌دارد.

ب - شومیاتسکی

[ دستخط حاشیه سند ]: فوری سواد این مراسم را که به حضرت اشرف عرض شده است برای آقای دکتر میلسپو بفرستید.

سند شماره ۱۷۵

[ نامه کابینه ریاست وزرا به شارژدافر شوروی ]

کابینه ریاست وزرا

اردیبهشت ۱۳۴۰

آقای شارژدافر

در جواب مراسله ۲۸ فروردین ۱۳۰۴ در باب شیلات زحمت می‌دهد که نظر به این که لایحه راجع به شیلات برای تصویب مجلس شورای ملی ارسال شده است و نظر به این که همان طور که انعقاد قرارداد قطعی موکول به تصویب مجلس شورای ملی است، قهراً انعقاد قرارداد موقتی نیز موکول به تصویب مجلس شورای ملی خواهد بود.

در همان حال نظر به این که فصل ۱۴ عهدنامه مودت پیش‌بینی می‌نماید که باید محصول صید به ادارات ارزاق جمهوری شوروی سوسیالیستی رسانده شود و نظر به این که در انتظار تصویب لایحه قرارداد راجع به شیلات از طرف مجلس شورای ملی

شاید موقع صید مقتضی شود و خسارت بیخودی به دولت ایران و سکنه که مشغول صید هستند متوجه گردد، لهذا دولت چنین مقتضی می‌داند که صید امسال در تحت نظر کمپرسی که از طرف دولت ایران برای این کار معین خواهد شد اداره شود، به این معنی که مأمور مزبور با ادوات و اثاثیه موجوده مباشرت صید امسال را عهده‌دار شده و محصول صید را در مقابل رسید به نماینده که معین نماید تحویل خواهد شد، تا این که در موقع خود مطالبات دولت از بابت شیلات از دولت جمهوری شوروی سوسیالیستی تفریق گردد، بنابراین مقتضی است که نماینده خود را برای تحویل گرفتن محصول صید هذه‌السنه معین نماید تا این که از طرف کمیسر شیلات محصول صید به او تحویل داده شود.

[ به ]: مسیو والدین شارژدافر اتحاد جماهیر شوروی ساوتی روسیه

[ حاشیه ۱ ]: سواد صادره فوق برای استحضار وزارت جلیله فلاحه و تجارت و فواید عامه ارسال می‌گردد

[ نقش مهر ] کابینه ریاست وزرا

[ حاشیه ۲ ]: در دوسیه مربوط باید ضبط شود.

## سند شماره ۱۷۶

وزارت داخله

ایالت آذربایجان

سواد راپورت حکومت قراجه داغ

به تاریخ ۹ مهر ۱۳۰۴

## بعدهالتون

در تعقیب راپورت نمره ۱۱۱۸ طایفه علیانلو که با بالشویکها طرف شده بودند شکست خورده، چند نفر شبانه از رود ارس عبور کرده به خاک ایران گذشته، در کوه زنبلان واقعه در کنار ارس که جنگل است مخفی شده اند. صبح قریب هفتصد نفر سوار و پیاده نظام بالشویکها از بل خداآفرین به خاک ایران گذشته، قریه خمارلوی خالصه را محاصره کرده، دو نفر از رعایا وحشت نموده، سواره از ده فرار کرده اند قشون بالشویکها به خیال این که قاچاقها هستند، آنها را به مترایوز [۹] بسته به اسب یکی از رعایا گلوله خورده خودشان به در رفته اند. یک نفر بچه دوازده ساله نیز خواسته فرار نماید، از سنگ پرت شده سرش شکسته، بالشویکها خانه های تمام ده را تفتیش نموده، پس از آن که خاطر جمع شده اند، قاچاقها در آنجا نیست بعضی اسکناس به همان بچه که سرش شکسته بود داده، خودشان به خاک روس مراجعت نموده اند.

محمد قاجار

سواد مطابق اصل است.

## سند شماره ۱۷۷

## [ سقوط قاجاریه ]

وزارت امور خارجه

تبرستان

www.tabarestan.info

ابلاغیه وزارت امور خارجه راجع به

شناسائی والا حضرت اقدس رضاخان پهلوی

دامت عظمه به ریاست موقت مملکت

ایران به ترتیبی که تا حال از دول متحابه

رسماً اظهار شده

اول. سه ساعت بعد از ظهر روز سه شنبه ۱۲ آبان ماه ۱۳۰۴، مطابق ۲ نوامبر ۱۹۲۵ جناب سرپرستی لرن وزیر مختار انگلیس از طرف دولت متبوعه خود به حضور والا حضرت اقدس شرفیابی حاصل و مراسله ای که مشعر بر شناسائی ریاست موقت والا حضرت اقدس معظم در مملکت بود حضوراً تقدیم داشت. مراسله مزبور متضمن این مسئله نیز بود که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان اجازه داده اند که جناب سرپرستی لرن داخل در روابط شده و کارهای جاری را به دولت ایران که در تحت ریاست والا حضرت اقدس برقرار می شود فیصله دهند.

دوم. روز چهارشنبه ۱۳ آبان ماه مطابق ۴ نوامبر مراسلاتی از جناب مسیو یورنرف نماینده مختار دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در شناسائی والا حضرت اقدس به ریاست موقت مملکت رسید و خود جناب یورنرف نماینده مختار، سه ساعت بعد از ظهر روز پنجشنبه ۱۴ آبان ماه مطابق ۵ نوامبر شرفیابی حاصل و حضوراً نیز مدلول مراسلات ارسالی را از طرف دولت

متبوعه خود ابلاغ نمودند.

سیم: جناب کنت فن شولم بورگ وزیر مختار آلمان چهار ساعت بعد از ظهر پنجشنبه ۱۴ آبان ماه مطابق پنجم نوامبر به حضور والا حضرت اقدس شرفیابی حاصل و مراسله‌ای که مبنی بر شناسائی والا حضرت اقدس معظم له به ریاست موقت مملکت از طرف دولت متبوعه خود بود تقدیم داشتند.

چهارم: مراسله از جناب کارلوگالی وزیر مختار ایتالی به تاریخ جمعه ۱۵ آبان ماه مطابق ششم نوامبر رسیده که دولت اعلیحضرت پادشاه ایتالی ریاست موقت والا حضرت اقدس را در مملکت به رسمیت شناخته‌اند.

پنجم: متعاقب مراسله جناب وزیر مختار ایتالی مراسله‌ای از جناب موریس کوولیه وزیر مختار بلژیک به تاریخ جمعه پانزدهم آبان ماه مطابق ۶ نوامبر رسیده که دولت اعلیحضرت پادشاه بلژیک ریاست موقت والا حضرت اقدس را در مملکت به رسمیت شناخته و اجازه داده‌اند که روابط جاریه را در تحت ریاست والا حضرت اقدس برقرار دانسته و مداومت به مأموریت محوله بنمایند.

ششم: متعاقب مراسله جناب وزیر مختار بلژیک مراسله‌ای از جناب عبدالعظیم راشد پاشا وزیر مختار مصر به تاریخ جمعه ۱۵ آبان ماه مطابق ۶ نوامبر رسید که دولت اعلیحضرت پادشاه مصر ریاست موقت والا حضرت اقدس را در مملکت به رسمیت شناخته‌اند.

هفتم: متعاقب مراسله جناب وزیر مختار مصر مراسله از مسیو همپل شارژدافر لهستان به تاریخ جمعه ۱۵ آبان ماه مطابق ۶ نوامبر رسید که دولت جمهوری لهستان ریاست موقت والا حضرت اقدس را در مملکت به رسمیت شناخته‌اند.

روز شنبه ۱۶ آبان مطابق ۷ نوامبر در ساعت سه و نیم بعد از ظهر جناب وزیر مختار ایتالی و ساعت چهار جناب وزیر مختار بلژیک و ساعت چهار و نیم جناب وزیر مختار

مصر به حضور والا حضرت اقدس شرفیابی حاصل و حضوراً نیز شناسائی دولتهای خود را ابلاغ نمودند.

[نقش مهر]: وزارت امور خارجه

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

پیوست



## عهدنامه مودت ایران و شوروی

۲۶ فوریه ۱۹۲۱

تبرستان

www.tabarestan.info

چون دولت علیه ایران و دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی روسیه، صمیمانه و متفقانه مایل هستند که روابط حسنه همجواری و مناسبات صمیمانه برادری را، فیما بین هر دو ملت خود برقرار نمایند، لهذا اشخاص مفصله‌الاسامی ذیل را برای مذاکره در نیل به این مقصود تعیین نمودند:

از طرف دولت علیه ایران علیقلی خان مشاورالممالک، از طرف دولت جمهوری شوروی روسیه، گورگی واسیلویچ چیچرین و لئون کاراخان، وکلای مختار مزبور طرفین پس از ارائه اعتبارنامه‌های خود، که موافق قاعده و ترتیبات شایسته بود فصول ذیل را منعقد نمودند:

### فصل اول

دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی روسیه برطبق بیانیه و مراسله مورخه ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ و ۲۶ ژوئن ۱۹۱۹ راجع به اساس سیاست خود نسبت به ملت ایران مجدداً و صراحتاً اعلام می‌نماید که به سیاست جابراجه امپریالیستی روسیه نسبت به ایران، که اینک به اراده رنجبران و دهقانان این مملکت سرنگون گردیده است، بطور قطعی و دائمی خاتمه می‌دهد. بنابراین و نظر به آنکه دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی روسیه مایل است، که ملت ایران را دارای استقلال و مختار در تصرفات لازمه مملکتی و رواج سعادت و ترقی ببیند، اعلام می‌دارد که کلیه معاهدات و مقاولات و قراردادهائی که دولت امپراتوری سابق با دولت ایران منعقد نموده و به این

وسائل، حقوق حقه ملت ایران را تضييع کرده است بکلی لغو و از درجه اعتبار ساقط می‌داند.

#### فصل دوم

چون اساس سیاست دولت امپراتوری روسیه مبنی بر این بود که با سایر دول اروپا درخصوص ممالک شرقی بدون رضایت ملل آسیا، به اسم هواخواهی و حفظ استقلال آنها، بعضی قراردادها منعقد داشته و به این واسطه مقصود باطنی را، که تصرفات تدریجی بوده است انجام دهد، لهذا دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی روسیه، این سیاست جابرانه اروپا را که هم مایه ضعف سیادت ملل آسیا و هم وسیله اضمحلال ارکان مشرق زمین بود مطرود می‌نماید، علی‌هذا دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی روسیه نظر به اصول مقرر در فصول اول و چهارم همین عهدنامه اعلام می‌دارد که از هر اقدامی که باعث ضعف و موجب تحقیر سیادت ملت ایران است، بکلی صرف نظر کرده و نیز تمام معاهدات و مقاولاتی را که دولت روسیه سابق با دولت نالشی برضد دولت ایران یا راجع به آن منعقد کرده باشد، از درجه اعتبار ساقط و ملغی می‌داند.

#### فصل سوم

دولتین معظمتین متعاهدتین خطوط سرحدی ایران و روسیه را بطوری که کمیسیون سرحدی در سال ۱۸۸۱ معین نموده است، قبول و رعایت می‌کنند و چون دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی روسیه در انتفاع از نمره اقدامات غاصبانه دولت امپراتوری سابق روسیه احتراز می‌کند، لهذا از جزیره عاشوراده و سایر جزایری که در سواحل ایالت استرآباد واقع هستند، صرف نظر می‌نماید و همچنین قصبه فیروز و اراضی مجاور آن را که دولت ایران بنا بر قرارداد مورخه ۲۸ ماه مه ۱۸۹۳ به روسیه

واگذار کرده بود به دولت ایران مسترد می‌دارد، ولی دولت ایران هم متقبل می‌شود، که شهر سرخس که حالیه به اسم سرخس روس یا سرخس کهنه معروف است، با اراضی متعلقه به آن را که به رودخانه سرخس منتهی می‌شود جزو متصرفات روسیه بدانند. دولتین معظمتین متعاهدتین از رودخانه اترک و سایر رودخانه‌ها و آب‌های سرحدی متساویاً انتفاع حاصل خواهند کرد. تنظیم و انتفاع از میاه سرحدی و کلیه مشاجرات راجع به امور سرحدی و اراضی آن بواسطه کمیسیونی مرکب از نمایندگان روسیه و ایران حل خواهند شد.

#### فصل چهارم

چون طرفین متعاهدتین تصدیق دارند، که کلیه ملل عالم بدون هیچ مانعی مستقلاً در حل و عقد امور سیاسی خود مختارند، لهذا از دخالت در امور داخلی طرف دیگر با کمال جدیت احتراز خواهند کرد.

#### فصل پنجم

دولتین معظمتین متعاهدتین مطالب مشروحه ذیل را متعهد می‌شوند:

- ۱- وجود دستجات و تشکیلات و حتی اشخاص منفرد را که مقصودشان ضدیت با دولت ایران و روس یا با دول متحده با روسیه باشند، اهم از هر عنوانی که داشته باشند باید در خاک خود جلوگیری نمایند و نیز باید از دستجات و تشکیلات فوق در ترتیب قوای مسلحه و تجهیز قشون در خاک خود ممانعت نمایند.
- ۲- هرگاه یکی از دول و یا تشکیلات مختلفه اهم از هر عنوانی که داشته باشند بخواهند برای مخاصمه با یکی از طرفین متعاهدتین، اشیای مضره‌ای که ممکن است برضد یکی از طرفین استعمال شود به خاک یکی از دولتین متعاهدتین وارد کنند و یا از

حدود آن عبور بدهند، جداً باید مخالفت شود.

۳- از توقف قشون و یا قوای مسلحه دولت ثالثی که موجب تهدید منافع و امنیت و وسیله مخاطره سرحدی یکی از دولتین معظمین متعاهدین باشد با تمام قوای موجود باید جلوگیری کنند.

#### فصل ششم

دولتین معظمین متعاهدین قبول می نمایند که اگر دولت ثالثی بخواهد، بواسطه مداخلات نظامی سیاست غاصبانه‌ای را در ایران مجری و یا خاک ایران را مرکز عملیات نظامی ضد روسیه قرار بدهد و به این طریق مخاطراتی متوجه حدود روسیه و دول متحده آن بشود، در صورتی که دولت روسیه قبل از وقت به دولت ایران اخطار نماید و دولت ایران به رفع مخاطره مزبور قادر نباشد، آن گاه دولت روسیه حق خواهد داشت که قشون خود را به خاک ایران وارد نموده، برای دفاع از خود اقدامات نظامی به عمل بیاورد. دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی روسیه متعهد می شود، به مجرد آن که مخاطره مزبور برطرف شد فوراً قشون خود را از حدود ایران خارج نماید.

#### فصل هفتم

چون ملاحظات مندرجه در فصل ششم ممکن است همچنین امنیت بحر خزر را هم شامل گردد، لهذا دولتین معظمین متعاهدین قبول می نمایند که هر گاه در جزو مستخدمین سفاین ایران، اتباع دولت ثالثی باشند که بخواهند حضور در جهازات ایران را مغتنم شمرده، نسبت به روسیه خصومت ورزند، آن وقت دولت روسیه حق خواهد داشت انفصال این مستخدمین مضر را از دولت ایران تقاضا نماید.

#### فصل هشتم

چون دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی از سیاست اقتصادی که دولت امپراتوری در مشرق تعقیب می نمود و به دولت نه از نقطه نظر توسعه اقتصادی و ترقی ملت ایران، بلکه برای اسارت سیاسی ایران قرض می داد، صرف نظر نموده، لهذا دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی روسیه از تمام قروضی که دولت امپراتوری به ایران داده بود صرف نظر کرده و اعلام می دارد که تمام قروض مزبور از درجه اعتبار ساقط و پرداخته نخواهد شد و به این جهت دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی روسیه در هیچ یک از منابع عایدات دولتی که ضامن استهلاك قروض مزبور بوده اند ابداً دخالت نخواهند نمود.

#### فصل نهم

چون دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی روسیه مخالفت خود را به سیاست مستعمرانه کاپیتالیست‌ها که موجب ازدیاد فقر و فاقه و باعث خونریزیها بوده است علناً اعلام کرد، لهذا جداً از استفاده از کارهای اقتصادی دولت امپراتوری روسیه که مقصود اسارت ایران بود، صرف نظر می نماید و به این ملاحظه تمام نقدینه‌ها و اشیای قیمتی و قروض و مطالبات و کلیه اشیاء منقول و غیر منقول بانک استقراضی ایران واقع در خاک ایران را کاملاً به ملت ایران تفویض می کند.

توضیح آن که در آن شهرهایی که بانک استقراضی مالک چندین عمارت بود و به موجب همین فصل نهم کلیه آنها به مالکیت دولت ایران تفویض شده، هر گاه دولت روسیه بخواهد در یکی از آن شهرها ایجاد قونسولگری نماید، دولت ایران با کمال رضامندی یکی از آن عماراتی که دولت برای ایجاد قونسولگری انتخاب خواهد کرد بلاعوض برای استفاده دولت روسیه واگذار خواهد نمود.

## فصل دهم

چون دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی روسیه تمایلات امپریالیستهای عالم را که در ممالک اجنبی به نام توسعه مدنیت به احداث طرق و ایجاد خطوط تلگرافی پرداخته و ضمناً به اجرای مقاصد نظامی خود می‌کوشیدند، نظر به این که مایل است ملت ایران را در تصرفات طرق و شوارع خود، که اولین مایه حیات و وسیله استقلال و توسعه تمدن هر ملتی است مختار بداند و به ملاحظه این که می‌خواهد خساراتی را که از قشون امپراتوری به ایران وارد شده است حتی المقدور جبران کند لهذا ادارات و متعلقات مفصله ذیل را بلاعوض به ملکیت قطعی ملت ایران واگذار می‌نماید:

۱- راه شوسه انزلی و تهران و قزوین و همدان با تمام اراضی و ابنیه و عمارات و ائانه متعلقه به خطوط مزبور.

ب- راه آهن جلفا و تبریز و صوفیان و دریاچه ارومیه با کلیه ابنیه و عمارات و وسایل نقلیه و سایر متعلقات آنها.

ج- اسکله و انبار مال‌التجاره و کشتی‌های بارکشی و سایر سفائن و وسایل نقلیه در دریاچه ارومیه و هر چه متعلق به آنها است.

د- کلیه خطوط تلفونی و تلگرافی و تلگرافخانه‌هایی که دولت امپراتوری در ایران احداث کرده است با تمام ابنیه و ائانه و لوازم آنها.

ه- اسکله انزلی با تمام ابنیه و کارخانه برق و انبار مال‌التجاره و سایر ابنیه متعلقه به آنها.

## فصل یازدهم

بنابر اصول مندرجه در فصل اول همین معاهده، عهدنامه صلح ترکمانچای که مورخه ۱۵ فوریه ۱۸۲۸ فی‌مابین دولتین روسیه و ایران منعقد شده بود و دولت ایران را در فصل هشتم آن از کشتیرانی در بحر خزر محروم داشته بود ملغی و از درجه اعتبار ساقط است.

لهذا دولتین معظمین از زمان امضای این معاهده بطور متساوی از حق کشتی‌رانی در بحر خزر در تحت بیرق‌های خود استفاده خواهند نمود.

## فصل دوازدهم

چون دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی روسیه از فواید امتیازات کاپیتالیستی که مبتنی بر تصرفات نظامی بود، صراحتاً صرف نظر کرده است، لهذا علاوه بر امتیازاتی که به موجب فصل نهم و دهم همین عهدنامه به دولت ایران تفویض شده، آن امتیازاتی را هم که دولت امپراتوری و اتباع آن از دولت ایران جبراً تحصیل کرده‌اند، لغو و باطل می‌شمارد و از زمان امضای این عهدنامه تمام امتیازات مندرجه فوق را اعم از این که شروع به عمل کرده یا بلااجراء گذارده باشند به انضمام کلیه اراضی متعلقه به آنها به ملکیت دولت ایران که نماینده ملت ایران است واگذار می‌نماید. از اراضی و مستملکاتی که دولت امپراتوری در ایران دارا بوده است عمارت سفارت روس در تهران و زرگنده با تمام ابنیه و ائانه آنها و کلیه ژنرال قونسولگری‌ها و ویس قونسولگری‌های به ملکیت دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیست شوروی روسیه تعلق خواهد گرفت. دولت روسیه از اداره کردن قریه زرگنده که سابقاً جزو حقوق دولت امپراتوری بوده است صرف نظر می‌نماید.

## فصل سیزدهم

دولت ایران هم از طرف خود وعده می‌دهد که امتیازات و املاکی که به موجب همین عهدنامه به او تفویض شده است، به مصرف یا اداره یا استفاده هیچ دولت ثالثی ندادد، این امتیازات و املاک را برای رفاه ملت ایران نگاهداری نماید.

## فصل چهاردهم

چون شیلات سواحل بحر خزر برای اعاشه روسیه اهمیت دارد لهذا دولت ایران پس از انقضای مدت قانونی امتیازاتی که در این باب به سایرین داده است قرارداد مخصوصی در صید ماهی بحر خزر با اداره ازرآق روسیه منعقد می نماید و نیز دولت ایران حاضر است که با دولت روسیه قبل از آن که مدت امتیاز مذکور در فوق منقضی گردد، داخل مذاکره گشته تا ترتیبی اتخاذ شود که دولت روسیه از ماهی بحر خزر بتواند استفاده کند.

## فصل پانزدهم

چون دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیستی روسیه شوروی آزادی ادیان و مذاهب را اعلان نموده است و مایل است به اشاعات مذهبی که مقصود باطنی آن نفوذ سیاسی در افکار و موجب پیشرفت دسایس غاصبانه امپراتوری روسیه بود، خاتمه دهد، لهذا تمام هیأت‌های روحانی را که به توسط دولت امپراتوری روسیه در ایران ایجاد شده بود، منحل و از این به بعد هم سعی خواهد شد، که این قبیل میسیونها از طرف روسیه به ایران فرستاده نشود. دولت جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی روسیه اراضی و عمارات و متصرفات میسیون روحانی اورتودوکس در ارومیه و همچنین کلیه متصرفات این دوایر روحانی را بلاعوض به ملکیت ابدی دولت ایران که نماینده ملت ایران است منتقل می نماید. دولت ایران هم اراضی و عمارات و متصرفات مزبوره فوق را به مصرف احداث مدارس و سایر مجامع ادبی خواهد رسانید.

## فصل شانزدهم

نظر به مندرجات مراسم دولت شوروی مورخه ۲۶ ماه ژوئن ۱۹۱۹ دایر به الغای

حق قضاوت قونسولها، حقوق اتباع روسیه ساکنین ایران و همچنین حقوق اتباع ایران مقیمین روسیه، از تاریخ امضای این عهدنامه با حقوقی که اهل مملکت دارند، مساوی خواهند بود و کلیه محاکمات آنها به دوایر عدلیه محلی رجوع و حل خواهد شد.

## فصل هفدهم

اتباع دولت ایران در روسیه و همچنین اتباع دولت روسیه در ایران از خدمات نظامی و از هر قبیل مالیات و عوارض جنگی معاف خواهند بود.

## فصل هجدهم

ترتیب مسافرت اتباع دولت ایران در روسیه و اتباع دولت روسیه در ایران در داخل مملکت مثل اتباع دول کامله‌الوداد خواهد بود، به استثنای دول متحده با روسیه.

## فصل نوزدهم

دولتین معظمین متعاهدتین بعد از امضای این عهدنامه هر چه زودتر به تجدید روابط تجارتی خواهند پرداخت و ترتیبات صادرات و واردات مالالتجاره و پرداخت قیمت آنها و حقوق گمرکی و میزان آن را، که دولت ایران برای مالالتجاره روسیه معین خواهد کرد، در قرارداد جداگانه تجارتی که بتوسط کمیسیون مرکب از نمایندگان طرفین منعقد خواهد شد، تعیین خواهد گردید.

## فصل بیستم

دولتین معظمین متعاهدتین ذی حقند که مالالتجاره خود را از حدود ایران یا از خاک روسیه بطور ترانزیت به خاک دولتی ثالث عبور بدهند، ولی باید عوارض ترانزیتی

مالالتجاره مزبور بیش از میزان مأخوذه از مالالتجاره ملل کاملهالوداد نشود.

#### فصل بیست و یکم

دولتین معظمتین متعاهدتین، پس از امضای این عهدنامه هر چه زودتر به ایجاد رابط پستی - تلگرافی مابین ایران و روسیه خواهند پرداخت. شرایط ایجاد روابط مزبور در قرارداد مخصوص پستی و تلگرافی معین خواهد شد.

#### فصل بیست و دوم

چون مقصود از امضای این عهدنامه استحکام روابط همجواری و استقرار حسن مراده طرفین است، لهذا هر یک از دولتین معظمتین متعاهدتین در پایتخت طرف دیگر نمایندده سیاسی خواهند داشت و نمایندگان سیاسی چه در ایران و چه در روسیه دارای حقوق مصونیت و سایر امتیازاتی که در قوانین بینالمللی مقرر است خواهند بود و همچنین از عادات و ترتیباتی که در مملکتین نسبت به نمایندگان سیاسی جاری است، استفاده خواهند کرد.

#### فصل بیست و سوم

دولتین معظمتین متعاهدتین، برای توسعه روابط قیامین دو مملکت، در نقاطی که مرضی الطرفین باشد، ایجاد قونسولگری خواهند نمود. حقوق و اختیارات قونسولها موافق فصول جداگانه که فوراً بعد از امضای این عهدنامه نوشته می شود و همچنین آداب و ترتیباتی که در هر مملکت برای قونسولها مقرر است تعیین خواهد شد.

#### فصل بیست و چهارم

این عهدنامه در مدت سه ماه تصدیق و مبادله آن در حداقل زمان ممکن در تهران صورت خواهد گرفت.

#### فصل بیست و پنجم

این عهدنامه به زبان روسی و فارسی در دو نسخه نوشته شده و در موقع تفسیر آن زبان روسی و فارسی هر دو نسخه معتبر و سندیت خواهند داشت.

#### فصل بیست و ششم

این معاهده پس از امضاء فوراً دارای اعتبار خواهد گردید و علی هذا امضاءکنندگان ذیل این عهدنامه را امضاء و به مهر خود مهور داشتند.

به تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ در شهر مسکو تحریر یافت.

محل امضای وکلای مختار طرفین

ج. چیچیرین

ال. کاراخان

مشاورالممالک<sup>۵</sup>

#### مشخصات:

مشخصات عهدنامه مودت ایران و شوروی و ضمانت آن که در آرشیو وزارت امور

<sup>۵</sup> به نقل از دکتر ایرج ذوقی، تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرتهای بزرگ (تهران: انتشارات پنازنگ،

۱۳۴۸) ص ۵۲۲ - ۵۲۳. تحت عنوان قرارداد ایران و شوروی ۲۶ فرویه ۱۹۲۱.

خارجه نگهداری می‌شود به شرح ذیل است:

۱- جلد مقوایی با روکش تیماج به رنگ عنابی، با علامت جمهوری سوسیالیستی در وسط جلد، به قطع  $25/5 \times 35/5$  سانتیمتر، دارای ۸ برگ، کاغذ ضخیم به زبان روسی، خط چاپی.

عهدنامه به مهر لاکه اتحاد جماهیر شوروی مهور است که به وسیله بندی به رنگهای قرمز و طلایی به عهدنامه الصاق شده است. فتوکی متن فارسی و روسی آن در ۱۳ برگ به انضمام دو برگ بریده روزنامه کیهان پیوست است.

۲- نامه مورخ ۲۲ ژانویه ۱۹۲۱ راجع به این که دولت شوروی در این موقع که قرارداد مودت با ایران منعقد می‌سازد، تقاضا دارد از موقع و وضع شرکتهای تعاونی و احزاب سیاسی مطلع شود.

۳- سواد عهدنامه مودت مابین ایران و روسیه مورخ ۸ اسفند ۱۲۹۹ دارای ۲۶ برگ به قطع نیم ورقی، به زبانهای روسی و فارسی، به امضای حکیم الملک، چاپی، مصوب مجلس شورای ملی، به تاریخ ۲۳ قوس ۱۳۰۰ به امضای «مؤتمن الملک» رئیس مجلس شورای ملی و تصدیق «سلطان احمدشاه قاجار» مورخ ۲۵ جمادی الاول ۱۳۴۰ (۴ دلو ۱۳۰۰). دارای ۴ ضمیمه. که شامل نامه‌های ارسالی «تروتسکی» کمیسر ملی امور خارجه شوروی به وزیر مختار ایران در «پترگراد»، «چیچرین» کمیسر ملی امور خارجه شوروی به رئیس‌الوزرای ایران و مشاورالسلطنه، وزیر امور خارجه ایران، و «رتشتین» نماینده مختار شوروی در ایران، به وزیر امور خارجه ایران می‌باشد.

۴- سواد عهدنامه دولتی منعقد بین دولت علیه ایران و جمهوری شوروی روسیه که در جلسه ۲۳ قوس ۱۳۰۰ اجازه مبادله آن داده شده است. با مهر و امضای مؤتمن الملک رئیس مجلس شورای ملی. دارای ۱۰ برگ، کاغذ خشتی، دستنویس خوش به زبان فارسی.

۵- اصل نامه «تروتسکی» به وزیر امور خارجه در ۲ برگ خشتی به زبانهای روسی و فارسی (متن روسی ماشینی و فارسی دستنویس با جوهر آبی)

۶- تصدیق نامه سلطان احمدشاه قاجار، کاغذ رقمی در یک برگ، دست‌نویس با

جوهر آبی

۷- صورت مجلس مبادله تصویب عهدنامه به وسیله حکیم‌الممالک و چیچرین مورخ ۲۶ فوریه ۱۹۲۲ (۸ حوت ۱۳۰۰). در یک برگ نیم ورقی، به دو زبان روسی و فارسی، مهور به مهرهای لاکه حکیم‌الملک.

همه این اسناد در پوشه اداری به رنگ سبز، به وسیله نواری به رنگ قرمز به یکدیگر الصاق شده است.<sup>۵</sup>

۵- رگ. راعتما و مشخصات معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و

بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰) ص ۲۰۳ - ۲۰۴.

تبرستان  
www.tabarestan.info

واژه نامه



## آ

آرٹیکل - article - مقاله

آسرا - کشتزار و مزرعه

آصف (آصف جاہی) - آصف رای صاحب عقل سلیم را گویند و آصف دولت و آصف جاہ از قبیل آنست.

آگنت Agent (فرانسوی) - عامل، مأمور

آنا فناً - لحظه به لحظه

## الف

اباحہ (اباحت) - مباح کردن، حلال کردن، جایز شمردن، مقابل منع و تحریم

ابد عیشہ - خداوند زندگی اش جاودان دارد

اتابک - پر وزن چکاوک، نگاہ دارنده و ادب آموزنده را گویند.

احباب - ۱- جمع حبیب

۲- دوست داشتن و برگزیدن

احدی جانبین - یکی از دو طرف

اختر - حرم فلکی، ستارہ سیارہ، کوکب.

ادله - جمع دلیل

ارتیاب (بلا ارتیاب) - شک کردن، در شک افتادن، بلارتیاب یعنی بدون شک.

اریکه - تخت آراسته

استبعاد - دوری خواستن، دور شمردن، گمان نبردن

استجلاب - به سوی خود کشیدن، حاصل کردن

استدامه - همیشگی بودن

استرخاص - به کسر اول و ثالث، رخصت خواستن و ارزان خواستن

استرضا - به کسر اول و ثالث، خوشنودی خواستن

استطلاع - طلب آگاهی کردن، اطلاع خواستن

استظهار - به کسر اول و ثالث، پشت پناه شدن و قوی شدن

استمزاج کردن - زمینه به دست آوردن، استفسار کردن

استیفا - تمام گرفتن حق

اسر - اسیر کردن، برده کردن

اسعد as'ad - (صفت تفصیلی سعادت)، نیک بخت‌تر، خوشبخت‌تر

اشتهار نامه - نامه‌ای که جهت آشکار کردن و شهرت دادن خبری نویسد، تا همه

مردم از آن خبر و کار مطلع شوند و اعلان و اعلان نامه

اشرف - بلندتر از هر چیز

اشعار - آگاهی و اطلاع دادن

اشفاق - مهربانی کردن

اصدار esdar - بازگردانیدن

اضفا فرمودن - اصفا کردن، گوش دادن، گوش کردن

اعتضاد - یاری و مدد کردن

اغراء - آزمند گردانیدن، آزمند گردانیدن به چیزی و تحریص کردن بر آن

اغسطوس - ۱- لاتینی، به معنی عالی، عظیم و مقدس،

۲- نام پادشاه اول از پادشاهان قیصره روم. لقب اکنا و یانوس و همه

امپراطوران بعدی

اغوا - فریب، وسوسه، پند و نصیحت بد، برانگیختن و تحریک و تحریص به

کارهای بد

افهام - فهمانیدن و دریابانیدن

افیسر officier - صاحب منصب نظامی

اقرب - نزدیکتر، خویش نزدیکتر

اکتناه ektenah - تفحص و تجسس از اصل و بن چیزی

اکمال - کامل کردن و تمام کردن

الامر و منکم - فرمان از شماست

التقا - دیدار کردن و فراهم آمدن و با هم پیوستن

التیام - با همدیگر پیوسته شدن و بهم آمدن سر زخم

الجهاء - مضطر کردن کسی را به کاری

الزم - لازم‌تر، واجب‌تر

القا - ابلاغ و رسانیدن سخن به کسی

القاء - افکندن

الکا olka - ملک و بوم و زمین

الوس - (ترکی مغولی) قوم راگویند، مخفف «الوس» قبیله و جماعت

امارت - فرمانروایی

امانی - جمع امانیه، آرزوها، خواهشها

امعان - دور اندیشیدن در کاری

امهال - مهلت دادن، زمان دادن

انتباه entebah - بیدار گردیدن، آگاه شدن

انتساب - بستگی، وابستگی، بازستن خود را به کسی

انجم - ستارگان و اختران

انسب - مناسب‌تر

انفع - نافعتر و سزاوارتر

انقطاع - بریدن، انفصال، گسستگی و مفارقت

انقیاد - گردن نهادن، تن دادن

اوان - وقت و هنگام

اوبه - خیمه‌ای که ترکمانان در زیر آن زندگی کنند

اوطان - جمع وطن

اوغوست - - - اغسطوس

ایدالله - (جمله فعلیه دعایی) خدای مؤید دارد

ایدالله جیشه - خداوند سپاهش را مؤید دارد

ایشیک آقاسی - در ترکی به معنی دارغه دیوانخانه و در دوره قاجار ایشیک آقاسی

باشی رئیس تشریفات دربار را می‌گفته‌اند.

ایصال - رسانیدن

ایلچی - ۱- فرستاده مخصوص، سفیر

۲- مأموری که برای انجام دادن امور دیوانی سفر می‌کرد.

## ب

باجاقلو - قسمی مسکوک طلای ترکان عثمانی

باد روزه - به معنی هر روزه باشد، چیزی که هر روز به کار برند و استعمال کنند،

چون جامه و لباس هر روزه و قوت هر روزه

باز یافت - خریدن، پیدا کردن، بدست آوردن

باستیان باستیون - ۱- بنای مرتفعی که در آن قلعه سازند،

۲- قلعه‌ای که در آن اسلحه و ابزار جنگی ذخیره کنند.

باقی دار شدن - بدهکار شدن

بالطوع و الرغبه - راه آشکار و روشن

بالمشافهة - شفها، شفاهی

بالیوز - قونسول، کسی که وکیل سیاسی دولت خودش است در بلاد خارجه

باهرالنور - آن که نورش تابناک است، نورانی، منور

بحبوحه - میان و وسط هر چیز، اصل و میان چیزی

برایا - جمع برئه به معنی آفریدگان

برب العباد - بحق پروردگار آفریدگان همیشه جاوید بماند

بری‌الذمه - آن که تعهدی یا دینی بر عهده ندارد

بسالت - شجاع و دلیر گردیدن

بسطت - فراخی و گشادی

بطون - درونها، باطن‌ها. بطون دفاتر و متون صحایف به ذکر ایام و اقوال و افعال

ایشان آراسته کرد. (ترجمه تاریخ یمینی)

بعون الله - به باری خداوند

بعید - دور

بلا تراخی - بی درنگ

بلاریب - بدون شک

بنه - رخت و متاع و اسباب خانه، اموال

یواعث - جمع باعث

بولکونیک - مأخوذ از روسی به معنی سرهنگ

بهیه bahhiya - مؤنث بهی، نیکویی و خوبی

بیع و شری - خرید و فروش، داد و ستد، بده و بستان

بیگ - (ترکی مخفف بیوک - بزرگ)، لقب گونه‌ای است که در آخر اسم مردان در

آید، شخص بزرگ و امیر، مأموران خارجی - ایلچی بیگ

بیگلربیگی beyglarbegi - لقب بزرگ شهر و رئیس کدخدایان و امیر امیران

بیین - هویدا و آشکار، روشن، پیدا، پدیدار

بی همال - بی همتا، بی نظیر و بی انباز

## پ

پارچه قبض - سند

پرستاف - در روسیه حاکم ولایات کوچک را پرستاو می‌گفتند.

پوط - پوط یا پود واحد وزن روسی و آن معادل با ۱۸/۴۰۰ کیلوگرم است.

پولکونیک - ← پولکونیک

پروتست Protest (انگلیسی) - اعتراض

پیش خانه - آنچه بیش از کاروان برند، چون چادر و دیگخانه و جز آن

پیش فنگ - در مشق سربازان به جلوی رو آوردن تفنگ بطور عمودی

پیرپاس - ریشه این لغت یافته نشد اما در سند شماره ۸۹ همین مجموعه ذیل شرط سیم آمده است: «کل اسباب پیرپاس یعنی جمیع لوازم که از هر جهت از برای عمل و مصارف واتیکه‌های صیادی شبيلات حمل به داخل نموده آورده شود و...».

تبرستان

## ث - ث

تاتار - چابار

تأسی - پیروی کردن، افتدا کردن

تأویل - ۱ - بازگردانیدن

۲ - تفسیر کردن، بیان کردن

تبدلات - جمع تبدل، مبادلات و تحولات

تتمه - بقیه و آخر هر چیز

تخالف - مخالفت و دگرگونی، ضد توافق

تراخی - درنگ نمودن و تأخیر کردن

ترجمان - ۱ - شخصی را گویند که لغتی را از زبانی به زبان دیگر تفریر نماید

۲ - نیازی را نیز گویند که بعد از گناه و تقصیر گذارند

ترضیه - طلب رضا و خشنودی

ترقیم - نوشتن، خط کشیدن، رقم زدن

تزاید - افزون شدن

تسامح - آسان گرفتن

تشکیک - در گمان افکندن کسی را، شک افکندن کسی را

تشید - استواری، استحکام

تضاعف - جمع تضعیف

تطاول - گردنکشی و گستاخی

تعلیقہ - در ایران نوشته پادشاهان را رقم گویند و نوشته امرای عظام مثل وکیل و

وزیر و غیره تعلیقہ

تعین - حصه و مهره و هر چیز مخصوصی به کسی

تغافل - غفلت و بی خبری، به قصد غافل شدن از چیزی

تک پو - تکاپوی، به معنی آمد و شد از روی تعجیل و شتاب و جستجوی بسیار و

تردد بی فایده

تلبیه - لبیک گفتن

تمسک - قبض، حجت، سند، نوشته و سند و حجت مکتوب دین

توطید - استوار کردن

توقیر - شکوهمند کردن، بزرگ داشتن

توقیع - فرمان شاه

تهاون - سبک شمردن و غفلت کردن

ثغور - حدود

ثمین - هشت یک و گرانبها

### ج

جبر - بزور برکاری داشتن، زور

جیلی - ذاتی، فطری

جسیم - بزرگ و تناور

روی دولت به همت تو سپید جسم دولت به همت دو جسیم

جقه - بته‌ای ساخته از پر پرندگان که بر بالای پیش کلاه پادشاهان ایران است

جلالت‌مآب - کسی که مرجعش بزرگی است. در مراسلات در خطاب به بزرگتر این

لفظ را گویند.

چمبر - نیازمند کردن به پیوستن

چنان - جمع جنت که به معنی بهشت است.

جنرال - تلفظ انگلیسی ژنرال

جنود - جمع جند Jound سپاه و لشکر Jond

میر موسی کف، شمشیر چو ثعبان دارد دست فرعون و جنودش کند از ما کوتاه

جوال - به ضم اول ظرفی باشد از پشم که چیزها در آن کنند و بار نمایند و آن

معروف است به دلق

جوف Javf - درون هر چیزی

جیش - خشم و یاری کردن، لشکر

### ج - ح

چاپار - پیک و قاصد و پیک سوار و نامه‌بر و برید و پست

چاروادر - مکاری و کسی که شغل آن کرایه و بارکشی بود

چپو - تاخت و تاراج و یغما

حاجبان - جمع فارسی حاجب و حاجب به معنی دربان، پرده‌دار و ... در این کتاب

به معنی دولتمرد محترم آمده است.

حبور hobbur - شادی و فراخی عیش

حبه - ۱ - مقدار کم و اندک

۲ - واحد وزن و آن مقدار یک جو و ربع قیراط است

حتى المیسور - حتی الامکان، تا جایی که میسر است.

حدور - محدود، حد پذیر، منتهای، مقابل بی حد و نامحدود

حصه - سهم، قسم، بخش

حقانه - بر حق

حقیقت haqqiyyat - راستی و سزاواری و صاحب حق بودن و سزاوار بودن.

حلل - جمع حلة، لباسی از نور، حله بی از نور

حمایل - پارچه ابریشمی وال مانند پهن به رنگ سفید یا سرخ یا سبز یا آبی و جز آن

به اعتبار درجات که پادشاه به نوکرهای خود در ازای خدمات می دهد و

در روز سلام آن را زیب بیکر خود می کنند.

## خ

خاتم - انگشتری، مهر، نگین

خدایو - پادشاه، خداوند، امیر و بزرگ قوم

خطوات - جمع خطوة، گامها، قدمها

خلت - دوستی

خلت قلبی - دوستی قلبی

خلدالله - خدا جاوید گرداند

خلدالله ملکه و سلطانه - خداوند پادشاهی و سلطنت او را جاوید گرداند.

خیام - چادرها، سراپرده ها

خیریت - عاقبت به خیر، ختم به خیر

خیریت - مشتمل بر خوبی، نیکو، خوب، صحیح، اعمال خیریه

تبرستان

د

داستار - دایه، دلال و سمسار باشد و به عربی بیاع گویند.

داستاری - دلالی

دام اجلاله العالی - پیوسته باد بزرگداشت عالی او

دام اجلاله - بر دوام باد بزرگداشت او

دام اقباله العالی - پیوسته بادش روی بد و نهادن دولت عالی

دام اقباله - بر دوام بادش روی کردن دولت، پیوسته باد دولت و طالع و نیکیبختی او

دستاقخانه - دستاق به معنی محبوس و بندی و دستاقخانه محبس و محل حبس،

زندان

دور - گردش چون دور جهان و دور فلک

خدا را تا جهان را آب و رنگ است فلک را دور و گیتی را درنگ است

دیوانخانه - محل نشستن امرا و ارباب دفاتر

دیوزیون - لشکر

ذ

ذریعه - وسیله و سبب، هدیه و انعام

ذریعة الخلوص - وسیله اخلاص

ذریعةالمخالصه - وسیله بکرنگی

ذریعةالمصافات - عامل صفا

ذریعةالوداد - عامل دوستی

ذمة - کفالت

ذی - خداوند، صاحب، دارایی، مالک، و در تداول فارسی، ذی حیات، ذی جلالت، ذی مسرت، ذی سعادت و غیره گویند.

ذی سعادت - سعادتمند

## ر - ز

راسکوت (روسی) - مالیاتی بوده است که نسبت به حیوانات موجود در مزرعه تعدادی از آنها را از مزرعه دار یا کشاورز می گرفته اند. (مأخذ = پانویس ص ۱۰۶)

رایت ra'yat - علامت، بیرق، درخش، لوا

رخصت - به ضم اول و فتح ثالث، آسانی و فراخی در کاری و آسان فرمودن کاری را  
رُسیله - مکتوب، نامه

رفعت - بلند قدر و مرتبه شدن

رفیع الارکان - ستونهای بلند

رفیع - شریف، بلند مرتبه و بلند آواز

رقیمه raqima - نامه و رقع و مکتوب و نبشته و تعلیقه

رمی جمره - یکی از اعمال حج است که عبارت از سنگ انداختن به سه موضع است با شرایط معین

رهن ثعین - گرو کرده شده

ریب - شک، حوادث زمانه و حاجت و تهمت و آنچه در شک افکنند.

زاکون - مأخوذ از روسی، قانون

## س - ش

ساطع النور - روشن و نورانی و تابدار

سایل sael - خواهنده، پرسنده

کدام سایل ازین موهبت شوم محروم

که همچو بحر محیط است بر جهان سایل

سبحان - پاک و منزّه

سپهر بسطت - کسی که عظمتش به وسعت آسمان است.

سپهر - به کسر اول و ثانی به معنی آسمان است.

سراً و جهراً - پنهان و آشکار، در پنهان و آشکار

سرتیفیکا Certificat (فرانسوی) - تصدیق نامه، رضایت نامه

سرخیل - رئیس گروه و سردار

سطوت - حشمت، مهابت

سعادت دستور - عامل سعادت

سفاین - جمع سفینه

سفینه - کشتی

سیلک - رشته را گویند عموماً و به معنی رشته مروارید و رشته سوزن خصوصاً

سلمه الله تعالی - خدای تعالی او را از آفت بی گزند دارد، دعایی است که پس از گفتن یا نوشتن نام عالمی و مجتهدی آرند.

سنیتین - جمع سنیه و سنیه مؤنث سنی به معنی عالی رتبه و بلند مرتبه

سوزوفیسیه Sous\_officier (فرانسوی) - صاحب منصب جزء، صاحب منصب

## اصغر

سویت soviet - شورای نمایندگان و کارگران و سربازان

sovietism - حکومت شوروی

سیورساتچی - سیورساتچی را به املای اصلی سیورساتچی مأخوذ از کلمه مغول

سیورسات به معنی تدارکات و آذوقه و چی علامت نسبت ترکی و

باشی به معنی سرکرده. منصبی است که باید رئیس کارپردازی

گفت.

سیویلزاسیان civilisation - مدنیت، تمدن، متمدن کردن

## ش

شافی - صحت دهنده

شایق - راغب و مشتاق و آرزومند

شقی - تیره بخت

شوکت - حشمت و بزرگواری و جلال

شیل - شیلات

## ص - ض

صحابت - همراهی، مکتوب به صحابت چاپار و اصل شد (مکتوب متداوله)

صحیفة sahafat - نامه و کتاب

صحیفة المصافات - نامه پکرنگی و صفا

صحیفة المودت - نامه دوستی

صحیفة الوداد - نامه دوستی

صوب - جهت و سوی

ضراعت - عجز، زاری و فروتنی

ضیا ziyā - روشنی و نور و روشنایی

ضیاع - جمع ضیعة به معنی زمین و آب و درخت

## ط - ظ

طاغی - نافرمان، سرکش، زیاده رو

طُرفه - شگفت و نادر از هر چیزی، چیزی که کسی ندیده باشد و به نظر خودش آید

و در مقام تعجب نیز گویند خواه دیده شود و خواه شنیده گردد.

طوارق الحدثان - بلاهای روزگار

طویت - نیت، ضمیر

ظلام - تاریکی

## ع - غ

عاطر ater - بوی خوش دهنده، بوی خوش دارنده

من که باشم که بر آن خاطر عاطر گذرم

لطفها می‌کنی ای خاک درت تاج سرم

عالی‌جاه alijah - بلند مقام، رفیع منزلت



عبدهالراجی - بنده امیدوار او

عتاب - خشم گرفتن، ناز کردن

عترت - خویشاوندان و اقارب

عدیل - مثل و نظیر و مانند

عز ez - ارجمند گشتن، عزت

عز اصدار - عزت، شرف صدور

عز نفاذ - عز وصول بخشیدن، رسیدن نامه (در نامه‌نگاری برای احترام مخاطب گویند)

عشاری [ع ش ش] - ده یک گیرنده، راهبان، محصل مالیات، گمرکچی

عصاة - جمع عاصی

عطلت - بیکاری و بطالت

عظمی - بزرگ و بزرگتر

عقار - زمین و آب و مانند آن

عقدۀ تعویق - گره و مشکل، تأخیر

عقیدت شعار - پاک اعتقاد، یک رنگ (کسی که ظاهر و باطنش یکی است)

علائیه - آشکار و هویدا

علی التوالی - پی در پی

علی الغفله - ناگهان

علی ای التقادر - به هر تقدیر

علی ای حال - به هر روی، به هر گونه، به هر تقدیر

علی حده - جداگانه، جدا

علی سبیل الخفیه - محرمانه

علی سبیل العاریه - موقتاً

علیق‌الدواب - علوفه اسبان، علیق، خوراک ستور از کاه و جو و یونجه و جز آن

علیه aliyye - بلند مرتبه و رفیع‌القدر

عمال - آنان که در دیوان یا دستگاهی بکاری گمارده شده‌اند

عمیرک طال - عمرت طولانی باد

عندالضرورت - اگر لازم باشد

عندالفرضه - اگر واجب باشد

عوام کالانعام - عوام همچون چهارپایان

غبن qabn - زیان آوردن بر کسی و ربیع، سرخوردگی، و اخوردگی و اندوه

غراف - گراف - کنت

غفران مآب - غفران پناه - مرحوم مغفور، غفران: گناه کسی را پوشیدن، آمرزیدن

غمنازیه Gymnase - مؤسسه تعلیمات متوسطه به سبک قدیم در آلمان و [احتمالاً

در روسیه]

غوررسی - به تدقیق رسیدن کاری را، رسیدگی دقیق

## ف - ق

فاجر - تبه‌کار و زناکار

فاقه - فاخت، فقر و نیازمندی، درویشی

فاما fa\_amma - لکن، و یقیناً، و اگر

فایز faez - غالب و چیره

فخامت faxamat - بزرگواری و بزرگ قدری

فراست - زیرکی، هوشیاری

فراه - شهری است نزدیک به سبزوار هرات و از آنجاست ابو نصر فراهی

فروضات - جمع فرضه و فرضه جای در آمدن به کشتی از لب دریا

فرضه - جای در آمدن به کشتی از لب دریا

فرنٹ، فرونت Frontier (فرانسوی) - سرحد، مرز

Front - جبهه

فطانت fatanatte - درک کرده، دریافتن، هوشیاری، زیرکی

فلت - رهایی، رها کردن و خلاص دادن

فورغون - نوعی دلجان

فیض - بخشش، عطا

قازت - گازت

قاوز - واحد وزن کم

قدغن - غدقن، نهی، منع

قرانطین (قرانتین، قرنطینه، کرانتین) - جایی که در آن مسافران و عابران را مورد

بازرسی قرار می دهند و از ورود بیماران

جلوگیری به عمل می آورند.

قراول - پیشرو لشکر

قرب الحضرت - نزدیک به فرمانروا

قطاع الطريق - راهزنان. اتفاقاً سری چند از قطاع الطريق کردستان آورده بودند.

(تاریخ گزیده، چاپ لندن، ج ۱، ص ۸-۶).

قتلامیسی - حرکت به سرزمین گرم در زمستان

قلاده - گردن بند

قوتوق Qultuq - مأخوذ از ترکی، خلیج

قونسول - کنسول

### ک - گ

کائناماگان - هر چه باشد

کادت Codet - ۱- فرانسوی = نجیب زاده جوان که وارد خدمت سربازی می شد و

به عنوان سرباز مبتدی خدمت می کرد.

۲- انگلیسی = دانش آموز دانشکده افسری

کارسازی - پرداختن (وجه)، ادا کردن (مال، پول، دین)

کامله الوداد - دوستی کامل

کُپک (روسی) - پشیز

کرانتین - قرانتین

کره بعد اخیری - یکی بعد از دیگری، پی در پی

کریمه - نیکو، خوب، پسندیده

کفالت - عهده دار اجرای امری بعوض کسی گردیدن

کفایت - قابلیت، لیاقت

کف ید نمودن - باز ایستادن، باز داشتن، منصرف شدن

کُلاس یا کالاس (روسی) - بلندترین دکل کشتی. ر.ک. ص ۱۰۶ همین کتاب

کُلک - چوب و نی و علفی بود که برهم بندند و مشکی چند پر باد کرده بر آن نصب

کنند و بر آن نشسته از آبهای عمیق بگذرند.

کِلک - قلم، خامه

مه بهمن و آسمان روز بود

که کلکم بدین نامه پیروز بود (فردوسی)

کماندانت commandant - صاحب منصب ارشد که فرمانده قلعه نظامیست

کماهی kamahiya - همچنان که هست و راست است

کماینبغی - چنان که، شاید، چنان که درخور است

کئی - نوعی کشتی

کمیسای - کمیسایا - کمپته

کندر condottiere - سرباز مزدور

کنیاز - شاهزاده

کومپلیمان compliment - فرانسوی به معنی تعارف، اظهار ادب

کونسول - مأموری که کار رسمی او حمایت هم میهنان خود و حفظ منافع آنها در

کشور بیگانه می باشد

کیاست kiyassat - زیرکی، تیزفهمی، دانایی

گازت gazette - فرانسوی به معنی روزنامه

گویرناتور چند ولایت یک ایالت را تشکیل می داده و والی آن ایالت را گویرناتور می گفته اند.

گیر - واحد وزن

## ل

لا علی التعمین - به وجهی غیر معین

لایح Layeh - آشکار، هویدا

لنکا، در تداول بعضی نقاط سواحل دریای خزر زورق، کرجی، قایق، بلم

لمحه Lamha(-e) - یک بار اندک دیدن چیزی را، نگرش دزدکی، چشم زد

لمعان Lama'an - درخشش، تابندگی

لهذا Lehaza - برای این، ازین جهت، ازین رو

تبرستان

www.tabarestan.info

مایور major - یاور، مازور، منصب اطبای نظام، صاحب منصب ارشدی که در

قشون کار معینی دارد و در بحریه صاحب منصبی که مأمور اداره

فورخانه و توپخانه کشتی است.

مأمول ma'mul - متوقع و امیدوار و آرزومند

مباشر - عامل، پیشکار

مباهات mobahat - فخر کردن، بالیدن

مباهات - نازیدن و تفاخر کردن به چیزی، سرافرازی، سرینندی، سرفرازی

مباینت - ناسازگاری، جدایی، دوری و تفاوت

مبتهج - مسرور، خوشحال

متانت matanat - محکم بودن، استوار بودن، وفار

مترصد motarassed - منتظر، امیدوار، درکمین

مترقب motaroqqeb - چشم داشت دارنده، چشم دارنده

متعوث - سرگشته و حیران، آشفته

متفوه - سخن گوینده، کسی که دهان می گشاید در سخن گفتن

متنازع فیه - هر چیزی که مورد نزاع باشد.

مجانبت mojanabat(-ne) - ۱ - پهلوی هم واقع شدن

## ۲- از یکدیگر دور شدن

مجبول - سرشته، نهاده، جبلی

مجدت - مجد majd - عزت و شکوه و عظمت

محادثت - سخن گفتن با یکدیگر، گفتگو

محاذیر mahazir - چیزهایی که از آن حذر می‌کنند و می‌ترسند

مخامد - ستایش و خصصتهای نیک

محب moheb - دوست دارنده، دوستدار

محبانه mohebbaneh - دوست مانند و بطور دوستی

محترز - اجتناب پذیر،

عاقل آن باشد که عبرت گیرد از مرگ یاران و بالای محترز (مولوی)

محتسب - ۱- شمارکننده، شمارنده

۲- در اصطلاح فقهی انتساب به عمل احتساب می‌باشد که عبارت از امر به معروف و نهی از منکر است.

محروسه (e) - a- mahrus - مؤنث محروس به معنی حراست شده و عنوانی که در عهد قاجاریه به کشور ایران داده بودند.

محض mahz - خالص، بی‌غش

محطه - جای فرود آمدن، ایستگاه قطار یا راه آهن

مخالصت moxalaset - با یکدیگر دوستی ویژه داشتن، دوست یک رنگ بودن

مخالطت - آمیزش به طور انس و درآمیختگی با کسی

مخدول - منکوب، ناامید و نامراد و محروم و بی‌بهره

مخلصان - جمع مخلص، کسی که دوستی حقیقی خود را ظاهر می‌سازد.

مراسله morasele - مکتوب و نوشته و نامه و پیغام و نوشته‌ای که بهم دیگر نویسند.

مراقت - رفاقت و همراهی

مراوده - دوستی و معاشرت داشتن

مرجوع - بازگردانیده، رجوع شده

مرشله - فرستاده شده

مرصع - آنچه که در آن جواهر نشانده باشند. جواهر نشان، گوهر نشان

مرعی - مراقبات شده، آنچه که رعایت شود

مرغوب الیه - خوارشده و زاری کرده شده

مسارعت mosara'at - شتاب، تعجیل

مستخلص mostaxlas - ۱- نجات داده شده

۲- به تصرف درآمده

mostaxles - ۱- خلاصی جوینده

۲- برگزیننده

مستطاب mostatab - پاک، پاکیزه، در عنوان بزرگی برای احترام گویند و نویسند.

مستظل - سایه خواه و طالب سایه و سایه جوی

مستغرب mostavrab - شگفت دانسته

مستفسر - تفسیرخواهنده، پرسنده، پژوهنده

مستوثق mostawsey - وثوق دارنده، مطمئن

مسطورات - نوشتجات، مرقومات

مسطور - مکتوب، نوشته شده، مرقوم

مسطوره - مسطور، مزبور، نوشته

مسطوره - نوشته شده، مکتوب

مشافهتا - مشافهت، رویرو سخن گفتن

مشیع - بطور تفصیل، مفصل

مشحون - مملو، آکنده

مُشْرِف - صاحب منصبی در خزانه که تصدیق می‌کند درستی حساب را، ناظر

اعمال دفتر داران و محاسبان

مشر mos'ar - قوه ادراک

مشکوة (مشکات) - جایی که در آن چراغ نهند

مصافات massafat - جنگها و رزمها

مصباح mesbah - چراغ

مصحوب - همراه، مقرون

مصدر - کسی که در صدر جای دارد

مصدع mosadde - در دسر دهنده

مصلحت گزار - کارگزار، مستشار، رایزن

مصیر masir - تحول یافتن، منتهی شدن، عاقبت امر

مضجع - آرامگاه

مطاع - اطاعت و فرمانبرداری کرده شده

مطاوی mataavi - پیچیدگیها

مظنه - گمان، ظن

مع ma'(a) - با

معاذیر - عذرها، پرزوها و بهانه‌ها

معارضه - ستیزه کردن

معالی ma'ali - مقامات بلند، خصلتهای برجسته و ممتاز

معانه - یاری‌گری، برابری

معتد mo'tad(d) - ۱- در شمار آورنده،

۲- تخمین زده شده،

۳- از حدود گذرنده

معدلت ma'delat - عدل، داد

مع ذلک - با این حال، با این همه

معلى - بلند مقام، والا

معهود - معمول و متداول

مغافصتاً - ناگهان، ناگهانی، غفلتاً

مغفور - آمرزیده شده

مفتاح meftah - آلتی که بوسیله آن قفل و در بسته را بگشایند

مقدمة الجیش - گروهی از سربازان که پیشاپیش سپاه حرکت کنند.

مقرب الخاقان - نزدیک پادشاه

مقضى المرام - کامیاب و کامروا

مقله - سیاهی و سفیدی چشم

مکابره mokabara - معارضه، ستیزه

مکاره makareh - ۱- ناپسندها، مکروهات

۲- رنجها، سختیها

مکرمات makromat - بزرگی و جوانمردی و کرامت

ملاذ - جای پناه، ملجأ و پناهگاه و جای پناه و جای امن

ملاطفت شمیمه - آمیخته به بوی خوش نیکویی و مهربانی

ملجأ - پناهگاه و جای پناه و مأمن

ملجأ کردن - ناگزیر کردن، مجبور کردن

ملجأ - مجبور، مضطر، درمانده، ناچار، ناگزیر

ملحوظ malhuz - دیده شده، ملاحظه شده

ممضی momzi - امضا کننده، امضا شده، به امضا رسیده

مملوک mamluk - در ملک آورده شده، بنده، غلام

مناط manat - ملاک، سند، حجت

مناعت - بلند نظر بودن، طبع عالی داشتن

من البدایه النهایه - از آغاز تا پایان

من البدو الی الختم - از آغاز تا انجام، سراسر

منقاد monyad - فرمانبردار، مطیع

منقوض manquz - ناب باز کرده شده، خراب و ویران شده

منکوب - زیان رسیده، متضرر، نکبت رسیده، مصیبت دیده

منهوب manhub - تاراج شده و به غارت برده شده

منیع - استوار و بلند

مواحدت - یگانگی

مواصله movasalat - مواصلت، با هم پیوستن، پیوستگی

موالات movalat - دوستی، پیوستگی

مورث mures - موجب و باعث و سبب

موسع - فراخ، وسیع

مومی الیه - اشاره شده به سوی او، مشارالیه

مهام maham(m) - جمع مهم، کارهای سخت، امور عظیم و دشوار

مؤالفت moalafat - الفت گرفتن و خوی کردن

مؤونات - ۱- مایحتاج

۲- سختیها، مشکلات، رنجها و دشواریها

مؤید mo'ayyad - تأیید کرده شده و از جانب خداوند تبارک و تعالی نیرو داده شد.

مؤید moayyed - ۱- تأیید کننده

۲- محکم کننده، استوار دارنده

تبرستان

www.tabarestan.info

ناریه - آتشین، آتشی

ناطور (ناتور) natur - در این کتاب به معنی منصبی است، احتمالاً بیگلربیگی

نبالت nabalat - صاحب نجابت بودن، نیک و نجیب بودن

نجابت najabat - اصالت، پاک نژادی

نجدت najdat - دلیری، شجاعت، مردانگی

نصاب - بلند مرتبه، بختیار

نفاذ nafaz - جاری شدن فرمان، جریان امر و فرمان

نقار nagar - ستیزه، جدال، کینه، عناد

نکث - شکست پیمان، نقض عهد

نورالله مضجمه - خدا آرامگاه او را نورانی کند، خدا گور او را پر نور کند

نهب - ۱- غارت کردن، غنیمت گرفتن

۲- آنچه به غارت برده شود، غنیمت

نهج nahj - راه آشکار و روشن

نهمت - نیاز، حاجت، آرزو و حرص و شهوت به چیزی

نیت knight - شوالیه، نجیب زاده‌ای که پس از انجام خدماتی در درجات پایین‌تر

القاب (نظامی از طرف پادشاه) به او اعطا می‌شود.

و

واتیکه Vasque (فرانسوی) - حوضچه کوچک و کم عمق، حوضچه، منبع

وافیه - بسنده و کافی

والنعمی - نغماء: فروتنی، مال، دارایی

وثوق - اعتماد

وداد - دوستی و محبت

ورس - واحد مسافت معادل ۳۵۰۰ قدم یا ۱/۰۶ کیلومتر

وصی - اندرز دهنده، اندرزکننده، اندرز کرده شده

وفاق vcfav - سازواری کردن، همراهی کردن

وقایت - وقایع، محافظت کردن، نگاهداشتن

وهاج - فروزان و فروزنده

ویل - یافتن راهی به مراد خویش

هی

هفت جوش - فلز بسیار سخت

هیمه - هیزم

یورت - ۱- محل خیمه و خرگاه

۲- چراگاه ایلات و عشایر

یوما فیوما - روز به روز

توضیح: معانی اکثر واژه‌ها با توجه به مفهوم آنها در متن از منابع ذیل استخراج گردیده است. بدیهی است نام منابعی که یک یا دو لغت از آنها استخراج گردیده ذکر نشده است. تعداد محدودی نیز از منابع شفاهی دریافت گردیده که بعضاً در پانویس مربوط توضیح داده شده است.

- لغت نامه دهخدا

- فرهنگ نفیسی تألیف دکتر علی نفیسی (ناظم الاطباء)

- فرهنگ آندراج

- برهان قاطع (محمد حسین بن خلف تبریزی) به اهتمام دکتر محمد معین

- فرهنگ معین

- فرهنگ فرانسه، فارسی سعید نفیسی

- زندگی طوفانی (خاطرات سید حسن تقی زاده)

- فرهنگ انگلیسی، فارسی آریان پور

تبرستان  
[www.tabarstan.info](http://www.tabarstan.info)

فهرست عمومی اعلام



۲۴۲	آلار (طایفه)	آ	
۳۷۴، ۳۵۴، ۳۴۱	آلمان، آلمانی	۲۰۶، ۲۰۳	آخال
۱۳۷	آلیسون	۷۱	آدامیانس، یعقوب یوان
۲۶۵	آیت صاحب (قونسول انگلیس)	۷۸ - ۷۷، ۷۳، ۷۰ - ۶۹، ۲۸	آذربایجان
		۱۶۳، ۱۵۹ - ۱۵۸، ۱۲۵، ۹۶، ۸۲	آذربایجان
		۲۶۳، ۲۵۳، ۲۵۱، ۲۴۳، ۲۰۹، ۱۷۷ - ۱۷۶	آذربایجان
		۳۷۲، ۳۶۳، ۳۵۷، ۳۱۲، ۳۱۱، ۲۹۸	آذربایجان
		۱۳۶	آرتین افندی
		۳۳۴	آرزومانیانس، خسرو
		۳۵۹ - ۳۵۸	آراسته، نادر (نادر میرزا)
		۲۴۹، ۲۱۵ - ۲۱۴، ۲۰۰، ۱۹۸	آستارا
		۲۸۱، ۲۵۱	آستارا
		۳۱۳ - ۳۱۲	آصف الدوله
		۲۴۲	آقاخان ولد مجید
		۱۳۷	آقاسید حسن
		۲۶۳	آقافتح الله مسگر خوبی
		۱۳۸	آقامحمد طاهر
		۲۷۷	آقامیرزا محمود مستوفی
		۱۶۱	آقایوف، خواجه سرکیس (تاجرباشی)
		۲۵۵ - ۲۵۳	آکسیانوف (رئیس پژوهشکده هوا و فضا)
		۱۰۶	در روسیه
		۳۲۹	آردشیر مهربان
		۳۶۸، ۳۳۹ - ۳۳۸، ۲۹۸، ۲۵۱	آردشیر مهربان
		۲۴۹، ۲۴۳ - ۲۴۲، ۱۲۵ - ۱۲۴	آردشیر مهربان
		۲۲۷ - ۲۲۶	ابوالقاسم خان
			اتابک اعظم - امین السلطان
		۳۳۷	اترفن باخ (وزیر مختار روسیه)
		۲۱۵ - ۲۱۴، ۱۱۶، ۱۱۴	اترک، اترکی
		۲۰۶، ۲۰۴ - ۲۰۳، ۱۷۷	اتک (محل)
		۲۳۴، ۲۳۱	اتک (محل)
		۵۲	احتشام الدوله (خانلر میرزا)
		۱۰۲	احمد علی بیک
		۸۰	احمد علی میرزا
		۶۱، ۳۱	ادایلف (غراف)
		۱۵۴	ادرنه (شهر)
		۳۶۷، ۲۵۳، ۸۵، ۶۹	ارامنه، ارمنی
		۱۶۱	ارتاکنند (قریه)
		۲۴۹، ۲۴۳ - ۲۴۲، ۱۲۵ - ۱۲۴	اردبیل
		۳۶۸، ۳۳۹ - ۳۳۸، ۲۹۸، ۲۵۱	اردشیر مهربان
		۳۲۹	اردشیر مهربان

۱۳۹	اسماعیل افندی	۱۶۲	اردوباد
۱۴۲، ۳۹	اسنادی از روابط ایران با مناطقی از		ارزنه‌الروم
۲۱۸، ۲۰۵، ۲۸	آسیای مرکزی (کتاب)	۱۶۲، ۱۵۹ - ۱۵۸، ۱۰۳، ۶۹، ۲۸	ارس
	اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز	۳۷۲، ۲۵۴، ۲۵۲، ۱۶۵	
۲۸	(کتاب)	۲۸۸، ۲۸۵	ارفع الدوله (میرزارضاخان)
۱۸۱	اشرف		ارویا - فرنگستان
۳۴۱، ۲۱۱ - ۲۱۰، ۱۴۰	اطریشی	۳۵۹	ارویای شرقی
۵۲	اعضاد السلطنه (علی قلی میرزا)	۳۱۵، ۱۸۷، ۱۷۷، ۱۶۴	ارومی، ارومیه
		۳۵۰	
۱۸۳، ۱۷۲، ۱۴۳			
۲۰۷	اعتصام‌الملک (میرزا خانلرخان)	۳۲۱	اسیوف، آواتین
۱۱۶ - ۱۱۲	اغورجلی (طایفه)	۳۹	استادباقر
۲۱۰، ۱۸۱	افشار، ایرج	۱۰۳، ۴۰	استاورپول (شهر)
۳۱۲، ۲۴۷، ۵۲	افغانستان، افغان	۲۶۵ - ۲۶۴	استپان قراجه داعی
۱۷۱	اقبال‌الملک	۱۰۵، ۸۷، ۸۲، ۴۷، ۴۳ - ۴۲	استرآباد
۱۸۴	اکاترین بورغ	۱۹۸، ۱۱۸ - ۱۱۷، ۱۱۲ - ۱۱۰، ۱۰۸	
۳۰۵	اکبر تبریزی	۳۴۹، ۳۰۷، ۲۸۱، ۲۷۲ - ۲۷۰، ۲۱۳، ۲۰۰	
۱۲۵	اکریویچ	۳۲۰	استقلال ایران (روزنامه)
	الکساندر دوم (امپراطور روسیه)	۵۵	استیونس
۸۰، ۷۱، ۶۵، ۶۳ - ۶۰، ۴۹ - ۴۸، ۴۱، ۳۸		۳۵۲، ۳۴۸، ۳۴۵	اسدخان یمین خاقان
۹۰ - ۹۲، ۹۵، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۱۷، ۱۱۹ -		۳۲	اسکندرخان سرتیب
۱۵۰، ۱۴۰ - ۱۳۸، ۱۳۰، ۱۱۷ - ۱۲۶، ۱۲۱		۵۵، ۵۱ - ۵۰، ۴۷	اسلامبول، استانبول
۱۷۶، ۱۵۸ - ۱۵۶، ۱۵۴ - ۱۵۳، ۱۵۱ -		۱۵۴ - ۱۵۲، ۱۳۸، ۱۲۹ - ۱۲۸، ۹۷، ۵۷	
۲۱۱، ۲۰۹، ۱۹۱، ۱۸۸، ۱۸۴ - ۱۸۲، ۱۸۰		۲۶۳، ۱۸۸ - ۱۸۷، ۱۷۷، ۱۵۵	
۲۴۱، ۲۳۷، ۲۳۱، ۲۲۸، ۲۲۵، ۲۱۹ - ۲۱۸		۳۲۲	اسماعیل
		۳۶۴	اسماعیل (امیرلشکر)
۲۷۷، ۲۶۷، ۲۶۱، ۲۶۰، ۲۵۸، ۲۵۲			

۲۳۸، ۲۰۲	اللهیارخان	۱۹۲، ۲۰۶، ۲۴۷، ۲۵۶، ۲۶۵ - ۲۶۶، ۲۸۷	
۲۳۸، ۴۰	امان‌الله‌خان	۳۲۹، ۳۵۵ - ۳۵۷، ۳۶۱، ۳۷۳	
۲۴	امیراصلان خان	۱۶۴، ۲۵۱	اواجق
۲۴۲	امیرخان	۱۵۰	اوریلیانوف، پرنس
۲۹۷	امیرخان سردار معظم	۱۵۳	اوریلیانی، کنیاز
۱۸۰ - ۱۷۹، ۱۵۳، ۱۲۵ - ۱۲۴	امیر نظام	۱۸۷	اولیان (قریه)
۳۶۱، ۲۶۵، ۲۴۲		۱۸۴	اوویمک، ورخ‌نی
۳۳۳	امیریدونف	۳۳۸	اهر
۳۱۶	امین الدوله (حاج میرزا محسن خان)	۳۷۴، ۲۹	ایتالیا، ایتالی
۲۵۸، ۲۵۳	امین السلطان (اتابک اعظم)		ایران، ایرانیان: بیشتر صفحات
۲۶۱ - ۲۶۲، ۲۷۵، ۳۱۱ - ۳۱۲		۱۷۶، ۱۲۶، ۶۷	ایروان
۳۳۲ -	امین‌الضرب (حاج محمدحسن)	۲۰۸	ایستراسیاسکی، جنرال لیوتنانت
۳۴۰، ۳۳۶		۵۵، ۵۳، ۳۲، ۲۷	اینچکوف، موسی
۵۶، ۵۱ - ۵۰، ۴۶	امین‌الملک (فرخ‌خان)	۲۶۵، ۸۲	
	امین‌الملک، امین‌الدوله (حاج میرزا علی		ایوانفکسی صاحب (قونسول روسیه در
۳۱۶، ۲۶۲، ۱۹۷	خان)	۲۶ - ۲۵	رشت)
۸۹	انتشارات زوار	۱۸۲، ۱۸۰	ایوانیچ، واصل
۳۴۲	انتظام‌الملک		
۳۱۱	انجمن جغرافیایی پترزبورغ		
۹۱، ۲۷ - ۲۶، ۲۴	انزلی (بندر، مرداب)		
۳۴۹، ۲۵۶، ۲۵۰، ۲۴۸، ۱۵۴، ۹۳			بایان، بایی‌گری
	انصاری - میرزا سعیدخان انصاری	۲۶۳	باتوم
	انگلیس، انگلستان، انگلیسی، بریتانیا	۳۱۲	باخزر
۱۳۶، ۷۰، ۶۲، ۵۹ - ۵۴، ۵۲ - ۵۱، ۴۷ - ۴۶			بادکوبه ۹۱، ۹۸، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۵۳ - ۳۳۴
۱۸۹، ۱۷۸، ۱۷۴ - ۱۷۳، ۱۴۵، ۱۳۷ -		۳۶۳، ۳۵۶، ۳۴۸، ۳۳۶	

۳۵۲، ۳۴۸	براوین	بارانفسکی (مترجم سفارت روسیه)
۱۲۳	برزند (قریه)	۳۱۸
۳۶۶، ۲۶۶	برلن	بارانفسکی، کنیاز (جانشین قفقاز) ۴۶
۱۵۲	بزابازوف (جنرال قونسول تبریز)	۲۹-۲۸
۳۱۲، ۱۵۵	بغداد	بارتلمی صاحب، پولکونیک (شارژدفر روسیه)
۳۷۴	بلژیک	۱۱۲، ۱۰۴، ۸۵
۲۷۴	بلیگارد (کاپیتان)	۱۰۶
۲۸۱، ۱۳۸، ۱۱۱	بندر جز	۳۴۲
۳۱۲	بندرعباس	بارونوفسکی (رئیس دیپارتمنت اصلی)
	بوتسف، طامینی سونیک (وزیر مختار)	۱۳۶
۲۶۲-۲۶۱	روسیه)	۳۵
۲۶۶	بوداپست	۶۷
۵۸، ۵۲ - ۵۰، ۴۶	بوشهر، ابوشهر	۳۷۲
۳۶۸، ۱۹۲-۱۹۱		۲۸۵، ۲۶۳، ۲۰۷، ۸۹، ۳۸
۲۲۹	بهبو خان قلعه	۳۴۶، ۳۱۶، ۳۰۷
۲۰۲	بهبودخان (حاکم کلات)	۳۳۷
۷۵	بهدوف (کنیاز)	بانک استقراضی رهنی ایران ۲۷۵ -
۷۶-۷۵	بهن میرزا	۳۴۹، ۳۲۹، ۳۲۷-۳۲۶، ۳۱۱-۳۰۸، ۲۷۸
۳۴۲	بیجار	بانک شاهنشاهی ۳۰۲
۲۴۲	بیرام	بحر خزر، دریای خزر ۲۸، ۲۶، ۱۷ -
۲۵۶	بیرمنگام	۱۱۸، ۹۱، ۸۲، ۵۸ - ۵۷، ۵۵، ۵۲، ۲۹
- ۱۷۰، ۱۶۷	بیکر (وزیر مختار روسیه)	۳۵۱، ۳۴۹، ۳۱۰، ۲۷۰، ۲۵۷، ۲۵۰، ۲۴۸
	۱۷۱	بخارا ۳۵۱
	بیگلروف صاحب، پول شاه میروویچ	بختیاری (سواره) ۵۲
۲۰۱-۱۹۶، ۱۲۸، ۷۸	ملک	بزازجان ۵۲

۲۵۱-۲۵۰	پیربازار (رودخانه)	پ
۳۴۶	پیرنیا، حسن (مشیرالدوله)	۲۱۸
۳۶۰	پیله سوار	۳۲۹، ۳۲۶
	ت-ت	۳۱۶
۸۰	تاج الدوله	۱۴۲، ۹۵، ۵۹-۵۵، ۵۱-۵۰، ۴۷
۳۰۰	تارسکی، گیرنخ زن	۳۵۲، ۲۶۶، ۱۸۴، ۱۵۲
۲۲۹	تاکند (رود)	۱۰۰
- ۷۷، ۷۵، ۷۳، ۷۰ - ۶۹، ۶۶، ۴۷	تبریز	۳۰۱
۱۲۵، ۱۲۲، ۱۰۳، ۱۰۱، ۹۸، ۸۲، ۷۸		۱۳۶
۲۲۳، ۱۶۱، ۱۵۵-۱۵۴، ۱۵۲، ۱۳۵، ۱۲۹		۲۸۷
۳۵۰، ۳۲۳، ۳۱۴، ۳۰۸، ۲۶۵، ۲۶۳، ۲۵۱		۲۸۵
۳۶۷-۳۶۶، ۳۶۴		۲۰۸
۳۳۶، ۳۳۴-۳۳۲	تجارخانه آرزومانیانس	۶۰، ۳۸، ۳۶، ۲۴-۲۲
- ۲۸۱	تجارخانه کوسیس و توفیلاکتس	۱۰۲، ۹۸، ۹۵-۹۴، ۹۰-۸۹، ۷۳، ۷۱، ۶۳
۲۸۳		۱۷۷، ۱۷۴، ۱۳۷، ۱۲۷ - ۱۲۶، ۱۰۳ -
۲۳۲	ترازدره	- ۲۸۵، ۲۶۳، ۲۵۶، ۱۹۰، ۱۸۸ - ۱۸۷
۱۱۴، ۱۱۲-۱۰۴، ۳۱-۲۹، ۲۰-۱۹، ۱۷	تراکمه، ترکمانان، ترکمان‌ها، ترکمانی	- ۳۲۳، ۳۱۱، ۳۰۱ - ۳۰۰، ۲۸۸، ۲۸۶
۲۳۵، ۲۰۴-۲۰۳، ۱۱۶		۳۴۲، ۳۲۴
۳۱۲	تربت حیدریه	۲۶۴ (جنرال قونسول روسیه)
۳۵۱	ترکستان	۱۰۵
۱۰۳	تمرخان شوره (محل)	۱۷۶، ۹۷
۳۵۲، ۳۴۹، ۳۴۵	تروتسکی	پولکونیک، کوزمین قراویف ۲۱۸-۲۱۹
۳۶۰	تزارسم	۲۷۴، ۲۲۳
۵۳، ۵۰ - ۴۹، ۴۶، ۴۲، ۴۰ - ۳۶	تغلیس	پولکونیک نغولاقورتین قازاواسیف، غزالتی، شتاب ۲۳۱، ۲۲۸

۶۲، ۶۴، ۶۶ - ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۷۳، ۷۵، ۷۷	جعفرقلی خان (میربنج قراجه داغی)	۸۶
۷۹، ۸۲ - ۸۶، ۹۴، ۹۶ - ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۳	جعفرقلی خان	۱۴۷ - ۱۴۸
۱۲۶ - ۱۲۸، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۵ - ۱۳۸، ۱۳۸، ۱۵۰	جعفرقلی خان (سردار بهادر)	۳۳۸ - ۳۳۹
۱۵۲، ۱۵۶، ۱۷۶، ۲۶۵، ۲۸۵ - ۳۳۳ - ۳۳۵	جلفا	۱۶۱، ۱۶۳، ۱۸۴ - ۱۸۵، ۱۹۱ - ۱۹۲
۳۶۲	۲۵۱، ۲۶۷، ۲۶۸، ۳۵۰	
تنکابن	جمعیت اتفاق و ترقی	۳۲۰
توکومسک	جهانگیرخان (آجودان باشی)	۱۷۱
تولستوی (معاون وزارت امور خارجه روسیه)	جیران خانم (فروغ السلطنه)	۸۰
۳۷، ۶۳	چالدران	۱۶۳ - ۱۶۴
تهران، دارالخلافه	چالوس	۲۴، ۲۸، ۳۸، ۴۶ - ۴۸
۵۰ - ۵۲، ۵۲ - ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۷۲	چرکس	۲۰، ۱۰۳
۷۷، ۸۲، ۸۵، ۸۹، ۹۵، ۱۰۰ - ۱۰۱، ۱۱۹	چرنیوف صاحب (جنرال قونسول روسیه)	۶۹ - ۷۰، ۱۰۱
۱۳۴، ۱۳۹، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۶۸، ۱۸۴ -	چشمه میرزا حسام	۱۶۴
۱۸۵، ۱۹۱، ۱۹۶، ۱۹۸ - ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۰۸	چکشلر	۲۶۷ - ۲۶۸، ۲۷۰ - ۲۷۱
۲۱۳ - ۲۱۴، ۲۱۹، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۵۱، ۲۵۲ -	چهریق	۱۶۴
۲۵۴ - ۲۵۶، ۲۶۲، ۲۶۵، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۹	چهل گذر	۲۲۸
۳۰۸، ۳۱۲، ۳۲۰، ۳۲۴ - ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۳۱، ۳۳۶ -	چیچرین	۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۹، ۳۵۲
۳۳۸ - ۳۴۰، ۳۴۵، ۳۴۷ - ۳۴۹، ۳۵۴	چین	۸۵
۳۵۷، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۷		
نقعه الملک		۲۶۳ - ۲۶۴
	ح - خ	
جده	حاجب الدوله	۳۲، ۱۶۸
جعفریای یموت (ایل)	حاج محمد حسن ← امین الضرب	۸۵
	حاج میرزا آقاسی	۲۶۵

۱۲۹	حاج میرزا احمد اصفهانی (باتومی)	۲۶۳
۱۰۳، ۷۸	حاجی میرزا محمدخان	
۳۰۴	حاجی میرزا محمودخان بیگلربیگی	۳۴۶
۱۶۷	حاجی میرزا وکیل الرعایا	۱۲۸
۱۸۲	حاجی میرزا یوسف	۲۷۸
۳۲۲، ۳۱۹	حبل المتین (روزنامه)	۱۸۲
۹۷	حسام الدوله	۴۳، ۹۵، ۹۸، ۱۵۳، ۲۱۳
۵۲	حسام السلطنه	۱۲۶ - ۱۲۷
۱۶۱	حسن بیگ دیزماری	۱۵۹
۲۵۴	حسن خانلو	۱۳۷
۱۶۲ - ۱۶۱	حسین خان سرحددار	۱۷۱
۲۳۶، ۲۳۴	حصار (قریه)	۲۰۲
۸۰	حضرت عبدالعظیم	۱۳۶
۲۷	حمزه میرزا	۲۹۸ - ۲۹۹
۳۴۶	حمیدخان (نایب سفارت)	۳۰۵
۱۴۰	خاطرات و خطرات (کتاب)	۳۰۵
۳۷۲، ۱۶۴	خدا آفرین	۷۷ - ۷۸
۲۳۳	خرابه قاسم (محل)	۱۶۴
۲۰۵ - ۲۰۲، ۱۷۷، ۱۵۵، ۵۲	خراسان	۴۴
۲۲۸، ۲۳۹ - ۲۴۱، ۲۴۵، ۳۰۴، ۳۱۲ -	حاجی مهدی تاجریاشی	۱۳۰
۳۱۳، ۳۲۵، ۳۴۴	حاجی میرزا احمدخان	۱۲۷ - ۱۲۸
۱۸۷	خوره مار	۷۳
۳۳۸	خلخال	۱۶۷
۳۷۲	خمارلو (قریه)	۲۶۳
۶۴	خمسه	۱۲۵
	حاجی میرزا صادق خان سرتیپ	

۶۹	دوشان تپه	۲۲۷	خواجه کالوس
۱۶۴ - ۱۶۵	دول دره (محل)	۲۳۲	خوی
۳۵۱	دیپ کند (قریه)	۱۶۱	خیوه
د	دیزمار (قریه)	۱۶۱	
۱۴۰			دارالفنون
۱۰۳، ۳۵۳			داغستان، داغستانی ها
		ر - ز - ژ	دالغورکی، دولغاروکی (وزیر مختار روسیه)
۱۹، ۵۵، ۲۴۸، ۲۵۲	راشد پاشا ← عبدالعظیم راشد پاشا		
۸۲	رشت	۱۸۲، ۹۵، ۹۱، ۲۶، ۲۴	دامغان
۶۵ - ۶۶، ۷۱	رضاخان پهلوی، والا حضرت ۳۷۳ - ۳۷۵		داودخان سرتیب
۴۹	رضافلی خان	۳۵	داودوف (مایور)
۹۳	رضوانی، محمد اسماعیل	۲۵۶	دبیرالملک
۲۳۱ - ۲۳۴، ۳۵۳	رکن الدوله	۳۰۶، ۳۰۴، ۲۰۵، ۸۶، ۶۹	دریند
۲۲۸، ۲۰۴ - ۲۰۲، ۱۱۷، ۱۰۶	روتشتاین	۳۵۸	درجز، جز
۲۳۱، ۲۳۵	رودبار	۲۸۳، ۲۳۴ - ۲۳۳، ۲۳۱	
۱۷۰	رودمیسیر غراف نرد، اشتاپ	۲۱۸	دروازه ارک
۱۷۰	روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان (کتاب)	۱۵۰	دروازه دولت
۲۳۰	روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان (کتاب)	۲۵۶	دره آب رو
۱۶۱	روسیه، روس، روسی، اروسیه، شوروی، اتحادیه جماهیر شوروی: بیشتر صفحات		دره شام (قریه)
۳۰۱	زال (قریه)	۱۵۴	دریای عمان
	زاکاتال (قریه)	۱۰۱	دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه
۳۵۳	زنبلان (کوه)	۳۷۲	دماوند
			دمیزان (جنرال)
			دنیکیین

۱۴۰، ۳۳ - ۳۲	زرگنده		سرکیس، خواجه ← آقایوف
۱۳۵	زنجان		سعدالدوله
۲۳۳ - ۲۳۱	زنکانلوی (قریه)		سفیدرود
۱۶۵	زغونستان		سلطان اصلانوف
۲۳۰ - ۲۲۹	زو (قریه)		سلطان محمود میرزا
۳۱۲	زورآباد		سلطنت آباد
۱۷۷، ۱۵۶	زیناویف (شازوژدفروسیه)		سلیمان خان صاحب اختیار
۲۰۹، ۲۰۱، ۱۹۳			۲۲۴ - ۲۲۳
۲۸۶	زایا (منشی مهم خارجه قفقاز)		۲۸۵، ۲۳۶، ۲۳۱ - ۲۳۰، ۲۲۸
		س - ش	
۲۸۶	سمنان		۸۲
	سنائی (شاعر)		۵۷
	سوئد		۳۵۲، ۳۴۵
	سودار		۳۳۳
۳۴۴	سوزاروف، غراف ریمتق		۴۹
۲۵۶، ۱۵۰	سازمان اسناد ملی ایران		۱۵۸، ۱۱۹، ۱۰۷، ۶۲
۲۵۳ - ۲۵۲، ۱۰۱	ساطورخان سرهنگ		۳۰
۳۰۷، ۲۷۱	ساعداالدوله (حبیب الله خان)		۹۳
۹۸، ۱۰۰، ۱۲۷، ۱۲۹، ۲۴۴ - ۲۴۳	ساعداالملک (میرزا عبدالرحیم خان)		۱۸۴، ۳۹
۳۳۴	سانشیف		۳۱۳ - ۳۱۲، ۲۰۵
۳۴۱	سبزواری		۹۷، ۸۰
۲۱۵، ۲۰۰، ۱۹۸	سرتک		سیف الدوله
۱۸۵ - ۱۸۶، ۲۲۷، ۲۲۷، ۲۶۰	سرخس		سیف الملک (عباس قلی خان سرتیب)
۲۶۷ - ۲۶۹، ۳۳۸، ۳۴۳			۱۷۱، ۳۸، ۳۲
۱۶۴	سردشت		۳۷
۲۲۹	سررود قلعه		۱۰۱
			شالیکوف (جنرال)
			شامکاملسکی (رئیس بانک استقراضی)
			۲۷۸، ۲۷۶

شام موسی خان (قریه)	۱۶۲، ۱۵۹	شیخ عبیدالله	۱۷۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۷ -
شانسیه	۱۲۰		۱۸۸
شاه بولاغی	۱۶۵	شیشکین	۲۸۶
شاه حسین	۱۵۹	ص - ط	
شاهرود	۳۶۵	صاحب اختیار	۳۲۹
شاهسون	۲۰۷، ۱۲۲، ۶۸ - ۲۴۲، ۲۰۸	صادق بیک	۷۰
۲۲۳		صحرای هلاکو خان (محل)	۱۶۵
شاه عباس	۱۶۱	صدیق الملک نوری (میرزا محمد رئیس،	
شجاع الدوله	۱۷۲	ایلچی ایران در پترزبورغ)	۸۹ - ۹۰،
شجاع الملک	۱۰۱، ۵۲		۹۵، ۱۰۲، ۱۸۲، ۲۱۷، ۲۳۵
شرح حال رجال ایران (کتاب)	۸۹، ۳۸	صنیع الدوله (محمد حسن خان)	۱۶۹،
شرق (روزنامه)	۳۲۲، ۳۲۰ - ۳۱۹		۲۲۷
شورور (قریه)	۳۵۱	صوراسرافیل (روزنامه)	۳۱۶
شلنگان	۲۳۴	صوفیان	۳۵۰
شمس الدوله	۸۰	طباطبایی، سید ضیاء الدین	۳۶۲، ۳۵۹
شمسی خان (قریه)	۲۳۴ - ۲۳۲	طرشت	۱۶۸ - ۱۶۷، ۳۴
شمیران	۲۶۲، ۴۱	طریغی (قریه)	۲۳۰
شنه اور (کلنل)	۲۷۳	طوالش	۲۳۷
شورسو (رودخانه)	۲۳۰ - ۲۲۹		
شولم بورگ، کنت فن (وزیر مختار آلمان)		ع	
۳۷۴		عاشوراده	۱۷، ۲۳، ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۱۱
شومیاتسکی (نماینده دولت شوروی)			۱۱۴ - ۱۱۵، ۱۸۰
۳۷۰		عالم شاه میرزای سرتیب	۲۲۴
شهرستانک	۸۲	عباس آباد	۱۶۵، ۳۲
شیخ احمد	۱۵۴ - ۱۵۵	عباس قلی خان	۱۰۱، ۹۳

عباس قلی میرزا	۷۷	علی بیک یوزباشی	۱۰۵
عباس میرزا (نایب السلطنه)	۳۲۷ - ۳۲۸	علی خان سرهنگ	۱۶۷
عباس میرزا - ملک آرا، عباس میرزا		علی شاه (ظل السلطان)	۹۷
عباس میرزا ملک آرا	۸۷	علی قلی خان سرتیب	۱۹۱
عبدالحسین خان سرهنگ	۳۲	علی قلی خان انصاری - مشاور الممالک	
عبدالمعظم	۱۰۶	علی قلی میرزا - اعتضاد السلطنه	
عبدالمعظم راشد پاشا (وزیر مختار مصر)		علی مردان خان	۲۱۱
۳۷۴		علی نقی خان سرتیب	۸۲
عبدالمعلی خان (ادیب الملک)	۳۳	عماد الدوله	۱۳۴، ۱۷۲
عبد الغفار خان	۳۲	عون السلطنه (مصطفی خان)	۳۲۹، ۳۲۶
عبد القادر (پسر شیخ عبیدالله)	۱۸۷	عهدنامه ایران و روسیه، عهدنامه مودت	
عبدالله	۱۵۹		۳۶۵، ۳۷۰، ۳۷۹
عبد الوهاب	۹۸	عهدنامه برلن	۲۱۲
عثمانی	۱۷۶، ۱۳۹، ۱۷۹، ۱۸۷ - ۱۸۸	عهدنامه پاریس	۱۸۳، ۵۶
۱۹۱ - ۱۹۲، ۲۱۲، ۳۱۱		عهدنامه ترکمان جای	۳۴۸، ۳۳۵، ۲۵۷
عرب دیلمقان (قریه)	۱۶۴	علیانلو (طایفه)	۳۷۲
عرب صاحب (کارمند سفارت روسیه)		عیسی بیک	۱۸۷
۲۲۵			
عزالدوله	۱۷۲	غ	
عزت الدوله	۲۴۶	غراف صاحب	۱۰۱، ۹۹
عظیم بیک	۳۹	غفاریک	۱۳۷
علاء الدوله	۱۷۲، ۱۳۵	غلام حسین احمد آبادی	۱۵۹
علاء السلطنه (میرزا محمد علی خان،			
وزیر امور خارجه)	۳۱۲	ف - ق	
علی اکبر خان بیگلربیگی	۲۳۷	فارس	۵۲ - ۵۱، ۳۸

۲۵۶، ۱۵۰	قاضی ها، فاطمه	۱۰۱	فتحعلی خان باغمشه
	قامازوف صاحب (وزیر مختار روسیه)	۱۸۲	فراهه (وزیر بحر روسیه)
۹۲، ۹۱، ۴۴		۱۷۳، ۵۹، ۵۷، ۵۴	فرانسه، فرانسوی ۵۴، ۵۷، ۵۹، ۱۷۳
۳۱۲	قرات (محل)	۲۶۶، ۲۰۹، ۱۹۳	
۲۳۰ - ۲۲۸	قراتیکان سو	۱۹۴ - ۱۹۳	فرت، کنت منت
۳۷۲، ۱۶۴	قراجه داغ	۱۲۲	فرج الله خان ایل بیگی
۲۶۶	قرارداد ۱۸۹۰ پاریس	۱۸۱، ۱۵۱ - ۱۵۰، ۱۳۰	فرح آباد
۲۶۶	قرارداد ۱۸۸۵ برلن	۵۷، ۴۶	فرننگستان، فرننگ، فرنکی
۱۱۴	قراقچی اترکی (ایل)	۲۸۱، ۲۶۹، ۲۵۶، ۱۸۴، ۱۶۰، ۱۴۵، ۱۳۶	
۲۶۶	قرارنامه بوداپست	۳۰۷، ۳۰۰	
۱۹۱	قرارنامه سیمنس	۵۲	فضل علی خان امیرتومان
۲۶۶	قرارنامه مرادوات تلگرافی	۳۲۱	فقیریانس، هارطون
۱۰۱ - ۱۰۰، ۹۷	قراندوک	۲۴۲، ۱۲۳	فولادلو (ایل)
۱۶۴ - ۱۶۳	قره آقاج	۱۲۹	قآنی (شاعر)
۲۳۵	قرل باش	۸۱	قائم مقامی، جهانگیر
۱۶۵	قرلجه	۳۷۲	قاجار، محمد
۳۲۴ - ۳۲۳، ۳۰۸، ۲۰۱، ۶۴	قزوین	۳۷۳	قاجاریه
۱۸۲	قسطنطین		قارچاقوف (کرچکوف)، کنیاز، وزیر امور
۳۲	قصر قاجار	۹۰، ۶۳، ۳۷	خارجه
۳۱۱	قصر گلستان	۲۶۴	قارص (محل)
۲۱۴ - ۲۱۱	قطور	۱۶۴ - ۱۶۳	قازلی کوی
۵۱ - ۴۶، ۴۳، ۴۰، ۳۶، ۳۴، ۳۲	قفقاز، قفقازیه	۱۴۲، ۱۴۰، ۳۹	قاسم خان
۱۲۷، ۱۰۰ - ۹۹، ۹۷، ۹۴، ۷۲، ۷۰، ۶۵			قاسم خان امیرنظام (محمد قاسم میرزا، ولیعهد)
۲۸۵، ۲۶۵ - ۲۶۴، ۲۰۷، ۱۸۴، ۱۳۹، ۱۳۶		۸۱، ۸۰	
۳۵۱، ۳۴۴، ۳۳۶، ۳۱۹، ۲۸۷		۷۸	قاسم خان ایل بیگی

۱۲۹	قلعه بیگی	۱۶۱، ۲۱۰، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۳۷، ۲۷۲ -
۲۲۸	قله قاط سفید	۲۷۹، ۲۷۳
۱۰۱	قلی خان تبریزی	۱۸۷
۵۲	قندهارستان	کاوانفسکی (جنرال) ۶۳
	قسوالم الدوله (میرزا عباس خان تفرشی، وزیر امور خارجه)	کچور ۲۸۱
۲۷۷، ۲۵۶، ۱۶۹	قوچان	کربلایی علی ۱۰۶
۲۴۸	قوجه بیگلو (ایل)	کربلایی قلی ۱۰۶
۱۲۳	قوزغان (قریه)	کرچکوف ← قارچاقوف
۲۳۵ - ۲۳۳، ۲۳۱	قوتلوق استرآباد (خلیج استرآباد)	کردستان ۳۱۱
۱۹۸، ۱۶۲، ۱۱۵	کرمان	کرمانشاهان ۱۳۴ - ۱۳۳
	کشمش اوف	۹۸
	ک - ک	کلات ۲۳۵، ۲۳۱، ۲۲۸، ۲۰۴ - ۲۰۲
۳۷۴	کارلوگالی (وزیر مختار ایتالیا)	کلکته ۳۲۲، ۳۱۹
۵۲	کازرون	کلهر (ایل) ۱۳۳
	کاسا گوفسکی (کلنل، فرمانده بریگارد سواره قزاق)	کوچه کانلوقله ۲۳۲
۲۹۷، ۲۸۰	کاشان	کوران (ایل) ۱۳۴ - ۱۳۳
۷۳	کاشان نام	کوشت (قریه) ۳۱۲
	کامپنیست (کنت، رئیس اداره شرقیه وزارت خارجه)	کومپلیمان ۱۰۳
۲۸۷ - ۲۸۶	کالاکوف	کولیه، موریس (وزیر مختار بلژیک) ۳۷۴
۷۰	کالوس، خواجه	کیومرث میرزا (ابوالملوک ایلخانی) ۵۲
۱۸۲ - ۱۸۱	کاله (محل)	گرانویل، لرد ۱۹۲، ۱۹۰، ۱۷۵، ۱۷۳
۲۸۳	کالیجرود	گرچی ۲۶۵
	کامران میرزا (نایب السلطنه، امیرکبیر)	گرگر (محل) ۱۶۲ - ۱۶۱

۳۶۷	مراغه	۳۲۰	مجلس (روزنامه)
۲۰۴ - ۲۰۳	مرو، مروی	۳۷۰، ۳۱۵	مجلس شورای ملی ایران
	مششارالدوله ← میرزایوسف	۲۴۲	مجیدبیک
۵۸	مسقط	۳۰۵	محلہ سراب
- ۳۲۶، ۹۸، ۹۵، ۴۸، ۴۱، ۲۴، ۲۲	مسکو	۲۰۳	محمدآباد
۳۶۶، ۳۶۲ - ۳۵۹، ۳۵۶، ۳۵۲ - ۳۵۱، ۳۴۸		۱۷۱	محمدآمین خان
	مشاورالسلطنه (وزیر امور خارجه)	۱۵۵	محمدحسن خان
	۳۶۲، ۳۵۲، ۳۱۳	۲۰۱، ۱۹۹	محمدحسین
	مشاورالممالک (علی قلی خان انصاری)	۱۷۱ - ۱۷۰	محمدخان
	۳۵۵، ۳۴۶، ۳۲۴	۱۵۹	محمدرضا
۹۸	مشرف، یحیی	۳۸	محمدزکی خان نوری
۳۴۹، ۳۴۳، ۳۱۲، ۳۰۴، ۲۴۷	مشهد	۱۷۴	محمدشاه (محمد میرزا ولیعهد)
۱۸۱، ۱۱۹ - ۱۱۷، ۹۳، ۹۱	مشهدسر	۲۴۶، ۱۹۰	
	۳۴۴، ۳۰۳، ۲۵۰، ۲۴۸		محمدصادق خان قاجار شامیانی
۱۰۶	مشهدی حسن علی، قراول	۲۸۵	(امین نظام)
۷۰	مشهدی علی قراباغی (کاظم)	۸۰	محمدعلی خان
	مشیرالدوله (یحیی خان، وزیر امور خارجه)	۱۰۱	محمدقلی خان
۳۰۶، ۳۰۳، ۲۴۶		۵۲	محمدولی خان قاجار
	مشیرالدوله ← میرزا حسین خان	۵۸، ۵۲ - ۵۱	مخمیره
۳۷۵ - ۳۷۴	مصر		محمودخان ← ناصرالملک
۳۰۵	مصطفی	۳۲	محمودخان کلاتر
۳۴	مصطفی قلی خان سرتیب	۲۳۶، ۲۳۴	مخدوم (قریه)
	مصطفی قلی خان میربنجه (اعتماد - السلطنه)	۱۵۲	مراکش
۱۲۵، ۱۲۲		۱۳۴	مرتضی بیک
۳۱ - ۳۰	مصطفی قلی میرزا	۸۵	مرتضی خان

		۳۷۳	گرگرت، لیوتنانت (رئیس تلگرافخانه)
۲۳۶، ۲۳۴	لطف آباد	۱۸۳	
۳۱ - ۳۰	لطف علی خان	۱۱۶ - ۱۱۴	گمش تپه
۱۹۰	لقوس (لرد)	۳۵۱، ۳۴۶، ۳۴۲	گنجه
۵۹ - ۵۸، ۴۷	لندن	۱۲۳	گوی (محل)
۹۱	لنگرود	۱۳۳، ۱۱۷	گیرس (وزیر مختار روسیه)
۸۲	لورا (شکارگاه)	۱۵۲ - ۱۵۱، ۱۷۶ - ۱۷۷، ۲۵۶	
۳۷۴	لهستان		گریگورویچ (مترجم سفارت روسیه)
۳۱۹	لیاخوف	۲۲۰، ۱۹۲	
۲۳۸ - ۲۳۷، ۲۲۱، ۲۱۵ - ۲۱۳	لیانازوف		گیرونویو (وزیر مختار روسیه) - ۳۰۰
۱۹۲	لیدرس	۳۰۲	
۱۰۳، ۸۶، ۷۵، ۵۵ - ۵۴، ۳۶	لیلی (جنرال)		گیلان - ۹۱، ۸۵، ۴۷، ۴۵ - ۴۴، ۲۷، ۲۴
۱۶۲	لیوارجان (محل)	۱۶۷، ۹۲ - ۱۸۱، ۱۶۷، ۱۸۲ - ۱۸۱، ۲۱۳، ۲۳۸، ۲۸۱	
		۳۱۷ - ۳۱۸، ۳۴۴، ۳۲۷ - ۳۲۶، ۳۴۸ - ۳۵۶	
		۳۶۱ - ۳۶۰، ۳۵۷	
	م		
۲۳	مارتین صاحب		
۱۴۲	مارکو		ل
	مارکینگ، سرچارلز (وزیر مختار بریتانیا)	۱۱۴	لارما (محل)
		۳۳۷	لاریجان
۹۲، ۸۷، ۳۱ - ۲۹، ۲۰ - ۱۷	مازندران	۳۳۳	لاشچنگر
۱۵۰، ۱۳۰، ۱۱۸ - ۱۱۷، ۱۱۴، ۱۱۲، ۱۰۸		۱۷۴	لافتن (ایلچی انگلیس)
		۲۸۱، ۲۱۳، ۱۸۱	لاغوفسکی صاحب، اسکندر (شارژدفر)
۱۶۴	ماکو	۸۱ - ۸۰، ۶۸، ۶۲	
۲۵۱	مبارک آباد	۳۶۸	لاکتی نوف (فونسول شوروی)
۱۹۶	مجدالدوله		لرن، سرپرسی (وزیر مختار انگلیس)



۳۱۱، ۳۰۷، ۲۹۷، ۸۱	۱۸	مظفرالدین شاه
۳۶۱	موسی یوسف	معاوض السلطنه
۹۷	موصل	معمدالدوله
۱۶۸	مؤیدالدوله	معمدالسلطان
۲۰۹	مهدعلیا	معمدالملک (یحیی خان)
۱۸۲	مهدی قلی میرزا	معیرالممالک
۸۰	مهدی یهودی	معین الدین میرزا
۲۳۰ - ۲۲۸	مهینه (رودخانه)	معین الملک (حاجی محسن خان، سفیر کبیر ایران در اسلامبول) ۱۷۷، ۱۷۹ -
۲۱۵	میان قلعه	۲۶۳، ۱۸۰
میخائیل باسارگین (رئیس پژوهشکده علوم و ارتباطات روسیه)	۱۰۶	مغان ۶۸، ۱۲۲، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۴۲
میدان توپخانه	۱۶۹	۲۸۸ - ۲۸۵، ۲۵۲
میدل صاحب	۱۱۲ - ۱۰۵	مفتاح السلطنه ۳۱۳
میرزا آقاخان نوری (اعتمادالدوله)	۲۴	مکازسکی ۹۹
- ۲۶، ۴۳ - ۲۰، ۳۸ - ۳۶، ۳۱ - ۲۷، ۲۵ -		مکتوف، یکور ۱۳۳
- ۷۵، ۷۲ - ۷۱، ۶۹، ۶۴ - ۶۳، ۵۶، ۵۳، ۴۷		ملک آرا، عباس میرزا ۸۸، ۸۷
۱۹۶، ۸۳ - ۸۲، ۷۹، ۷۷		ملکم خان ← میرزا ملکم خان
۱۱۶	میرزا ابراهیم	ملکه انگلستان ۱۹۰، ۱۷۵ - ۱۷۴
۱۰۷ - ۱۰۴	میرزا اسحاق	ملیکوف، غنارال مایورکنیاز ۴۹ - ۵۰، ۶۵، ۲۰۷، ۲۱۸ - ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۴۰
میرزا اسدالله خان (وزیر مختار پترزبورغ)	۱۷۷ - ۱۷۶، ۱۰۳	ممشکانوف ۳۳۴
میرزا اسماعیل (ضابط شیلات)	۴۰	منوچهرخان (معمدالدوله) ۱۳۳
میرزا اسماعیل	۱۱۸	مؤمن السلطان ۸۶
میرزا اسماعیل آقا	۳۳	مؤمن الملک ← میرزا سعیدخان انصاری
میرزا بزرگ	۱۵۲	موسی غراف (مترجم سفارت روسیه)

۲۲ - ۲۰، ۱۷	میرزاتقی خان امیرکبیر	۲۲ - ۲۰، ۱۷
۱۴۰، ۲۴		۲۱۸ - ۲۱۷
۳۳	میرزاتقی نوری	میرزا سیدحسین خان ۳۰۰
۷۷	میرزا جواد	میرزا شفیق ۳۵، ۳۳
۲۷۱، ۱۸۷، ۱۷۱، ۱۳۹	میرزا جوادخان (نایب وزارت خارجه)	میرزا شکرالله ۱۱۹ - ۱۱۷
۳۱۶	میرزا جهانگیرخان	میرزا عباس ۲۴، ۲۲ - ۲۱
۳۲۶	میرزا حسن خان نایب الوزاره	میرزا عباس خان مهندس ۱۵۸، ۱۶۱
۳۵	میرزا حسن مستوفی	۱۶۳
میرزا حسین خان (مشیرالدوله، سپهسالار) ۴۰ - ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۵۰، ۵۳، ۵۶، ۶۳، ۶۶، ۷۱ - ۷۲، ۷۷، ۸۳، ۱۲۸ -		میرزا عبدالرحیم ← ساعدالملک
۲۱۱، ۲۰۱ - ۱۹۷، ۱۹۵، ۱۹۳، ۱۷۳، ۱۲۹		میرزا عبدالله خان ۲۲۵
۲۷۰، ۲۲۶، ۲۳۷، ۲۲۱		میرزا عبدالوهاب خان ۱۰۲، ۹۶
میرزا حسین خان (نایب وزارت خارجه)		میرزا علی اکبر مترجم ۶۹
۱۶۹، ۱۶۷		میرزا علی خان (منشی وزارت خارجه) ۲۴۴
میرزا خانلرخان ← اعتصام الملک		میرزا علی خان ← امین الملک
میرزا داودخان ۱۴۰، ۱۳۳		میرزا قلی خان ۳۴
میرزا ربیع ۱۳۰		میرزا کاظم ۱۱۱، ۱۰۶
میرزا رحیم ۳۰۵، ۱۰۴، ۹۲ - ۹۱، ۸۶، ۳۸		میرزا کریم ۲۸۶
میرزا رضا تبریزی ۱۰۱		میرزا کلبعلی ۷۷
میرزا رضاخان (منیف السلطنه) ۲۹۸		میرزا کوچک خان ۳۴۴
میرزا زین العابدین ۳۳		میرزا مجید ۱۴۵
میرزا سعیدخان انصاری (مؤمن الملک)		میرزا محمد ۳۵
- ۹۱، ۸۶ - ۸۳، ۸۱ - ۸۰، ۷۴، ۶۷ - ۶۶، ۳۸		میرزا محمدعلی خان (وزیر امور خارجه) ۲۲ - ۲۱
		میرزا معصوم خان ۱۳۹، ۹۶

۲۱۲، ۱۳۵، ۵۴	میرزا ملکم خان	۲۱۱ - ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۶ - ۲۲۸، ۲۳۱
۱۰۱	میرزا موسی	۲۴۲ - ۲۴۴، ۲۴۹ - ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۶، ۲۵۸
۱۸۰، ۱۴۳ - ۱۴۲، ۱۱۲	میرزا مهدی خان	۲۶۳ - ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۷۰ - ۲۷۴، ۲۷۷
۱۱۹ - ۱۱۷	میرزا نصرالله	۲۷۹ - ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۹۷، ۳۰۰
۳۳	میرزا هادی	ناصرالملک (محمودخان) ۶۰ - ۶۱
۱۲۰، ۹۵، ۶۰	میرزا یعقوب خان	۲۴۰، ۱۵۵، ۹۱
۹۳	میرزا ینرال	ناصرالوزاره ۳۱۴
۹۴	میرزا یوسف خان (مستشارالدوله)	نایب السلطنه امیرکبیر - کامران میرزا
۱۳۵، ۱۳۱، ۱۲۸، ۱۲۶، ۹۹، ۹۸، ۹۵		نجف خان آقا ۱۶۵
۱۳۷، ۱۳۹، ۱۵۵، ۱۳۶		نخجوان ۳۵۱، ۱۶۳، ۶۷
۳۷۰	میلسپو	نریمان خان ۵۸
۱۵۳، ۱۳۰، ۳۴	مین کوتس	نسلرود، کنت (وزیر اعظم روسیه) ۲۲، ۲۴ - ۳۶، ۳۷، ۱۷۴، ۱۹۰
	ن	نصرالدوله ۳۴۲
	ناصر (شهر)	نصرالله خان ۲۲۶
	ناصرالدین شاه، اعلی حضرت، پادشاه، همایون	نصرالملک ۱۷۱
		نصرت الدوله ۱۷۲
		نصرت الله خان ۲۳۸
		نصیرالدوله ۱۶۹
		نظام الدوله ۱۹۶، ۱۶۷
		نعلبند یانس (نهندس راه آهن) ۳۶۶
		نوایی، عبدالحسین ۸۱
		نوجه (قریه) ۱۸۷، ۱۷۹
		نورالله بیگ خواجه بیگلو ۲۴۲
		نهری (محل) ۱۸۷

۳۴۱، ۱۵۴	نیشابور	هدایت، مهدی قلی ۱۲۰
	نیکلای اول، نیکلا پاولویچ (امپراطور روسیه) ۱۷ - ۲۰، ۲۲ - ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۱	هرات ۱۷۴، ۵۲ - ۵۱
	نیکلای دوم، نیکلا آلکساندروویچ (امپراطور روسیه) ۲۸۶، ۳۰۱، ۳۱۶ - ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۷، ۳۳۳ - ۳۳۵	هریرود ۲۶۹، ۲۶۷
	نیکلسن (شارژدفر انگلیس) ۲۴۷	همپل (شارژدافر لهستان) ۳۷۴
		هنجاق (قریه) ۳۶۷
		هندوستان ۱۸۴، ۴۶
	و	ی
	واریتانیان، الکساندر	یادگار (مجله) ۸۱
	والدین (شارژدافر شوروی)	یانچی (محل) ۱۶۲
	وانک (کلیسا)	یحیی خان (آجودان خاص) ۳۵
	وثوق الدوله	یغما (مجله) ۸۱
	ورانکیل (بارون)	یمین خاقان - اسدخان
	ورزقان	ینگه قلعه ۲۲۹
	ورشو	یورنرف (نماینده مختار شوروی) ۳۷۳
	ولوف، ناتورکارت	یورینف (نایب سفارت روسیه) ۳۳۷ - ۳۳۹
	ویته	یوزباشیوف، هارتون بیک ۱۰۱
		یوسف خان ارمنی ۶۹
	ه	یهودیان ۲۹۹
	هادی خان سرتیب ۸۲	

تبرستان  
[www.tabarestan.info](http://www.tabarestan.info)

# گزیده تصاویر اسناد







مجلس دولت فارس...  
در روز...  
...

سجده  
...  
...

...  
...

...  
...

...  
...



Handwritten signature or note at the bottom left of the page.

Handwritten text in the top left section, including a circular stamp.

Large vertical column of handwritten text in the center of the page.

Handwritten text in the bottom left section, including a circular stamp.

Small handwritten note or signature on the left margin.













Handwritten marginal notes in Persian script, written vertically on the right side of the page.

Handwritten text at the top left of the page, possibly a header or title.

۴۴

Main body of handwritten Persian text, arranged in vertical columns from right to left.



www.tabarestan.info

Handwritten text at the top left of the page, possibly a header or title.

Main body of handwritten Persian text, arranged in vertical columns from right to left.

۴۴





س ۱۱۶۰  
۱۴  
۸



Handwritten text in Persian script, likely a document or letter, with some lines underlined.

Handwritten text in Persian script, continuing the document or letter.

Handwritten text in Persian script, possibly a signature or a specific section of the document.

Handwritten text in Persian script, likely a date or a concluding note.



تبرستان  
www.tabarestan.info

Handwritten text in Persian script, likely a document or letter, with some lines underlined.

Handwritten text in Persian script, possibly a signature or a specific section of the document.







۳۶

۳۳۲

س ۲۰۲ اف  
 ک ۱۸  
 ل ۱۸

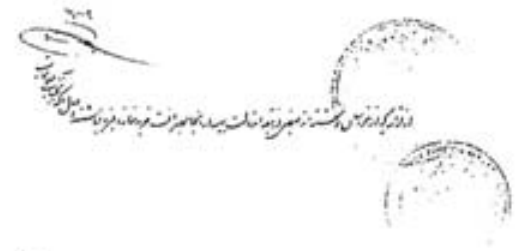
پادشاهت

استاد روابط ایران و روسیه  
 در روز چهارم آبان ۱۳۰۲  
 به شماره ۱۸  
 در تهران  
 در روز دوشنبه ۱۳۰۲  
 به شماره ۱۸  
 در تهران  
 در روز دوشنبه ۱۳۰۲  
 به شماره ۱۸  
 در تهران

از کتبت مستند فرستادت سینه کسره و کسره و کسره و کسره  
 و کسره و کسره و کسره و کسره



جمهوری اسلامی ایران  
 www.tabarestan.info



بسم الله الرحمن الرحيم  
 در روز دوشنبه ۱۳۰۲  
 به شماره ۱۸  
 در تهران

از کتبت مستند فرستادت سینه کسره و کسره و کسره و کسره  
 و کسره و کسره و کسره و کسره

از کتبت مستند فرستادت سینه کسره و کسره و کسره و کسره  
 و کسره و کسره و کسره و کسره

از کتبت مستند فرستادت سینه کسره و کسره و کسره و کسره  
 و کسره و کسره و کسره و کسره



بسم الله الرحمن الرحيم  
 در روز شنبه بیستم ماه ذی القعدة سنه ۱۲۸۳  
 در شهر تبریز  
 در روز شنبه بیستم ماه ذی القعدة سنه ۱۲۸۳  
 در شهر تبریز

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در روز شنبه بیستم ماه ذی القعدة سنه ۱۲۸۳  
 در شهر تبریز  
 در روز شنبه بیستم ماه ذی القعدة سنه ۱۲۸۳  
 در شهر تبریز

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در روز شنبه بیستم ماه ذی القعدة سنه ۱۲۸۳  
 در شهر تبریز  
 در روز شنبه بیستم ماه ذی القعدة سنه ۱۲۸۳  
 در شهر تبریز

۲۸۳

۱۴  
۲۲۹

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در روز شنبه بیستم ماه ذی القعدة سنه ۱۲۸۳  
 در شهر تبریز  
 در روز شنبه بیستم ماه ذی القعدة سنه ۱۲۸۳  
 در شهر تبریز

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در روز شنبه بیستم ماه ذی القعدة سنه ۱۲۸۳  
 در شهر تبریز  
 در روز شنبه بیستم ماه ذی القعدة سنه ۱۲۸۳  
 در شهر تبریز

۱۲۸۳  
 ۷۱۰  
 ۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در روز شنبه بیستم ماه ذی القعدة سنه ۱۲۸۳  
 در شهر تبریز  
 در روز شنبه بیستم ماه ذی القعدة سنه ۱۲۸۳  
 در شهر تبریز





۴۵



تعمیر و بازسازی مدارس  
سازمان آموزش عالی  
جمهوری اسلامی ایران

۳۷۹ شماره ادارهٔ تاسکراف دولت عالی ایران

تاریخ اصل طلب	تاریخ ارسال	عدد کپیات	نوع سند
۱۳۴۴	۱۳۴۴	۱۳۴	تعمیر مدارس

بسم الله الرحمن الرحیم  
 در خصوص تعمیر و بازسازی مدارس  
 در شهرستان تهران و شهرستانهای  
 همجوار آن که در فهرست زیر  
 درج شده است و در مورد  
 آنها اقدامات لازم را  
 به عمل آورده و در  
 این خصوص به شما  
 اطلاع میدهم.



۱۳۴۴  
۱۸  
۵



بسم الله الرحمن الرحیم  
 در خصوص تعمیر و بازسازی مدارس  
 در شهرستان تهران و شهرستانهای  
 همجوار آن که در فهرست زیر  
 درج شده است و در مورد  
 آنها اقدامات لازم را  
 به عمل آورده و در  
 این خصوص به شما  
 اطلاع میدهم.

۱۳۴۴  
۱۸  
۵



سفارت دولت امپراتوری روسیه  
مقیم دربار ایران  
مورخه غیاثی مورخ ۱۳۲۲  
شماره ۱۹۱

جناب سید میرزا محمد امین خان

دو نامه پیشگفته در روز دوشنبه ۱۳۲۲ مورخه ۱۳۲۲  
نوشته در باب آنکه مقرر شد در حال این دو نفر  
انقرضاتی که بر دولت گذارده شد بابت هر کدام  
اقدام فرمایند به دست آوردن و شکر فرمایند  
نیز در صورت آنکه بخواهند هر دو نفر در دولت  
بهر آنکه از راه غایب است به اول وقت  
نزدیک بود به دولت که از آنجا  
بخطروا بابت مدتهاست در وقت

سید محمد امین خان

۱۳۲۲  
۱  
۲۹



سفارت دولت قویستوک امپراتوری روسیه  
مقیم دربار ایران  
مورخه ۱۳۲۲  
شماره ۱۹۱

www.tabarestan.info

ایریت

دو نفر که به جمع غایت میرسد و نام آن کیدون و به نام کیدون  
بند اول نامه روسی در آنکه در این دو نفر است یک نفر است  
مخالف در دولت ایران که در این دو نفر است و در این دو نفر  
نیز است چرا که در این دو نفر است و در این دو نفر است  
مقرر است که در این دو نفر است و در این دو نفر است  
بند خود کرده و در این دو نفر است و در این دو نفر است

Tabarestan

۱۳۲۲  
۱  
۲۹





بسم الله الرحمن الرحيم  
 در بیان سیرت امام حسن مجتبی علیه السلام  
 در بیان سیرت امام حسین علیه السلام  
 در بیان سیرت امام زین العابدین علیه السلام  
 در بیان سیرت امام جعفر صادق علیه السلام  
 در بیان سیرت امام محمد باقر علیه السلام  
 در بیان سیرت امام رضا علیه السلام  
 در بیان سیرت امام تقی علیه السلام  
 در بیان سیرت امام محمد باقر علیه السلام  
 در بیان سیرت امام رضا علیه السلام  
 در بیان سیرت امام تقی علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در بیان سیرت امام حسن مجتبی علیه السلام  
 در بیان سیرت امام حسین علیه السلام  
 در بیان سیرت امام زین العابدین علیه السلام  
 در بیان سیرت امام جعفر صادق علیه السلام  
 در بیان سیرت امام محمد باقر علیه السلام  
 در بیان سیرت امام رضا علیه السلام  
 در بیان سیرت امام تقی علیه السلام  
 در بیان سیرت امام محمد باقر علیه السلام  
 در بیان سیرت امام رضا علیه السلام  
 در بیان سیرت امام تقی علیه السلام

کتابخانه  
 شماره ثبت  
 تاریخ ثبت

کتابخانه  
 شماره ثبت  
 تاریخ ثبت

۱۹۲

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
 جزای فونو لکری  
 المپیوسرت امیرالمطهر کلنک دویب  
 مرکز اسناد و کتابخانه ملی  
 شهر تهران  
 شماره ثبت ۱۳۴۱  
 تاریخ ثبت ۱۹۱۳  
 www.tabarestan.info

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در بیان سیرت امام حسن مجتبی علیه السلام  
 در بیان سیرت امام حسین علیه السلام  
 در بیان سیرت امام زین العابدین علیه السلام  
 در بیان سیرت امام جعفر صادق علیه السلام  
 در بیان سیرت امام محمد باقر علیه السلام  
 در بیان سیرت امام رضا علیه السلام  
 در بیان سیرت امام تقی علیه السلام

کتابخانه  
 شماره ثبت  
 تاریخ ثبت

کتابخانه  
 شماره ثبت  
 تاریخ ثبت

کتابخانه  
 شماره ثبت  
 تاریخ ثبت

کتابخانه  
 شماره ثبت  
 تاریخ ثبت







جدیدترین کتابهای منتشر شده  
مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

روانشناسی تحلیل اطلاعات  
ترجمه دکتر جواد علاقتند راد

افغانستان (روحانی، مارکس و مجاهد)

ترجمه قاسم ملکی

امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس (جغرافیای سیاسی دریایی)

ترجمه امیر مسعود اجتهادی

تاریخ روابط آمریکا و شوروی (از انقلاب روسیه تا فروپاشی کمونیسم)

ترجمه غلامرضا علی بابایی - محمد رفیعی مهرآبادی

اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران

محمد کر دزاده کرمانی

تبرستان  
www.tabarstan.info



مرکز چاپ و انتشارات وزارت امورخارجه  
بزودی منتشر خواهد کرد

از سری مباحث اسناد

تأثیرات متقابل تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان

مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی

• • •

تاجیکستان (تحولات سیاسی - اجتماعی در یکصد سال اخیر)

ویراسته صفا اخوان

• • •

اسناد روابط ایران و روسیه در دوران فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار

به کوشش فاطمه قاضیها

• • •

اخبارنامه (تاریخ خانان تالش در زمان جنگهای روسیه علیه ایران)

به کوشش علی عبدلی

• • •

اران (از دوران باستان تا آغاز عهد مغول)

نوشته دکتر عنایتا... رضا